اطلاعات

سه شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۴ - ۱۴ شعبان ۱۴۳۶ - ۲ ژوئن ۲۰۱۵ - سال هشتادونهم - شماره ۲۶۱۷۱ - ۱۶ صفحه به همراه ۱۶ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

قالیباف: روند افزایش جمعیت حاشیه تهران باید کنترل شود

* رشد جمعیت حاشیه تهران ۴/۷ درصد است
* در حوزه حفظ آمادگی هنگام وقوع بحران‌های طبیعی به‌خوبی عمل نکرده‌ایم و آسیب‌ها را به حداقل نرسانده‌ایم

صفحه ۴

وزارت تعاون مأمور حذف یارانه افراد پردرآمد شد

* سخنگوی دولت: شناسایی افراد پردرآمد جامعه دشوار است
* تجمع‌ها در اعتراض به روند مذاکرات هسته‌ای غیرقانونی است و بنابر دیدگاه امام راحل و رهبر معظم انقلاب خلاف شرع است

صفحه ۲

ورود هزاران نیروی مردمی عراق و لبنان به سوریه برای نبرد با داعش

* سردار سلیمانی: جهان بزودی از تغییر معادلات در سوریه شگفت‌زده می‌شود
* تصمیم نیروهای بسیج مردمی عراق همراستا با تصمیم صریح حزب‌الله لبنان برای همکاری با ارتش سوریه صورت گرفت
* ولید معلم: ما و عراق دشمن مشترک داریم و با برادرانمان در یک جبهه قرار داریم
* دهها سرکرده داعش در بزرگترین عملیات نیروی هوایی ارتش سوریه در شهر رقه به هلاکت رسیدند
* نیروهای اطلاعات و امنیت سوریه پس از سه روز عملیات اطلاعاتی زمینه حمله هوایی جنگنده‌های ارتش را فراهم کردند
* تروریست‌های داعش در ریف شمالی حلب با دیگر گروه‌های تروریستی از جمله «جبهه‌النصره» درگیر شدند
* داعش برای ایجاد وحشت، اقدام به سر بریدن شماری از عناصر مسلح عضو «ارتش آزاد»، «جیش‌الفتح» و «جبهه‌النصره» کرد
* در پی افشای ارسال محموله تسلیحاتی ترکیه برای تروریست‌های سوریه، کانون وکلای ترکیه اعلام کرد، علیه رئیس جمهوری این کشور اقامه دعوا می‌کند
* نخست‌وزیر ترکیه: به کسی ربطی ندارد چه چیزی به سوریه ارسال می‌کنیم
* رئیس جمهوری ترکیه، فاش‌کنندگان محموله تسلیحاتی این کشور برای تروریست‌های سوریه را جاسوس خواند
* ترکیه برای فرستادن تروریست‌ها به سوریه «تونل» حفر کرده است

صفحه ۱۶

حمید انصاری: همه مردم در انتظار ساخت حرم امام راحل بودند

صفحه ۲

یادگار گرامی امام: به فهم مردم اعتماد کنید

* سخن درست دل‌های مردم را جذب خود می‌کند
* این گونه نیست که کسی که بلندتر صحبت می‌کند مقبولیت بیشتری در جامعه داشته باشد
* وظیفه نظام از بین بردن فقر است

یادگار امام با تأکید بر اعتماد به فهم مردم گفت: این گونه نیست که کسی که بلندتر صحبت می‌کند مقبولیت بیشتری در جامعه داشته باشد یا کسی که بیشتر صحبت می‌کند با پذیرش بیشتری روبرو شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی جماران، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در دیدار اعضای شورای هماهنگی روابط عمومی‌های

بقیه در صفحه ۲

وزیر بهداشت: رئیس جمهوری اجازه دست‌اندازی به اعتبارات حوزه سلامت را نمی‌دهد

* در برخی کشورها به ازاء هر هزار نفر حداقل ۸ تخت و در ایران ۱/۷ تخت وجود دارد
* حداقل به ۸۰ هزار تخت بیمارستانی نیاز داریم که با امکانات موجود ساخت این مقدار تخت ۴۰ سال طول می‌کشد
* شاخص پرستاری در ایران ۱/۴، در بیمارستان‌های روانی ۰/۶ و در تهران و مراکز استان‌ها ۰/۴ است، درحالی که این شاخص در کشورهای منطقه ۱۴ است
* طرح تحول سلامت متعلق به کل نظام است، باید مراقبت کرد تا آسیب نبیند

صفحه ۲

«یادیار» ویژه نامه سالگرد رحلت امام خمینی (ره)
ضمیمه رایگان اطلاعات امروز

«طلوع موعود» ویژه نامه ولادت امام زمان (عج)
ضمیمه رایگان اطلاعات امروز

یادداشت

سیاست خارجی در دنیای پر تلاطم

پوست اندازی استراتژیک خاورمیانه: (۸) تحرک بازیگران منطقه‌ای

*** دکتر سید محمدکاظم سجادپور**

در چارچوب فهم تحولات منطقه خاورمیانه و در قالب مفهومی پوست‌اندازی استراتژیک در منطقه، در شماره‌های پیشین به چگونگی نگرش و روش قدت‌های فرامنطقه‌ای پرداخت شده و فراز و نشیب رفتارهای آنها و همچنین تعدد و تکثری که بین آنهاست. البته با تمرکز بر آمریکا، مورد بررسی قرار گرفت و اشاره شد که به‌خاطر کنش و واکنش‌های گوناگون مربوط به نظام بین‌المللی در رفتار قدرت‌های فرامنطقه‌ای، در خاورمیانه فضای کنشگری بازیگران منطقه‌ای، نسبت به گذشته بازتر شده است. از این بُعد برشناساسی نقش قدرت‌های و کنشگران منطقه‌ای در این دوران حساس تمرکز خواهد شد و تلاش می‌شود که این پرسش پاسخ داده شود که ماهیت کنشگری منطقه‌ای چگونه قابل تحلیل است؟

در پاسخ به پرسش فوق ابتدا باید دید کنشگران منطقه‌ای که نقش‌آفرین هستند کدامند؟ در یک دسته‌بندی عام، در خاورمیانه چهار قدرت منطقه‌ای عرب به‌طور پیوسته در تحولات منطقه نقش‌آفرین بوده‌اند. این قدرت‌های منطقه‌ای عبارت بودند از مصر، عربستان، سوریه و عراق. هر کدام از بازیگران، در چند دهه گذشته، نقش‌های عمده‌ای در منطقه ایفا کرده‌اند. اما تحولات حدود ۱۵سال گذشته، سه بازیگر از این چهار بازیگر را در سطح منطقه با فلج استراتژیک روبرو کرده است. عراق، سوریه و مصر، با دلایل متفاوت نه فقط نقش منطقه‌ای ندارند، بلکه همگی به گونه‌ای، مجبورند تمام انرژی استراتژیک خود را صرف سامانه و نظم داخلی خود کنند که حتی در آن هم دچار مشکل هستند. فراتر برای اولین‌بار در تاریخ دوران بعد از استقلال، سیاست داخلی این کشورها، عرصه مداخله دیگران شده است.

عربستان تنها قدرت منطقه‌ای عرب است که به‌طور فعالی در منطقه درگیر است که بدان پرداخته خواهد شد.

دو قدرت منطقه‌ای غیر عرب یعنی ترکیه و ایران در مقایسه با قدرت‌های منطقه‌ای عرب، نسبت به گذشته در تحولات خاورمیانه نقش جدی و سرنوشت‌سازی دارند. هرچند که نقش‌های آنها با یکدیگر کاملا تفاوت دارد. فضای تحرک سه قدرت منطقه‌ای عرب و غیر عرب یعنی عربستان سعودی، ترکیه و ایران، با هیچ دوران دیگری قابل مقایسه نیست فی‌الواقع ماهیت کنش بین آنها، سرنوشت پوست‌اندازی خاورمیانه را رقم زد. باید اشاره‌ای به رژیم صهیونیستی به عنوان یک کنشگر کرد. هرچند که آن رژیم، از نظر ظرفیت نظامی و پیوندهای امنیتی با آمریکا، با دیگر بازیگران دوست آمریکا قابل مقایسه نیست.

اما باید تأکید کرد که این رژیم، ظرفیت شکل دادن به تحولات منطقه را نداشته و عمدتا سعی دارد با بهره گیری از عنصر پیوند استراتژیک با آمریکا، از شکاف‌های منطقه‌ای استفاده کند. رژیم صهیونیستی به‌هیچ رو، یک قدرت منطقه‌ای تمام عیار و بومی محسوب نمی‌شود، اما در کنار قدرت‌های منطقه‌ای، در دههٔ گذشته شاهد بازیگری منطقه‌ای چندکشور کوچک نیز هستیم. این سه کشور عبارتند از قطر، امارات متحده عربی و اردن. بازیگری آنها محدود به مرزهای ملی نیست و هر سه در قالب‌های مختلف سعی دارند که نقش منطقه‌ای ایفا کنند. دستورالعمل و ظرفیت اثرگذاری منطقه‌ای آنها با یکدیگر متفاوت می‌باشد، ولی حس جاه‌طلبی منطقه‌ای در رفتار آنها مشاهده می‌شود.

تمامی کنشگران منطقه‌ای که به آنها اشاره شد، در این دوران درخور تعمق و بررسی هستند در ادامه به فضای باز شده عمل آنها و سپس به نقش هر کدام پرداخته خواهد شد.

رئیس مجلس: ایران کمک کشورهای منطقه در مبارزه با تروریسم است

رئیس مجلس ، با تأکید بر این که سوریه در مقابله با تروریسم پیشرو بوده است، افزود: مشکل تروریسم فقط به یک کشور مربوط نیست بلکه معضلی برای همه انسان‌هاست.

به گزارش خانه ملت، دکتر علی لاریجانی دیروزدر نشست خبری مشترک با "محمد جهاد اللحام" رئیس مجلس سوریه، گفت: سوریه کشوری بود که در طول سال‌های گذشته در برابر رژیم صهیونیستی مبارزه کرد و امروز هم از کشورهای پیشرو در این زمینه است. وی افزود: البته در ۴ سال اخیر کشورهای قدرتمند تلاش کردند با ایجاد جریان‌های تروریستی در سوریه مشکلاتی را برای این کشور ایجاد کنند که با مقاومت ملت سوریه تا حد زیادی اهداف جریان‌های ماجراجویانه خنثی شد.

لاریجانی با اشاره به نقش برخی قدرت‌های غربی و منطقه در حمایت از تروریسم، افزود: اطمینان داریم که ملت سوریه در این مبارزه پیروز است.

وی با بیان این که هیچگاه حمایت‌های دولت و ملت سوریه از ایران را دردوران دفاع مقدس فراموش نمی‌کنیم، تصریح کرد: مبارزه با تروریسم چه در سوریه و چه عراق را مبارزه‌ای می‌دانیم که همیشه می‌تواند برای آینده بشریت مفید باشد.

لاریجانی با اشاره به این که مذاکرات خوبی با دکتراللحام داشتیم و اطلاعات خوبی میان دو طرف رد و بدل شد و راه‌های همکاری بیشتر مورد بررسی قرار گرفت،اظهار داشت : امیدواریم که ملت سوریه در این مبارزه با جریان ماجراجو موفق باشند و ایران همیشه در زمینه مقابله با تروریسم کمک کننده کشورهای منطقه بوده است.

رئیس مجلس سوریه هم در ادامه با تشکر از کمک‌های ایران به کشورش در مقابله با تروریسم، افزود: منطقه ما به ویژه سوریه وعراق در معرض تروریست تکفیری که با حمایت کشورهای استعمارگر و کشورهای غربی رشد کرده، قرار گرفته است اما در مقابل می‌توان به نقش پررنگ کشورهای حامی که در رأس آنها ایران و روسیه قرار دارند، اشاره کرد.

رئیس جمهوری، درگذشت پدرشهیدان پورصالح را تسلیت گفت

رئیس جمهوری در پیامی، درگذشت مرحوم حاج حسین پورصالح، اسوه صبر، ایثار و استقامت و پدر شهیدان والامقام محمود و مهدی و جانباز سرافراز محمد پورصالح را تسلیت گفت و از درگاه ایزد منان برای آن پدر مجاهد، رحمت واسعه الهی و همجواری با ارواح مطهر فرزندان شهیدش و برای بازماندگان، صبر و اجر مسالت کرد. متن پیام حجت الاسلام و المسمین دکتر حسن روحانی به این شرح است :

بسم الله الرحمن الرحیم

انالله وانااليه راجعون

درگذشت مرحوم حاج حسین پورصالح، اسوه صبر، ایثار و استقامت و پدر شهیدان والامقام محمود و مهدی و جانباز سرفراز محمد پورصالح موجب تألم و تأثر خاطر شد. به یقین یاد و خاطره فداکاری های این فقید سعید که علاوه بر تقدیم فرزندان دلبند خود به اسلام و انقلاب، جد بزرگوار شهیدان والاتبار محمد و محسن فرجی علی آبادی هم هستند، در تاریخ پر افتخار ایران عزیز، رفیع و ماندگار خواهد بود.

اینجانب این مصیبت را به خانواده بزرگ ایشان و عموم ملت شهید پرور ایران تسلیت گفته، از درگاه ایزد منان برای آن پدر مجاهد، رحمت واسعه الهی و همجواری با ارواح مطهر فرزندان شهیدش و برای بازماندگان معزز، صبر و اجر مسالت می کنم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

انتخابات در کلانشهرها الکترونیکی برگزار می‌شود

هیأت وزیران ، طرح اجرای الکترونیکی انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری به روش رایانه‌ای را در کلانشهرها تصویب کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، در جلسه اخیر هیات دولت به ریاست رئیس جمهوری، گزارش وزارت کشور درباره برگزاری رایانه‌ای انتخابات مطرح شد. در این گزارش فرایندهای برگزاری انتخابات به روش الکترونیکی و چگونگی اجرای آن مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

هیأت وزیران پس از بحث و تبادل نظر، اجرای الکترونیکی انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در کلانشهرها را به روش رایانه‌ای تصویب کرد.

در ادامه جلسه ،رئیس جمهوری با توجه به همزمانی دو انتخابات مهم مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در امسال، برگزاری مطلوب انتخابات را از مهمترین کارهای سیاسی هر دولت دانست و با تشکر از وزارت کشور، اظهار داشت: موضوع برگزاری الکترونیکی انتخابات از مدتی پیش مطرح بوده است و با توجه به اجرای آزمایشی آن در تعدادی از حوزه‌ها در انتخابات قبلی مجلس شورای اسلامی، کسب آمادگی‌های لازم و اجرای الکترونیکی انتخابات با توجه به تجارب سایر کشورها و تجربه داخلی، مهم است. حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی با بیان این که نظام ما براساس قانون اساسی و معیارهای شرعی و مردم سالاری یک نظام انتخاباتی و مبتنی بر آرای مردم است، دست اندرکاران انتخابات را به کسب آمادگی‌های ضروری برای اجرای مطلوب انتخابات توصیه کرد.

هیأت وزیران همچنین گزارش کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک را درباره برنامه جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مورد بحث و بررسی قرار داد و با تصویب این برنامه، مقرر کرد بخشی از برنامه که نیازمند دریافت اجازه از مجلس است در قالب لایحه به نهاد قانون گذاری تقدیم شود و بخش‌های دیگر آن هم که در صلاحیت دولت یا دستگاه‌های اجرایی است، برای اجرا ابلاغ شود.

هیأت وزیران در ادامه، اصلاح تصویبنامه موضوع تأمین شرایط تبدیل ریال به ارز برای خریداران بخش خصوصی برق توسط بانک مرکزی ایران را به تصویب رساند. براساس این اصلاحیه، برای بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی بخش غیردولتی از منابع صندوق توسعه ملی در مواردی که قرارداد مشارکت بخش غیردولتی با وزارت راه و شهرسازی و شرکت‌های تابعه در طرح‌های حمل و نقل از قبیل توسعه ریلی، بنادر و فرودگاه‌ها به صورت ریالی منعقد شود، بانک مرکزی موظف است براساس درخواست بانک عامل طرف قرارداد با این صندوق ، شرایط لازم برای تبدیل ریال به ارز مورد معامله را فراهم کند.

یادگار گرامی امام: به فهم مردم اعتماد کنید

بقیه از صفحه اول

دستگاه‌های اجرایی با اشاره به توصیه امام(ره) مبنی بر ضرورت ارائه گزارش مسئولان به مردم از کارهای انجام شده در کشور، «عصبانی نشدن» را یکی از شروط سخن گفتن دانست و اظهار داشت: عصبانیت گرچه تشفی خاطر می‌آورد، ولی الزاما مورد قبول قرار گرفتن از طرف مخاطب را در پی ندارد. در این باره تعبیری وجود دارد که می‌گوید :«اگر جایی صحبت کردید و شب راحت خوابتان برد بدانید در مناظره شکست خورده‌اید اما اگر خوابتان نبرد و به خاطر حرف‌های نگفته افسوس خوردید ،بدانید که از نگاه بینندگان شما برده‌اید». بنابراین انسان باید آرامش را حفظ کند و عصبانی نشود.

وی افزود: خشم در وجود انسان وجود دارد، اما باید به صورت کنترل شده به کار گرفته شود؛ همان گونه که ما تعبیری با عنوان «خشم مقدس» داریم. گرچه وجود انسان تک بعدی نیست، اما اگر با شنیدن هر سخنی عصبانی شود، متناسب با ماهیت کار اطلاع رسانی نیست. یادگار امام، «ناصح بودن» را یکی دیگر از شروط سخن گفتن خواند و گفت: مخاطب باید بداند که گوینده قصد خیردارد. خیلی اوقات فردی قصد صحبت می‌کند اما نیت او این است که مخاطب از او راضی باشد یا او را تحسین کند، اما این لزوما به معنای پذیرش سخن از سوی مخاطب نیست. در این راستا گوینده باید به فهم مخاطب اعتماد کند و بداند که اگر مطلب درستی را بگوید مخاطب می‌پذیرد؛ بنابراین دلیل ندارد که صدای او بلند باشد، رگ گردن بیرون زده باشد و بقیه هم ساکت باشند؛ بلکه اگر سخن درستی می‌گوید به فهم جامعه و مخاطب اعتماد کند.

وی یادآور شد: ما درعمرکوتاه خود درمقاطعی شاهد بودیم که یک فقط یک صدا شنیده می‌شد اما وقتی که صرفا یک صدای صحیح مطرح شد همه را تحت تأثیر قرار داد؛ «فأما الزبد فیذهب جفاء واما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض». در دوره تبعید امام حکومت وقت ۱۵ سال به طور مداوم با عبارات و عناوینی نظیر تحجر، ارتجاع سرخ و سیاه و... علیه ایشان تبلیغ کرد اما در پایان کار، امام پیروز شد. یادگارامام ادامه داد: ممکن است ابتدا گفته شود چرا یک سخن پژواک و طنینی ندارد، اما مطمئن باشید که اگر سخن درستی در جامعه شنیده شود دل‌های مردم به سوی آن جذب می‌شود.

وی خطاب به اعضای شورای اطلاع رسانی دولت گفت: این مسأله خیلی مهم است که به فهم مردم اعتماد کنید. حداقل در این روزگار باور به این مطلب بسیار آسانتر است، زیرا شاید قبلا گفته می‌شد جامعه بی سواد است اما امروز وضع دیگر بدان صورت نیست. روزی ملک المتکلمین در نشریه خود نوشت که امروز تمام ملت یکصدا خواهان چیزی هستند، در حالی که اکثریت قاطع مردم آن روز بی سواد بودند، اما امروز وضع تفاوت کرده است و اگر قبلا گفته می‌شد مردم را به خاطر بی سوادی می‌توان فریب داد امروز این گونه نیست و سال‌های زندگی ما این واقعیت را ثابت کرده است. چیزهایی که تصور نمی شد مردم بفهمند می‌فهمند، گرچه ممکن است با ما سخن نگویند اما واقعیت‌ها در چشم آن‌ها هست و الزاما این‌گونه نیست که کسی که بلندتر صحبت می کند مقبولیت بیشتری در جامعه داشته باشد یا کسی که بیشتر صحبت می‌کند با پذیرش بیشتری رو برو شود. سید حسن خمینی با تأکید بر ضرورت بیان خدمات توسط مسئولان، تصریح کرد: این کار از یک سو انجام وظیفه نسبت به دستگاه است؛ زیرا انسان باید خود را خوب جلوه دهد و اگر دروغ نمی‌گوید نباید بگذارد در مورد او دروغ گفته شود و او را بد جلوه دهند. این کار از سوی دیگر انجام وظیفه در قبال مردم است که آگاه و امیدوار شوند، زیرا امید مسأله بسیار مهمی است.

وی افزود: بعضا گفته می‌شود امید به چه دردی می‌خورد؟ امید خاصیت‌های زیادی دارد. دو نفر زندانی که پرونده یک نفرازآن‌ها به هیأت عفو رفته و دیگری منتظر اجرای حکم اعدام است هر دو در سلول کنارهم هستند، اما یک نفر راحت می‌خوابد و دیگری استیصال دارد؛ جامعه امیدوار، از یک جامعه مایوس بسیار شاداب تر و زنده تر است و صرف این که یک دستگاه و خبر بتواند امید ایجاد کند توفیق خیلی بزرگی یافته است، اما اگر این امید به دلایلی دفع شود یا کسی آن را از بین ببرد نشاط بزرگی را از جامعه از میان برده است.

یادگار امام، «توهین آمیز نبودن» را از جمله شروط لازم دیگر برای سخن گفتن دانست و اظهارداشت: توهین امرعرفی است که به تناسب گوینده و شنونده مصادیق آن تغییر می‌کند؛ موارد توهین به تناسب افراد و عرف با هم متفاوت است. همان گونه که بیان ما بنا به شخصیت افراد توهین را تعیین می‌کند، ممکن است یک نوع سخن گفتن با کسی توهین نباشد اما با فرد دیگر توهین تلقی شود.

وی با بیان این که توهین الزاما ایجابی نیست، گفت: گاهی اوقات رفتار سلبی ما می‌تواند توهین باشد؛ اگر در یک مجلس نسبت به شخصیت بزرگی بی‌محلی انجام شود کاری انجام نشده است اما صرف بی محلی توهین محسوب می‌شود. گرچه قبول دارم که در بعضی جاها، جامعه شئون بی موردی قائل شده است اما در جاهایی که عرف تعریف درستی از شئون دارد باید آنها را رعایت کرد. وی تاکید کرد: نیت ما هرچه باشد توهین فرقی نمی‌کند؛ کار توهین آمیز توهین محسوب می‌شود؛ اگر قصد توهین نباشد قبح فاعلی از بین می‌رود و قبح فعلی آن سرجای خود باقی می‌ماند.

سید حسن خمینی افزود:لفظ بامعنا پیوندی عمیق دارد و بنابراین حسن و قبح الفاظ تابع معانی است؛ اگر کسی بدون آگاهی از معنای یک زبان خارجی الفاظ زشتی را به آن زبان بگوید گرچه خودش از معنا مطلع نباشد و غرض نداشته باشد اما در شنونده که به آن زبان اشراف دارد اثر خود را می‌گذارد، لذا در حوزه سخن باید مراقب باشیم سخن ما عامدانه یا غیرعامدانه توهین آمیز نباشد ،زیرا توهین اثر نمی‌گذارد. یک گروه ممکن است مدتی با توهین راضی شود؛ اما توهین اثر دراز مدت نمی‌گذارد. وی با بیان این که ممکن است در حوزه تبیین کارهایی که انجام می‌شود با نقدهایی مواجه شویم، توصیه کرد: زبان به کام نگیرید و واقعیت را بگویید؛ دروغ نگویید و توهین نکنید. توهین با توجه به گوینده، شنونده و موضوع فرق دارد اما به شنونده اعتماد کنید زیرا انسان اساسا به حقیقت اعتماد می‌کند.

یادگارامام ادامه داد: فریب ممکن است بیاید اما باقی نمی ماند؛ «فریبت می‌دهد، بر آسمان این سرخی بعد از سحرگه نیست حریفا! گوش سرما برده است این، یادگار سیلی سرد زمستان است»؛ بعد از چند دقیقه صبح نخست تمام می‌شود و کل دوره فریب آن کوتاه است.

در این جلسه، سید حسن قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که به نمایندگی از دولت در این جلسه حضور داشت، سخنانی ایراد کرد. همچنین علیرضا معزی دبیر شورای اطلاع رسانی دولت با تشکر از سخنان یادگار امام، یادآور شد: اعضای این شورا در دو سال اخیر ضمن تجدید میثاق با آرمان‌های حضرت امام، در دیدار با حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی از رهنمودهای ایشان بهره‌مند می‌شوند. وی افزود: یادگار امام سال گذشته به رعایت اخلاق در کار اطلاع رسانی توصیه کردند و امسال به صورت ویژه به موضوع «توهین» اشاره کردند که نکته‌ای اساسی است. در این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی اشراقی، دکتر حمید انصاری، حجت الاسلام کمساری و حجت الاسلام هادی قبادی هم حضور داشتند.

وظیفه نظام ازبین بردن فقراست

یادگارگرامی امام همچنین در دیدار با جمعی از جهادگران وزارت جهاد کشاورزی تأکید کرد: یک نظام و مجموعه حاکمیتی علاوه بر آن که شکم گرسنگان را باید سیرکند و محتاج و درمانده را به سرمنزل برساند، باید کاری کند که احتیاج و فقر از بین برود.

سیدحسن خمینی اظهار داشت: انقلاب اسلامی هنگام شکل گیری یکی از وظایف خود را مقابله با فاصله طبقاتی و مبارزه با استضعاف می‌دانست. باید توجه کرد که این به معنای جنگ فقیر و غنی نیست بلکه به معنای جنگ بر سرفقروغنا و آن نظم و نظامی است که به فاصله طبقاتی می‌انجامد. وی تاکید کرد: نباید این گونه باشد که در جامعه و نظام روابط اجتماعی و قوانین و مقررات به شکاف فقیر و غنی بینجامد، بلکه همه باید غنی باشند و جهاد سازندگی با همین هدف شکل گرفت زیرا در هرجامعه‌ای – ولو مدینه النبی(ص)- باشد فقر وجود دارد.

سید حسن خمینی گفت: جهاد سازندگی شکل گرفت تا فقرا بالا آمده، آرام آرام غنی شوند و بتوانند دست دیگران را هم بگیرند و در روستاها و مناطق کوچک سایر افراد را با قدرت توانمند سازی خود به غنا برسانند، زیرا هدف صرفا سیرکردن شکم افراد نیست و این گام اول است؛ یک نظام و مجموعه حاکمیتی علاوه برآن که شکم گرسنگان را باید سیرکند و محتاج و درمانده را به سرمنزل برساند، باید کاری کند که احتیاج و فقراز بین برود. پیش از سخنان یادگار امام، حجت الاسلام و المسلمین عالمی نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی سخنان کوتاهی ایراد کرد.

دیدار یادگار گرامی امام با بانوان فرهیخته

یادگار گرامی امام همچنین در دیدار با جمعی از بانوان فرهیخته در حسینیه جماران، با تأکید بر عدم افراط و تفریط در میان مؤمنان گفت: این که زنان را به خاطر برخی محسنات یا مستحسناتی که در ذهن خودمان قرار دارد، از حضور در عرصه ای که خداوند اجازه داده است محروم کنیم، ایجاد نقصان در دین است.

حاج سیدحسن خمینی با بیان روایت هایی از پیامبر گرامی اسلام(ص) و همچنین ائمه اطهار(ع) درباره نقش عالمان دین در جامعه اسلامی، اظهار داشت: امر مؤمنین همواره بین افراط و تفریط و زیادت و نقصان قراردارد که اگر مراقبت نکنیم ممکن است از این سو یا آن سو منحرف شویم.

یادگار گرامی امام با بیان این که در روایات ذکرشده آمده است که عالم جلوی زیاد کردن یا کم کردن چیزی در دین را می گیرد، افزود: همین بیان کافی است که بفهمیم در زندگی باید معتدل باشیم. افراط و تفریط یکی از آفت‌هایی است که می‌تواند زندگی ما را در بر بگیرد و اگر مراقب نباشیم به رغم داشتن ایمان ممکن است سبب زیادت یا نقصان در دین شـــود؛ معصومین(ع) تنبه می‌دهند که مراقب باشیم چیزی که در این دین نیســـت به خاطر این که از نظر ما خوب است به دین اضافه نشود و لذا حدود خدا را پاس بداریم. زیرا براساس یکی دیگر از روایات همانطور که اوامر و نواهی دین را باید رعایت کنیم به بخش‌هایی که مجاز بوده و به انسانها رخصت داده شده است هم عمل کنیم.

حاج سیدحسن خمینی با بیان این که یکی از امور مورد اهتمام علما وارد نشدن بدعت ها به دین است، تاکید کرد: اگر کسی بدعتی را وارد دین کند شاید به ذهنش رسیده باشد که آن بدعت مطلب خوبی است اما نباید این کار را کند، زیرا می خواهد امری را به خدا نسبت دهد . اما از سوی دیگر مراقب باشیم آنجا که دین، کتاب خدا، پیامبر(ص) و ائمه(ع) مطلبی گفته اند از دین کم نشود.

یادگار گرامی امام گفت: موضوع افراط و تفریط در همه حوزه‌ها از جمله احکام مربوطه به خانم‌ها وجود دارد. روزی که انقلاب پیروز شد امام راحل بر فراگیری و تعلیم خانم هایی که در سن تحصیل قرارداشتند تاکید می‌کردند؛ همانگونه که پیامبر(ص) پس از آن که یکی از بانوان انصار از ایشان گلایه کرد که احکام را فقط به مردها تعلیم می دهند ایشان روزی را تعیین کردند که خانم ها برای فراگیری احکام، معارف و علومی که در لوح محفوظ ایشان قرارداشت حضور یابند . اما وقتی انقلاب پیروز شد بسیاری افراد می گفتند تعلیم خانم‌ها با عفافی که اسلام از آنان خواسته است منافات دارد، اما امام(ره) این سخن را رد و بر تعلیم زنان تاکید کردند که امروز آثار آن را با بالارفتن سطح سواد خانم‌ها و آمار زنان تحصیل کرده می‌بینیم و شاهدیم که آنان از آقایان هم پیشی گرفته‌اند. وی افزود: درابتدای انقلاب خیلی‌ها می‌گفتند زنان وارد راهپیمایی وتظاهرات ویا حوزه دفاع نشوند اما امام راحل گفتند آنچه از زنان خواسته نشده، جهاد اولیه است والا «دفاع» کاری واجب است و زنان باید برای دفاع آموزش ببینند.

یادگار گرامی امام با بیان این که خداوند امام زمان(عج) و عالمان را مقررکرده است تا جلوی این انحرافات را بگیرند، تاکید کرد : درحوزه امور زنان توجه به عفاف و حجاب از امور مهمی است که بعضا در مورد آن گفته می‌شود عفاف کافی بوده و حجاب از موارد جزیی آن است در حالی که حجاب جزو احکام دین و از حدود شرعی و دستورات خداست که برای سعادت جامعه و زنان باید به آن تن داد .

حاج سید حسن خمینی با بیان این که امام خمینی(ره) جزو مصادیق علمایی بودند که در روایات به آنها اشاره شده است، افزود: همه ما باید به این حوزه و امور عنایت داشته باشیم و خود خانم‌ها هم به آن توجه کنند تا حقوق به جا مانده را بتوانیم کامل کنیم و حقوق اجرا شده را تحکیم ببخشیم و جامعه اسلامی را با توجه به بخش عظیم فرهنگ ساز آن و صاحبان اصلی فرهنگ یک جامعه که خانم‌ها هستند تبدیل به جامعه‌ای خوب کنیم.

پیام تسلیت یادگار گرامی امام به آیت‌الله حسن صانعی

حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی در پیامی درگذشت خواهر گرامی آیت الله حاج شیخ حسن صانعی را تسلیت گفت.

به گزارش جماران متن پیام یادگار امام خمینی به آیت الله حسن صانعی به شرح زیر است.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ حسن صانعی دامت برکاته

مصیبت درگذشت همشیره مکرمه تان را خدمت حضرت عالی و همه بستگان تسلیت عرض نموده، برای ایشان حشر با معصومین مسئلت دارم.

سید حسن خمینی

حمید انصاری: همه مردم در انتظار ساخت حرم امام راحل بودند

قائم مقام موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی(ره) گفت: بحث از سازه‌ای است که قرار است قرن‌ها باقی بماند و تا ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ سال آینده استوار باشد و انشالله بقای این نظام هم همزمان با آن جاری باشد. امیدوارهستیم این مکان محلی برای تجلی عظمت نام امام خمینی(ره) و تجمع مردم باشد.

حمید انصاری در گفتگو با خبرنگار شبکه اطلاع رسانی راه دانا در پاسخ به انتقادات مطرح شده نسبت به ساخت و سازهای حرم امام اظهار داشت: تا به امروز هیچ اعتراضی نسبت به این مساله نشده و فقط صحبت‌هایی مطرح شد و برخی هم با انگیزه‌های خاص به این مساله دامن زدند.

وی در ادامه با بیان این که همه مردم در انتظار بودند تا حرم امام ساخته شود، اظهارداشت: رهبر معظم انقلاب بلافاصله پس از رحلت امام راحل فرمودند که نام امام خمینی(ره) همه جا با نام انقلاب عجین است و انقلابی به این عظمت انجام شده و این انقلاب خیمه گاهی نیاز دارد که هم محل تجمع میلیونی و سالانه مردم باشد که انشالله این تجمع را در روز ۱۴ خرداد خواهیم دید.

انصاری همچنین خاطرنشان کرد: بحث از سازه‌ای است که قرار است قرن‌ها باقی بماند و تا ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ سال آینده استوار باشد و انشالله بقای این نظام هم همزمان با آن جاری باشد. امیدوارهستیم این مکان محلی برای تجلی عظمت نام امام و تجمع مردم باشد.

وی در ادامه یادآور شد: متاسفانه یک مقایسه مع‌الفارق و بی‌ربط انجام شده که ساده زیستی امام را با حرم ایشان مورد مقایسه قرار می‌دهد. مگر امام زنده هستند که بخواهند از این حرم استفاده کنند.

برخی آن را با کاخ مقایسه کرده‌اند آیا این ظلم به امامان نیست که ما حرم آنها را با کاخ سلاطین مقایسه کنیم.

این‌ها تجلی عشق و ارادت مردم و کسانی است که می‌خواهند به بزرگداشت امام بپردازند بنابراین حرم هرچه مجلل‌تر باشد،نشانه عشق به امام است.

قائم مقام موسسه حفظ و نشرآثار امام گفت: از نظر اقتصادی حرم‌های ائمه و حرم امام رضا(ع) هم برای کشور اهمیت دارند. مردم امروز این حرم‌ها را بزرگترین سرمایه ملی می‌دانند و کشورهای دیگر به چنین اماکنی غبطه می‌خورند.

اگر قرار باشد فضایی داشته باشیم که هیچ یک از المان های معماری اسلامی در آن نباشد، چگونه می‌توان یک مکان گردشگری که سالانه میلیون‌ها نفر در آن حضور یابند را داشته باشیم.

انصاری افزود: قرار است مرکز هویت انقلاب اسلامی که به نام امام هست و خانه تجلی عشق مردم به حساب می آید با هدایت‌های بزرگان و مسئولان نظام و رهبری و با بالاترین و مرتفع ترین امکان ایجاد شود،بنابراین این نقدهایی که می‌شود ناشی از کوته فکری‌هاست.

قائم مقام موسسه حفظ و نشر آثار امام تصریح کرد: امام خمینی احیاگر فرهنگ عاشورا و ائمه اطهار بود و شخصیتی بی بدیل و منحصر به فرد است و حرم ایشان هم باید درعظمت ایشان باشد.

وی درباره محل تامین بودجه ساخت و ساز حرم بنیانگذارکبیرانقلاب اسلامی، بیان کرد: محل تامین هزینه‌های ساخت حرم امام کمک‌های مردمی، نذور، دولت، مجلس و حرکت‌هایی بود که مسئولان حرم انجام دادند. در این مسیر همه کمک کردند تا این بنا شکل گرفته و تداوم یابد.

انصاری همچنین خاطر نشان کرد: اینجا نماد شهری است که به لحاظ فرهنگی و پژوهشی فعالیت دارد و ۵۵ هزار دانشجو در جوار حرم امام به تحصیل اشتغال دارند.

وی در ادامه اظهار داشت: ساختمان ساخته شده در حرم امام به گرد پای بسیاری از سازه‌هایی که برای امامزاده هایی که حرکت و نقش آنها قابل قیاس با نقش امام راحل نیست، نمی‌رسد.

از حرم حضرت عبدالعظیم(ع) گرفته تا شاهچراغ و ... بزرگانی هستند که حرم آنها بایدمجلل باشد تا بزرگداشت نام آنها باشکوه برگزار شود.

قائم مقام موسسه حفظ و نشر آثار امام همچنین اظهار داشت: امام خمینی فردی است که بیش از ۳۰۰ هزار شهید جان خود را تقدیم ایشان کردند و جا دارد که نام و یاد ایشان در بالاترین سطح باشد. هر کس هم که نمی‌تواند این مسائل را تحمل کند یا از حسادت اوست یا از نادانی.

معاون وزیر خارجه: حقوق تمام ملت‌ها باید در تعیین رژیم حقوقی خزر لحاظ شود

نماینده ویژه ایران در امور دریای خزر با تاکید بر رعایت حق انصاف از سوی کشورهای ساحلی این دریا ،تصریح کرد: دریای خزر برای صلح و دوستی است و باید برای اقتصاد و رفاه کشورهای ساحلی مفید باشد.

به گزارش ایسنا، ابراهیم رحیم‌پور معاون آسیا و اقیانوسیه وزیر امور خارجه کشورمان در حاشیه چهلمین نشست گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در جمع خبرنگاران ،درباره این نشست سه روزه، گفت: چهلمین نشست در تهران برگزار شده است و نزدیک به ۲۰ سال است که مذاکرات میان ۵ کشور ساحلی ادامه دارد و در طول این سال‌ها این مذاکرات سیر صعودی داشته است به ویژه در یک سال و نیم گذشته که دولت یازدهم بر سر کار آمده، ۹ یا ۱۰ جلسه در این باره برگزار شده است.

وی با تأکید بر این‌که نسبت به گذشته توافقات خوبی میان کشورها حاصل شده است، گفت: اما هنوز کار درباره مسائلی که کشورهای ساحلی درباره آن نظرات یکسانی ندارند، تمام نشده است. امیدواریم در جلسه آینده سران کشورهای ساحلی که قرار است سال آینده در آستانه برگزار شود، بتوانیم درباره مسائل باقیمانده با احتساب رویکرد برد-برد یعنی این‌که برخی از کشورها خواست های خود را کاهش دهند، به نتایج مثبتی دست یابیم. وی درباره بهره‌مندی هر یک از کشورها از مرز آبی دریای خزر، گفت: موضوع ۵۰ درصد یا ۲۰ درصد نیست. نمی‌توان بر روی آن تمرکز کرد. مهم این است که در این‌باره حق انصاف رعایت و حقوق تمامی ملت‌ها در آن لحاظ شود و چانه‌زنی‌ها در این‌باره در حال انجام است.

واکنش به تائید نشدن مدارک پزشکی فارغ التحصیلان ایرانی

سخنگوی وزارت امـور خارجه در باره توقـف موقت تائید مدارک فارغ‌التحصیلان پزشکی در ایران توسط نهادهای مربوطه در آمریکا و کانادا گفت: استفاده ابزاری از حق آموزش و تحصیل که در زمره حقوق بنیادی انسان‌ها ست، اقدامی نادرست و تبعیض آمیز به شمار می‌رود ، به ویژه این که این رشته تحصیلی با سلامت و جان سایر انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد.

به گزارش اداره کل دیپلماسی رسانه‌ای وزارت امور خارجه ،مرضیه افخم با ابراز تاسـف از این تصمیم کمیسیون‌های آموزشی فارغ التحصیلان پزشکی خارجی در امریکا و کانادا وبا اشاره به این که فارغ التحصیلان ایرانی همواره در زمره برترین‌ها در این رشته بوده و هستند ، اظهار داشت: ایران راه‌ها و اقدامات لازم رابرای رفع محدودیت وضع شده علیه اتباع و شهروندانش در دست بررسی دارد و امیدوار است این مسائل هر چه سریعتر پایان یابد.

ایست قلبی، علت اصلی مرگ پایتخت نشینان

سرویس سیاسی – اجتماعی: مدیرعامل سازمان بهشت زهرا ، ایست قلبی را بیشترین فراوانی درعلت مرگ تهرانی‌ها در یک ماهه نخست امسال اعلام کرد.

اکبر توکلی گفت: از میان چهار هزار و ۵۱۲ فوتی در فروردین امسال،علت مرگ ۶۰۶ نفر ایست قلبی اعلام شده است و در مجموع در ماه یاد شده ۲۵۸۶ مرد، ۱۷۷۴ زن و ۱۵۲ نوزاد در تهران فوت و از این تعداد، ۳۱۹۱ نفر در بهشت زهرا دفن شده اند.

وی افزود: در این ماه منطقه ۲۲ با ۲۱ موردفوتی (۱۴ مرد و ۷ زن) کمترین تعداد متوفیان و منطقه ۴ با ۲۴۷ موردفوتی (۱۴۶ مرد و ۱۰۱ زن) بیشترین تعداد متوفیان در میان مناطق تهران را دارا بود. توکلی تاکید کرد: کمترین فوت شدگان از نظر سنی رده پنج تا ۹ سال با ۲۳ موردفوتی است و رده سنی ۶۵ سال به بالا با ۲۶۰۵مورد فوتی بیشترین فوت شدگان از نظر سنی در فروردین ماه ۹۴ بوده اند.

وزارت تعاون مأمور حذف یارانه افراد پردرآمد شد

سرویس سیاسی – اجتماعی: سخنگوی دولت در نشست هفتگی با خبرنگاران، درباره حذف یارانه افراد پردرآمد، گفت: با توجه به تصریح این موضوع در ماده ۲۰ قانون، این اقدام باید انجام شود، به همین دلیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مامور شـد اطلاعات را از پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف جمع‌آوری و افراد پردرآمد را شناسایی کند تا بتوانیم قانون را اجرا کنیم.

به گزارش خبرنگار ما،وی شناسایی افراد پردرآمد جامعه را دشوار دانست و اظهار داشت: اگر اشتباهی در حذف افراد از دریافت یارانه انجام شد، فرصتی برای بازبینی تعیین شده است.

سخنگوی دولت با اشاره به مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱+۵ ،گفت: مردان دیپلماسی ما با تمامی توان در تلاشند و مساعی خود را برای شکستن حلقه تنگ تحریم به کار گرفته‌اند. ما به دنبال این هستیم متنی نگارش شود که حقوق ملت ایران را دربرداشته باشد که البته اگر این اتفاق نیفتاد و تحریم‌ها ادامه یابد، برای این شرایط هم برنامه‌هایی داریم.. وی در پاسخ به سئوالی در باره تجمعات غیرقانونی اخیر در اعتراض به روند مذاکرات هسته‌ای، گفت: رهبر معظم انقلاب این امکان را فراهم کردند تا همه نظرات خود را بیان کنند و در دانشگاه‌ها گفت و شنودهای دو طرفه و میزگردهایی انجام شد و صدا و سیما هم به صورت مفصل آن را پوشش داد.

نوبخت افزود: انتظار می‌رفت کسانی که دغدغه دارند یا اصطلاحا دلواپسند، فرصت داشته باشند دغدغه های خود را که برای دولت محترم و شنیدن آن لازم است، منعکس کنند.

وی ادامه داد: اما این تجمع‌ها غیرقانونی بود و باید بدانند این کار غیرقانونی بنا به دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و حتی رهبر معظم انقلاب خلاف شرع است و این تجمعات غیرقانونی که فراتر از بیان نظرات که اکنون در محافل قانونی انجام می‌شود، خلاف شرع به شمار می‌رود.

سخنگوی دولت اظهار داشت: گفتار و رفتار این عده باید با هم منطبق باشد زمانی که به شرع اعتقاد داریم باید در رفتارمان هم آن را رعایت کنیم. نوبخت در باره لغو سخنرانی دکتر مطهری در کرج یا موارد این چنینی، گفت :صرف نظر از این که دکتر مطهری شخصیتی اصیل، فهیم، دلسوز انقلاب و صاحبنظر است و باید نظراتش را بشنویم، همان گونه که هر کسی به خود اجازه می‌دهد که اگر نظر خلافی دارد در موقعیت‌های قانونی و هم به صورت تجمعات غیرقانونی اعلام کند، این حق را باید برای فرزند برومند و خلف شهید مطهری قایل باشیم که بتواند نظراتش را بگوید.

وی توضیح داد: تمامی استانداران و فرمانداران موظف هستند در چارچوب صیانت از حقوق قانونی و آزادی بیان، این فرصت را ایجاد کنند تا تمامی افراد در چارچوب قانون نظرات خود را بگویند. سخنگوی دولت ادامه داد: از وزیر کشور انتظار می‌رود که نهایت ساز و کار را در استان‌ها فراهم کند تا از این گونه مسائل تکرار نشود.

رشد ۱۹۰درصدی صادرات خودرو

نوبخت در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: تولید خودروهای سواری پارسال ۵۵٫۹ درصد نسبت به سال ۹۲ افزایش داشت و ۲۷هزار دستگاه خودرو تولید داخل کشور در سال ۹۳ صادر شد که نسبت به سال قبل از آن، ۱۹۰درصد رشد داشت.

سخنگوی دولت با اشاره به تاکیدات هفته گذشته رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد مقاومتی، به گزارش وزارت صنعت معدن و تجارت در باره دستاوردهای اجرای این سیاست، پرداخت و گفت: پارسال، افزایش تولید در بخش فولاد خام ۷٫۴ درصد و محصولات فولادی ۲٫۳ درصد بوده است.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی اضافه کرد: همچنین تولید در بخش صنعت از ۱۳٫۳ میلیارد دلار در سال ۹۲ به ۱۳٫۶ میلیارد دلار در سال ۹۳ رسید که رشد ۲٫۳ درصدی داشت. نوبخت با بیان این که واردات در همین مدت روند کاهنده‌ای رانشان می‌دهد، گفت: در زمینه مواد اولیه و واسطه‌ای یک درصد و مواد مصرفی ۳۰ درصد کاهش واردات داشتیم. وی افزود: صادرات غیرنفتی در هفت ماه نخست پارسال ۱۹ درصد رشد داشت و به رقم ۲۶٫۹ میلیارد دلار رسید. همچنین صادرات محصولات پتروشیمی از ۱۰٫۷ میلیارد دلار در سال ۹۲ به ۱۴٫۲ میلیارد دلار در سال ۹۳ افزایش داشت که رشد ۳۲ درصد را در این صنعت نشان می‌دهد. سخنگوی دولت با اشاره به کاهش قیمت نفت و درآمدهای ناشی از صادرات نفت و میعانات گازی، گفت: از دیگر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی این بود که هزینه‌های جاری رفته رفته کاهش یابد و ما در اعتبارات عمرانی متمرکز شویم به همین دلیل دولت بخشنامه یا دستورالعمل ۱۲ ماده‌ای تهیه کرد تا امسال حداقل ۶۰۰۰ میلیارد تومان از اعتبارات جاری صرفه جویی شود و به اعتبارات عمرانی بیفزاییم. وی در ادامه اظهار داشت : برای صرفه جویی این ۶۰۰۰ میلیارد تومان ،کاهش ۵۰ درصدی سفرهای خارجی را به عنوان یکی از بندهای دستورالعمل ۱۲ ماده‌ای دولت در دستور کار داریم که بر اساس آن، هر سفر خارجی در دستگاه های اجرایی در کمیته ای بررسی می شود که به آن کمیته ابلاغ شده تا با سازوکار جدید در سال ۹۴ اقدام شود. نوبخت خاطرنشان کرد: اگر این سفرها و ماموریت‌ها در این کمیته تائید نشود، سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعتبار آن را تخصیص نخواهد دادوسفرهای داخلی هم باید ۴۰ درصد نسبت به عملکرد سال گذشته کاهش یابد.

همچنین امسال حداکثر به میزان ۵۰ درصد مبالغ حاصل از فروش خودروهای مازاد و اسقاطی ،مجوز خرید خودروهای سواری داده‌ایم. نوبخت، کاهش هزینه‌های برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌ها به میزان ۸۰ درصد ، مصرف اعتبارات پژوهشی صرفا با رعایت قانون و پرهیز از موازی کاری، کاهش هزینه‌های مواد مصرفی و ملزومات اداری به میزان ۳۰ درصد، ممنوعیت به کار گیری نیروی انسانی جدیداز محل اعتبارات عمومی دستگاه‌ها ، کاهش هزینه‌های آب، برق، سوخت و تلفن و ممنوعیت خرید یا اجاره ساختمان‌های اداری جدید به میزان ۵۰ درصد صرفه‌جویی نسبت به عملکرد پارسال از جمله دستورالعمل‌هایی است که ما را در تامین ۶۰۰۰میلیارد تومان کمک خواهد کرد.

سخنگوی دولت در پاسخ به سئوال خبرنگار ما مبنی بر این که که اگر قیمت نفت همچنان کاهش یابد، چه اقدامی از سوی دولت برای تامین هزینه‌ها انجام می‌شود؟ گفت: متناسب با دریافت‌ها باید مدیریت تخصیص داشته باشیم. در واقع همین روشی که اکنون در حال انجام آن هستیم، برنامه‌ریزی و در هزینه‌های جاری صرفه جویی می‌کنیم.

نوبخت با یادآوری این نکته که سرمایه گذاری در طرح‌های عمرانی به سیاست خروج از رکود و مهار تورم کمک می‌کند، توضیح داد: به همین دلیل تا جایی که امکان دارد اعتبارات عمرانی را کاهش نخواهیم داد.

افزایش قیمت بنزین، اجرای قانون

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی درباره این که برخی مخالفان گفته‌اند آزادسازی قیمت بنزین فشار به افکار عمومی است، گفت: این تصمیم خلق الساعه نبود و طبق قانون انجام شد.

نوبخت ادامه داد: دولت یازدهم در سال گذشته ودولت قبل هم برای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، جهش قابل قبولی به قیمت ها داد. این قانون است، ما هم در حال اجرای قانون هستیم.

سخنگوی دولت در باره سرانجام نامه مجمع روحانیون مبارز به رئیس جمهوری مبنی بر رفع ممنوعیت تصویر حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسبق گفت: دولت این نامه را دریافت نکرده است و اطلاعی از این که رئیس جمهوری شخصا این نامه را دریافت کرده‌اند نداریم. وی افزود وقتی سخنگوی قوه قضاییه در این ارتباط سخن می‌گویند ، حتما مستنداتی قانونی دارند اما در شورای امنیت ملی مصوبه‌ای در این باره صادر نشده است.

نوبخت در پایان سخنانش، در باره انتخابات آینده گفت: دولت به هیچ وجه از امکانات و امانات در اختیار خود برای القای نظرش در انتخابات استفاده نخواهد کرد.

وزیر بهداشت: رئیس جمهوری اجازه دست‌اندازی به اعتبارات حوزه سلامت را نمی‌دهد

وزیر بهداشت، گفت: تا امروز رئیس جمهوری اجازه دست اندازی به اعتبارات حوزه سلامت را به هیچ فردی نداده و در آینده نیز نمی‌دهد.

به گزارش مهر، دکتر سید حسن هاشمی در جمع اعضای انجمن اسلامی پزشکان کشور با مرور مشکلات پیش روی مجموعه خود در آغاز به کار دولت یازدهم در وزارت بهداشت اظهار داشت:میزان بدهی‌ها به گونه ای بود که در برخی بیمارستان ها منابع کافی برای پرداخت پول آب، برق و احتیاجات روزمره وجود نداشت و برای حل این مشکل شورای تامین تشکیل می شد، همچنین حقوق پرسنل در برخی از استان ها گاهی تا ۱۸ماه معوقه داشت.

وی به تشریح وضعیت شاخص های سلامت ایران در مقایسه با سایر کشورها پرداخت و افزود: در برخی کشورهای منطقه به ازاء هر هزار نفر حداقل ۸تخت وجود دارد در حالی که این شاخص در ایران برابر ۱.۷است و نکته مهم این است که ۵۰درصد تخت های موجود فرسوده هستند .

وزیر بهداشت تاکید کرد: در کشور حداقل ۸۰هزار تخت بیمارستانی احتیاج داریم که با شرایط موجود تنها می توان سالانه ۲هزار تخت بیمارستانی ایجاد کرد و بدان معنی است که ۴۰سال طول می کشد تا این کمبود جبران شود.

وزیر بهداشت همچنین درباره شاخص پرستاری ایران که ۱.۴است بیان داشت: با شرایط امروز و افزایش بار مراجعات، این شاخص بیشتر از ۱.۱نیست ضمن اینکه در برخی از بیمارستان های روانی این شاخص ۰.۶در تهران و در برخی بیمارستان ها به ۰.۴هم می رسد در حالی که این شاخص در کشورهای منطقه ۱۲است.

وی افزود: در زمینه سال های از دست رفته عمر در منطقه کم نظیر هستیم چرا که تصادفات عمر زیادی از ایرانیان می گیرد و این در حالیست که قربانیان حوادث رانندگی عمدتا جوانان هستند.

وزیر بهداشت گفت: ایران از نظر تولید ناخالص ملی در دنیا رتبه ۱۸را دارد در حالی که در سرانه هزینه سلامت رتبه ۸۱دنیا را داریم که نشان از کم توجهی های گذشته به بخش سلامت دارد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: در ابتدای شروع به کارمان در وزارت بهداشت به عنوان نمونه از بیمارستان شهدای تجریش صورتحساب هایی به دست ما می‌رسید که نشان می داد بیش از ۹۰درصد هزینه ها را مردم از جیب خود پرداخت می‌کردند.

هاشمی گفت: از شروع به کار در وزارت بهداشت با چالش دارو و تجهیزات روبرو بودیم که هزار میلیارد تومان بدهی در این زمینه داشتیم و مردم حاضر بودند پول بدهند اما متاسفانه دارو موجود نبود.

وزیر بهداشت تصریح کرد: کاهش واردات دارو و در کنار آن توجه به تولید داخلی باید همراه با تغییر ذائقه بازار صورت گیرد و در همین زمینه انجمن‌های علمی پزشکی باید کارایی مناسبی در این زمینه داشته باشند و به مردم و دولت کمک کنند.

هاشمی اظهار داشت: طرح تحول نظام سلامت متعلق به کل نظام است باید مراقبت کرد تا آسیب نبیند و بنده بیشتر از همه نگران هستم چرا که مهم ترین چالش برای نظام، اثبات کارآمدی است و لازم است تا شعارها تحقق یابد و نشان دهیم که در حوزه سلامت موفق هستیم.

هاشمی گفت: یکی از نقاط قوت اقدامات وزارت بهداشت تأمین مکمل‌های دارویی و واکسن در کشور بود در حالی که در سال ۹۲حتی واکسن فلج اطفال در کشور نداشتیم.

اخذ عوارض عبور از برخی تونل‌ها و بزرگراه‌های تهران

سرویس سیاسی – اجتماعی: رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران با اشاره به موافقت اولیه کمیسیون‌های شورا با طرح اخذ عوارض عبور از برخی تونل‌ها و بزرگراه‌ها، از ارائه پیشنهاد ۳۰۰ تومانی در این باره خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، اقبال شاکری در جمع خبرنگاران گفت: طرح اخذ عوارض عبور خودروها از برخی تونل‌ها و بزرگراه‌های تهران مورد موافقت اولیه کمیسیون‌های شورا قرار گرفته است که در آینده در قالب طرحی در جلسه شورا مطرح خواهد شد.

وی افزود: معاونت حمل و نقل مبلغ ۳۰۰ تومان را برای اخذ عوارض در نظر گرفته وحتی نام تعدادی بزرگراه و تونل را هم اعلام کرده است؛ اما شورا اعتقاد دارد باید مبلغ عوارض متناسب با مسیر و نوع تونل باشد.

شاکری در ادامه درباره آخرین وضع پرونده ساختمان علاءالدین گفت: این ساختمان پایان کار ندارد و حق کسبه را هم رعایت نکرده و در حقیقت فاقد استحکام و مجوزهای ایمنی است و در دیوان عدالت اداری هم پرونده رادردست بررسی دارد.

عضو شورای اسلامی شهر تهران درباره طولانی شدن برخی پروژه‌ها تاکید کرد: باید برنامه‌ای پیش‌بینی شود که ساخت‌وسازها طبق برنامه‌ریزی انجام شود و پروژه‌ها طبق زمانبندی مدنظر به پایان برسد که برای رسیدن به این امر مهم نیازبه برنامه دقیق و مدون داریم. بر اساس آمار، این موضوع ثابت شده است که چنانچه یک درصد در ساخت و ساز پیشرفت داشته باشیم به همان اندازه در توسعه کشور مؤثر خواهیم بود و از سوی دیگر تأخیر در اتمام پروژه‌ها سبب افزایش نرخ بیکاری، کاهش رفاه اجتماعی و در نهایت افزایش تورم در کشور می‌شود.

رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران در ادامه به برخی از پروژه‌های شهرداری تهران اشاره کرد و گفت: ادامه پروژه حکیم و اتصال آن به تونل شهدای غزه در شهریور ۹۴، پروژه امام علی و اتصال آن به فیاض‌شیرازی تا شهریور ۹۵، پروژه دولت‌آباد (شهید رستگاری مقدم) و اتصال آن به بزرگراه امام رضا(ع)، تقاطع امام علی و جانبازان تا سال ۹۴، پروژه دسترسی شهر آفتاب تا اسفند ۹۴، پروژه ساخت کانال سرخه حصار و همچنین مقاوم‌سازی ۸ پل توسط معاونت فنی و عمرانی در سال ۹۴ از جمله پروژه‌هایی هستند که در دستور کار شهرداری قرار گرفته‌اند.

شاکری همچنین آمار سالانه بررسی پرونده در کمیسیون ماده ۱۰۰ را یک هزار فقره اعلام کرد و افزود: شهرداری تهران در این زمینه بنایی برای کسب درآمد ندارد.

وی در ادامه به طرح جدید شهرداری تهران در زمینه ساخت پارکینگ‌های تعهدی در محلات اشاره کرد و گفت: این پارکینگ‌ها با همکاری معاونت شهرسازی و شرکت نوسازی برای حل معضل پارکینگ ساخته خواهد شد.

رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران همچنین درباره ساماندهی برج آزادی یادآور شد: عملیات آب‌بندی طبقات همکف و زیرزمین در دستور کار قرار گرفته است تا از وارد شدن هرگونه آسیبی به برج جلوگیری شود.

سیزدهمین جشن امضای لاک پشت پرنده برگزار می‌شود

سیزدهمین فهرست لاک‌پشت پرنده، دوشنبه ۱۸ خرداد رونمایی می‌شود.

دبیرخانه لاک‌پشت پرنده که طی دو سال گذشته، اقدام به انتخاب برترین کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان کرده است، سیزدهمین فهرست خود را ۱۸ خرداد اعلام می‌کند. بنابر اعلام دبیرخانه لاک پشت پرنده، اولین فهرست این جایزه در سال جاری، کتاب منتخب شش لاک پشتی نیز دارد و کودکان و نوجوانان می‌توانند با نویسندگان کتاب‌های مورد علاقه‌شان دیدار و گفت‌وگو کنند.

گفتنی است تعدادی از نویسندگان و مترجمانی که کتاب‌هایشان در حوزه کودک و نوجوان دسته‌بندی شده و موفق به کسب لاک‌پشت پرنده شده‌اند، در این مراسم حضور دارند تا ضمن معرفی و روخوانی بخشی از آثارشان برای مخاطبان، کتاب‌های خود را نیز برای علاقه‌مندان امضا کنند.

علاقه‌مندان برای شرکت در این برنامه که دوشنبه ۱۸ خرداد، ساعت ۱۸ برگزار می‌شود، می‌توانند به خیابان دکتر شریعتی، بالاتر از تقاطع مطهری، نبش کوچه کلاته، فروشگاه مرکزی شهرکتاب مراجعه کنند.

کوتاه آموزشی

استقبال دانشگاه آزاد از تشکیل کمیته بررسی صلاحیت و تایید روسای دانشگاه‌ها

رییس دانشگاه آزاد اسلامی ضمن استقبال از تشکیل کمیته بررسی صلاحیت و تایید روسای دانشگاه‌های کشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، گفت: این کمیته درباره روسای دانشگاه‌های مراکز استان دانشگاه آزاد اسلامی نیز تصمیم خواهد گرفت.

به گزارش مرکز حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر حمید میرزاده، در پاسخ به این سوال که آیا انتخاب روسای واحدهای بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی نیز به عهده این کمیته خواهد بود، بیان کرد: اعضای این کمیته در حقیقت اعضای منتخب شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند که برای تعیین روسای دانشگاه‌ها اقدام می‌کنند، این کمیته درباره روسای دانشگاه‌های مراکز استان دانشگاه آزاداسلامی نیز تصمیم خواهد گرفت. وی افزود: دانشگاه آزاداسلامی نیز در آن کمیته عضویت و حق رای دارد. البته باید این نکته را هم خاطرنشان کرد که پیش از این نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره ریاست دانشگاه‌های مرکز استان دانشگاه آزاد اسلامی تصمیم می‌گرفت.

نحوه اجرای طرح سرباز تکنیسین

رئیس دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای با تشریح طرح سرباز تکنیسین گفت: از طریق این طرح یک فرایند چند ساله تحصیل دانشجو در دانشگاه مهارتی و اشتغال در صنعت به عنوان سربازی محسوب می‌شود.

مسعود شفیعی در گفت‌وگو با فارس، گفت: در مدل مهارتی فنی‌وحرفه‌ای، دانش‌آموز پس از فارغ‌التحصیلی از دوره دبیرستان وارد دانشگاه می‌شود و دو سال در مقطع کاردانی تحصیل می‌کند و پس از آن باید جذب صنعت شود تا بتواند مهارت کافی را برای شناسایی نیازها کسب کند.

وی افزود: در این مدل دانشجو پس از گذراندن ۲ سال اشتغال در صنعت به دانشگاه وارد شده و در مقطع کارشناسی ناپیوسته تحصیل می‌کند ولی ممکن است در این مدت دو سال این دانشجو در سن سربازی قرار گرفته و دیگر نتواند در صنعت مشغول شود که برای پیشگیری از توقف در تحصیل این دانشجویان طرح سرباز تکنیسین را مطرح کردیم.

انتشار اطلاعیه آزمون استخدامی آموزش و پرورش بزودی

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش با بیان این که ضوابط، جداول مواد و رشته‌های آزمون استخدامی آماده شده و باید به تایید سازمان مدیریت برسد تا اعلام کنیم گفت: پیش بینی می کنیم حداقل تا دو هفته آینده اطلاعیه مربوط به استخدام را منتشر کنیم.

به گزارش ایسنا، سید محمد بطحایی در پاسخ به پرسشی درباره اینکه وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود "همه آنچه تا کنون درباره استخدام در آموزش و پرورش اعلام شده صحت ندارد" گفت: مجوز استخدام را از سازمان مدیریت و برنامه ریزی اخذ کردیم و ضوابط، جداول مواد و رشته‌های آزمون هم آماده شده و باید به تایید سازمان مدیریت برسد تا اعلام کنیم. وی افزود: آنچه در خبرها به نقل از دکتر فانی بیان شده به این دلیل است که برخی افرادسودجو سایت‌های دروغینی را افتتاح کرده و نسبت به ثبت نام اقدام کرده بودند.

نمایشگاه کتاب و اسناد قیام ۱۵ خرداد گشایش یافت



آیین گشایش نمایشگاه کتاب و اسناد قیام ۱۵ خرداد، به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد این نهضت، عصر دهم خرداد با حضور حجت الاسلام رحیمیان تولیت آستان مقدس مسجد جمکران و از مبارزان قیام ۱۵ خرداد و محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری در گالری ابوالفضل عالی حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری، محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری، در آغاز این مراسم طی سخنان کوتاهی ضمن گرامی داشتن یاد و خاطره امام و شهدای قیام ۱۵ خرداد اظهار کرد: شهدای این قیام از پیشگامان نهضت انقلاب اسلامی بودند و حق بزرگی بر گردن ما دارند.

مومنی شریف افزود: افتخار بزرگی است که امروز در خدمت حاج آقا رحیمیان هستیم، کسی که این توفیق را داشتند سال‌های سال در امر مبارزه بر علیه طاغوت در کنار امام باشند. خیلی خوشحالیم که این نمایشگاه با حضور ایشان افتتاح می‌شود. رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی در پایان گفت: برگزاری نمایشگاه به مناسبت قیام ۱۵ خرداد یکی از اقداماتی است که همه ساله توسط حوزه هنری صورت می‌گیرد. این نمایشگاه در هر سال به فراخور شرایط با تنوع و گوناگونی موضوعات و رویکردهای ویژه‌ای برگزار می‌شود و من از همه دست‌اندرکاران برگزاری این نمایشگاه صمیمانه تشکر می‌کنم.

نمایشگاه کتاب و اسناد «آئینه نهضت» تا ۱۲ خرداد در گالری ابوالفضل عالی حوزه هنری دایر خواهد بود و علاقه‌مندان می‌توانند در این روزها از ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه تا ۱۶ از این نمایشگاه دیدن کنند. گالری ابوالفضل عالی در طبقه همکف حوزه هنری واقع شده است.

برپایی نمایشگاه‌عکس‌های‌دیده نشده از ارتحال امام خمینی(ره) در حوزه هنری

نمایشگاه «سرو خرامان» از شنبه ۹ خرداد در گالری شماره یک خانه عکاسان ایران افتتاح شد.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، به مناسبت سالروز درگذشت ارتحال ملکوتی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، نمایشگاه عکسی از سوی خانه عکاسان حوزه هنری انقلاب اسلامی برپا شد.

این نمایشگاه که عکس‌های دیده نشده از ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی (ره) به نام «سرو خرامان» است،شامل ۳۶ اثر از ۱۰ هنرمند عکاس کشورمان به نام های اصغر آهار، حافظ احمدی، حمیدرضا حسن زاده، یوسف گرامی، علی کاوه، فتح الله محمودی، اکبر منصور فلاح، علی حاتمی، جواد سیدآبادی و ابراهیم نبی پور می‌شود. علاقه مندان برای دیدن این عکس‌ها می‌توانند تا ۲۷ خرداد از ساعت ۹ تا ۱۸ به گالری شماره یک خانه عکاسان ایران واقع درانتهای خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ، حوزه هنری انقلاب اسلامی حضور به هم رسانند،همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند به سایت www.iranipic.ir مراجعه کنند.

شاهنامه‌خوانان تجلیل شدند

ویژه‌برنامه آیینی شاهنامه‌خوانی «طلوع ماندگار»، شامگاه یکشنبه دهم خردادماه با هدف بازنگری و احیای سنت شاهنامه‌خوانی و نقالی در فرهنگسرای فردوس برگزار شد.

به گزارش ایسنا، در ابتدای مراسم احسان کاظم مدیر مراکز فرهنگی هنری منطقه ۵ و رییس فرهنگسرای فردوس ضمن ابراز خرسندی از حضور شاهنامه پژوهان بنام در این برنامه اظهار کرد: معرفی بیش از پیش فرهنگ و میراث بزرگ ایرانی در حوزه های مختلف بویژه ادبیات همواره صدرنشین برنامه های این منطقه است. در ادامه این مراسم آیینی که اجرای آن را مرشد محسن میرزاعلی بر عهده داشت، یاسر موحدفرد دبیرکل بنیاد فردوسی با بیان این که مدیون شاهنامه فردوسی هستیم، گفت: فردوسی یکی از افرادی است که پیوستگی را میان تمدن ایران و تمدن اسلام ایجاد کرد و آن را در یک منظومه داستانی درآمیخت که شاید بسیاری آن را افسانه بدانند در حالی که بخش اعظمی از تاریخ ایران و جهان است. وی با اشاره به اثربخشی فردوسی در کتاب هایی همچون شاهنامه، حماسی نامه و فتوت نامه ها گفت: بسیاری از هنرمندان بنام دو اثر قرآن نگاری را که سخن خداوند و شاهنامه نگاری را که سخن سخنگوی پارسی است بدون درج نام خود خلق می کردند که این خود گویای احترام ویژه ای بود که برای این دو کتاب قائل بودند.او در بخشی دیگر از سخنانش گفت: همچنین در هر دوره‌ای اگر پادشاهی می‌خواست حشمت و بزرگی خود را نشان دهد و در تاریخ ثبت کند، به خوشنویسی و نگارگری قرآن کریم و شاهنامه می‌پرداخت.این پژوهشگر هنر دینی ادامه داد: شاهنامه فردوسی علاوه بر آموزه های اخلاقی ایرانیان از آموزه های اسلامی نیز برخوردار است که در لا به لای سخن پهلوانان و فرمانروایان درستکار درج شده است.موحدفرد تصریح کرد: با پژوهشی مختصر شاهد اثرگذاری اندیشه فردوسی در دیگر آثار تمدنی بویژه ادبیات خواهیم بود؛ همچنین بسیاری از بزرگان اندیشه همواره بر مقام و جایگاه فردوسی اذعان داشتند.وی با اشاره به اینکه متاسفانه آیین ها و هنرهای ایرانی از سوی مردم و مسوولان مورد کم توجهی قرار گرفته است، افزود: آنچه جامعه، کشور و ملت را ماندگار می کند فرهنگ، هنر و مذهب است، اگر این رسوم و افکاری را که بسیاری از نسل ها داشتند منتقل نکنیم قطعا دچار گسست فرهنگی خواهیم شد.

در پایان این مراسم با حضور فریدون جنیدی شاهنامه پژوه و رییس بنیاد نیشابور، یاسر موحدفرد دبیرکل بنیاد فردوسی، احسان کاظم مدیر مراکز فرهنگی هنری منطقه ۵ و رییس فرهنگسرای فردوس، محمدرضا یوسفی نویسنده کودک و نوجوان و بازآفرین داستان های شاهنامه و پیمان بزرگ نیا دبیر برنامه آیینی طلوع ماندگار از مقام هنری استاد ابوالقاسم دهقان شاهنامه خوان پیشکسوت تجلیل و قدردانی شد. همچنین با اهدای لوح تقدیر از دیگر نقالان و شاهنامه خوانان حاضر در برنامه همچون موسی موسوی، فواد حسینی، قدرت میرزاپور عاشیق مطرح موسیقی آذربایجان، فرنگیس طوسی، موسی صحرا روشن، حامد قویدل، علی آمارلو، حامد علی زاده، وحید علی زاده، دامون شیش بلوکی و کاظم یوسفی تجلیل شد .

برگزاری همایش نمایش‌های خیابانی به مناسبت سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)

دفتر تئاتر خیابانی مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، در نیمه خرداد همایش نمایش‌های خیابانی "معراج نور" را برگزار می‌کند.

به گزارش صحنه، دفتر تئاتر خیابانی مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری به مناسب سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) و نیز سالگرد قیام خونین ۱۵خرداد، همایش نمایش‌های خیابانی "معراج نور" را از ۱۳ تا ۱۵ خرداد برگزار می‌کند.

در این همایش، پنج عنوان نمایش در ۳ روز توسط کارگردان‌های نام‌آشنای تئاتر خیابانی در مرقد مطهر حضرت امام(ره) و محوطه مجموعه تئاتر شهر برای عموم اجرا می‌شوند. نمایش‌های "پانزده خرداد" به کارگردانی علی عمرانی و "لکه سرخ بر برگ سبز" به کارگردانی شهاب راحله با موضوع قیام پانزده خرداد، تولید و آماده اجرا شده‌اند.

همچنین نمایش‌های "پرواز" به کارگردانی علی محمد رادمنش، "طلوع خرداد" کاری از روح‌الله سنایی و نیز "بی‌نشان" اثری از پژمان کاشفی با محوریت موضوعی شخصیت حضرت امام(ره) اجرا می‌شوند. نمایش‌های خیابانی همایش "معراج نور" در نوبت‌های صبح و عصر در مرقد مطهر حضرت امام(ره) و محوطه مجموعه تئاتر شهر اجرا خواهند شد.

شماره های جدید «نامه شورا» منتشر شد



شماره های۷۹و۸۰ ماهنامه«نامه شورا» منتشر شد.

هفتاد و نهمین شماره از ماهنامه«نامه شورا» در ۸۸ صفحه و با ارایه نکات و اخبار مهمی چون دیدگاه های مقام معظم رهبری درباره محیط زیست، منابع طبیعی و فضای سبز؛ دیدگاه های رییس جمهوری در اجلاس وزیران علوم کشورهای عضو جنبش عدم تعهد؛ سخنان دکتر محمدرضا مخبر دزفولی –دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در اجلاس رؤسای دانشگاه های علوم پزشکی کشور و نیز گفتگو با دکتر کبری خزعلی– ریس شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و خانواده، دکتر حسن غفوری فرد– رییس هیأت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دکتر محمدباقر خرمشاد و آیت الله قربانعلی دری نجف آبادی و تنی چند از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شد.

در هشتادمین شماره نشریه «نامه شورا» مطالبی درباره ظرفیت‌های فرهنگی مساجد و ارایه نمونه آرمانی مساجد، توسعه و انسان‌های توسعه یافته، ملاحظاتی درباره علوم انسانی و اجتماعی، اخبار شورای عالی انقلاب فرهنگی و دیدگاه های بزرگانی چون دکتر ابوذر ابراهیمی ترکمان– رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دکتر ابراهیم زرگر– رییس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، حجت الاسلام و المسلمین مصطفی میرلوحی– عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق، دکتر محمدحسین فرهنگی، عضو هیأت رییسه مجلس شورای اسلامی، خانم مینو اصلانی– رییس بسیج زنان کشور، مهندس مهدی نوید ادهم و دکتر رضا داوری اردکانی درباره این موضوعات را می خوانید . نامه شورا، به همت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی هر ماه منتشر می‌شود و در پایگاه WWW.SCCR.IR نیز قابل مشاهده است.

با وجود این همه خار...



افشین علا

هرحنجره ای که درراه اختلاف افکنی کارکند، بلندگوی دشمن است. (امام خامنه ای)

بعدازانتشارشعر"خاتم خوبان"خیل بیشماری از پاکان وبزرگان ونیکان بنده رامورد لطف وعنایت خودقراردادند.اماگروهی اندک نیززبان به ناسزاو شماتت بی دلیل گشودند. آن هم باپنهان شدن در پشت عناوین ارجمندی چون ولایت فقیه وبازدن انگ های نخ نمایی چون شاعرفتنه!...ضمن سپاس واحترام به دغدغه های هردوی این گروه ها،به ویژه آنان که دلسوزان حقیقی نظام ورهبرو ملتند،این شعرراخطاب به گروه دوم سرودم که به باور من ناخواسته جزبه نقارودشمنی بین بزرگان وآحادملت نمی اندیشند. هرچندتاحدودی درکشان میکنم وبه حکم هموطنی وهمکیشی دوستشان هم دارم.اماچه خوبست هرچه زودتربه خودآیندو دراین روزگارتوطئه و جنایت علیه اسلام توسط بیگانگان وجنایتکارانی چون داعش،دست کم در دایره مرزهای ایران عزیزدست ازاشاعه نفرت،بدزبانی،تهمت واختلاف‌افکنی بردارند.قضاوت را به مخاطبان فرهیخته و درد آشنا می‌سپارم که بگویند براستی درد دل ما به صواب وصلاح ملک و دین نزدیکتراست یاکینه توزی ونفرت پراکنی اینان؟!

تو را اگر چه به انکار ما زبان‌باز است
ز ما به روی تو آغوش مهربان بازاست
ازآن به دامن شعرم غبار ننشیند
که راه صدق میان دل وزبان بازاست
نصیحتی کنمت:منع کار خیر مکن!
که کارنامه ما نزد این و آن باز است
دمی تو کرکره فتنه را فروآور
نترس! تا ابدالدهر، این دکان باز است
نریز هیزم از این بیشتر در این آتش
ازاین تنور،به دوزخ دری نهان بازاست
ز هتک حرمت عشاق،ارتزاق نکن
که راه های دگر بهرآب ونان بازاست
چرا شکایت دل را به رهبرم نبرم؟
که سفره دل ما بهر دوستان باز است
تو درد خویش به دشمن بگوکه من غم دل
به دوست گفتم و این باب، همچنان باز است
تو رشک برسخنم می‌بری چو می‌بینی
مرا به رغم خطر،عرصه بیان باز است
تو خشمگین شدی از آن زمان که رهبر گفت:
"از این طرف که منم راه کاروان باز است"
به خود خلاصه نکن ساحت ولایت را
که آستانه او همچو کهکشان باز است
اگر که فاصله افتاد، بین اهل خرد
گمان مبرکه تو را ره در این میان باز است
دریچه‌ای چو ببندد زمانه بین یلان
هزارویک دردیگرمیان شان باز است
سخن تمام کنم: با وجود این همه خار
همیشه راه خراسان و اردکان باز است!

آغاز توزیع کارت کنکور از ۱۷ خرداد

مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور از توزیع کارت آزمون سراسری ۹۴ از روز یکشنبه ۱۷ خردادماه خبر داد.

حسین توکلی در گفت‌وگو با ایسنا،گفت:کارت شرکت در آزمون سراسری ۹۴ داوطلبان گروه‌های آزمایشی علوم ریاضی و فنی،علوم تجربی،علوم انسانی،هنر و زبان‌های خارجی از یکشنبه ۱۷ خردادماه لغایت چهارشنبه،۲۰ خردادماه روی سایت سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.org قرار داده می‌شود.

مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور درمورد تعداد داوطلبان ثبت‌نام کننده اظهار کرد:با توجه به آمار علاقه‌مندان به گروه آزمایشی هنر و زبان‌های خارجی از سایر گروه ها و همچنین تعداد داوطلبان ثبت نام کننده برای برگزاری آزمون سراسری ۹۴،یک میلیون و ۲۹ هزار و ۲۶۷ کارت شرکت در آزمون صادر شده است و آزمون نیز با این تعداد داوطلب برگزار می‌شود.

وی درمورد زمان برگزاری آزمون نیز توضیح داد:آزمون داوطلبان علوم ریاضی و فنی و علوم انسانی در صبح روز پنجشنبه،۲۱ خردادماه،آزمون گروه هنر در عصر پنجشنبه ۲۱ خردادماه،آزمون گروه آزمایشی علوم تجربی در صبح روز جمعه،۲۲خردادماه و آزمون گروه آزمایشی زبان‌های خارجی در عصر جمعه ۲۲خردادماه در ۳۶۵ شهرستان و ۴۶۳ حوزه امتحانی برگزار می‌شود.

اعطای ۳۰ هزار فقره تسهیلات برای بازسازی بافت‌های فرسوده

وزیر راه و شهرسازی گفت:در دو ماه ابتدای سال جاری ۳۰ هزار فقره تسهیلات ۵۰ میلیون تومانی بافت فرسوده از سوی ۵ بانک عامل پرداخت شده است، گفت: امیدواریم تا پایان امسال ساخت و نوسازی ۳۰۰ هزار واحد مسکونی در بافت‌های فرسوده محقق شود.

عباس آخوندی در حاشیه مراسم امضای تفاهم نامه همکاری های مشترک بین وزارت راه و شهرسازی و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در مورد اعطای تسهیلات بافت‌های فرسوده گفت: در این مورد مرتب با بانکهای عامل جلسه داریم و تاکنون از ۲۵ بانک عامل، فقط پنج بانک اعطای تسهیلات را آغاز کرده‌اند.

وی همچنین در این مراسم گفت : مهمترین وظیفه ما در وزارت راه و شهرسازی در حوزه اجتماعی بازخوانی نقش زنان در حوزه شهری و توانمندسازی آنان است تا بتوانیم زندگی مناسبی را برای خانواده ها به وجود آوریم.

وزیر راه و شهرسازی گفت: حفظ عزت زنان و خانواده در مسایل مختلف امور شهرنشینی و تسهیل تردد آنان با وسایل حمل و نقل دریایی، زمینی، ریلی و هوایی ضروری است.

به گزارش ایرنا، عباس آخوندی همچنین افزود: وزارت راه آمادگی دارد علاوه بر رفع مشکلات زنان و خانواده، در حوزه فعالیت های شهرسازی مشکلات این قشر از جامعه را برطرف کند.وی با بیان اینکه در آستانه یک بازخوانی مجدد نقش زنان و توانمندسازی آنان در بافت های شهری هستیم، اظهار داشت: توانمندسازی زنان در امور خانواده نباید حفظ حریم آنها را خدشه دار کند زیرا زنان در زندگی شهری و رفع مشکلات آن نقش مهمی ایفا می کنند.وزیر راه و شهرسازی اظهار داشت: با این حال وضع مسکن زنان، سکونتگاه های آنان، عرضه مناسب تولیدات زنان در بازارچه ها و نحوه داد و ستد آنان باید بدون مسایل سیاسی به صورت فرآیندی مناسب در زندگی معمول شهری دنبال تا عزت خانواده ها و زنان حفظ شود.

پیش بینی کاهش ۳ درصدی نرخ ارز تا پایان سال جاری

_با توجه به اثر مستقیم تورم در نرخ ارز ،همچنان اولویت اول بانک مرکزی مهار نرخ تورم خواهد بود و پیش بینی می کنیم که تا پایان سال این نرخ را به کمتر از ۱۵ درصد کاهش یابد؛همچنین با توجه به کاهش قابل توجه نوسان ارز در سال ۹۳ و ادامه این سیاست در سال جاری، پیش بینی می کنیم که نرخ ارز تا پایان سال با تضعیف دو تا سه درصدی همراه باشد.

_اخطار به بانک هایی که از دستورالعمل نرخ سود شورای پول و اعتبار سرپیچی می کنند، شروع شده و در صورت لزوم اسامی آنها اعلام خواهد شد.

به گزارش ایرنا، اکبر کمیجانی قائم مقام بانک مرکزی که در دومین روز از بیست وپنجمین همایش سالانه سیاست های پولی و ارزی سخن می گفت،ضمن اعلام این مطالب،با اشاره به مصوبات اخیر شورای پول و اعتبار در رابطه با ساماندهی نرخ سود بانکی و سایر اجزای آن به عنوان سیاستی در راستای کنترل و مهار تورم در سال جاری افزود: با وجود تمام انتقاداتی که نسبت به تعیین دستوری نرخ سود می شود، اما باید قبول کرد که شرایط فعلی اقتصاد کشور آنقدر طبیعی نیست که بتوان نرخ ها را به بازار واگذار کرد.

به گفته وی، بانک مرکزی با استفاده از نظرات کارشناسی و تدابیری که در پیش گرفت، سعی کرد تا با کمک بانک ها نرخ سودی تعیین شود که کمترین آسیب را به اقتصاد کشور وارد کند.

قائم مقام بانک مرکزی با انتقاد از سرپیچی برخی بانک ها از نرخ های سود مصوب شورای پول و اعتبار تاکید کرد: برخورد با این بانک ها از طریق اخطار دادن به آنها آغاز خواهد شد و در صورت لزوم رسانه ای می شوند؛ این در حالی است که اینگونه اقدامات برای آنها بسیار پرهزینه است.

وی به مردم توصیه کرد فریب دریافت نرخ سود بالاتر را نخورند، زیرا اصل سرمایه ممکن است در خطر باشد، زیرا بانک مرکزی هیچ تضمینی مقابل عملکرد موسسات غیرمجاز ندارد.

این مقام مسئول افزود: این موسسات زندگی پر مخاطره برای اقتصاد ایجاد کردند، اگر لازم باشد، اخطارها رسانه ای خواهد شد و همچنین موسسات و بانک ها باید به نرخ سود پایبند باشند، زیرا تخلف از این سیاست پرهزینه خواهد بود.

وی با اشاره به افزایش اضافه بدهی بانک ها به بانک مرکزی در سال گذشته و نقش عمده آن در افزایش پایه پولی گفت: البته بخش اعظمی از این اتفاق به دلیل ادامه سیاست های نه چندان کارشناسی گذشته بوده و با توجه به تعهداتی که برعهده بانک ها قرار گرفت و آنها هم به دلیل مضیقه مالی نتوانستند از پس آن برآیند، ناچار به استفاده از منابع بانک مرکزی و اضافه برداشت شدند که بدهی آنها را افزایش داد. کمیجانی گفت: بخش دیگری از افزایش بدهی بانک ها به اوراق مشارکت منتشر شده در سال‌های گذشته بود که سررسید آنها فرا رسیده و بانک ها باید برای پرداخت تعهدات خود بخشی از آن را از طریق اضافه برداشت تامین می کردند.

وی با بیان اینکه جهت گیری‌های مناسبی برای ساماندهی اضافه برداشت بانک ها در دستور کار بانک مرکزی قرار دارد، گفت: در عین حال بانک‌های متخلف یا منحرف از چارچوب تعیین شده مورد تنبیه قرار خواهند گرفت.قائم مقام بانک مرکزی ادامه داد: برای حمایت از خروج از رکود سیاست‌های اعتباری باید مورد توجه قرار می‌گرفت و برای تامین سرمایه در گردش بنگاه‌های خرد و متوسط در سال جاری مورد عنایت است.

وی با اشاره به اینکه سرمایه در گردش صنعت در مرز ۸۱ درصد و بنگاه های متوسط در مرز ۶۱ درصد مد نظر است، تصریح کرد: اوراق مشارکت نزد بانک ها پارسال ۱۹۸ هزار میلیارد بوده است.از سوی دیگر همچنین در دو ماه اخیر ۳/۹ درصد نرخ ارز تضعیف شده که آرامش در بازار مشاهده می شود.

نامبرده با بیان اینکه شتاب تورم سال ۹۳ را در سال ۹۴ نخواهیم داشت، اظهار داشت: تا الان پیش بینی می شود این نرخ برای سال جاری ۱۳ تا ۱۴ درصد باشد و تلاش این است که به سمت تک رقمی شدن این نرخ برویم.

وی با بیان اینکه شاخص بهای تولیدکننده ۱۲/۹ درصد بوده است، اضافه کرد: تورم نقطه به نقطه در دوره مورد بررسی به ۸ درصد رسیده و همچنان شاهد کاهش تورم تولید کننده هستیم.

کمیجانی با اشاره به اینکه رشد نقدینگی ۲۱ درصد هدف گذاری شده است، افزود: در سال ۹۵ ورود به تورم تک رقمی خواهیم داشت و همچنان یکی از سیاست های اصلی بانک مرکزی کنترل تورم است.

وی به موضوع سیاست های پولی و اعتباری اشاره کرد و یادآور شد: این سیاست ها با محوریت مهار تورم و کاهش و ایجاد ثبات نرخ ارز و حمایت از بنگاه ها برای خروج رکود مطرح است و سال گذشته سیاست ها در جهت مقاوم سازی اقتصاد براساس رویکرد اقتصاد مقاومتی، انضباط پولی و مالی مورد توجه بود و برای تحقق آن مجموعه ای از سیاست ها اتخاذ شد که بر اساس ارزیابی و مطلب سنجی بوده است. وزیر راه و شهرسازی هم در این همایش با انتقاد از شیوه فعلی اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها گفت: پرداخت نقدی یارانه‌ها به تمام اقشار جامعه نه تنها مشکلی را برطرف نمی‌کند، بلکه به تولید ملی آسیب زده است.

به گزارش فارس، عباس آخوندی اظهار داشت: بر سر دو راهی سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور قرار داریم که باید یک راه را انتخاب کنیم و این مسیر برای دولت بسیار پیچیده است.

وی افزود: اولین دو راهی سیاست اقتصاد کلان، نحوه اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در کشور بود که منجر به این مسئله شد تا بودجه دولت یا صرف پرداخت حقوق و دستمزد شود یا پرداخت نقدی یارانه‌ها انجام شود. وزیر راه و شهرسازی با تأکید بر اینکه با این روش هدفمندی بودجه دولت به عنوان یک اهرم برای تعادل‌بخشی به اقتصاد ناکارآمد شده است، افزود: با ادامه شیوه فعلی هدفمندی تنها طرف تقاضا را تحریک کرده و طرف عرضه را سرکوب کرده‌ایم که هم آثار تورمی دارد و هم اینکه درنهایت منجر به افزایش تولید نخواهد شد.

وی درباره بخش مسکن و لزوم اهمیت برای حمایت از آن، تصریح کرد: در این حوزه فرمولی را ارائه خواهیم کرد که اقشار متوسط جامعه با سرمایه اندک نسبت به تأمین مسکن اقدام کنند.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۹/۹۴ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۶۴/۸۰ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۶۰/۷۴ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۰۳ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۳۰۵۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۳۱۵۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۴۷۶۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۶۶۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۸۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۵۱۵۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۱۹۳۵ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۸۸۹ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۳۱۲ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۱۶۴ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۶۶۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۴۱۷/۶تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۱۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۷۸۶/۶ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۱۰ تومان

سامانه اعلام نرخ ارز راه اندازی شد

سامانه اعلام نرخ ارز پیرو ابلاغ دستورالعمل مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی ها و الزام بانک مرکزی در سایت کانون صرافان ایرانیان راه اندازی شد.

به گزارش ایرنا، در این سامانه نرخ ارز از ساعت ۱۰ صبح و به صورت هر یک ساعت یکبار برای خرید و فروش نقدی اعلام می شود؛البته در حال حاضر قیمت خرید وفروش دلار، یورو و درهم امارات در این سامانه درج می شود.

طبق ماده هشت مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی ها، کانون صرافان مکلف شده بود در محدوده زمانی مندرج در ماده (۴) این مقررات هر یک ساعت یک بار میانگین موزون نرخ خرید صرافی ها و میانگین موزون نرخ فروش صرافی‌ها را محاسبه و در تارنمای خود اعلام کند.

نرخ های اعلام شده میانگین موزون معاملات انجام شده در یک ساعت است و شامل معاملات کل روز نمی شود. همچنین براساس ماده (۹) آخرین نرخ محاسبه شده به شرح ماده (۸) فوق، نرخ پایانی روز کاری خواهد بود.نرخ شروع بازار در روز کاری بعد هم نرخ پایانی بازار در روز کاری قبل با دامنه تغییرات ۰,۲ ± درصد خواهد بود.کانون صرافان موظف است تا ساعت ۱۱ هر روز میانگین موزون نرخ ارز روزانه کل خریدها و میانگین موزون نرخ ارز کل فروش ها در روز کاری قبل را محاسبه و در تارنمای خود قرار دهد. اطلاعات مربوط به نوع ارز، نرخ ارز و حجم معاملات انجام شده،از طریق سامانه سنا در اختیار کانون صرافان قرار خواهد گرفت.

اطلاعیه ستادمرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (ره) درباره افتتاح پروژه ملی حرم مطهر

بقیه از صفحه ۱۱

و به همین دلیل نیز برجسته ترین آثار معماری و هنری هر دوره ای از تاریخ اسلام و تشیع را شما در همین طراحی های عالی معماری بیرونی و داخلی این گونه اماکن مذهبی می بینید و هیچگاه کسی این عظمت گنبدها، گلدسته ها و بناها و نقش های زیبای داخل این بناها را در تضاد با زهد و ساده زیستی بزرگان مدفون در آنها ندانسته است. آری، در کنار خانه امام وجود رستوران، تالار و فروشگاه، شاید وصله ناچسب باشد ولی در حرم او با نگاه به نیاز مردم، این یک واجب کفایی یا عینی مسئولان و متمکنین است که برای تأمین آن اقدام کنند .

ایجاد صحنها و فضاهای حرم برای آسایش مردم

با اینکه مسئولان حرم در سالهای گذشته به خاطر عملیات ساختمانی در حرم، سیاست تبلیغ و تشویق مردم برای حضور در حرم –به جز ایام سالگرد امام –نداشتند و در سالهای اخیر حتی بسیاری از برنامه ها و مناسبت ها به همین دلیل لغو شده بود یا بدون اعلام عمومی و محدود برگزار می شد در عین حال در شب های تابستان غیر از جمعیتی که با مترو و وسایل عمومی به حرم می‌آیند ،در پارکینگ‌های حرم حدود ده هزار خودرو پارک می شده است. مردمی که از بهشت زهرا و عمدتاً از شهرستان ها و راه های دور به حرم آمده‌اند در چادرهای صحرایی در محوطه و فضای سبز بیرون صحنها اطراق می کنند. در ایام عید روزانه نزدیک به صدهزار نفر زائر به حرم می‌آید. آیا این جمعیت ها نیاز به مراکز خدماتی ندارند؟ آیا احداث امکاناتی از قبیل درمانگاه، زائرسرا، فروشگاه مواد غذایی، سالن های غذاخوری، هتل، تالار مراسم، پارکینگ، سرویس بهداشتی، حمام، فرهنگسرا، موزه، مراکز امنیتی مانند نیروی انتظامی، پست، تلفن، سایه بان و امثال آن در زمرهٔ نیازهای مردم نیست؟ این مردم با کرامت و بزرگوار، زائرین امام و میهمانان حرم امام هستند که برای زیارت و گذران شبی و ساعاتی با خانواده های خویش در محیطی امن و سالم به اینجا آمده اند با کدام منطق ما می توانیم بگوییم چون امام خمینی در زندگیش ساده زیست بوده است وجود این امکانات در کنار حرمش در تضاد با فرهنگ اوست؟

گفتنی است زوار و مردمی که در طول ۲۵ سال گذشته به حرم آمده اند و با تشکیلات آستان امام سروکار دارند انتظاراتشان بسیار بیش از این امکاناتی است که تاکنون ایجاد شده است و باید به آنها حق داد.

مسئولین حرم در بیست و پنج سال گذشته همزمان با پیشبرد بنای اساسی و مستحکم حرم ناگزیر بودند برای تأمین سایه بان و سرپناه موقت انواع روشها از کانکس گرفته تا چادر و قریب بیست و سه سازه موقت را برای برگزاری مراسم میلیونی سالگردها را تجربه کنند. در عین حال هر سال و هر ماه با مشکلات بزرگ مواجه بودند. البته این گونه سازه ها ساده اما موقتی و بسیار پرهزینه اند و هرگز عقلانی نخواهد بود که در احداث بنایی که تاریخ نیاز و مصرف آن موقتی نیست بلکه همیشگی و رو به تزاید است از ایجاد بنایی مستحکم برای درازمدت متناسب با پیش بینی مجموعه نیازهای فعلی و آتی صرف نظر شود و هرگز نباید ساختمان یک حرم را با ساختمان یک کارخانه یا استادیوم و پاساژ و بناهایی از این قبیل که دارای تاریخ مصرف و بهره برداری در دوره ای خاص یا فرهنگ مصرف متغیّر دارند مقایسه کرد. باید به این نکته توجه داشته باشید که ماندگاری و ارزش تمامی بناهای تاریخی و مذهبی که میراث معنوی اند مرهون تناسب و هماهنگی بین عناصری همچون هنر، معماری، هندسه و محاسبات استحکام سازه ای و انسجام و مدیریت جامع است که هر کدام مقوم و مکمل یکدیگر ند. در فراخوان طراحی حرم در کسب نظر از بهترین مشاورین و متخصصین جدید و پیشکسوتان کشور و آخرین دست آوردهای علمی استفاده شده است و بحمد الله ساختمان حرم رو به اتمام و در حال افتتاح است.

ملت بزرگوار و عزیز ایران به خوبی می دانند حضرت امام خمینی جدای از شخصیتی که نزد پیروانش به عنوان فرزندی از نسل امام موسی کاظم (ع) و یک مرجع بزرگ تقلید و فیلسوف و عارف و معمار بزرگترین انقلاب دینی در جهان معاصر و احیاگر اسلام ناب و محیی فرهنگ عاشورا و تشیع است، موسس و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی نیز هست. حضور هیاتهای رسمی از روسای دولتها و امرای کشورهای مختلف و هیاتهای عالیرتبه سیاسی و فرهنگی در حرم حضرت امام و ادای احترام رسمی به ایشان جزو برنامه های مصوب نظام و وزارت امور خارجه است. در پاویون حرم، جلسات این هیاتها با مقامات نظام و استقبال و بدرقه رسمی از این گونه شخصیتها و میهمانان رسمی خارجی جزو برنامه های همیشگی حرم است و باید متناسب با این نیازها محلی خاص (پاویون) احداث می شد که بحمدالله این بنا نیز در جوار حرم مطهر در عین سادگی به صورتی زیبا و مستحکم احداث شده است.

روز افتتاح حرم حضرت امام خمینی (س) در ۱۴ خرداد ۱۳۹۴ که با حضور صدها هزار نفر از زایران امام و در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مدّ ظلّه العالی) انجام خواهد شد، برای نسلها و قرنهای متمادی روزی تاریخی و پربرکت نه فقط برای جنوب تهران و شهر و استان تهران بلکه برای میهن عزیزمان ایران اسلامی خاطره انگیز خواهد ماند.

قالیباف: روند افزایش جمعیت حاشیه تهران باید کنترل شود

سرویس سیاسی – اجتماعی: شهردار تهران از آلودگی هوا به عنوان مهم‌ترین چالش پایتخت یاد کرد و گفت: ما در روند معیوبی برای مبارزه با عوامل تخریب محیط زیست مواجه هستیم.

دکترمحمدباقر قالیباف در نهمین کنفرانس ملی روز جهانی محیط زیست، با بیان این که مهم‌ترین نکته امروز در محیط دانشگاهی ورود به موضوعات محیط زیستی است، افزود: قوانین این حوزه بایگانی شده است و بودجه‌ها در مسیر دیگری قرار می‌گیرند.وی افزود: هنگامی که موضوع آلودگی هوا مطرح می‌شود نخستین موضوعی که در این زمینه مطرح خواهد شد، عدد و رقم‌های نجومی مالی برای رفع آلودگی هواست، درصورتی که در این باره پول موضوع سوم است و موضوع نخست، مدیریت و اصلاح هزینه‌هاست. شهردار تهران همچنین به موضوع کم آبی اشاره کرد و اظهار داشت: تجربه و علم ثابت کرده است که باید ۲۰ درصد از آب‌های تجزیه‌پذیر استفاده شود و اگر این استفاده به ۴۰ درصد برسد در وضع قرمز قرار داریم و اگر ۶۰ درصد شود در وضع بحرانی هستیم، درحالی که اکنون در کشور ما از این منابع ۸۰ درصد استفاده می‌شود.قالیباف در ادامه به سه شاخص برای ارزیابی نظامات اداری اشاره کرد و گفت: نخستین شاخص، مدیریت بحران است. کشور ما جزو شش کشور نخست دنیا است که در معرض بحران‌های طبیعی مانند زلزله قرار دارد ولی براساس ارزیابی‌های انجام گرفته در این حوزه خوب عمل نکرده‌ایم و آسیب‌ها را به حداقل نرسانده‌ایم.وی به نظم شهری اشاره کرد و گفت: رعایت انضباط شهری در تمامی حوزه‌ها از جمله حمل و نقل، حقوق همسایه و حتی پرداخت مالیات باید در اولویت قرار بگیرد.قالیباف افزود: ما در نوشته و قانون نویسی دچار مشکل نیستیم ولی قوانین درون کاغذ باقی مانده است و در اجرای آن مشکل داریم. در دشت تهران که ۱,۲ وسعت کشور را دربرگرفته ، ۲۰ درصد جمعیت کل کشور زندگی می کنند و این مغایرت از طاقت و ظرفیت این دشت خارج است و هرچقدر که اقدامی هم انجام شود باز از بحران‌های زیست محیطی خارج نمی‌شود.شهردار تهران گفت: رشد جمعیت در داخل شهر تهران ۱,۳ و در حواشی این شهر ۴,۷ است که این روند افزایش جمعیت در حاشیه شهر تهران ادامه دارد و با ادامه این روند فشارهای جمعیت بیشتر خواهد شد. لذا اگر ده‌ها کنفرانس و نشست هم برگزار کنیم، تا تدبیر لازم و اجرایی انجام نشود، تأثیرگذار نخواهد بود.

تهران میزبان دو نمایشگاه بزرگ اقتصادی

اولین نمایشگاه بین المللی دریایی کشورهای اسلامی از روز شنبه در تهران برپا می شود.

جلیل اسلامی معاون امور بندری و مناطق ویژه سازمان بنادر و دریانوردی با بیان این مطلب گفت: در این نمایشگاه که تا ۱۹ خرداد درمصلی بزرگ امام خمینی (ره) برپا خواهد بود، بخش‌های متنوعی از قبیل حمل و نقل دریایی، صنایع کشتی سازی، صنایع فراساحل نفت و گاز، خدمات دریایی و بندری، امور نظامی و دفاعی، اقیانوس شناسی و هواشناسی، الکترونیک و مخابرات، گردشگری و تفریحات دریایی، حقوق دریایی، موسسات رده بندی، بیمه و موسسات اعتباری، نقشه برداری و هیدروگرافی، محیط زیست دریایی، مناطق آزاد ویژه اقتصادی، شیلات و آبزیان، تجسس و نجات دریایی، دانشگاه ها و مراکز عالی علوم و فنون دریایی مشارکت دارند.

از سوی دیگر، نمایشگاه تخصصی تعطیلات تابستانی با حضور دهها شرکت، سازمان و صنوف مختلف گردشگری از ۲۰ تا ۲۲ خرداد در سالن حجاب تهران برگزار خواهد شد.

در این نمایشگاه توانمندی فعالان اقتصادی در ارائه خدمات گردشگری الکترونیک، خطوط هوایی، دریایی، زمینی، ریلی، توریسم سلامت، توریسم ورزشی، توریسم زیارتی، اکوتوریسم، بانک ها، بیمه‌ها، سازمان های سیاحتی و گردشگری، اتحادیه ها و انجمن‌ها، هتل ها و دهکده های توریستی، انواع تجهیزات سفری، موزه ها و کاخ موزه ها، رستوران ها و سفره های سنتی به نمایش گذاشته می‌شود.

درخواست حکم اعدام ۲ مامور خاطی فرودگاه جده

معاون پارلمانی و امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه گفت: نخستین جلسه محاکمه دو مامور خاطی سعودی، در شعبه ۷ دادگاه جنایی جده برگزار شد و دادستان درخواست حکم اعدام برای این متهمان را داشت.

حسن قشقاوی در گفتگو با مهرافزود: وکلای دو متهم و دادستان جده کیفرخواست صادره را اعلام کردند و این کیفرخواست به اتهام سنگین خیانت در امانت به عنوان پلیس و اعمال شنیع هنگام مأموریت اعلام شده است و دادستان خواستار اعدام این افراد شد.وی با اشاره به این که سرکنسول ایران در جده در این جلسه حضور داشت ، بیان کرد : متهمان و وکلای آنها شروع به دفاع کردند و ادامه جلسه به چهارشنبه هفته آینده موکول شد.

معاون وزیر امور خارجه تصریح کرد : برداشت ما این است که طرف سعودی در اقدام قانونی مسیر صحیح را در پیش گرفته است.

وی با بیان این که اکنون روند قانونی درباره این دو متهم طی می شود و نمی توانیم درباره زمان اعلام حکم اظهار نظر کنیم در پاسخ به این سئوال که آیا لغو سفر حجاج تااعلام حکم نهایی ادامه خواهد داشت، گفت: این امر یک تصمیم گیری جداگانه است و بنده فقط مسیر دادگاه در عربستان را تشریح کردم.

رونمایی از نخستین توربین گازی ساخت داخل

نخستین توربین گازی ساخت داخل که کاربرد زیادی در صنعت نفت دارد رونمایی شد.

توربین TMC-۵۲با ارتقا و بومی سازی توربین گازی سولار ستنار با توان ۴ هزار و ۵۰۰ اسب بخار در مراسمی با حضور مدیرعامل شرکت ملی نفت به بهره برداری رسید و آماده نصب در ایستگاه تقویت فشار گاز مارون یک شد.

نمونه ارتقا یافته و بومی سازی شده توربین گازی بیش از ۱۰ درصد در مقایسه با توان عملیاتی توربین های خارجی رشد داشته و ۳۰ تا ۴۰ درصد در هزینه تمام شده نسبت به نمونه های خارجی ارزانتر است.

مهندس رکن الدین جوادی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در مراسم افتتاح خط تولید این توربین گازی در مصاحبه با خبرنگاران با اشاره به تحریم های ظالمانه و یکجانبه غرب علیه صنایع نفت و گاز ایران گفت: خوشبختانه دانشمندان کشورمان از این فضا بهترین استفاده را کردند و در بخش های مختلف به دانش فنی ساخت و بهره برداری از بسیاری از این قطعات دست یافتند.جوادی افزود: آنچه مهم است و نباید فراموش شود، این است که بعد از پایان تحریم ها نباید به صنعت داخلی پشت کنیم و باید حداکثر توان داخل را بکار گیریم.

اطلاعات

نگاهی به جایگاه کوچه در معماری سنتی ایران-بخش دوم و پایانی

کوچه همیشه آشتی!

«کوچه‌های آشتی‌کنان» که هنوز تعدادی از آنها در برخی از شهرهای ایران باقی مانده، نمادی از ویژگی‌های شخصیتی ایرانیان است.

این کوچه‌ها طوری ساخته می‌شدند که فقط یک نفر بتواند از آنها عبور کند، به طوری که اگر دو نفر از دو طرف آن وارد می‌شدند، حتما با هم برخورد می‌کردند و یکیشان مجبور می‌شد به دیگری راه بدهد!

عبور از این کوچه‌ها برای آشتی دادن کسانی که با همدیگر قهر بودند، راه حل مناسبی به نظر می رسید، بنابراین اهالی محل سعی می‌کردند با تمهیدات خاص، آنان را به کوچه آشتی‌کنان بکشانند. گاهی هم به طور اتفاقی خودشان در آن کوچه به همدیگر بر می‌خوردند و ناچار می‌شدند با همدیگر رو در رو شوند که در بسیاری از موارد، این رویارویی به آشتی منجر می شد.

کوچه‌های دیگری هم در گوشه و کنار شهرهای ما وجود دارند که می‌توان معماری آنها را بخشی از فرهنگ ایرانی دانست. مثلاً کوچه تاریخی «علی‌بن یحیی» دزفول، در کنار بقعه علی‌بن‌یحیی، روبه‌روی پل قدیم شهر واقع شده است.

حال و هوای سنتی کوچه و آجرکاری‌های آن با ترکیب درخت «کُنار» که درخت بومی این منطقه است، به قطعه‌ای از شهر می‌ماند که از دل تاریخ تا به امروز باقی مانده است.

توجه به دلایلی که باعث ساخته شدن عمارت یا کوچه و محله‌ای با سبک متفاوت و ویژه می‌شود، می‌تواند آموزنده و جالب باشد. یکی از این کوچه‌ها که بیش از ۷۵ سال قدمت دارد، در تهران قرار گرفته است؛ خیابان حافظ، بالاتر از جمهوری، خیابان نوفل لوشاتو، نرسیده به سفارت فرانسه.

در دالان تاریخ

کوچه «لولاگر» مانند بسیاری دیگر از کوچه‌های قدیمی، در دارد، آن هم در هر دو طرفش. می‌شود تصور کرد یک طرف کوچه آینه بزرگی چسبانده‌اند تا عکس خانه‌های طرف دیگر در آن بیفتد.

چون هر چیزی که در طرف راست کوچه می‌بینی، عیناً در طرف چپ هم تکرار شده است.

از قبل می‌دانی که صاحبخانه‌ها با هم برادر بوده‌اند، برادرانی که لابد می‌خواستند آینه تمام نمای وجود همدیگر باشند.

این بالکن‌های کوچک که رو به روی هم ساخته شده اند، می تواند مربوط به اتاق‌های دخترعموها بوده باشد. لابد از مدرسه که به خانه می‌رسیدند، هنوز روپوش‌های ارمک سورمه‌ای و یقه سفیدشان را در نیاورده، می دویدند درهای بالکن ها را باز می کردند و برای هم دست تکان می دادند.

شاید مشق‌هایشان را هم در همان بالکن‌ها می نوشتند و مسابقه می گذاشتند که کدامشان زودتر تمام می کند.

مطمئنم که این مهتابی‌های بزرگ، مناسب‌ترین و باصفاترین جا برای گذراندن شب‌های تابستان بوده است. ردیف رختخواب‌ها زیر نور مهتاب و عبور نسیم، با قدح آب و یخ و کاسه چینی گل مرغی پر از هندوانه بالای سرشان، گرما را از یاد اهالی خانه‌ها می‌برد.

اما پنجره‌های سراسری این پنج دری‌های گرد که بی‌تردید، دل انگیزترین اتاق هردو خانه بوده است، داستان دیگری دارد.

این برآمدگی نیم دایره‌ای خانه‌ها در شکم کوچه، آنها را چند قدم به هم نزدیک‌تر می‌کرد؛ گرچه از ابتدا هم هر دو خانه، چشم در چشم و نزدیک به همدیگر ساخته شده بودند. باز کردن پنجره‌های پنج دری، گویی باز کردن دری بود به خانه همسایه؛ که غریبه نبود و فقط چند قدم آن طرف‌تر زندگی می‌کرد.

زندگی دو برادر چقدر باید با همدیگر آمیخته باشد که تصمیم بگیرند خانه‌هایشان را درست عین هم بسازند؟ درست روبه روی هم و درست قرینه یکدیگر؟ جوری که انگار همیشه، هرکدام، چشم به دیگری دوخته اند تا حواسشان به هم باشد.

تک خوری و تک پری و تنها بودن در کوچه‌ای که دو طرفش، خانه دو برادر باشد، هیچ معنایی ندارد. شکل خانه‌ها نشان می‌دهد که دل صاحبانشان چقدر به هم نزدیک بوده است؛ در هر غم و شادی، کافی بود پنجره‌ای را باز کنند تا نزدیک‌ترین کسانشان را برای تقسیم کردن احساساتشان با آنها، داشته باشند.

نابودی قرینه‌ها

کوچه لولاگر، لابد با معیارهای ۷۵ سال پیش، کوچه عریض و طویلی به حساب می‌آمده است و دو برادری که در دو طرفش زندگی می‌کرده‌اند، لابد آدم‌های متمولی بوده‌اند که خانه‌هایشان سراسر کوچه را گرفته بود.

اما امروز وقتی پا به کوچه می‌گذاری، از آن شکوه و زیبایی، جز اندکی باقی نمانده است.

پنجدری‌ها و بالکن‌ها به همان زیبایی خودنمایی می کنند، اما نمای خانه‌ها فرو ریخته و جای بعضی از درها را دیوارهای زشت سیمانی پر کرده است.

بعضی از درها، همان درهای قدیمی اند؛ این را می‌شود از جنس چوب و کلون‌ها و کوبه‌های زنانه و مردانه شان فهمید. اما در روبه‌رویی، که می‌بایست درست شبیه همان در کوبه و کلون‌دار باشد، با در آهنی بی‌قواره‌ای عوض شده است.

این را می‌فهمی، چون می‌دانی دو طرف این کوچه، روزی درست مانند هم ساخته شده بود و به همین دلیل به آن «کوچه قرینه» می‌گفتند.

در این کوچه، تمامی نماها، بالکن‌ها، سایبان‌ها، پنجره‌ها و حتی درختان کاشته شده در خانه‌ها از ابتدا به صورت قرینه و موازی ساخته شده بود.

بعدها که خانه های یکپارچه، مثل جگر زلیخا تکه پاره شد و هر پاره‌اش به دست کسی افتاد، ترکیب‌اش کم کم تغییر کرد، اما هنوز نه آن قدر که نتوانی تشخیص بدهی قبلاً چه شکلی بوده است.

یکی از کاسبان محل می گوید: مالکان خانه‌های این کوچه اجازه ندارند سرخود دست به تخریب و ترکیب خانه‌ها بزنند؛ فقط می‌توانند آنها را به همان شکل اولیه، بازسازی و مرمت کنند.

بعد به عنوان سندی بر گفته‌های خود، دو خانه سر نبش را نشانم می دهد.

راست می گوید، یکی‌شان به همان شکل قدیمی است و دیگری با هزینه صاحبش، مرمت شده است، انگار جراحی پلاستیک ماهرانه ای کرده باشد!

شاهکار استاد حسن معمار!

بنا به اطلاعات موجود در اینترنت، در حال حاضر ۳ برادر مالک اصلی خانه‌های یک طرف کوچه هستند که هنوز نه راضی به فروش و نه راضی به تخریب آن‌ها شده‌اند، اما سوی دیگر کوچه تحت تملک بیمارستان«مروستی» قرار گرفته است و معلوم نیست بیمارستان قرار است برای این فضای قدیمی و با ارزش تهران چه تصمیمی بگیرد.

جوانکی از در یکی از خانه ها بیرون می‌آید. کارگر تولیدی است و می‌گوید خانه مجاور تولیدی شان- که همان پنجدری بزرگ را دارد- هنوز تحت مالکیت صاحبخانه قدیمی است.

با هیجان، زنگ خانه بزرگ را می‌زنم. زنگ هم از همان زنگ‌های قدیمی است که فقط می‌تواند صاحبخانه را از رسیدن میهمان آگاه کند و صاحبخانه بدون آن که بداند چه کسی پشت در است، باید خودش بیاید و در را باز کند.

این اتفاق کمی به طول می‌انجامد و بعد با پیرمرد بداخلاقی مواجه می‌شوم که گویی از دست خبرنگاران فضول به ستوه آمده است! وقتی می‌فهمد من هم برای دانستن تاریخچه کوچه و گفتگو با اهالی قدیمی آن آمده‌ام، با ترشرویی می‌گوید: خوب به من چه؟ و بی‌اعتنا، در را به رویم می‌بندد. سعی می‌کنم درکش کنم!

روی ستون خانه دست راست، همان‌جا که مرد کاسب نشانی‌اش را داده بود، به دنبال یادگار نوشته معمار خانه‌ها می‌گردم و پیدایش می‌کنم. با رنگ سیاه نوشته است:

> * در کوچه لولاگر یا کوچه قرینه تهران، تمامی نماها، بالکن‌ها، سایبان‌ها، پنجره‌ها و حتی درختان کاشته شده در خانه‌ها از ابتدا به صورت قرینه و موازی ساخته شده بود و بعدها که خانه‌های یکپارچه، مثل جگر زلیخا تکه پاره شد و هر پاره‌اش به دست کسی افتاد، ترکیب‌اش کم‌کم تغییر کرد، اما هنوز نه آن قدر که نتوانی تشخیص بدهی قبلا چه شکلی بوده است

> * یکی از کاسبان محل: مالکان خانه‌های کوچه لولاگر اجازه ندارند سرخود دست به تخریب و ترکیب خانه‌ها بزنند و فقط می‌توانند آن‌ها را به همان شکل اولیه، بازسازی و مرمت کنند

> * قدیمی‌ترین پیتزا فروشی تهران با بیش از نیم‌قرن قدمت، در کوچه لولاگر قرار گرفته است

یادگار استاد حسن، ۱۹/۶/۴ . با این حساب، درست ۷۵ سال از عمر شاهکار استاد معمار می گذرد.

اگر «اوستا حسن» می‌دانست روزی قرینه‌هایی که به دقت و حساب شده نقش می‌زند، به سادگی و یکی پس از دیگری نابود می‌شوند، چه احساسی به او دست می‌داد؟

قدیمی‌ترین پیتزافروشی تهران

کوچه لولاگر یک ویژگی دیگر هم دارد که به اندازه قرینه بودنش، جذاب است و دسترسی به منابع اطلاعاتی مرتبط با آن هم کار ساده‌تری است.

چون آنها هم به اندازه علاقه‌مندان به دانستن تاریخچه کارشان، برای گفتگو علاقه مند به نظر می‌رسند. اصولاً اموراتشان هم با همین معروفیت تاریخی شان می‌گذرد، صاحبان قدیمی‌ترین پیتزا فروشی تهران!

این پیتزا فروشی که بیش از نیم قرن عمر دارد، تقریباً در انتهای کوچه لولاگر قرار گرفته است. کسانی که طعم پیتزاهای آقا داوود را چشیده‌اند، بیش از غذا، تحت تاثیر فضای متفاوت مغازه او قرار گرفته اند.

با جستجو در اینترنت، به چندین و چند خاطره از مشتریان پیتزا داوود بر می‌خوریم.

نویسنده وبلاگ «میخکوب» که از ۳۰ سال پیش، مشتری پیتزا داوود بوده است، می نویسد: پیش از اینها تمامی دیوارهای مغازه پوشیده شده بود از کارت ویزیت مشتریان آقا داوود، از پزشک و دندان پزشک و وکیل دعاوی گرفته تا کانال‌سازی و قصابی و طباخی و حتی تخلیه چاه!

تا این که حدود بیست و چند سال پیش با اعتراض اداره بهداشت و تهدید به تعطیلی مغازه، داوود مجبور شد روی کارت ویزیت‌ها را به احترام مشتریان نایلون ضخیم بکشد و دیوار ها را سرامیک کند تا هم نظر اداره بهداشت تأمین شود و هم به یاران جفا نشود.

در مورد رفتارهای خود داوود باید بگویم که تقریباً تمامی مشتریان‌اش را به اسم کوچک می‌شناخت و گاهی هم از سلامت خانواده و کسب و کار آنان، پرس و جو می‌کرد.

در حین کار و طبخ پیتزا گوشش به گفتگوی مشتریان هم بود و اگر دروغی می‌شنید، زنگ بزرگی را که بالای پیشخوان آویزان بود به صدا در می‌آورد و مشتریان سابقه‌دار متوجه می‌شدند یکی در حال چاخان گویی است!

حالا فرض کنید پسری دختر مورد علاقه‌اش را به پیتزا دعوت می‌کرد و شروع می‌کرد به گفتن این که من مهندسم و فلانم و ... در همین حین داوود با صدای زنگش به گوینده دروغ تذکر می‌داد و به شنونده هشدار.

البته این موضوع را از قبل کتباً اعلام کرده بود، چون بالای زنگ به خط خوش و درشت نوشته بود «خالی بندی ممنوع»!

نمادی از تهران قدیم

اوایل انقلاب که اوج گروه بازی و دسته‌بندی و سیاسی کاری و برخوردهای تند افراد با یکدیگر به دلیل نظرگاه‌های سیاسی‌شان بود، هیچ کس حق نداشت با آرای سیاسی‌اش وارد مغازه شود و اگر احیاناً چنین اتفاقی می افتاد، داوود به شدت اعتراض می کرد.

مشتریان قدیمی قرار جالبی با داوود داشتند، به این ترتیب که وقتی یک نفر را برای اولین بار می بردید آنجا و او را به این ترتیب به داوود معرفی می کردید که«آقا داوود این آقای فلانی از دوستان خیلی خوب ما است»، در واقع به او خط می دادید که پیتزایش را پر از فلفل کند و بعد فرد نگون بخت پیتزای بسیار تند را می خورد و آتش می گرفت و باعث انبساط خاطر حضار می شد و خاطره‌ای می شد برای همه!

داوود در ابتدای سفارش برای مشتری مقدار زیادی کالباس و فلفل ترشی در فویل می‌ریخت که تا آماده شدن پیتزا بیکار نباشد.

بعد از اتمام خوردن پیتزا حتماً می پرسید سیر شدی یا نه؟ و اگر نشده بود، با همان پول یک پیتزای دیگر برایش طبخ می کرد. کسی حق نداشت با دیگری تعارف کند که من پول غذا را حساب می‌کنم. اگر چنین می‌شد، این داوود بود که بنا به تشخیص خودش اعلام می‌کرد که پول را از چه کسی می پذیرد.

شاید درباره زن سرخ پوشی که سر خیابان فرصت، نزدیک میدان فردوسی می نشست و اینجا در واقع آخرین محل قرار او با معشوقش بود، چیزهایی شنیده باشید.

او تبدیل به یکی از نمادهای شهر تهران شده بود، به گونه‌ای که حتی در اشعار شاعران معاصر همچون سپانلو از او یاد شده است.می‌توان گفت داوود و پیتزا داوود هم از نمادهای تهران هستند و چنانچه تا امروز برای اهالی تهران معرفی نشده‌اند،جفا به هردو شده است، هم به داوود و هم به شهروندان تهران!

پیش غذای مجانی!

تقریبا هیچ کس نیست که برای دیدن معماری کوچه لولاگر بیاید و به پیتزا داوود سر نزند. ما هم همین کار را می‌کنیم و اگرچه از خود آقا داوود خبری نیست، یک پیتزای مخلوط سفارش می‌دهیم. از صاحب مغازه حال آقا داوود را می‌پرسم. می‌گوید شکر خدا، خوب است. حدس می زنم که او آقا محمد، پسرخاله آقا داوود باشد که بعد از بازنشستگی در رتق و فتق امور اینجا کمک می کند. پیتزا داوود، حول و حوش سال ۱۳۴۰ توسط آقا داوود و شریک ارمنی‌اش – که مدت کوتاهی پس از آن به خارج از کشور رفت – تاسیس شده است. اولین پیتزاهای آقا داوود فقط ۱۱ قران بود!

بعد از آن که سفارش می‌دهیم، بلافاصله توده ای کالباس به همراه سس گوجه فرنگی و آویشن روی یک قطعه کاغذ فویل، رو به رویمان قرار می‌گیرد.

می‌شود گفت پیتزایی هم که دقایقی بعد تحویل می گیریم، همان توده کالباس است که روی خمیر سرخ کرده‌اند و پنیر و سس و آویشن زده‌اند.

شاید برای کسانی که کیفیت غذا برایشان اولویت اول را دارد، این پیتزا حرفی برای گفتن نداشته باشد، اما این که احساس کنی پیتزا را به همان شکلی که مردم دهه چهل تهران تجربه می کردند، می‌خوری، به یک بار تجربه‌اش می‌ارزد!

گزارش و عکس:ارمغان زمان فشمی

جدول ۲۲۵۶۳
طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱-مناسبت خجسته و مبارک نیمه شعبان، روز جهانی مستضعفان
۲-اخم و تخم و ناراحتی-اثر جان گریشام-تاریکی-آغوش
۳-پدر آذری-آورنده پیام-همنشین برهمن
۴-پایتخت انگلستان-برافروخته-کژدم
۵-وسیله مطبخ-ساز اصیل ایرانی-مهر و موم
۶-از صفات پیامبر «ص»-زمان ناچیز-جامه پشمینه و پر وصله درویشان-شهر زیارتی
۷-عدد حرکت-نام دخترانه-مرزبان-پسندیده
۸-بی اطلاع و نا آگاه
۹-بلا-سگ بیمار-وسیله پرواز انفرادی-حرف تعجب
۱۰-اولین دو رقمی-نویسنده تخیلی پرداز فرانسوی-نیا-جمع منت
۱۱-ابزار صحافان-مثل و مانند-فرزند زاده
۱۲-پرنده خوش خوراک-جوشیدن چشمه-فردی، شخصی
۱۳-یاری-سلمانی-بی ثمر باطل کردن
۱۴-دوسوم پنج!-به جهت-آدمکشی سیاسی-حرص
۱۵-تازه از جایی آمدن، وارد شدن

عمودی:
۱-دست شکسته...... گردن است-مدرس دانشگاه-ساز ضربه ای به شکل تنگ چوبی
۲-اثر برجسته و ماندگار علامه دهخدا-درک کردن
۳-منسوب به ادبیات-گفتگوی اینترنتی-انگبین
۴-نفس-منقار کوتاه-نوعی رنگ مو-حق ناحق سازمان ملل!-پیشرو گله
۵-وسیله بازی-بازیکن برجسته-ساز شستی دار
۶-درقدیم به پزشک اطلاق می شد-بانوان-گریختن
۷-گمراهی-کلام شرط-عایدی ها
۸-گاز مرداب-سفید مات
۹-ظاهر سازی، ریاکاری-دوغی که پس از جوشیدن خشک کنند-صبحانه نخورده
۱۰-دل ها-پارچه ابریشمی-نظریه
۱۱-دستور-تازگی خود را از دست دادن-ناحیه آلمان مجتمع تهیه فولاد
۱۲-هنوز لاتین-سوره ۹۶ قرآن مجید-عید ویتنامی ها-قورباغه درختی-خاک سفالگری
۱۳-عدد و شماره-پاسخ منفی-شن نرم
۱۴-بنگاه حمل و نقل-بخشی از اوستا
۱۵-واحدی در زمین های کشاورزی-منحصر به فرد-شهری در همدان

حل جدول ۲۲۵۶۲

با رویکردی برآرای امام خمینی(ره)

شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین(ع)

آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی
بخش چهارم

۱۱ـ اخلاق قضایی

امام علی(ع) در قضاوتهای خود با دیگران مهربان و نرمخو بود، خود را با آنان برابر می‌دانست، یاریگر ناتوانان بود؛ اما در همین وقت نسبت به خود و خاندان و اطرافیان و فرماندارانش، سختگیر بود. این از مهمترین شاخصه‌های عدالت قضایی است. از طرفی می‌فرمایند: «قوی در نزد من ضعیف است تا وقتی که حق مظلوم را از او بازستانم و ضعیف نزد من قوی است تا وقتی که حق او را به وی بازگردانم»، از طرفی دیگر، با خودش و کاتبش رفتاری سختگیرانه دارد.

علی بن ابی رافع می‌گوید: از طرف علی بن ابی‌طالب، خزانه‌دار بیت‌المال و کاتب او بودم، در بیت‌المال گردنبند مرواریدی بود که از جنگ به دست آمده بود. دختر امیرالمؤمنین(ع) نزد من فرستاد که: «شنیده‌ام در بیت‌المال گردنبند مرواریدی هست که در اختیار توست، می‌خواهم برای عید قربان آن را عاریه بگیرم.» من پیام فرستادم: «آیا آن را به عنوان عاریهٔ مضمونه می‌خواهی بازگردانی؟» گفت: «آری، عاریه مضمونه که پس از سه روز بازگردانم.» گردنبند را به او دادم. امیرالمؤمنین(ع) گردنبند را نزد دخترش دید و آن را شناخت، پرسید: «این را از کجا آورده‌ای؟» دختر گفت: «برای آرایش در روز عید، آن را از علی بن ابی رافع عاریه گرفتم، سپس بازش می‌گردانم.»

امیرالمؤمنین مرا خواست. نزدش رفتم، گفت: «آیا به مسلمانان خیانت می‌کنی؟!» گفتم: «پناه بر خدا از خیانت به مسلمانان!» گفت: «چگونه گردنبندی که جزو بیت‌المال مسلمانان است، بدون اذن من و رضایت آنان به دخترم عاریه دادی؟» گفتم: «یا امیرالمؤمنین دختر تو بود و آن را از من عاریه خواست، من نیز آن را به عنوان عاریهٔ مضمونه به او دادم که بازگرداند. من ضامن آن هستم و بر من است که آن را سالم به جای خود برگردانم.» فرمود: «آن را همین امروز به جای خود برگردان و اگر مثل این کار را تکرار کنی، مجازاتت خواهم کرد.» سپس فرمود: «اگر دخترم این گردنبند را به صورت عاریه مضمونه نگرفته بود، به خدا سوگند نخستین هاشمیی بود که دستش را به جرم سرقت قطع می‌کردم!» این سخن امام که به دخترش رسید، عرض کرد: «من دخترت و پاره‌ای از وجود تو هستم، چه کسی از من به بستن این گردنبند سزاوارتر است؟» فرمود: «ای دختر علی‌بن ابی‌طالب، خود را از حق دور مکن، آیا همه زنان مهاجران در این عید، با چنین گردنبندی آرایش کرده بودند؟» ابن ابی رافع می‌گوید: «گردنبند را از دختر امیرالمؤمنین گرفتم و به جای خود بازگرداندم.» (شیخ طوسی ۱۴۰۷، ج۱۰: ۱۵۲ـ۱۵۱؛ مجلسی ۱۴۰۶ج۱۰: ۲۳۴؛ فیض کاشانی ۱۴۰۶ج۱۵: ۵۵۴ ـ۵۵۳)

۱۲ـ نظارت بر قضاوت قاضیان

امام علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر فرمان می‌دهد که بر قضاوت قاضیان نظارت شود: «از قضات خود و نحوه کارشان بسیار خبر گیر، و بررسی و تحقیق کن مبادا که در رفتار و عمل و نحوه قضاوت از حدود الهی و اخلاق اسلامی خارج شوند.» در تاریخ نمونه‌هایی از تنبیه متخلف ذکر شده است که نشان از حساسیت امام علی(ع) نسبت به تخلف آنها دارد.

ابن اخوه از محدثان قرن ۶ هجری نقل می‌کند: امیرالمؤمنین(ع) ابوالاسود دوئلی را در همان نخستین روز که به منصب قضا گمارده بود، عزل کرد؛ ابوالاسود چون فرمان عزلش را دریافت کرد، سراسیمه نزد امیرالمؤمنین(ع) شتافت و گفت: «علت عزل من چیست؟ در صورتی که به خدا قسم نه خیانت کرده‌ام و نه متهم به خیانت شده‌ام.» فرمود: «تو در ادعای خود صادقی و در انجام وظیفه شرط امانت را رعایت کرده‌ای، لکن به من اطلاع داده‌اند که چون طرفین دعوا برای محاکمه نزدت می‌آیند، تو بلندتر از ایشان سخن می‌گویی.» (مصدق ۱۳۸۰: ۱۶)

۱۳ـ دعوت به صلح و سازش

تشویق به صلح و آشتی قبل از قضاوت را امام علی(ع) در موارد متعددی به عنوان اصلی از اصول قضایی، مورد تأکید قرار دادند. ایشان پس از نقل یکی از قضاوتهای پیامبر(ص) فرمود: «پیامبر طرفین را به صلح دعوت می‌کرد و آنقدر ادامه می‌داد تا آشتی می‌کردند.»

این اصل امروزه به عنوان قضازدایی یا غیر قضایی کردن و حل و فصل شمار زیادی از دعاوی از طریق مراجع غیر قضایی نظیر «شورای حل اختلاف» از وظایف دستگاه قضایی است (صادقی ۱۳۸۴: ۱۴۸)؛ زیرا به راستی چه ضرورتی وجود دارد که تمامی جرایم و دعاوی و تخلفات در چهارچوب تشکیلات قضایی رسیدگی صورت بگیرد؟ مقوله قضازدایی به معنی نفی قاعده عام و رسمی بودن دادگستری به عنوان مرجع تظلمات نیست، بلکه به این معناست که اشخاص مکلف باشند قبل از مراجعه به دادگستری، به مرجع دیگری که بسا در احقاق حق سریعتر، آسانتر، ارزانتر و در نتیجه عادلانه‌تر عمل نماید، مراجعه کنند و سپس در صورت عدم توفیق آن مرجع (در فصل و ختم کامل آن موضوع) به حکم ضرورت و با عنایت به مرجع عام و رسمی بودن دادگستری، به محاکم قضایی تظلم‌خواهی نمایند. در این معنا قضازدایی به معنای مطلق آن متصور نیست، بلکه معنای نسبی آن مدّ نظر است (محمودی ۱۳۸۵: ۱۰۸).

۱۴ـ فلسفه مجازات از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع)

فلسفه مجازات نزد امام(ع) کیفر به معنای آزاررسانی به مجرم یا تحقیر او نیست، بلکه به معنای تهذیب و اصلاح مجرم است. همچنین در تجربه قضایی امام علی(ع) فلسفه و هدف دیگری برای مجازات وجود دارد و آن اصلاح جامعه و بازداشتن دیگران از ارتکاب جرم است. این هدف، اقتضا دارد برخی از حدود و مجازاتها، علنی اجرا شود. از فروع این اصل، مسأله سقوط مجازات به واسطه توبه و اصلاح مجرم قبل از دستیابی به اوست؛ لذا نقش اساسی «توبه» را در نظام قضایی اسلام چه قبل از ورود به محکمه و چه پس از اثبات جرم نباید نادیده گرفت.

نقش مهم توبه در نفی مجازات قبل از ورود به محکمه از آن جهت است که شریعت، هدایت و اصلاح را فی حد ذاته اراده کرده است، نه از طریق مجازات کردن. معصومین(ع) نیز توجه ویژه‌ای به توبه و اصلاح مجرمان داشته‌اند. حضرت علی(ع) از مقر به زنا پرسید: «چرا چنین اقرار می‌کنی؟» گفت: «برای اینکه پاک شوم.» فرمود: «چه پاکی برتر از توبه؟» سپس فرمود: «آیا کسی از شما که مرتکب گناه می‌شود، نمی‌تواند گناهانش را پنهان بدارد چنان که خداوند آنها را پنهان داشته است؟!» (شیخ صدوق ۱۴۱۳ج ۴: ۳۱). از ایشان نقل شده است: «اگر زن مرتد گردد، زندانی می‌شود تا توبه کند (مسلمان شود) یا بمیرد؛ اما کشته نمی‌شود.» (تمیمی مغربی ۱۳۸۵ج۲: ۴۸۰) گاه امام(ع) می‌بیند زندانی اصلاح شده و توبه کرده و در او تغییر ایجاد شده است؛ لذا صلاح را در این می‌بیند که آزادش کند (شیخ صدوق ۱۴۱۵: ۸۲). بر این اساس فقها حتی پس از اثبات جرم و محکومیت نیز عفو و آزادی زندانی را در صورت ظهور توبه و در نظر گرفتن مصلحت وی و جامعه اسلامی جایز دانسته‌اند. (نجفی بی‌تا ج۴۱: ۲۹۴)

۱۵ـ اصل کرامت انسانی در برخورد با مجرمان و متهمان

اصل کرامت انسانی در برخورد با مجرمان و متهمان از اهمیت ویژه‌ای در قضاوتهای حضرت برخوردار است. در سیره و روش قضای امیر مؤمنان(ع) بر اساس قضاوتهای متعددی که از ایشان در تاریخ دادرسی اسلام به ثبت رسیده، هرگز از اعمال اذیت و آزار جسمی (مانند تنبیه بدنی و سایر انواع شکنجه مانند گرسنگی دادن) و آزار روانی (مانند دشنام دادن، ترساندن، اجبار و هرگونه رفتار غیر انسانی) استفاده نمی‌کرد. در روایتی نقل شده است که بر مردی حدّ الهی را اقامه و جاری فرمود. مردم آن مرد را دشنام می‌دادند و لعنت می‌کردند. امام در مقام نهی آنان فرمود: «او نسبت به این گناهش مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد.» (محمدی ری شهری بی‌تا ج۱: ۵۸۸)

روش امیرالمؤمنین(ع) در برخورد با مجرمان و متهمان به گونه‌ای بود که نه تنها آنها را به اعتراف و اقرار وادار نمی‌کرد، بلکه آنان را از اعتراف و اقرار به جرم بر حذر می‌داشت و از شنیدن اقرار و اعترافات آنان خودداری می‌کرد تا جرم و گناه بر ایشان ثابت نشود و مجازات متوجهشان نگردد و رنج و زندان نبینند؛ یعنی درواقع در ثبوت جرم و مجازات برای مردم، تسامح به خرج می‌داد و از اعتراف و ثبوت جرم و تحمل مجازات جلوگیری می‌نمود؛ ولی آنجا که حد و تعذیر ثابت می‌شد، در اجرای آن کوچکترین اغماض و تسامح را روا نمی‌داشت.

حضرت در برابر مردی که اقرار به زنا می‌کرد، می‌فرمود: «آیا شما عاجزید از اینکه یکی از شما اگر مرتکب عمل ناشایسته‌ای شد، بر خود بپوشاند، همچنان که خداوند از دیگران آن را مستور داشته؟!» (شیخ صدوق ۱۴۱۳ ج۴: ۳۱)

انسان‌دوستی، دلسوزی و مهر امام علی(ع) به اندازه‌ای بود که با افرادی که از طریق داوری عادلانه محکوم به زندانی شده بودند، خوش‌رفتاری می‌کرد. امام نخستین کسی بود که خوراک و پوشاک تابستانی و زمستانی زندانیان را تأمین می‌کرد و اگر کسی نداشت، مخارجش را از بیت‌المال می‌پرداخت و بالاتر از این، در ساعات معینی به زندانیان اجازه خروج از محبس می‌داد تا کسی از آنان بیست وچهار ساعته در زندان محبوس نماند(بیاتی ۱۳۸۰: ۱۳).

ادامه دارد

در رثای امام عارفان

مرحوم آیت‌الله سیدجلال‌الدین آشتیانی

اشاره: مرحوم علامه سید جلال‌الدین آشتیانی (۱۳۰۴ ـ ۱۳۸۴) از عالمان بزرگ معاصر و استادان بنام فلسفه اسلامی است که آثار ارجمندی در فلسفه و عرفان نگاشته است. وی سالها نزد عالمانی چون آیات عظام: موسوی بجنوردی، رفیعی قزوینی، بروجردی، میرزا مهدی آشتیانی، علامه طباطبایی و به‌ویژه امام خمینی(ره) به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و علاوه بر تربیت شاگردان متعدد، آثار پرباری نیز نگاشت و مهمتر از آن، به احیای آثار حکمایی پرداخت که شاید اگر مساعی او نبود، در غبار روزگار از یاد می‌رفتند.

پروفسور هانری کربن در باره او گفته: «آشتیانی مانند ملاصدرایی است که در عصر ما زندگی می‌کند، به نحوی که ملاصدرایی دوباره زنده شده! او فیلسوفی است که نمایندهٔ تمام عیار فلسفهٔ دیرین است، منتهی فلسفهٔ دیرینی که به نحوی کاملاً امروزی درک شده است.» و به گفته دکتر شایگان: «آشتیانی نقطهٔ تبلور یک نحوهٔ هستی است که از یک سو معطوف به قله‌های بزرگ تفکر این مرز و بوم است یعنی ابن‌سینا، شیخ اشراق و صدرالمتألهین و از سوی دیگر نگاهی است باز به سوی آینده. آشتیانی دربرگیرندهٔ بهترین صفات معنوی این آب و خاک است در آنچه طی قرون متمادی، روح این قوم کهنسال به تقطیر فراهم کرده... برخورد با او یعنی تشرف به یکی از وجوه اصیل روح ایرانی، یعنی برخورد با یک نهاد؛ نهادی که علی رغم گسست‌های زمانه، همچنان پابرجاست.» وی که سالیان درازی با امام بوده، پس از ارتحال ایشان مطلب زیر را در حق استاد گرامی‌اش نوشته است:

***

با نهایت تأسف و تألم از رحلت جانگداز امام بزرگوار و رهبر عظیم‌الشأن انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران... حقیر به نحو اختصار، محض یادبود پیرامون شخصیتی که در تاریخ ملتها جزء افراد نادر و عزیزالوجود و انسانی ممتاز است، در حد درک و فهم خود اموری را ذکر می‌نماید:

این بنده حقیر قدری بعد از شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی که برای تحصیل به قم مشرف شدم، در مدرسه فیضیه، حضرت امام (سقی‌الله تربته) را در مدْرَس زیر کتابخانه در حالی که مشغول تدریس بودند، زیارت کردم و تمام مطالبی را که آن روز در یک ساعت تقریباً افاضت فرمودند، به حافظه سپردم؛ یعنی عباراتی را که با کمال طلاقت زبان و عذوبت بیان تقریر می‌فرمودند، از جاذبه‌ای حیرت‌آور برخوردار بود که در بیان و تقریر و تحریر و عبارات نگنجد.

آن روزگار آقا جوان و فوق‌العاده بانشاط بود و سعی داشت معضلات تفهیم شود و الحق در صاحب ذوق، یک نوع اهتزاز روحانی و طرب قدسی و ملکوتی در مستمع ایجاد می‌نمود. لسان موعظه امام دومی نداشت، یا ما ندیدیم.

صحبت در خداشناسی و مراتب و درجات آن بود و تقریر این مهم که احوال همه طوائف ـ از سعدا و اشقیا و متوسطان ـ در قرآن مذکور است؛ یک درجه از معرفت، تحصیل علم به خداوند است از طریق موجودات محسوسه‌ای که جزء عجائب خلقت هستند و شتر از عجائب خلقت است؛ ولی اگر کسی حق را از طریق معرفت به حالات و اطوار و ظواهر و بواطن شتر بشناسد، این خود یکی از طرق خداشناسی است و اگر معرفت انسان مادام‌العمر منحصر شود به معرفت به حق از طریق این حیوان عجیب‌الخلقه و از طور محسوس، به اطوار معقولات تجاوز ننماید و از عقال عقل خلاص نشود و مخاطب به این خطاب مبرم نگردد که «**اولم یکف بربّک انّه علی کلّ شیءٍ شهید**»، او شترشناس است نه خداشناس...

مرحوم مغفور امام و رهبر ملت در حدود سه‌سالگی مادر و بعد از مدتی کم پدر را از دست داد؛ ولی حق متعال به لطف خاص خود او را موفق به تحصیل در علوم منقول و معقول نزد اساتید بزرگ و نخبه نمود و بعد از شهریور ۲۰، زمانی که نگارنده به قصد تحصیل به شهر قم مشرف شدم، آن مرد بزرگ استاد مسلّم در حکمت متعالیه و از اساتید مسلم در کتب عالیه سطوح در علوم منقول بودند.

***روزی مرحوم آیت‌الله بروجردی به نگارنده فرمود: «آقای حاج روح‌الله چشم و چراغ حوزه‌اند.» امام قبل از ورود در میدان مبارزه با حکومت، علماً و عملاً مورد تصدیق همگان بود و منکر نداشت، جز مغرضان که در هر عصر وجود دارند**

متجاوز از بیست سال «شرح منظومه» و «اسفار» تدریس کردند و یگانه مشعل فروزان علم توحید و معرفت ربوبی و استاد وحید در علم عرفان یعنی معرفت اسماء الله و نفیس ترین دانش بشری موروث از اولیا: علم توحید و ولایت و نبوت و شئون آن محسوب می‌شدند و مدتی برای برخی از ارباب معرفت «شرح قیصری بر فصوص» را تدریس کردند؛ ولی محیط لیاقت آموزش اشرف علوم و فنون را نداشت.

روزی از آن جناب سؤال کردم: «در فرق بین عطایای ذاتی و اسمایی آنچه را که شارح قیصری نوشته است، به نظر حضرت عالی درست است؟» فرمودند: «نه» و به نحو اختصار فرق بین این دو قسم از عطایا را بیان فرمودند. عرض کردم: «حیف نیست که منع فیض می‌فرمایید؟ اگر همین نصوص قونوی را که با تعلیقات مرحوم آقا میرزاهاشم چاپ شده است برای افراد مستعد تدریس بفرمایید، مشکلی پیش می‌آید؟» فرمودند: «مساوی است با انتحار، عیب دیگری ندارد!»

مرجعیت

امام (اعلی الله مقامه) خود بنیانگذار مرجعیت خویش بود؛ به این معنی که توفیق او در تدریس فقه و اصول فقه خارج حیرت‌آور است. آن مرحوم در مدتی نسبتاً کم از نواحی هوش سرشار و ذوق کم‌مانند و دقت نظر و حسن سلیقه در تدریس، به انضمام طلاقت زبان و قوه فوق‌العاده در تفهیم مطالب و احتراز از نقل اقوال علما و فقها در حد خارج از اعتدال و لزوم، طلاب مستعد و باهوش را به درس خود متوجه نمود و بسیار زودتر از آنچه که محتمل بود، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین حوزه فقاهت و اجتهاد را از آن خود نمود. با آنکه استاد مسلم معقول و حکمت بود، از آمیختن مسائل حکمی با علم اصول و فقه سخت خودداری می‌فرمود و معتقد بود که هر علمی جا و مقام خاص دارد.

بنده حقیر درسال ۱۳۴۰ که «شرح مشاعر ملاصدرا» را با تعلیقات و مقدمه مفصل خود برای چاپ مهیا می‌نمودم و در سال ۱۳۴۲ چاپ شد، در مقدمه این کتاب که نظری اجمالی به سیر فلسفه و عرفان در چند قرن اخیر دارد، نوشته‌ام: «استاد علامه آقای حاج‌آقا روح‌الله خمینی، زعیم بزرگ شیعه از دانشمندان بزرگ و متفکر این عصرند و معقول و منقول را سالیان متمادی تدریس کرده‌اند و در این اواخر متمحض در تدریس فقه و اصول شدند و در مدت کمی حوزه تدریس آن جناب پر جمعیت‌تر از حوزه تدریس جمیع اساتید عصر می‌باشد...»

برای اهل فن واضح و آشکار است که به‌ندرت استادی را می‌توان سراغ نمود که در حدی عالی متضلع و توانا در علوم فقه و اصول و حکمت الهی و عرفان باشد.

یاد یاران

در «شرح مشاعر»، در بحث اصالت وجود، ملاصدرا به مناسبت، کلام محقق شریف را در بساطت مشتقات از حواشی میر شریف بر شرح مطالع نقل نموده است. نگارنده در تعلیقات بر این موضع از شرح بعد از نقل کلام محقق دوانی و فقیه متضلع حاج شیخ محمد حسین اصفهانی، نوشته‌ام: «قال بعض الاساتید (ادام الله حراسته): «ان لفظ المشتق الاسمی القابل للحمل علی الذوات موضوع لامر وجدانی قابل للانحلال الی معنون مبهم و عنوان دون النسبه...» و در تعلیقه نوشته‌ام: «و المراد من بعض الاساتید، هو السید الاجل الاکرم و المطاع المفخم العلامه المجاهد الکبیر، سید الماجد الفقهاء و العرفاء، رئیس الملة و الدین، الحاج آقا روح‌الله الخمینی ادامه الله ظله الشریف».

در اغلب آثار خود از مرحوم امام (رضوان الله علیه) مطلب نقل کرده‌ام با ذکر عناوین مذکور، در دورانی که ذکر نام او غدغن و رساله عملیه او به قول برخی از دانشجویان قاچاق بود، کسی از ارباب علم و معرفت به ما اعتراض نمی‌کرد چرا با این عناوین از آن بزرگ یاد می‌نمایی و ما نیز با شناسایی کامل و معرفت تام به او ارادت داشتیم و جاذبه علمی و جامعیت او تأثیری عمیق داشت.

چنان که مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی (اعلی الله قدره) روزی به نگارنده فرمودند: «آقای حاج روح‌الله چشم و چراغ حوزه‌اند.» منظور حقیر آن است که امام (قدس الله روحه) قبل از ورود در میدان مبارزه با حکومت زمان، علماً و عملاً مورد تصدیق همگان بودند و منکر نداشتند، جز مغرضان که در هر عصر وجود دارند.

خبر رحلت امام، عشق مردم را ظاهر ساخت و صفوف ملت را به هم پیوست. باید این فیض پربرکت غیبی را با خدمت به مردم و نجات تدریجی آنها از مشکلات، زنده نگه داشت و قدر این نوع مواهب را دانست و کاری کرد که زائل نشود

خصایص برجسته

حضرت امام (قدس الله روحه) دارای خصائص و صفات برجسته و روحیات پر جاذبه بود: شاگردان خود را نمی‌شناخت و در صدد شناسایی هم برنمی‌آمد و در فکر تهیه مرید نبود. بیان او در مطالب دقیق علمی بلیغ و فصیح بود.

بر خلاف عقیده خود هرگز سخن بر زبان جاری نمی‌نمود و از انتقاد از اشخاص سخت پرهیز داشت، مگر در مقامی که ضرورت اقتضا می‌کرد؛ در این صورت در بیان حقیقت واهمه به خود راه نمی‌داد.اگر از فضل و دانش و معنویات کسی سؤال می‌شد، آن شخص اگر صاحب فضیلت بود، با احترام از او نام می‌برد و اگر مجوف و تو خالی بود، می‌فرمود: «چه عرض کنم؟»

امام بسیار صبور و خویشتن‌دار و به عبارت واضحتر بر خود مسلط بود. روزی فرمود: «دو روز بعد از مراجعت از درس، جهت رفع خستگی یکی دو پک به سیگار زدم. روز سوم بی‌اختیار به طرف سیگار رفتم و بدون درنگ از آن دور شدم.»

***اولین بار امام را در مدرسه فیضیه زیارت کردم. از جاذبه‌ای حیرت‌آور برخوردار بود که در بیان نمی‌گنجد و الحق یک نوع اهتزاز روحانی و طرب قدسی و ملکوتی در مستمع ایجاد می‌نمود. لسان موعظه امام دومی نداشت، یا ما ندیدیم**

امام (قدس‌الله روحه) از مقدس‌مآبی نفرت داشت و از این طایفه دل خوش نداشت. امام (قدس‌الله روحه) به مبانی تشیع سخت پایبند بود و عقاید خویش را با ضوابط و قواعد مسلم عقلی و نقلی و بر اصول صحیح استوار نموده بود، و هیچ اصل و فرعی را بی‌دلیل نمی‌پذیرفت.

رساله «مصباح الهدایه» و شرح «دعاء سحر»، اعتقادات اوست در ولایت و سر مویی انحراف از اصول و قواعد تشیع در آثار و افکار و گفتار و نوشتجات و تألیفات آن بزرگ انسان کامل دیده نمی‌شود و آنچه می‌گفت و انجام می‌داد، به دور از مداهنه و مصلحت اندیشی‌های جزیی جائز در سنت سیاست بود.

در مبارزه علیه دربار، جمعی از روحانیان تابع صرف امام بودند و اگر امام (اعلی الله قدره) رهبری مبارزه را به عهده نگرفته بودند، آنها نقشی ایفا نمی‌کردند؛ یعنی تن به رهبری فرقه‌های به ظاهر اسلام‌گرا و در باطن چپ‌رو نمی‌دادند.

مقصود آنکه اگر امام (قدس‌الله روحه) بدون فوت وقت پس از انقلاب، از گسترش نفوذ فرقه‌های چپ‌گرا و منافق پیشگیری نمی‌کردند و پی به نقشی که آنها در صدد اجراء آن بودند، نبرده بودند و یا خویش را به ایران نرسانده و شخصاً زمام امور را در دست نمی‌گرفتند و رژیم نیز ساقط می‌شد، ملت ایران به مصائب بی‌شماری مبتلا می‌شدند و آن جماعت که رسالت خود را در پیاده نمودن یا به اجرا گذاشتن دین توحیدی بی‌طبقاتی می‌دانستند، سلطه پیدا می‌کردند، به احدی ابقا نمی‌نمودند.

انسان الهی

رحلت امام (علیه منّا السلام) طبقات مختلف را به جنب و جوش آورد و میلیونها انسان مانند قُلزمی خروشان از تهران و همه شهرستانها جهت کسب فیض حضور در تشییع این مرد بزرگ و انسان الهی در سطح جهان آنچنان کوبنده بود که کثیری از مخالفان یا ناراضیان مؤمن مستأصل ریزه‌خوار عمیقاً تحت تأثیر و مخالفان اصل رژیم اسلامی در حالت حیرت و بهت قرار گرفتند.

روابط غیبی بین قلوب، مرئی و محسوس نیست؛ ولی آثار، از آن روابط حکایت می‌کند. محبوبیت امام در قلوب عموم کامن و مستور بود و خبر رحلت امام (قدس سره) و از دست دادن گوهری که چیزی جای آن را نمی‌گیرد، عشق کامن را ظاهر ساخت و صفوف ملت را به هم پیوست و محکم نمود و آب رفته از برکت رحلت آن رادمرد، به‌سرعت به جوی بازگشت و باید این فیض پربرکت غیبی را بر اثر خدمت به مردم و نجات تدریجی آنها از مشکلات زنده نگه داشت و قدر این نوع مواهب را باید دانست و کاری کرد که زائل نشود. تشریک مساعی نموده و اگر چندین سال متوالی منظم و مرتب همگی در صف واحد دست به دست هم بدهیم و وطن را به نحو طبیعی به طرف کمال سوق دهیم، حق زندگی خواهیم داشت.

این مصیبت بزرگ را به آل البیت امام و ملت اسلام و مسئولان جمهوری اسلامی ایران تسلیت می‌گوییم و امیدواریم که مقاصد آن بزرگ را در بنیان‌گذاری حکومت اسلامی دنبال نماییم.

شجره طیبه

امام رحمه الله علیه دارای فرزندان متعددند که همه آنها تربیت‌یافتگان پدر و مادر خود هستند و وجود بانویی بافرهنگ و فضیلت از فامیلی بزرگ از مواهب الهیه جهت امام بودند و در تربیت فرزندان فرزانه نقش اساسی داشتند.

جد اعلای فرزندان امام از طرف مادر، مرحوم میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری، از اکابر تلامیذ شیخ اعظم انصاری می‌باشد و مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی از افاضل تلامیذ میرزای بزرگ فرزند میرزا ابوالقاسم صاحب تقریرات و پدر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری است که صبیه او مادر فرزندان امام اعلی الله مقامه می‌باشند[...]

اولین فرزند ذکور امام، مرحوم سید اعلام استاد محقق حاج‌آقا مصطفی بود که در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوست و در کنار مزار خاتم‌الاولیاء امام العام امیر ارباب توحید با قلبی مطمئن آرمید.

جناب آقای حاج احمد آقا دومین فرزند ذکور ایشان و یار و مددکار و مشاور او در مهام امور بود. حجت‌الاسلام حاج‌آقا احمد مدت ده سال آخر زندگی ظاهری امام، پروانه وار گرد شمع وجود پدر می‌گشت و آنی از خدمت پدر غفلت نورزید و به افکار و عقاید والد ماجد خود در امور سیاسی احاطه دارد. حاج آقا احمد بسیار باهوش و نکته‌سنج است. آنچه که من به یاد دارم، حاج آقا احمد همیشه مورد لطف خاص و علاقه شدید پدر خود بود. آقای حاج احمد بسیار رئوف و مهربان است، در مدتی که کارهای حساس در دست او بود، زبان او به طرف شرّ حرکت ننموده و در صورت امکان به همه خدمت نمود.

بنده قبل از ماه اسفند سال گذشته (۱۳۶۷ش) جهت عمل جراحی به تهران سفر کردم و در بیمارستان حاج احمدآقا به امر امام تشریف آوردند دیدن حقیر و مطالبی را از ایشان نقل کردند که نشان‌دهندهٔ علو روح و رأفت آن حضرت بود؛ از آن جمله دعا برای اصلاح و هدایت برخی از دوستان دیروز و دشمنان امروز معظم له.

خداوند روح امام عارف بالله را در ظل رحمت خاص اولیاءالله شاد و همه اسیران خاک از برادران ایمانی را مشمول عنایات خود و قلوب بازماندگان را نسبت به یکدیگر رئوف و مهربان گرداند.

مشهد ـ ۱۳۶۸/۴/۷

تذلیل و تکمیل

حضرت علامه آشتیانی در مقدمه کتاب شریف مصباح‌الهدایه اثر حضرت امام خمینی(ره) می‌نویسد:

یکی از آثار نفیس در مبحث نبوت و ولایت، به طریقهٔ محققان از عرفا و کمّل از حکمای اسلامی، رسالهٔ «مصباح‌الهدایه الی الخلافه و الولایه، اثر سید سادات أمجدالعرفاء و الفقهاء، قدوه الحکماء المتألهین، استاد محقق در حکمت متعالیه، مرحوم مبرور، حضرت امام خمینی سقی الله تربته» می‌باشد. مرحوم امام خمینی کتاب سرّالصلوه که به حق اثری است بی‌نظیر و «شرح دعاءالسحر» و اثر حاضر را به زبان عرفا که لسان خاص این قبیل از آثار است و جز خامهٔ کمّل از ارباب عرفان هیچ قلمی را توانایی آن نیست که اثری قابل دوام و کتابی که حق مطلب عرفانی را ادا نماید به وجود آورد، تصنیف فرموده‌اند. نگارنده در «مقدمه بر شرح‌الفصوص قیصری» که چاپ آن به پایان رسیده و تعالیق امام (قدس‌سره) در حواشی همین شرح نفیس چاپ شده، در نحوهٔ تفکر آن محقق عالی مقام در عرفانیات بحث و آثار آن جناب را ذکر کرده‌ام.

اهل حق و حقیقت به این اصل غیرقابل تردید نزد مردم دانا معترفند که درگلزار معانی و حقایقی که چمن‌آرای فکر بشر به وجود آورده است، هیچ گلی خوشبوتر و دلپذیرتر از گل عرفان نرُسته است و اگر در گلهای دیگر نفحه‌ای از این گل نرسیده باشد، عطری از آنها به مشام نمی‌آید، اگرچه بسیار بوده و هستند جُعَل‌صفتانی که از بوی روحانی و نفحهٔ ربوبی این گل، مانند شخص مبتلا به زکام که از عطرگل فرار می‌نماید، مشمئزند!

در این اثر منیف از مباحث «توحید» و «علم‌الاسماء» و مسائل مهمی از قبیل بحث «بَدا» و «سرّ قدر»، علم حق به اشیا قبل از کثرت، به طریقهٔ حکما نیز گفتگو شده است. زبان کتاب رسا و زیبا و بهجت افزاست؛

***آن مرد بزرگ استاد مسلّم در حکمت متعالیه و از اساتید مسلّم در کتب عالیه علوم منقول و یگانه مشعل فروزان علم توحید و معرفت ربوبی و استاد وحید در علم عرفان محسوب می‌شد؛ ولی محیط لیاقت آموزش اشرف علوم و فنون را نداشت!**

مسائل غامض و مباحث عالیهٔ نبوت و ولایت در عبارات نسبتاً کوتاه، ولی رسا با مهارت تقریر شده است. مصنف عظیم همه جا به لسان خواص از عرفا با عبارات پرمعنا سخن می‌گوید و سعی فرموده است که اثر خود را از صورت رساله در جلباب کتاب مبسوط درنیاورد و از تعرض به مسائل غیرنافع احتراز نموده است.

در نحوهٔ سیر یا سریان و به عبارت دیگر، ظهور حقیقت «نبوت تعریفیه» و ولایت محمدیه و علویه در کافهٔ ذراری وجود، مطالب دقیق و تحقیقی به قید تحریر آورده‌اند، که خاص خواص و در بعضی از موارد ابتکاری است.

مرحوم امام (أعلی الله درجته فی‌المراتب العلمیه و العملیه) در ذوق و سلیقهٔ علمی و پرهیز از ذکر مطالب غیر لازم نظیر ندارند. یکی از علل جاذبهٔ قابل توجه در آن بزرگ زمانه، علاوه بر تنظیم و ترتیب خاص در درس و بحث، جامعیت او بود. مردی که سالیان متمادی حوزهٔ فلسفی منظمی داشت (تدریس شرح منظومه و اسفار حدود ۱۵ سال) و سطوح فقه و اصول تدریس می‌فرمود و در عرفان و تصوف نظری و عملی آثار با ارزش تألیف نمودند، بعد از شروع به تدریس فقه و اصول خارج و اجتهادی، در اندک زمانی بهترین و گرمترین حوزه را به خود اختصاص دادند.

از قدیم‌الایام ابتلای به «تک علمی» موجب لطمهٔ شدید به حوزه‌های علمیهٔ شیعه بوده است و افراد نادر حداقل از قلیل هستند که در چندین علم استاد و ماهرند: علوم متفاوت، از «عرشی»، چون عرفان و حکمت متعالیه و از «فرشی»، مانند علوم نقلیه، آنچه در این مقدمه مذکور افتاد، از حدود سی‌سال به این طرف در آثار خود به نحوه متفرقه ذکر کرده‌ام و در آثار عرفانی و کتب فلسفی، که طی سالیان متمادی منتشر ساخته‌ام، همه جا از آن بزرگ یاد کرده‌ام و از عنایات و الطاف آن بزرگوار نسبت به خود همیشه یاد می‌کنم. [...]

مشهد،۸ آذر، ۱۳۷۱.

این است انتظار

استاد محمدرضا حکیمی

اشاره: آنچه در پی می‌آید، بخشهایی تلخیص‌شده از کتاب «خورشید مغرب» است که استاد حکیمی در آن به جنبه‌های گوناگون موضوع مهدویت پرداخته‌اند.

غیبت کبری، آزمایش بزرگ

یکی از ابعاد غیبت کبری، بُعد آزمایشی آن است. در این مرحله، انسان دینی باید به دقت متوجه حال خود باشد و قلب خویش را از فروغ ایمان زنده بدارد، و طول کشیدن زمان، او را متزلزل نسازد که چون اصل غیبت به حکمت الهی واقع شده است، کوتاه بودن و دراز بودن مدت آن نیز به حکمت تعیین می‌گردد و به اراده الهی، سرانجام می‌یابد. در این باره که مبادا طول کشیدن مدت غیبت، موجب رخنه شیطان یا انسانهای شیطان‌سیرت در دلها شود، در احادیث هشدار داده‌اند و بقای بر ایمان را تأیید الهی خوانده‌اند. انسان باید با توجه به قدرت وحکمت خدا، خود را مستعد این تأیید بسازد تا گوهر ایمان والای خویش را از چنگ ربایندگان شیطانی و انسانی و مبلغان انحراف و بی‌اعتقادی، مصون بدارد.

حضرت امام حسن عسکری(ع)، پدر بزرگوار مهدی موعود امت، درباره سنت غیبت در پیامبران و تکرار آن در مورد مهدی آخرالزمان و مسئله طول مدت، می‌فرماید: «پس از من، فرزندم، قائم (و صاحب امر دین و امامت) است. و اوست که مانند پیامبران، عمری دراز خواهد داشت و غایب خواهد شد. درغیبت طولانی او دلهایی تیره گردد. فقط کسانی در اعتقاد به او پای برجا خواهند ماند که دل آنان به فروغ ایزدی رخشان باشد و روح خدایی به آنان مدد رساند.»

در این حدیث شریف، تعبیر «**یجری فیه سنَنُ الانبیاء بالتَّعمیر والغَیبه**»، قابل توجه بسیار است. این تعبیر معلوم می دارد که یکی از آیینها و چگونگی‌ها، در زندگانی پیامبران، «تعمیر» بوده است، یعنی دراز زیستن، و یکی غیبت و از مردم ـ برای مدتی ـ نهان گشتن و مردم را به حال خویش هشتن... آری، غیبت، سنتی الهی است و در زندگانی پیامبران وجود داشته است. و این امر، خود نوعی حکمت و آزمایش است. اتفاق می‌افتد که گاه معلمی برای مدتی از اتاق درس بیرون رود تا وضع شاگردان و چگونگی رفتار و انضباط و کوشایی، یا اهمال‌گری آنان را در غیاب خویش بنگرد وجوهر آنان را بهتر معلوم دارد و ارزشهای آنان را بیشتر به محک زند؛ و تا کسانی را که با وجود غیبت معلم از کلاس مانند حالت حضور معلم، می‌کوشند و درس می‌خوانند و انضباط را رعایت می‌کنند، به مرتبه‌ای که درخور آنان است، برساند.

نقش و تأثیر غیبت صغری در غیبت کبری

پیش از وقوع غیبت، زمینه برای این پیشامد فراهم می‌گشته است. از زمان امام نهم به بعد، مردم کمتر امکان تماس با ائمه داشته‌اند. مدتی دراز از دوران امامت امام دهم و یازدهم نیز در حالت بازداشت وتحت نظر گذشته است که چیزی است نظیر غیبت. در این دوران، تماس شیعه بیشتر با وکیلان آن دو امام و عالمان تربیت‌یافته مذهبی بوده است. از طرف دیگر، امام دوازدهم در عصر غیبت صغری به صورتی در دسترس مردم بوده است و چهار نایب خاص و همچنین وکیلان و سفیرانی دیگر نیز داشته است. امام خود به حل مشکلات مردم می‌پرداخته و تعالیم دینی را به آنان می‌آموخته است. گاه با برخی از مردم، در کسوتهای مختلف دیدار می‌کرده است و گاه با برخی به صورت ناشناس، هم‌مسکن یا همسفر می‌گشته است. اینها همه عواملی بوده است برای توجه‌یافتن نسلها به وجود امام وآگاه شدن آنان از تکالیف دینی و معارف یقینی، همچنین حفظ حوزه‌های مردمی تشیع، و ابقای موجودیت فرهنگی و ارتباطی و سازمانی شیعه و رسیدگی مالی به ناتوانان و مستمندان ایشان، نیز عادت‌یافتن تدریجی مردم به غیبت امام و مراجعه به نایبان و عالمان دینی و مصونیت حوزه‌های تشیع از پاشیدگی و زوال یا انحراف و فراهم‌شدن زمینه برای شروع تقدیر ربّانی و سنت دیرینه غیبت هادی و مربی.

دراین باره، مؤلف «تاریخ الغیبه الصُّغری» چند فصل مرقوم داشته است و از جمله چنین می‌گوید: مهدی در روز درگذشت پدرش که مردم را در حال نماز گزاردن بر پیکر پدر دیدند، کودکی بود گندمگون، با مویی مجعد و دندانهایی گشاده. سپس کسانی که او را در فرصتهایی دیگر در غیبت صغری دیده‌اند، چنین توصیف کرده‌اند: «جوانی خوشرو و خوشبو و بابهت و در عین ابهت‌داشتن، صمیمی با مردم.» یکی از ملاقات کنندگان می‌گوید: «چون لب به سخن گشود، دیدم سخنی زیباتر و کلامی دلنشین‌تر از آن نشنیده‌ام. و او به هنگام سخن گفتن، بسیار زیبا نشسته بود.»

در روایت دیگر آمده است: «او جوانی بود گندمگون، دارای زیباترین صورت و معتدلترین قامت.» در روایت دیگری است: «جوانی زیبارو و خوشبو بود که با شکوه خاصی راه می‌رفت.» و در فرصتی دیگر، وقتی از سفیر دوم ـ محمد بن عثمان ـ درباره او سؤال می‌کنند، پاسخ می‌دهد: «گردنی دارد این چنین» با دست اشاره می کند و زیبایی و درشتی گردن او را یاد می‌کند. و به این دلیل سخن از گردن وی و اندازه آن می‌آورد تا بفهماند که اکنون دیگر مردی شده است، دیگر آن کودکی نیست که مردم در زمان پدرش دیده بودند یا پسربچه‌ای چندساله نیست، بلکه جوانی است برومند.

همچنین در زمان محمد بن عثمان، شخصی تقاضای ملاقات کرد و در این باره زحمت بسیار کشید و اصرار بسیار کرد تا سرانجام، محمد بن عثمان برای او ترتیب ملاقات داد. و آن مرد به دیدار امام نایل آمد. در این دیدار امام، جوانی بود بسیار خوش‌سیما و خوشبو، در لباس بازرگانان. اینکه می بینیم در اینجا امام با لباس بازرگانی دیده شده است، می‌رساند که پوشاک او درآن دوره این‌گونه بوده است. چون در این لباس می توانست مانند یک تاجر با مردم روبرو شود، بدون اینکه شناخته گردد. این پوشش به منظور پنهان‌کاری انتخاب می‌شده است تا کسی به فعالیتها و ارتباطات آنان پی نبرد.

در حال احرام و حج نیز امام را دیده‌اند و توصیف کرده‌اند؛ چون مهدی(ع) هر سال به حج می‌رود، مردمان را می‌بیند و می‌شناسد و مردمان او را می‌بینند و نمی‌شناسند. اینها همه تدبیرهایی بوده است برای آموخته کردن مردم به غیبت امام و بر سر پا ایستادن جریان تشیع و ادامه پیدا کردن راه مکتب اعتقادی و اقدامی (عصمت) در رهبری، و بقاء (ولایتُ الله) در زمین در بُعد تشریع و هدایت و تداوم یافتن جریان «حماسه جاوید» در طول تاریخ، همگام با فجرهای مقدس، و شفقهای خونبار...

انتظار

انتظار: آتشفشانی در اعصار، وغریوی در آفاق...
انتظار: خونی در رگ زندگی، وقلبی در سینه تاریخ...
انتظار: تبر ابراهیم، عصای موسی، شمشیر داوود، و فریاد محمد...
انتظار: خروش علی، خون عاشورا، و جاری امامت...
انتظار: خط خونین حماسه‌ها در جام زرین خورشید...
انتظار: صلابت... انتظار: نه...

در درون تاریکی‌ها و سردی‌ها، به دمیدن سپیده‌دم چشم داشتن، و به امید طلوع خورشید زیستن؛

در تراکم هواهای کشندهٔ اختناقها، به وزیدن نسیمهای حیاتبخش رهایی امید بستن، و به آرزوی پدیدار گشتن روزهای طلایی ارزشهای جاوید زنده ماندن؛

در غروبهای تاریک‌گونِ نومیدی‌بار غرق بودن، و نوید طلوع فجر شکافندهٔ آفاق را در دل پروردن؛

در شبستان ستمهای تیرگی‌آفرینِ جهان‌گستر گرفتار آمدن، و جان را به مژدهٔ فرارسیدن روزهای روزستان، تابنده ساختن؛

در جهانِ آکنده از ستم و بیداد دست و پا زدن، و از شادمانی طلوع طلیعه جهان آکنده از داد و دادگری سرشار بودن؛

در حضور حکومتهای جبّار و خونخوار زندگی کردن، و لحظه‌ای سر تسلیم فرود نیاوردن؛

در زیر سیل خروشان تباهی و فساد قرار گرفتن، و آنی قد خم نکردن؛

در سیاهی‌های دوراه ظلم وظلمت وگناه گرفتار آمدن، و همواره منتظرِ طلوعِ خورشید خونین رهایی بودن؛

دَر برابر کوه مشکلات زمانه قرار گرفتن، و چون کوه مقاوم بودن؛

در مسیر جاری کوبنده زمان ایستادن، و آری‌ها را خوار شمردن، ونه گفتن ونه گفتن؛

شمشیرها وشهادتها را پذیرا شدن، و خطها و شهامتها را پاس داشتن؛

این است انتظار، شعار شورآور منتظران، مقاومان، پایداران، صلابت‌پیشگان،

شیعیان! مهدی‌طلبانِ تاریخ! این است انتظار...

تمنای وصال

شیخ بهایی

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود، از هر مژه چون سیل روانه
خواهد به سر آید شب هجران تو یانه؟
ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه
رفتم به در صومعهٔ عابد و زاهد
دیدم همه را پیش رخت، راکع و ساجد
در میکده، رهبانم و در صومعه، عابد
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می‌طلبم خانه به خانه
روزی که برفتند حریفان پی هر کار
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه‌گه یار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
هر در که زنم، صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم، پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی، کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن، زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم، من که روم خانه به خانه
عاقل به قوانین خرد، راه تو پوید
دیوانه برون از همه، آیین تو جوید
تا غنچه بشکفتهٔ این باغ که بوید
هر کس به زبانی، صفت حمد تو گوید
بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه
بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
هر چند که عاصی است، زخیل خدم توست
امید وی از عاطفت دم به دم توست
تقصیر خیالی به امید کرم توست
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه

نشان دوست

سعدی

ای پیک پی‌خجسته که داری نشان دوست
با ما مگو به جز سخن دل‌نشان دوست
حال از دهان دوست شنیدن چه خوش بوَد
یا از دهان آن که شنید از دهان دوست
ای یار آشنا، علَم کاروان کجاست؟
تا سر نهیم بر قدم ساربان دوست
گر زر فدای دوست کنند اهل روزگار
ما سر فدای پای رسالت‌رسان دوست
دردا و حسرتا که عنانم ز دست رفت
دستم نمی‌رسد که بگیرم عنان دوست
رنجور عشق دوست چنانم که هر که دید
رحمت کند، مگر دل نامهربان دوست
گر دوست بنده را بکشد یا بپرورد
تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست
گر آستین دوست بیفتد به دست من
چندان که زنده‌ام، سر من وآستان دوست
بی‌حسرت از جهان نرود هیچ کس به در
الا شهید عشق به تیر از کمان دوست
بعد از تو هیچ در دل سعدی گذر نکرد
وان کیست درجهان که بگیرد مکان دوست؟

راهبردهایی برای توسعه خریدهای اینترنتی

آنچه در پی آمده است کنکاشی پیرامون خریدهای اینترنتی و سازوکارهای قانونی حمایت از این خریداران است که بخش اول آن را پریروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی را می خوانید:

***

بر این اساس پیش‌بینی شده تا پایان برنامه پنجم توسعه ۲۰ درصد تجارت داخلی و ۳۰ درصد تجارت خارجی کشور به صورت الکترونیک انجام شود. همچنین براساس این برنامه باید ۸۰ درصد خدمات بانکی هم به صورت الکترونیک صورت گیرد.

از سوی دیگر باید شبکه دستگاه‌های دولتی شکل گرفته و اتصال آنها به شبکه ملی اطلاعات اجرایی شده باشد تا ۷۰ درصد خدمات بین دستگاه‌ها هم الکترونیک شود. اینها اهدافی است که به اعتقاد کارشناسان هنوز چندان رنگ و بوی اجرایی به خود نگرفته است.احساس نبود اعتماد و امنیت کاربران در خریدهای الکترونیک در ایران برای یک کاربر تجربه خرید به صورت فیزیکی را بسیار اطمینان بخش‌تر ازخریدی می داند که تا زمان تحویل کالا هیچ تصویر واقعی و عینی از آن ندیده و نمی‌تواند آن‌طور که باید تصویر صحیحی از خرید پیش رویش داشته باشد.

در آثار و مقالات مربوط به تجارت الکترونیک، تحقیقات متعددی در مورد خرید اینترنتی و ارزیابی مصرف کننده وجوددارد که بعضی از بررسی ها وجود یک اعتبار تجربی بین عوامل موثر بروی خرید و رفتار خرید اینترنتی را توجیه می‌کند. اما تحقیقات جدید، سبک پردازش اطلاعات توسط مشتریان، الگوهای خرید، ترجیحات مشتریان و زمینه های مرتبط برای ایجاد جذابیت بیشتر برای استفاده کنندگان از فروشگاه های اینترنتی را مورد توجه قرارداده‌اند.

محققان بازاریابی معتقدند که در ورای هر عمل خرید یک فرایند مهم تصمیم گیری نهفته است. مراحلی که خریدار طی می‌کند تا تصمیم بگیرد که چه نوع محصولاتی را خریداری کند را فرایند تصمیم‌گیری خرید گویند. در این زمینه مدل‌های زیادی وجود دارد که این مدل‌های تصمیم گیری، رفتار خریدو شیوه‌های قابل درک توسط مصرف کنندگان را نشان می‌دهند. هدف این مدل‌ها نظم و ادغام اجزای گسترده دانش شناخته شده در مورد رفتار مصرف کننده است.از منظری دیگر، به سبب برخی تجارب ناگوار خریدهای اینترنتی در ایران، برخی از افراد معتقدند که عموما در این خریدها معمولاً اطلاعات و داده های مناسبی از کالا را در اختیار خریدار قرار نمی دهند یا در مواردی اطلاعات ارائه شده با کالاهای تحویلی مغایرت داشته و خریداران از خریدکالای خود احساس رضایت ندارند و پیگیری و شکایت از اینگونه فروشگاهها هم در کشور با موانع و مشکلاتی همراه است؛ بنابراین به این نوع خرید اعتمادی نمی توان داشت ومردم همچنان خرید سنتی را ترجیح می دهد.اگرچه سازوکار قانونی پیش بینی شده در قانون تجارت الکترونیک جایگاه مناسبی را برای امنیت خریداران پیش بینی کرده است، ولی نظارت بر حسن اجرای این قانون به نحو شایسته و بازخورد مناسب آن میتواند راهبرد مناسبی برای افزایش تمایل به فعالیت در فضای مجازی باشد؛

قانون تجارت الکترونیک در ایران هفدهم بهمن سال۱۳۸۲ مشتمل بر ۸۱ماده و ۷تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون تجارت الکترونیک دارای ارکان سه گانه ای بوده که یک فصل از آن به موضوع رعایت حقوق مصرف کننده و تضمین معاملات آن اختصاص داده است.همچنین در باب سوم قانون تجارت الکترونیک از آن بعنوان حمایت‌هایی که از حقوق مصرف کننده شده، سخن به میان آمده است.در یک نگاه کلی حمایت از حقوق مصرف کننده در قانون تجارت الکترونیکی ایران بر ۳رکن اصلیحق ارائه اطلاعات کامل،حق انصراف و حمایت از مصرف کننده در برابر شروط قراردادی غیر منصفانه استوار است.با نگاهی به مفاد مندرج در این قانون مشاهده می شود که بسترهای لازم برای یک خرید مناسب و منصفانه با تضمین صحت و سلامت معامله بر اساس شرایط منطقی و منصفانه با رعایت حق انصراف مصرف کنندگان دقیقاً ترسیم شده و در چارچوب قانون مذکور مجازات‌هایی را هم برای نکول کننده پیش بینی کرده است.

در این قانون اولین و ابتدایی‌ترین حق مصرف کننده قبل از انعقاد قرارداد با تأمین کننده کالا یا خدمات، آگاهی از نوع محصول و چگونگی ارائه خدمات است. اطلاعاتی که نظیر هویت تأمین‌کننده، نام تجاری و نشانی تأمین کننده است؛ این موضوع اولین ماده از فصل سوم را که ماده ۳۳ است، به خود اختصاص داده است در این قانون می خوانیم: فروشندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات بایستی اطلاعات موثر در تصمیم گیری مصرف کنندگان برای خرید یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. حداقل اطلاعات لازم، شامل موارد زیر می باشد.

الف – مشخصات فنی و ویژگی‌های کاربردی کالا یا خدمات.

ب – هویت تامین کننده، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول است و نشانی وی .

ج – آدرس پست الکترونیک، شماره تلفن یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند.

د– تمامی هزینه هایی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود (از جمله قیمت کالا یا خدمات، میزان مالیات، هزینه حمل، هزینه تماس)

ه – مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر است.

و – شرایط و فرآیند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت، تحویل یا اجرا، فسخ و ارجاع خدمات پس از فروش .

از موضوعات دیگرمورد نظر خریدار و مصرف کنندگان در صورت عدم رضایت از جنس خریداری‌شده یا خراب بودن آن عودت یا بعضاً تعویض کالا است که این موضوع به دلیل دور بودن تولیدکننده و دسترسی نداشتن به فروشنده با مشکلاتی همراه بوده و در مواقعی غیر ممکن است. موضوعی که قانون تجارت الکترونیک در خصوص آن هم به شکل مشروح و موثر تعیین تکلیف کرده است. در ماده ۳۷قانون تجارت الکترونیک حق انصراف مصرف کننده به رسمیت شناخته شده است. طبق این ماده یکی از حقوقی که در هر معامله ای از راه دور برای مصرف کننده ایجاد می‌شود، حق انصراف از قبول زمان پیشنهاد تا ۷روز کاری است که مصرف کننده می‌تواند بدون ارائه دلیل و تحمل هیچ گونه هزینه‌ای از قبول خود انصراف دهد. البته هزینهٔ باز پس فرستادن کالا به عهدهٔ مصرف کننده است.همچنین احساس فقدان اعتماد به صحت و صداقت در اصول خرید و فروش بنگاه‌های مجازی که کالا یا خدماتی را مورد معامله قرار می‌دهند، در همین خصوص قانون درماده۴۶ آمده است: استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال‌شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف‌کننده مؤثر نیست.

با نگاهی به قانون تجارت الکترونیک و مصادیق تخلفات و تهدیدهای موجود در فضای الکترونیک به خوبی مشاهده‌می‌شود که برای بسیاری از دغدغه های موجود در این خصوص، مابه ازای قانونی مشخص شده است که می‌تواند تاحدودی امنیت روانی جامعه را در این حوزه تضمین کند. ولی موضوعی که اکنون مطرح می شود، این است که ضمانت اجرایی قوانین و نحوه نظارت و کنترل این فضا در رسیدگی به نارضایتی ها و شکایات مردمی چگونه پیش بینی شده است و مجریان و متولیان قانون در جهت اجرای آن و نظارت بایسته بر این فعالیت ها چگونه حقوق مصرف‌کنندگان را استیفا خواهند کرد؟ اگرچه دولت در همین راستا برنامه ها و اقدامات متنوعی را به مرحله اجرا در آورده است که برخی از آنها اطلاع رسانی شده و برخی هم هنوز به شکل موثری اطلاع‌رسانی نشده است که لازم است در این خصوص اقدامات موثری صورت پذیرد.

ایجاد سامانه نماد الکترونیک بعنوان نمونه از اقدامات انجام شده با محوریت دولت است هدف از ایجاد این سامانه، مدیریت، سازماندهی و هدایت تمام فعالیت تجاری و داد و ستد در فضای مجازی است که تحت نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت فعالیت میکند. اعطای نماد اعتماد الکترونیک برای وب‌سایت های تجاری با هدف قانونمند کردن و چارچوب دهی به فعالیت فروشگاه‌های مجازی است. نماد اعتماد الکترونیک به شکل یک علامت در بالای سایت‌هایی که از نظرقانونی فعالیت آنان مورد تائیداست، به نمایش در می آید.

ساماندهی سایت‌های تجاری در کشور یکی از موثرترین گام ها در ایجاد فضای نمادتجارت الکترونیک محسوب می شود. به نحوی‌که مردم در هنگام خرید از طریق اینترنت، با اطمینان از این‌که سایت‌ها به تعهدات خود در قبال آنان عمل خواهند کرد و حقوق مصرف کنندگان را به رسمیت می‌شناسند، اقدام می کنند.

با نگاهی به اطلاعات سایت نماد مشاهده می شود که تاکنون نزدیک به شش هزار شرکت مجوز نماد الکترونیک را دریافت کرده و می توانند بصورت قانونمند در فضای مجازی به فعالیت بپردازند. که این آمار با توجه به نیاز واقعی کشور و وجود سایت های مختلف و متعدد موجود در فضای مجازی بسیار ناچیز بوده و رقم مطلوبی به نظر نمی رسد. چرا که تکلیف جامعه در خصوص سایت هایی که هنوز مجوز لازم را نگرفته اند یا اینکه برنامه ای برای اخذ مجوز ندارند روشن نیست. در این میان هم البته سایت هایی وجود دارند که بصورت انحصاری امکان ارائه برخی از کالاها و خدمات را به مردم دارند، ولی علاقه یا توجهی به دریافت مجوز نماد الکترونیک را ندارند که لازم است دولت به سبب ایجاد امنیت فضای مجازی برای توسعه خریدهای اینترنتی در این خصوص هم اقدام کند.

با نگاهی به حجم فعالیت های انجام شده توسط دولت برای ساماندهی و مدیریت فضای مجازی مشخص می شود که بین حجم فعالیت های انجام شده با سطح برنامه های پیش بینی شده برای نهادینه شدن استفاده از فضای مجازی در تجارت الکترونیک فاصله معنا داری وجودداشته و لازم است دولت در این خصوص اقدامات و تمهیدات مناسبی را در نظر گیرد. همچنین موضوع نظارت و کنترل فعالیت های تجاری در این فضا و رعایت قوانین و مقررات مصوب در این فرایند از الزاماتی است که توسط دولت باید با جدیت پیگیری شود. چرا که امنیت و رونق در فضای مجازی در حوزه تجارت الکترونیک می تواند ضمن رونق فضای کسب وکار زمینه را برای مدیریت مناسب و هدفمند هزینه های جامعه و اقتصاد خانواده فراهم آورد.با رونق فضای تجارت الکترونیک دولت می تواند ضمن رونق اشتغال افراد جامعه با کمترین هزینه گردش سریع امکانات و منابع مالی و اقتصادی کشور را در کوتاه ترین زمان با بالاترین ضریب ایمنی فراهم کرده و از سوی دیگر عملیات مالی و تجاری بنگاههای اقتصادی را هم رصد کند.با عنایت به سیاست‌های دولت تدبیر وامید در جهت رونق کسب وکار و توسعه اشتغال در فعالیت های مولدو همچنین حفظ و حراست از حقوق مصرف‌کنندگان به نظر می رسد موضوع مهم و اساسی رونق تجارت الکترونیک می تواند راهبرد مناسبی در توسعه و تحکیم مبانی مد نظر دولت در تجارت تلقی شود؛ لذا ایجاد زیر ساخت های موثر، پویا و چابک در ساختار تجارت قانونمند الکترونیک می تواند سنگ بنای مناسبی برای توسعه و ترویج تجارت در این فضا تلقی شود.

شایان ذکر است که هرگونه اهمال، کوتاهی و کم توجهی در توسعه مناسب و قانون مند این فضا می تواند به همان میزان آسیب های جدی را متوجه ساختار اقتصادی کشور کند، لذا تلاش و حرکت در این مسیر مستلزم بینش عمیق، دقیق و متناسب با نیاز خواهد بود.

غلامعلی رموی

***خرید کالا و خدمات از طریق فضای مجازی در ایران به دلایل متعددی به تاخیر افتاده است‌که از مهمترین این دلایل می توان به توسعه نیافتن زیر ساخت ها متناسب با نیازها و نبود اعتماد و توجه عمومی به استفاده از این فضا اشاره کرد**

وام‌های جدید با بازار مسکن چه می کنند؟

با تصویب طرح پیشنهادی وزارت راه و شهرسازی وبانک مسکن برای اعطای تسهیلات خرید مسکن به «خانه اولی‌ها» از سوی شورای پول و اعتبار، تسهیلات در سه سطح ۴۰، ۶۰ و ۸۰ میلیونی به مردم تعلق خواهد گرفت.

دراین طرح برای خانه اولی‌ها، فرد متقاضی باید نصف مبلغ وام را به مدت یک سال در بانک سپرده گذاری کرده ووام را با سود ۱۴ درصد در بازه زمانی ۱۲ ساله بازپرداخت کند. بدین ترتیب متقاضیان باید حدود دو برابر مبلغ وام را به بانک مسکن بازپرداخت کنند.

هرچند طبق مصوبه دیگر شورای پول و اعتبار سایر بانک‌های دولتی و غیر دولتی هم موظف شده‌اند وام تسهیلات مسکن را در سطوح ۴۰، ۵۰ و ۶۰ میلیونی در اختیار مردم قراردهند که البته تاکنون جزئیاتی از ساز و کار ارائه این تسهیلات و بازپرداخت آن اعلام نشده است.

به گفته یکی از فعالان بازار مسکن در حومه شهر تهران، اگر وام ۶۰ میلیونی باسود کمتر به مردم تعلق گیرد، ممکن است با استقبال خوبی مواجه شود. با سود ۱۴ در صدی،مردم باید دو برابر مبلغ وام را بازپرداخت کنند.وی می افزاید:در حال حاضر خرید و فروش بد نیست و با کاهش قیمت فصلی مواجهیم .اما با فرارسیدن تعطیلات قطعا افزایش قیمت خواهیم داشت. اگر مردم از وام مسکن استقبال کنند ممکن است قیمت مسکن بالا برود، اما‌اگر سود کمتری برای این وام در نظر بگیرند، چرخه خرید و فروش و ساخت و ساز به درستی شکل می‌گیرد.

یکی دیگر از فعالان این حوزه در حومه تهران هم معتقد است: اعطای وام ۴۰ تا۸۰ میلیونی تنها برای ایجاد شوک در بازار مسکن است و با استقبال خوبی مواجه نخواهدشد.

وی می افزاید: اینکه گفته می‌شود وام با سود ۱۴ درصد به مردم تعلق می‌گیرد درست نیست، بلکه سود این وام ۳۰ درصد است، چون فرد متقاضی باید نصف مبلغ وام را برای یک سال در بانک بخواباند.این فرد عقیده دارد تسهیلاتی که بانک مسکن با خرید اوراق اعطا می‌کند، برای مردم بهتر است. وی می گوید:هر چند که برای خرید اوراق باید حدود ۹ میلیون تومان پرداخت شود وسود مشارکت هم ۲۴ درصد است، اما حداقل متقاضی پول خود را یک سال در بانک نمی‌خواباند.

از طرف دیگر کارمند یا کارگری که نهایتا ۲ میلیون تومان حقوق ماهانه می‌گیرد، چگونه می‌تواند ماهانه ۸۰۰ یا ۹۰۰ هزار تومان قسط وام بدهد؟ مردم توان بازپرداخت اقساط این وام را ندارند و از آن استقبالی نمی‌کنند بنابراین تغییری در وضع بازار مسکن ایجاد نخواهد شد. این در حالی است که بازار هم راکد است.

اما یکی از فعالان بازار مسکن درمنطقه مرکزی شهر تهران می‌گوید: پرداخت تسهیلات ۸۰ میلیونی می‌تواند مورد استقبال مردم قرار گیرد و این طرح در مقایسه باطرح مسکن مهر که در دولت‌های نهم و دهم اجرا شد،خیلی بهتر است.

وی می گوید: درست است که فردمتقاضی باید نصف مبلغ وام را به مدت یک سال سپرده‌گذاری کند، اما به هر حال این طرح بهتر از هیچ است. به نظرم کسانی که در تهران زندگی می‌کنند، توان بازپرداخت وام دراقساط یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومانی را دارند. به هر حال کسی که می‌خواهد اولین خانه‌اش را بخرد، به خودش سختی می‌دهد تااین اتفاق بیفتد. اما در هر حال این طرح خیلی بهتر از مسکن مهر است. مسکن مهر خارج از شهرها ساخته می‌شد و فقط مصالح ساختمانی را نابود کرد. بازار در حال حاضر راکداست. در واقع خرید و فروش خیلی کمی انجام می‌شود و بازار روند یکنواختی دارد.اما فکرمی‌کنم با اعطای وام ۸۰ میلیونی بازار تکانی بخورد.

یکی دیگر از مشاورین املاک در شهر تهران درباره این وام گفت: یک زوج جوان چطور می‌تواند ماهیانه یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومان قسط بدهد؟ چرخ مملکت روی ملک می‌چرخد و دولت باید چرخ بازار مسکن را بچرخاند. اما در این طرح فرد باید ۴۰ میلیون تومان را برای یک سال سپرده بگذارد و معلوم نیست یک سال دیگر چه اتفاقی خواهد افتادو وضع بازار چگونه خواهد بود .

در این بین رئیس اتحادیه مشاوران املاک با تاکید بر اینکه افزایش سطح تسهیلات مسکن عاملی محرک برای افزایش حجم معاملات مسکن خواهد بود، می گوید: افزایش تسهیلات بانکی موجب گرانی مسکن نخواهدشد و وضع بازار مسکن هم از نظر حجم معاملات بهبود خواهدیافت. البته عملا ارائه این تسهیلات از یک سال آینده صورت خواهد گرفت اما در مجموع این موضوع می تواند انگیزه ای برای تولیدکنندگان باشد تا با ورود به عرصه ساخت وساز مسکن کاهش صدور پروانه های ساختمانی در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۳ را جبران کنند.

عقبایی در واکنش به دغدغه هایی که درباره توان یا عدم توان مردم برای بازپرداخت اقساط این وام ها مطرح می شود، می گوید: واقعیت این است افرادیکه با حقوق۲ میلیون تومان یا کمتر در تهران زندگی می‌کنند برای یک آپارتمان ۶۰متری باید ماهیانه حداقل یک میلیون تومان اجاره پرداخت کنند که این مبلغ معادل همان میزان قسط وام ۸۰ میلیون تومانی است و لذا اگر این افراد اجاره نشین باشند، همین مبلغ یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومان را که قسط وام مسکن است باید به عنوان اجاره بهاپرداخت کنند و حالا اگر برای دریافت وام اقدام کنند، یک نوع سرمایه گذاری انجام داده اند .عقبایی هم چنین افزایش قیمت مضاعف بر اثر افزایش تسهیلات بانکی برای مسکن رارد کرد و افزود: ما افزایش قیمت مضاعف و تورم را در این زمینه شاهد نخواهیم بود. جامعه هم آمادگی جلوگیری از ایجاد موج در این فضا را خواهد داشت. در حال حاضرشرایط اقتصادی کشور به گونه ای نیست که این موج ها را بپذیرد و آن را پس خواهدزد.

رییس اتحادیه املاک تهران ادامه داد: در خصوص اعطای تسهیلات ۴۰ تا ۸۰ میلیونی باید بروکراسی اداری و هزینه های مترتب براین وام ها را کاهش دهیم. در واقع مردم نباید با بروکراسی اداری در شورای بورس وجاهای دیگر برای دریافت این تسهیلات مواجه شوند .

نگاهی به سبد دارایی‌های صندوق توسعه بازار

نگاهی به سبد دارایی‌های صندوق توسعه بازار نشان می‌دهد بیشترین حجم سهام اختصاص یافته در این پرتفوی به سه صنعت محصولات شیمیایی، بانک و خودرو متمرکز شده است.

علی نقوی مدیر مرکز مالی ایران در گفتگو با فارس، با بیان اینکه نقدینگی موجود در صندوق توسعه بازار برای سرمایه در گردش شرکتهای بورسی است، بیان کرد: در حال حاضر اطلاعات مربوط به ارزش خالص دارایی‌ها و ترکیب صنایع از طریق سایت صندوق در دسترس است.

وی با بیان اینکه مدیریت صندوق توسعه بازار مطابق با امیدنامه و اساسنامه آن انجام می‌شود، اضافه کرد: صندوق توسعه برای مرکز مالی ایران به مثابه امانتی است که با تصمیم مجمع این صندوق مدیریت آن بر عهده این شرکت قرار گرفته است.

اظهارات مدیر صندوق توسعه در حالی است که تا لحظه انتشار این خبر بر مبنای آخرین ارزیابی واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق توسعه قیمت آماری هر واحد سرمایه‌گذاری این صندوق مبلغ ۸۶۰ هزار و ۵۶۹ ریال است.بر اساس این گزارش ، سهم صنایع بورس در سبد دارایی‌های صندوق توسعه یه ترتیب شامل صنعت محصولات شیمیایی در حدود ۱۸/۹ درصد، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ۱۷ درصد، خودرو ۱۴/۷ درصد، فلزات اساسی ۱۰/۶ درصد و فرآورده‌های نفتی ۹ درصد می‌باشد.

خبر دیگر حاکی است دبیر کل کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار طی نامه ای به رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار از اقدامات سازمان بورس تشکر و قدردانی کرد.

به گزارش خبرنگار ایسنا، در نامه سید روح الله میرصانعی دبیر کل کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار آمده است که این کانون برخود لازم می‌داند از اقدامات مفیدی همچون انتشار شاخص قیمت، و بازده نقدی (هموزن) و شاخص قیمت (هموزن)،کاهش حجم مبنای شرکت ها، انتشار اطلاعات ناشران بر روی کدال به صورت مستقیم و به تبع آن کاهش زمان توقف نمادها و افزایش دامنه نوسان در بورس به ۵ درصد که در کاهش صف های خرید و فروش، افزایش تحلیل در بازار، افزایش نقدشوندگی مثمرثمر خواهد بود و اثرات مثبتی در بازار سرمایه بالاخص در بلند مدت به جا خواهد گذاشت، قدردانی کند.

به گفته دبیر کل کانون این اقدامات مناسب، نیاز بسیاری از فعالان بازار و محققان را بر طرف و امکان بررسی وضع بازار و میزان نوسان آن را به روش های مختلف فراهم کرده و در کاهش دسترسی و سوء استفاده‌های احتمالی از اطلاعات نهایی و عدم توقف نمادها و افزایش نقدشوندگی بسیار سودمند است.این کانون به نمایندگی از اکثریت فعالان بازار سرمایه از این اقدامات و تصمیمات قدردانی کرده و آنها را در راستای استانداردهای بین‌المللی و حرکت به سمت بورس های کشورهای پیشرفته می داند.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۶۳۲۲۷	۶۳۲۳۰/۳	۶۳۲۰۲/۶	(۰/۹)	۰
شاخص۳۰شرکت بزرگ	۲۸۹۲/۵	۲۸۹۴/۷	۲۸۹۲/۴	(۲/۳)	(۰/۰۸)
شاخص آزادشناور	۷۲۴۵۴/۹	۷۲۴۷۴/۸	۷۲۴۳۲/۲	۵/۶	۰/۰۱
شاخص بازاراول	۴۵۶۳۶/۲	۴۵۶۳۷/۹	۴۵۶۱۴/۵	۱۷/۸	۰/۰۴
شاخص بازاردوم	۱۳۰۳۵۶/۹	۱۳۰۴۹۰/۹	۱۳۰۳۳۱/۵	(۱۱۵/۱)	(۰/۰۹)
شاخص صنعت	۵۲۰۹۷/۸	۵۲۰۹۹/۶	۵۲۰۵۲/۶	۲۲/۶	۰/۰۴

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۴/۳/۱۱)

مجموع حجم معاملات	۳۴۰/۴۲۱/۲۰۳ سهم
مجموع ارزش معاملات	۶۲۶/۲۸۹ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۳۶۷۲۴ معامله
ارزش بازار	۲/۷۹۰/۳۲۶ میلیارد ریال

عرضه های صنایع مس در بورس کالا

انواع کالاهای شرکت ملی صنایع مس ایران در بورس کالای ایران عرضه شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل شرکت بورس کالای ایران، در تالار محصولات صنعتی و معدنی، چهار هزار تن مس کاتد شرکت ملی صنایع مس ایران با قیمت پایه ۱۹۶ هزار و ۵۳۰ ریال راهی تالار محصولات صنعتی و معدنی شد.

این شرکت همچنین ۳۵۰۰ تن مس مفتول را با قیمت پایه ۲۰۳ هزار و ۶۱۰ ریال عرضه کرد. از دیگر محصولات عرضه شده شرکت ملی صنایع مس ایران می توان به ۲۰ هزار تن انواع مس کم عیار، ۱۰۰ تن سولفور مولیبدن و ۱۵ تن کنسانتره فلزات گرانبها اشاره کرد.

علاوه بر این، ۲۷۰ تن مس مفتول شرکت صنایع تولیدی دنیای مس کاشان عرضه را با قیمت پایه ۲۰۴ هزار و ۱۶۰ ریال تجربه کرد.

تالار محصولات صنعتی و معدنی همچنین شاهد عرضه ۷۲۶ تن میلگرد A3-25شرکت ذوب آهن اصفهان بود. در تالار محصولات کشاورزی ۱۰۴ هزار و ۹۶۰ تن ذرت دانه ای، ۸۵۹۵ تن برنج، شش هزار تن شکرسفید، چهار هزار تن گندم دروم و یکهزار تن گندم خوراکی روی تابلوی عرضه رفت.

در بازار فرعی هم ۶۸۳ تن ضایعات آهنی شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران و ۲۵ تن ضایعات آهنی شرکت تجهیزات ناوگان ریلی البرز نیرو عرضه شد.

افزایش ۱۸ درصدی خریداران اوراق مسکن فرابورس

مدیریت امور ناشران شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات) از افزایش ۱۸ درصدی تعداد خریداران اوراق حق تقدم تسهیلات مسکن در فرابورس ایران خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سمات، در معاملات هفته گذشته فرابورس ایران، تعداد ۵۴۴۹ نفر با خرید ۲۰۵ هزار و ۱۱ اوراق حق تقدم تسهیلات مسکن وارد فرایند خرید خانه شدند.

این در حالی است که در معاملات منتهی به دوم خرداد۴۶۱۴ نفر با خرید ۱۷۹ هزار و ۲۹۱ اوراق از طریق بازار سرمایه صاحب خانه شده بودند.

حجم معاملات حق تقدم تسهیلات مسکن در هفته منتهی به هشتم خرداد ۳۰۸ هزار ۱۲۹ دفعه بود که در مجموع ارزش معاملات این اوراق ۲۲۶ میلیارد ریال بود.

معاملات حق تقدم تسهیلات مسکن از سال ۸۹ در شرکت فرابورس ایران آغاز شده است که هم اکنون بیش از ۲۰ اوراق در این شرکت معامله می شود.سقف پرداخت تسهیلات خرید و تعمیرات مسکن از محل اوراق گواهی حق تقدم استفاده از تسهیلات مسکن مبلغ۴۵۰ میلیون ریال است که مدت بازار پرداخت تسهیلات ۱۲ سال تعیین شده است.

همچنین نرخ سود تسهیلات فروش اقساطی خرید مسکن حداکثر ۱۶ درصد (تقسیط تسهیلات به سه روش ساده، پلکانی سالانه و پلکانی دوره ای) است که متقاضیان استفاده از این اوراق می توانند به شرکت‌های کارگزاری عضو فرابورس و یا شعب بانک مسکن مراجعه کنند.

شورای پول و اعتبار اواخر اردیبهشت سقف دریافت وام خرید مسکن را افزایش داد اما شرکت فرابورس ایران اعلام کرد این مصوبه مربوط به دارندگان حساب صندوق پس انداز مسکن یکم بوده و در راستای کمک به رونق تولید در بخش مسکن و ارتقای قدرت خرید خانوارها و تشویق متقاضیان مسکن به پس‌انداز به تصویب رسیده است و ارتباطی با اوراق تسهیلات مسکن ندارد.خبر دیگر اینکه در جریان معاملات فرابورس ایران،تعداد ۴۷ میلیون ورقه بهادار به ارزش ۹۸۵ میلیارد ریال مورد داد و ستد قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، معاملات ۱۰ خرداد ۹۴ بازار فرابورس با خرید و فروش ۴۷ میلیون و ۴۶۰ هزار ورقه بهادار به ارزش ۹۸۵ میلیارد و ۶۹۰ میلیون ریال به کار خود پایان داد.

در حالی که شرکت‌های مرجان کار، روان فن آور و تدبیرگران فارس و خوزستان بیشترین افزایش قیمت را به نام خود ثبت کردند، شرکت‌های بیمه میهن، صنعتی و معدنی شمال شرق شاهرود و بیمه سامان با بیشترین افت قیمت روبرو شدند و آیفکس با اندکی کاهش روی عدد ۷۱۱ واحد ایستاد.بیشترین حجم معاملات مربوط به خرید و فروش ۴۲۸ میلیون و ۵۲۰ هزار سهم گروه پتروشیمی سرمایه‌گذاری ایرانیان و بیشترین ارزش متعلق به سهام پالایش نفت تهران به ارزش ۱۱ میلیارد و ۶۱۰ میلیون ریال بود.در بازار اوراق با درآمد ثابت ۴۹ هزار و ۹۱۰ ورقه اجاره سه ماهه مپنا خرید و فروش شد و بیشترین حجم معاملات ETF به صندوق سرمایه‌گذاری اعتماد با معامله ۷۸۶ هزار سهم اختصاص یافت ضمن اینکه هر ورقه حق تقدم تسهیلات مسکن ضمن کاهش قیمت در بازه ۷۰۰ تا ۷۳۰ هزار ریال معامله شد.بازار فرابورس شاهد بازگشایی نماد معاملاتی شرکت مهندسی صنعتی روان فن‌آور پس از برگزاری مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام بودیم و نماد معاملاتی شرکت‌های فرآوری زغال سنگ پرورده طبس و همکاران سیستم جهت برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام در روز سه شنبه ۱۲ خرداد، در پایان معاملات متوقف شد.

گفتنی است در جریان معاملات نخستین روز هفته در فرابورس ایران، ۵۸ میلیون و ۸۰۰ هزار ورقه بهادار به ارزش یک هزار و ۲۰۹ میلیارد ریال مورد داد و ستد قرار گرفت.

به گزارش رسیده در پایان معاملات روز ۹ خرداد۵۸ میلیون و ۸۰۰ هزار ورقه بهادار در ۱۴ هزار و ۸۰۸ نوبت دست به دست شد و ارزش آن به یک هزار و ۲۰۹ میلیارد و۴۹۰ میلیون ریال رسید.

ضمن تقویت آیفکس به ۷۱۴٫۹۱ واحد، فولاد هرمزگان جنوب با معامله ۶ میلیون و ۳۶۰ هزار سهم بیشترین حجم و پالایش نفت تهران با ۴۰ میلیارد و ۷۸۰ میلیون ریال بیشترین ارزش معاملات را به خود اختصاص دادند.

در نخستین روز هفته، بیشترین افزایش قیمت مربوط به رشد قیمت سهام شرکت‌های صنعتی و معدنی شمال شرق شاهرود، کشتیرانی دریای خزر و پالایش نفت تهران بود و سهام شرکت‌های پالایش نفت تهران و لاوان بیشترین تأثیر مثبت را در شاخص فرابورس داشتند.

از سوی دیگر، شرکت‌های بیمه میهن، توسعه فناوری اطلاعات خوارزمی و بیمه سامان بیشترین کاهش قیمت را تجربه کردند و هر ورقه حق تقدم تسهیلات مسکن ضمن کاهش قیمت در بازه ۶۹۰ تا ۷۳۰ هزار ریال داد و ستد شد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
ح.تجارت الکترونیک پارسیان	۱,۸۵۰	۲۷۸
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۴۸۵	۱۸۳
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۶۵۱	۱۸۳
ح . کشت‌وصنعت‌پیاذر	۱,۶۲۴	۱۴۷
ح . سرما آفرین	۱,۰۰۰	۵۸
ح.فولاد آلیاژی ایران	۲۹۴	۲۶
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۴۶۸	۱۶۵
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۷۹۶	۱۳۳
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۷,۰۷۵	۳۳۶
فنرسازی‌خاور	۲,۵۸۰	۱۲۲
فرآورده‌های‌نسوز آذر	۴,۰۳۴	۱۹۲
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۰۱۸	۴۸
بیمه دانا	۱,۷۰۲	۸۱
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۶۹۸	۹۶
داروسازی اسوه	۱۶,۱۹۶	۷۷۱
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۴,۷۳۳	۷۴
شیشه و گاز	۳,۷۹۷	۱۷۶
ح . سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۶۶۰	۳۰
سیمان‌سپاهان	۱,۲۴۲	۵۹
کربن ایران	۲,۶۳۲	۱۲۵
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۱۹۲	۵۰
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۹۷۰	۶۸
سخت آژند	۳,۴۱۳	۱۶۲
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۰۳۴	۴۵
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۳۹۸	۱۱۴
فراورده های نسوزایران	۹,۵۵۰	۲۹۷
صنعتی آما	۳,۳۱۶	۱۵۷
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۴۶۷	۸۱
تامین ماسه ریخته‌گری	۷,۵۰۳	۴۱
کمباین سازی ایران	۸۸۳	۱۰
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۴۹۹	۵۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۵,۴۲۰	۱۱۶
پشم‌شیشه‌ایران	۵,۵۲۵	۱۲
ح . توکافولاد(هلدینگ	۱۵۰	۰
ایران تایر	۲,۷۳۹	۵۲
ح . ایران‌ارقام	۱,۰۵۰	۳۱
صندوق شاخص۳۰ شرکت فیروزه- سهام	۱۰,۳۴۳	۱۹۶
ساپاشیشه	۱,۶۸۸	۵۱
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲,۹۵۶	۱۴۰
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۸,۲۷۸	۳۶۲
فرآورده‌های نسوز پارس	۳,۰۲۶	۳
نیرو محرکه	۲,۰۰۰	۱۹
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۲۰۵	۲
فروسیلیس ایران	۲,۴۰۰	۵۷
آبسال	۲,۵۲۸	۹۰
ح.سرمایه گذاری خوارزمی	۳۲۹	۱۲
تولیدمحورخودرو	۱,۶۷۰	۶۴
پارس سرام	۲,۷۳۶	-۱۲۴
لبنیات پاک	۴,۶۳۰	۹
ح . لامپ پارس شهاب	۴,۰۲۰	۷۸
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۴,۸۴۴	۲۳۰
آهنگری تراکتورسازی ایران	۱,۸۲۱	-۲۲
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴,۶۰۰	۱۳۱
صنایع آذرآب	۲,۶۱۵	-۲
تولیدموادِاولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۰۱۱	-۴۹
داروسازی زاگرس فارمد پارس	۷,۴۰۰	۱۷۶
سرما آفرین	۲,۱۱۰	۳۵
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۳۱۴	۶۵
پتروشیمی خارک	۱۸,۷۰۲	۸۹۰
شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۵,۹۹۹	۱۲
پارس پامچال	۱۱,۹۴۷	۵۶۸
شیشه همدان	۵,۶۰۰	۹۴
خدمات‌انفورماتیک	۱۲,۵۰۶	۵۹۵
سایپا دیزل	۹۴۳	۱
سرمایه‌گذاری‌ملت	۶۴۰	۴
گسترش نفت و گاز پارسیان	۳,۱۰۰	-۸۰
ایران ترانسفو	۷,۸۸۰	۱۰۳
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۳۳۵	-۱۸
نورد آلومینیوم	۲,۱۷۶	۱۰۳
ح . پارس دارو	۸,۳۵۰	۲۳
فولاد مبارکه اصفهان	۲,۰۲۰	۳۱
صنایع لاستیکی سهند	۴,۷۷۷	۹
نفت سپاهان	۱۰,۱۹۰	۱۵۹
پالایش نفت اصفهان	۴,۸۹۸	۶۳
بیمه آسیا	۱,۲۳۰	۲۱
ح . نیروکلر	۱,۴۲۰	۴۰
کمک‌فنرایندامین	۹۳۸	۳
سرمایه گذاری شاهد	۱,۲۶۳	-۵
پالایش نفت بندرعباس	۴,۸۸۰	۱۹
لیزینگ‌ایران	۲,۱۰۸	۳۴
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۸۸۰	-۱۳
بانک انصار	۲,۷۲۰	-۹
سامان گستراصفهان	۱,۵۲۰	۳۰
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۵۳۰	۲۸
شکرشاهرود	۹۳۴	۱۵
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۴۸۰	۱۸
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰,۳۸۹	۴۱
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۲۸۴	-۱۸
کارت اعتباری ایران کیش	۲,۷۸۵	۵۸
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۰۳۹	-۱
کالسیمین	۲,۱۱۰	-۲
نیروکلر	۲,۸۴۰	-۴

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
گروه دارویی سبحان	۶,۲۰۰	۱۰۶
ح . صنایع کاشی وسرامیک سینا	۲,۳۳۰	۲۰۰
بانک سینا	۱,۳۰۰	۱
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۳۳۱	-۱۳
الکتریک خودرو شرق	۱,۵۴۸	۱۵
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۰۳۰	۶
گروه صنعتی پاکشو	۹,۹۹۸	۱۱۳
جام‌دارو	۱۲,۰۳۸	۵۷۳
تولیدی‌مهرام	۷,۸۹۳	۳۷۵
ایران خودرودیزل	۷۷۰	۰
پتروشیمی‌فارابی	۹,۰۶۰	۴۳۱
البرزدارو	۱۱,۷۹۹	۳۱۲
پالایش نفت بندرعباس	۴,۸۳۰	-۳۱
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۰۰۰	۴
داروسازی‌زهراوی	۴۱,۶۰۰	۱۱۹۲
تهران شیمی	۲۷,۰۰۳	۱۲۸۵
مارگارین	۳,۰۰۱	-۴۴
سیمان کارون	۴,۶۹۰	۴۳
قند شیرین خراسان	۳,۳۳۵	۱۵۸
دارویی رازک	۲۷,۸۵۵	۱۳۲۶
فولاد امیرکبیرکاشان	۱۰,۸۱۰	-۴۶۰
مخابرات ایران	۱,۹۸۶	۶
سیمان تهران	۲,۴۹۱	-۹
سیمان‌هرمزگان	۱۰,۴۹۸	۲۴۳
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۹,۳۶۰	۲۶
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۳,۱۵۰	۸
ایران‌یاساتایرورابر	۴,۱۶۸	-۱
گروه مپنا (سهامی عام)	۷,۰۰۸	۱۳
پتروشیمی پردیس	۱۶,۹۵۷	-۳۵
داروسازی جابرابن‌حیان	۸,۹۰۵	۱
صندوق س. پاداش سهامداری توسعه۱	۱۰,۳۹۹	۳
پارس دارو	۱۵,۲۰۰	۸۸
بیسکویت گرجی	۳,۷۰۰	-۹
لامیران	۲,۹۸۰	-۳۶
داروسازی فارابی	۹,۲۷۹	-۶
بیمه پارسیان	۲,۰۱۹	۱۹
سیمان‌هگمتان	۳,۰۹۷	۷۵
بیمه ملت	۱,۵۰۰	-۵۳
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۴۳۰	-۲۵
قند نیشابور	۸۳۰	-۷
بهنوش ایران	۴,۲۵۵	-۱۱
قند ثابت خراسان	۷۹۱	-۱۷
فولاد خوزستان	۴,۵۳۰	۲۷
تکنوتار	۱,۵۵۱	۲۵
قند مرودشت	۲,۰۰۰	-۱
بانک‌پارسیان	۱,۷۰۰	-۳
سیمان شرق	۱,۰۴۳	۵
لابراتواردارو‌سازی دکترعبیدی	۶,۳۵۲	-۱۳۹
شهد	۵,۷۶۱	-۳۰۳
ساپیاآذین	۴,۸۹۷	-۲۵۷
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵,۰۲۲	-۱۰
پتروشیمی فناوران	۱۹,۹۶۳	-۱۰۵۰
لنت ترمزایران	۳,۶۳۶	-۱۹۱
معدنی و صنعتی گل گهر	۳,۲۲۴	-۶
تجارت الکترونیک پارسیان	۳,۰۳۰	-۷۲
سیمان‌شاهرود	۲,۹۶۶	-۱۳
پتروشیمی‌شیراز	۲,۹۲۰	۲
معدنی املاح ایران	۹,۱۵۱	-۴۵۹
تایدواترخاورمیانه	۴,۷۰۰	۱
صنایع سیمان دشتستان	۲,۱۷۳	-۱۱۴
بانک ملت	۲,۲۰۰	۱
بانک خاورمیانه	۲,۰۰۰	-۳
پارس‌سویچ	۳,۷۴۷	-۱۹۷
پلی‌اکریل	۱,۹۲۰	۲۸
داروپخش (هلدینگ	۱۳,۶۰۶	-۵۷۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۵,۳۰۰	-۴
چرخشگر	۱,۶۴۵	-۵۹
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۶,۲۰۳	-۷۳
موتوژن	۵,۷۱۹	-۳۰۱
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱,۳۸۰	-۲۴
صنعتی بهشهر	۷,۰۰۰	-۵
مهندسی‌نصیرماشین	۳,۸۳۶	-۶۱
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۲,۴۹۴	-۱۰
سیمان فارس نو	۴,۵۴۰	-۱۲۶
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۰۵۵	-۲۵
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۰۲۵	-۷
سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۹۹۱	-۱۳
قندنقش‌جهان	۹,۴۰۰	-۳۸۲
پاکسان	۲,۷۴۶	-۱۹
کویر تایر	۱۳,۴۹۳	-۳۰
بانک کارآفرین	۲,۶۰۵	-۷۷
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۷۰۰	-۳۷
ذغال‌سنگ نگین طبس	۱,۷۰۰	-۱۲
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۷۰۱	-۱
سیمان کردستان	۱,۵۹۲	-۸۳
مهرکام‌پارس	۱,۵۹۰	-۱۶
نفت بهران	۱۳,۰۰۷	-۸۸
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۵۰۰	-۴
پتروشیمی آبادان	۳,۵۰۱	-۱۸۴
پمپ سازی ایران	۲,۷۲۱	-۸۲
سیمان‌ارومیه	۴,۵۸۰	-۲۴۱
صنایع شیمیایی فارس	۵,۳۵۰	۱۰۲

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
ملی صنایع مس ایران	۱,۹۰۸	۲۳
ساپیا	۱,۲۳۵	-۱۲
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۲۴۰	۰
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۷۰۰	-۲۲
فرآورده‌های تزریقی ایران	۸,۶۵۷	-۴۵۵
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۲۰۱	-۱۰۶
ایران‌دارو	۴,۹۳۰	-۵۰
پالایش نفت تبریز	۷,۶۵۰	-۲۶۳
پتروشیمی شازند	۴,۹۲۴	-۱۰
داروسازی ابوریحان	۱۲,۲۰۰	۲۰۴
باما	۳,۷۳۴	-۲۱
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۵۹۸	-۱
پارس خزر	۶,۴۳۸	-۳۳۸
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۳,۰۷۹	-۶۹
معادن‌منگنزایران	۲,۰۷۰	۴
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۲۷۴	-۶۹
ماشین سازی اراک	۲,۷۹۶	۲
ایران خودرو	۲,۵۸۶	-۳۲
ایران مرینوس	۱۳,۴۹۶	-۱
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲,۵۲۹	-۱۳۳
سیمان شمال	۱,۷۲۶	-۹۰
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۴,۷۴۱	-۲۴۹
ایرکا پارت صنعت	۵,۸۰۰	-۶
بانک پاسارگاد	۱,۷۷۰	-۱۱
سیمان‌غرب	۳,۳۵۰	۱۱
فنرسازی‌زر	۱,۵۲۹	۱
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۱,۸۵۱	-۸۸
بانک‌اقتصادنوین	۲,۰۳۳	-۱۰۶
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۷,۷۵۰	-۱۵۸
گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۴,۴۲۷	-۲۳۳
شیمی داروئی داروپخش	۵,۴۰۱	-۲۶۹
پارس خودرو	۷۸۵	-۱۰
قنداصفهان	۲,۲۴۸	۳۴
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۲۲۶	۱۳
بانک تجارت	۹۰۹	-۱۰
آلومینیوم‌ایران	۵,۷۰۰	-۸۰
کارخانجات قند قزوین	۱,۳۱۳	-۶۹
بانک صادرات ایران	۸۴۵	-۳
فولاد آلیاژی ایران	۱,۵۳۰	-۸۰
سرمایه گذاری پردیس	۷۷۸	-۸
سیمان فارس و خوزستان	۱,۸۰۰	-۲۷
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۱۱	-۳۴
سالمین	۲,۱۷۰	-۱۱۴
توسعه‌معادن‌وفلزات	۱,۳۳۷	-۴۳
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۱۴۷	-۶۰
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۳۱۰	-۳۵
نفت پارس	۱۲,۶۹۵	-۶۶۸
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۹۴۲	-۱۰۰
بیمه البرز	۱,۲۰۰	-۵
رادیاتور ایران	۵,۸۵۰	-۲۶
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۳۱۱	-۶۸
درخشان تهران	۳,۴۶۷	-۱۸۲
معادن بافق	۲,۸۶۷	-۱۰۷
مس شهیدباهنر	۱,۱۷۱	-۳۳
زامیاد	۱,۳۱۰	-۳۳
پتروشیمی مبین	۳,۲۰۹	-۵۵
فیبر ایران	۳,۳۱۳	-۱۵
کیمیدارو	۶,۵۳۳	-۲۲۸
پلاسکوکار	۱,۱۶۸	-۲۳
پارس الکتریک	۶,۹۷۷	۰
حمل‌ونقل‌توکا	۲,۲۷۷	-۳۲
آلومراد	۲,۷۵۶	-۱۴۵
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۰۹۰	-۵۲
دوده صنعتی پارس	۲,۲۴۵	-۱۴
لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۲۲۰	-۳۹
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۷۰۰	-۴۳
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۵۷۵	-۸۲
لیزینگ رایان سایپا	۲,۱۱۱	-۴۳
رینگ‌سازی‌مشهد	۲,۰۰۰	-۳۱
پارس خودرو	۷۸۰	-۱۵
حفاری شمال	۳,۸۷۳	-۱۵۵
بانک تجارت	۹۰۰	-۱۹
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۲۶۵	-۶۵
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲,۷۴۸	-۱۴۱
صندوق سرمایه‌گذاری صنوین-مختلط	۱۱,۷۰۷	-۳۹۳
ایران‌ارقام	۲,۱۳۰	-۹۹
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۱۴۹	-۳۷
ح . ماشین سازی اراک	۱,۴۰۰	-۲۱
سیمان خوزستان	۳,۲۴۳	-۱۷۰
ح . سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۵۵۵	۳
لامپ پارس شهاب	۶,۲۳۱	-۲۸۲
ح . بانک سینا	۲۵۰	-۱۱
گلتاش	۷,۶۷۱	-۳۹۴
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۹,۹۱۰	-۴۳۸
افست	۳,۳۴۹	-۱۷۶
ح . سرمایه گذاری‌آتیه دماوند	۴۰۵	-۲۱
ح . توسعه‌معادن‌وفلزات	۲۳۵	-۱۱
داروسازی روزدارو	۶,۱۴۲	-۳۲۳
ح . ایران تایر	۱,۲۰۰	-۱۷
ح . مس شهیدباهنر	۲۱۰	-۲۳
ح . عمران‌وتوسعه‌فارس	۸۴۲	-۷۹
ح . لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۳۶۱	-۳۹

نوبخت: مشکلات مازندران زیر پوشش سبز و زیبا نهفته است

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از تکمیل ۲۴۶ طرح نیمه تمام عمرانی کشور در سال گذشته خبر داد و محمدباقر نوبخت در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه مازندران با اعلام این خبر افزود: طرح‌های عمرانی گذشته نباید استان را فلج کند.

وی با اشاره به اینکه بودجه سال ۹۴ فرصت خوبی است تا نیازمندی‌های مازندران را رفع کنیم، افزود: در اعتبارات ملی عدد مازندران از ۲۶۸ میلیارد تومان به ۳۷۸ میلیارد تومان رسید. یعنی ۴۰/۷ درصد سال ۹۴ نسبت به سال گذشته افزایش یافت.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور درباره اعتبارات ملی استانی شده اظهار داشت: سال گذشته ۲۹۸ میلیارد تومان بود و امسال به ۳۹۱ میلیارد تومان با ۳۱ درصد رشد رسیده است.

نوبخت درباره اعتبارات توازن منطقه‌ای گفت: از ۱۷۲ میلیارد تومان سال قبل به ۲۸۶ میلیارد تومان با ۶۶/۵ درصد رشد، افزایش پیدا کرده و اعتبارات جاری مازندران از ۲۵۶ میلیارد تومان به ۳۱۱ میلیارد تومان افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه این امکان فراهم است که روی طرح‌هایی که نوبت بیشتری دارد و به‌ویژه طرح‌هایی که قابلیت دارد امسال به اتمام برسد، بیشترین تخصیص را انجام می‌دهیم ادامه داد: وضع منابع ما در سال ۹۴ با توجه به پیش‌بینی بودجه نفت، خیلی وضع مناسبی نیست اما می‌توان اولویت‌بندی کرد سخنگوی دولت با بیان اینکه رئیس جمهوری در آینده به مازندران سفر می‌کند افزود: این فرصتی است که مبلغ قابل توجهی برای پروژه‌های استان تقاضا کنید نوبخت با اشاره به اینکه طرح‌هایی که در سفر رئیس جمهوری مورد توجه قرار می‌گیرد باید تا پایان سال ۹۶ به اتمام برسد، اضافه کرد: کار من در سفر رئیس جمهوری به مازندران بسیار سخت است و می‌دانم مازندران در پوشش سبز و زیبایی که مورد تحسین است چه مشکلاتی دارد. وی با بیان اینکه استان‌های شمالی مشکلات مزمن و نهادینه شده دارند، افزود: اگر در این زمان نتوانیم این مشکلات را رفع کنیم، همواره باید خودر را ملامت کنیم معاون رئیس جمهوری با اشاره به اینکه مازندران مستحق این وضع نیست، ادامه داد: مازندران می‌تواند لکوموتیو باشد نه واگن، مازندران باید ایران را به حرکت بیندازد نوبخت با بیان اینکه در سفر رئیس جمهوری به مازندران به دنبال پروژه‌های قطره چکانی نباشید یادآور شد: به دنبال چند طرح بزرگ و موثر باشید که ماندگار است و ما موظف هستیم برای تأمین اعتبارات آن طرح‌ها، پیش‌نویس را تهیه کنیم.

وی با اشاره به اینکه برنامه ششم توسعه را باید تا مهر امسال به تصویب برسانیم و این قطار در حال حرکت است و تا ۵ سال دیگر هم نمی‌ایستد اظهار داشت: اگر در این قطار جایگاه مناسبی برای مازندران یافتید اقدامی انجام داده‌اید در غیر این صورت باید تا ۵ سال آینده صبر کنید و معلوم نیست چه کسانی قرار است برنامه هفتم توسعه را بنویسند.استاندار مازندران نیز گفت: ۳۰۰۰ طرح نیمه تمام در استان وجود دارد که تکمیل این طرح‌ها نیازمند توجه خاص مسئولان کشور و تخصیص اعتبارات ویژه است.

ربیع فلاح با اشاره به افزایش ضریب بودجه استان در سال‌های ۹۳ و ۹۴ اذعان داشت: مازندران در مباحث مربوط به رونق اقتصادی، مهار تورم، رونق تولید و تقویت بخش صنعت و کشاورزی، همسو و همگام با دولت پیش می‌رود و کارهای مهمی در این مدت انجام شده است.

وی اضافه کرد: در سال ۹۳ کل مازندران به کارگاه بزرگ سازندگی و تولید تبدیل شده است.

استاندار مازندران ادامه داد: سال گذشته حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان طرح توسعه توسط سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دولتی در مازندران آغاز شد که برخی از این طرح‌ها در مرحله اجرا است.

فلاح یکی از طرح‌های مهم نیمه تمام استان را زهکشی اراضی زراعی اعلام کرد و گفت: اگر این طرح‌ها به اتمام برسد، ظرفیت تولید برنج در مازندران حداقل دو برابر خواهد شد.

وی با اشاره گردشگرپذیر بودن مازندران گفت: متأسفانه زیر ساخت‌های گردشگری استان بسیار کم‌تر از حجم مسافران ورودی است و مردم در پارک‌ها و چادرها اوقات می‌گذرانند.

استاندار مازندران به پتانسیل دریا اشاره کرد و افزود: ۱۵ شهرستان مازندران ساحلی هستند و بر اساس اصول، باید ۵۰ درصد اقتصاد و خانوارهای کنار ساحل از دریا تأمین شود ولی در مازندران اینگونه نیست.

جشن ازدواج ۱۰۰۰ زوج

جشن ازدواج هزار زوج مازندرانی به مناسبت سالروز میلاد حضرت علی‌اکبر(ع) در ساری برگزار شد.محمد باقر نوبخت معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با همراهی استاندار مازندران و هیأت همراه در این جشن معنوی شرکت کرد و از سوی رئیس جمهوری برای تجهیز جهیزیه این زوج‌های جوان، کمکی را درنظر گرفت.استاندار مازندران از اقدام انسانی مؤسسه آبشار عاطفه‌ها که حامی این جشن بود قدردانی کرد و افزود: کمک به ترویج و استحکام سنت حسنه ازدواج مورد تأکید بزرگان دین است و اقدام این مؤسسه خیریه نیز قابل ارزش است.

ربیع فلاح گفت: خیران مازندرانی در همه زمینه‌ها پیشتاز هستند و استان ما از این نظر در رتبه برتر کشور قرار دارد.وی از حمایت دولت و ایجاد فضای صمیمی برای فعالیت سازمان‌های مردم نهاد گفت و افزود: در مازندران نیز سازمان‌های مردم نهاد همکاری خوبی با استانداری دارند و فعالیت‌های خود را به صورت منسجم انجام می‌دهند.

مدیرعامل مؤسسه خیریه آبشار عاطفه‌ها نیز گفت: برگزاری مراسم ازدواج هزار زوج مازندرانی اقدام بسیار خوبی بود که با همکاری مسئولان استانی در مازندران انجام شد و باید زمینه‌ای ایجاد شود که مشابه این مراسم در همه کشور برگزار شود. محمد جواد فولادی با اشاره به اینکه سازمان مردم نهاد آبشار عاطفه‌ها ۲۳۰ شعبه دارد افزود: بیش از ۱۱۰ هزار نیکوکار با این مؤسسه در سراسر کشور همکاری دارند.وی با اشاره به اینکه تهیه سبد کالا، ایجاد اشتغال، کمک به مسئولان در مواقع بحران از دیگر اقداماتی است که در این نهاد انجام می‌شود اضافه کرد: سال ۹۳ بیش از ۴۰۰۰ نفر در کشور از خدمات حمایتی این نهاد برای ایجاد اشتغال بهره‌مند شدند.

فولادی اضافه کرد: سال ۹۳، تأمین جهیزیه ۵۰۰۰ زوج جوان در این نهاد انجام شد و با حمایت خیران این نهاد، تأمین جهیزیه ۸۰۰۰ نفر در برنامه کاری قرار گرفت.

زمینه‌های سرمایه‌گذاری آلمانی‌ها در کرمان فراهم است

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سفیر آلمان در ایران گفت: ایران و آلمان رابطه تاریخی خوبی دارند و این ارتباط فقط در زمینه اقتصادی نیست بلکه در فرهنگ نیز این ارتباط وجود دارد.

میکاییل بارون فون اشتنبرگ در دیدار با استاندار کرمان افزود: علاقمند به سفر به بم هستیم، زیرا در بازسازی خانه سیستانی ارگ بم، همچنین به یک بیمارستان و یک مدرسه دخترانه در این شهر کمک کردیم.

سفیر آلمان در ایران گفت: علاقه زیادی به همکاری با ایران وجود دارد اما موانعی مانند تحریم‌ها مانع این گسترش ارتباط شده است.

وی افزود: ماه‌ها دو طرف مذاکرات تلاش می‌کنند که به نتیجه برسند و همه خوش بین به نتیجه رسیدن این مذاکرات هستند. فون اشتنبرگ گفت: در زمینه انرژی شرکت زیمنس با مپنا در ایران همکاری دارد و اگر مشکلات تحریم حل شود می‌توانیم روی این مورد نیز کار کنیم. وی با اشاره به این که شرکت مپنا با یک شرکت آلمانی در مورد انرژی‌های بادی همکاری دارد، افزود: چین نه فقط در ایران بلکه در همه دنیا فعال است و حضور آنها در ایران فقط به دلیل تحریم‌ها نیست.

او اظهار داشت: در زمینه خودرو خدمات پس از فروش ما بسیار بهتر است و شرکت‌های صنعتی آلمانی نیز از ایرانی‌ها راضی هستند، زیرا به قراردادهای خود به خوبی عمل می‌کنند. سفیر آلمان گفت: باید شانس یکسان برای همه در کرمان از جمله اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها ایجاد شود زیرا اگر رقابت باشد کار بهتر انجام می‌شود. فون اشتنبرگ افزود: به فرهنگ و دانشجویان اهمیت می‌دهیم و آلمانی‌های زیادی علاقمند به فراگیری زبان فارسی هستند

***گردهمایی سفرای خارجی در بم**

استاندار کرمان هم در این دیدار گفت: دی امسال همزمان با سالگرد زلزله بم گردهمایی بزرگی را با حضور همه سفرای کشورهای خارجی در بم برگزار می‌کنیم تا آنان به دنیا پیام دهند که بم زنده است.

علیرضا رزم‌حسینی افزود: ارگ قدیم بم نیز بازسازی شده و این بازسازی پیشرفت خوبی داشته است.

وی خاطرنشان کرد: از زمانی که مسئولیت را در استان کرمان پذیرفتم بنا را برحضور سفرای کشورهای مختلف در کرمان گذاشتیم. او گفت: هر دو تا سه هفته یک‌بار یک سفیر به کرمان می‌آید و تاکنون میزبان وزیر فرهنگ ایتالیا و سفرای نروژ، هند، ژاپن و مالزی بوده‌ایم.

استاندار کرمان افزود: ایران و آلمان روابط دیرینه و خوبی با هم داشته‌اند و در دوره‌ای آلمان کشور اول بازرگانی ما بود. وی ادامه داد: پارسال هیات‌هایی از دولت و وزارت صنعت، معدن و تجارت و هیات‌هایی از تهران به آلمان رفتند و حرکت خوبی در دولت تدبیر و امید در این زمینه آغاز شده است. او با بیان این که آلمان یکی از مقاصد صادراتی و دپو کالای ایران است گفت: فرصت توسعه اقتصادی در استان کرمان بسیار وجود دارد.

استاندار کرمان درباره صنعت خودروسازی در بم گفت: پارسال ۸۵ هزار دستگاه خودرو چینی در شش نوع در شرکت خودروسازی بم تولید شد. وی افزود: امیدواریم در زمینه تولید خودرو بتوانیم روابط گذشته را با آلمان برقرار کنیم و در صورت تمایل آلمانی‌ها بتوانند سالانه ۴۰ هزار دستگاه خودرو در ایران تولید کنند. رزم‌حسینی اظهار داشت: چینی‌ها متوجه شده‌اند که اگر آلمانی‌ها بخواهند ورود کنند باید کیفیت کار خود را بالا ببرند و در کرمان خودرو دنبال تولید ارزان نیستیم، بلکه کیفیت خوب برای ما مطرح است. وی گفت: در زمینه آب دو دهه با خشکسالی روبرو بوده‌ایم و به دلیل کمبود آب سه طرح انتقال آب از خلیج‌فارس را در برنامه داریم که در مرحله اول انتقال آب برای صنعت در حال اجراست و امیدواریم تا سه سال آینده ۱۱۰ میلیون مترمکعب آب را به شمال استان منتقل کنیم.

استاندار کرمان ادامه داد: سرمایه‌گذاری ۷۰۰ میلیون دلاری در طرح انتقال آب انجام شده است و در کنار این خط انتقال آب، برای تأمین آب آشامیدنی نیز مطالعاتی را داشته‌ایم. وی گفت: همچنین دو طرح انتقال آب از عمان به جنوب کرمان را در دست مطالعه داریم که برای این منظور به میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در نظر گرفته‌ایم و در حال برگزاری مناقصه هستیم. رزم حسینی افزود: دو طرح پتروشیمی در استان داریم که ۳ میلیارد دلار ارزش سرمایه‌گذاری آنهاست و برای اجرای این طرح‌ها ابتدا با شرکت‌های آلمانی کارهایی را آغاز کردیم که به دلیل تحریم‌ها نتوانستیم کار را با آنها ادامه دهیم و به سمت یکی از کشورهای اروپایی دیگر و چین رفتیم وی گفت: علاقمند به همکاری با شرکت لوکوموتیو و ریلی آلمان برای کار در استان کرمان هستیم و با توجه به اینکه تا ۱۰ سال آینده باید ۶۰ میلیون تن مواد معدنی را جابجا کنیم نیاز به خطوط ریلی داریم.

وی افزود: ۴۰ درصد مواد معدنی کشور و ۵۲ نوع ماده معدنی در استان کرمان وجود دارد. استاندار کرمان گفت: از ۴۰ سال پیش در معادن «اتان» ما اکتشافی صورت نگرفته است و اگر اکتشافات صورت گیرد، چندین برابر مواد معدنی فعلی استان کشف خواهد شد.

وی اظهار داشت: در حوزه انرژی و طرح‌های توسعه‌ای مانند فولاد، مس و صنایع پایین دستی ورود کرده‌ایم و در سال‌های آینده به ۵۰۰۰ مگاوات برق نیاز داریم. رزم حسینی با بیان اینکه برای تأمین ۳۵۰۰ مگاوات برق قرارداد بسته شده است، گفت: بخشی از تجهیزات این طرح از چین وارد می‌شود و بقیه آن را نیز پیمانکاران پیگیری می‌کنند. وی ادامه داد: ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در استان کرمان در بخش‌های صنعت، معدن و انرژی در حال اجراست و همه سرمایه‌گذاری‌ها در دوران تحریم صورت گرفته است.

او با اشاره به رتبه بالای گردشگری و میراث فرهنگی استان کرمان گفت: ورود گردشگران خارجی در دولت تدبیر و امید نسبت به سال‌های گذشته دو برابر شده است و بیشتر گردشگران آمریکایی و اروپایی به استان ما سفر می‌کنند. استاندار کرمان گفت: با وجود کویری بودن استان ۲۵ درصد باغات کشور در کرمان است و ۱۰ محصول کشاورزی ما رتبه‌های اول تا سوم را دارند. وی افزود: جنوب کرمان یک هند کوچک است که در هر چهار فصل محصول دارد و پرواز مستقیم از تهران به جیرفت برقرار است.

برپایی سوگواره محلی «چمر» در مناطق عشایری ایلام

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: سوگواره محلی «چمر» در سالگرد ارتحال امام(ره) در مناطق عشایری ایلام برگزار می‌شود.

حجت‌الاسلام علی چراغی‌پور سرپرست شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ایلام در جمع اعضای ستاد بزرگداشت ارتحال امام(ره) این استان، افزود: امسال ۵۰ برنامه شاخص فرهنگی و مذهبی در سطح استان در بزرگداشت ارتحال امام(ره)، شهدای قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲ و شهدای بمباران هوایی ۱۵ خرداد سال ۴۱ شهر ایلام برگزار خواهد شد.

به گفته وی همایش بانوان با عنوان «پیروان ولایت»، محافل انس با قرآن، مسابقه فرهنگی «پرتوی از صحیفه انقلاب»، محافل شعر (شب‌شعر)، همایش تبیین ابعاد شخصیتی و روش و منش حضرت امام(ره)، برپایی نمایشگاه کتاب، اعزام ۱۷۰۰ نفر از قشرهای مختلف مردم استان به مرقد مطهر امام(ره) و تهیه پوستر ویژه ارتحال حضرت امام(ره) از جمله برنامه‌های پیش‌بینی شده است.

آذربایجان شرقی، سومین استان در حوزه رسانه

تبریز - خبرنگار اطلاعات: آذربایجان شرقی در حوزه رسانه با داشتن ۱۰ عنوان روزنامه و ۳۱ پایگاه خبری رتبه سوم کشوری را دارد.

محمدحسن چمیده‌فر معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاداسلامی آذربایجان شرقی افزود: استان تهران با ۴۱۳ و مازندران با ۳۲پایگاه خبری رتبه‌های اول و دوم کشور را دارند.

به گفته وی از نظر تعداد روزنامه‌ها نیز استان تهران با ۱۱۸ و خوزستان با ۱۵ عنوان روزنامه رتبه اول و دوم را دارند. چمیده‌فر یادآور شد: در مجموع شاخص‌های رسانه‌ای نیز آذربایجان شرقی با ۲۲۳ عنوان نشریه و پایگاه خبری پس از استان‌های تهران، خراسان رضوی، قم، اصفهان و گیلان در رتبه ششم کشوری قرار گرفته است. وی اعلام کرد: از ۲۲۳ عنوان نشریه و پایگاه خبری دارای مجوز در آذربایجان شرقی ۱۹۱ عنوان رسانه‌های کاغذی هستند که شامل ۱۰روزنامه، دو عنوان سه شماره در هفته، دو عنوان دو شماره در هفته، ۳۶ هفته‌نامه، ۸ دوهفته‌نامه، ۴۸ ماهانه، یک عنوان ۱۰ روزیکبار، سه عنوان دوماهانه، ۶۳ عنوان فصلنامه و ۱۸ دوفصلنامه می‌شود.

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاداسلامی آذربایجان‌شرقی همچنین با اشاره به پیشینه درخشان مطبوعات استان گفت: مطبوعات آذربایجان شرقی همواره پیشقراولان رسانه‌ای و فرهنگی ایران بوده و بسیاری از ابتکارات و سبک‌های روزنامه‌نویسی را در کشور معرفی کرده‌اند. وی افزود: نخستین روزنامه‌های فکاهی، ملی، محلی و شب‌نامه‌ها در این خطه منتشر شده و کیفیت مطبوعات آن الگوی دیگر نشریات کشور بوده است و روزنامه‌خوانی پیش از بیشتر شهرهای ایران در تبریز رواج داشته است.

پذیرایی سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) از زائران امام راحل

شهر ری ـ خبرنگار اطلاعات: معاون هماهنگ کننده فرمانده سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) استان تهران، از ارائه خدمات به حدود ۱۶۰ هزار زائر در بیست و ششمین سالروز بزرگداشت امام راحل خبر داد.

سرهنگ عبدالرضا زنگنه در نشست خبری با خبرنگاران و اصحاب رسانه، به تشریح برنامه‌های بزرگداشت سالروز ارتحال ملکوتی بنیانگذار جمهوری اسلامی پرداخت و گفت: سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) مسئولیت خدمات رسانی به ۹۰ هزار زائر استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، گلستان، هرمزگان، مازندران، سمنان، ایلام، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی و فارس را بر عهده دارد و ۱۲۰ نقطه در ۱۱ شهرستان استان تهران برای خدمات رسانی به این زوّار مشخص شده است.وی افزود: علاوه بر زائران ۱۱ استان کشور، حدود ۷۰ هزار زائر شهرستان‌های استان تهران نیز در مراسم سالروز ارتحال امام حضور می‌یابند که به طور میانگین ۳۲۵۰ اتوبوس کار جابجایی این زائران را انجام خواهند داد.وی افزود: پیش‌بینی می‌شود حدود دو میلیون ۵۰۰ هزار زائر در مراسم بیست و ششمین سالروز ارتحال امام خمینی(ره) حضور یابند.

برگزاری جلسه شورای اداری استان کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سومین جلسه شورای اداری سال۹۴ استان کرمان با حضور معاون وزیرکشور برگزار شد.

آیت‌الله جعفری نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه کرمان در این جلسه با تبریک اعیاد شعبانیه گفت: ماه شعبان ماه پیغمبر بزرگوار اسلام ـ محمد مصطفی(ص) است. او با اشاره به این که رجب و شعبان مقدمه‌ای برای درک لیله‌القدر است، افزود: پیغمبر روزه ماه شعبان را به روزه ماه رمضان متصل می‌کرد. وی همچنین فرا رسیدن سالروز ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی را تسلیت گفت و با تبریک میلاد حضرت ولی‌عصر(عج) یادآور شد: اساس مسئله مهدویت مورد اجماع همه مذاهب و همه مردم دنیا است و همه معتقدند سرانجام مصلحی می‌آید و جهان را نجات می‌دهد. اما این که آن مصلح کیست در ادیان مختلف تعابیر متفاوتی آورده شده است.

وی با اشاره به سخن پیامبر(ص) درباره این موضوع و اهمیت آن گفت: این موضوع به قدری حتمی و قطعی است که پیامبر اسلام فرمودند: «اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا فردی از خاندان مرا مبعوث کند».استاندار کرمان نیز با تبریک ولادت حضرت علی‌اکبر(ع) و هفته جوان و فرا رسیدن نیمه شعبان گفت: جوانان سرمایه‌های اصلی هر کشوری هستند و در ایران نقش بی‌بدیل و مهمی را در انقلاب و دفاع مقدس داشتند.علیرضا رزم حسینی افزود: فرماندهان جوان و شهید بسیاری داشتیم که این دوران را فرماندهی کردند و پیروزی‌های درخشانی را در تاریخ ایران به ثبت رساندند.وی سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف تحصیل، اشتغال، ازدواج و امور فرهنگی مربوط به جوانان را از برنامه‌های اصلی دولت تدبیر و امید دانست و گفت: اگر اشتغال جوانان را بهبود بخشیم، بخش عمده‌ای از مسائل فرهنگی و اجتماعی را می‌توانیم بهبود بخشیم.رزم حسینی همچنین به همایش فرمانداران سراسر کشور که در تهران برگزار شد اشاره کرد و گفت: رئیس جمهوری در این همایش بر برپایی انتخابات با نشاط، رقابتی، قانونی و با حضور حداکثری مردم تأکید داشتند. وی ادامه داد: دولت در این انتخابات نقش فراجناحی دارد و رئیس جمهوری نیز توصیه کردند همه فرمانداران سراسر کشور شرایط حضور مردم در انتخابات را فراهم کنند تا آنها بتوانند آزادانه نمایندگان مجلس و خبرگان رهبری را انتخاب کنند.

جشنواره جلوه‌های فرهنگ رضوی در گیلان

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره جلوه‌های فرهنگ رضوی در مطبوعات و خبرگزاری‌ها در گیلان برگزار می‌شود معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با اعلام این خبر گفت: این جشنواره به مناسبت میلاد فرخنده امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) و جواهر بزرگوارشان، کریمه اهل بیت حضرت‌معصومه(س)، در ۲۹ مرداد همزمان با «دهه کرامت» برگزار خواهد شد.

حسین ابراهیمیان افزود: چهار دوره از این جشنواره تاکنون ۴ دوره آن توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان برگزار شده است. وی گفت: بخشی از این جشنواره نیز به صورت ویژه با عنوان بزرگداشت آقاسیدجلال‌الدین اشرف(ع) برگزار خواهد شد. وی افزود: علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و آگاهی از نحوه شرکت در جشنواره می‌توانند به پرتال جشنواره به آدرس Gilan.shamstoos.ir مراجعه کنند. همچنین سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۳۰۱۳۱ و شماره تلفن: ۰۱۳۳۳۳۳۷۱۱۶ به عنوان پل ارتباطی میان جشنواره و مخاطبان معرفی شده است. مهلت ارسال آثار به دبیرخانه جشنواره ۳۱ تیراست و آیین‌پایانی جشنواره در تاریخ ۲۹ مرداد، همزمان با دهه کرامت در استان گیلان برگزار می‌شود.



برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام برای عملکرد سال ۱۳۹۳

سود بیمه پاسارگاد به ازای هر سهم ۵۲۹/۲۰ ریال



مجمع عمومی عادی سالانه بیمه پاسارگاد با حضور ۹۴/۷۹ درصد صاحبان سهام در ساعت ۹:۳۰ روز دوشنبه، ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ در مؤسسه آموزش عالی خاتم برگزار شد و صورت های مالی سال منتهی به ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۹۳ به تصویب رسید.

مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام بیمه پاسارگاد به ریاست آقای دکتر مجید قاسمی رییس هیأت مدیره این شرکت برگزارشد؛ آقایان علی اکبر امین تفرشی و مجتبی کباری به عنوان ناظر و خانم دکتر نعیمیان به عنوان منشی جلسه وی را در برگزاری مجمع همراهی کردند. گزارش کاملی از فعالیت های شرکت در سال مالی۱۳۹۳ توسط آقای پیروز باستانی عضو هیأت مدیره و معاون مالی و اداری بیمه پاسارگاد قرائت شد و آقای معصوم ضمیری مدیرعامل بیمه پاسارگاد به سئوالات سهامداران حاضر در جلسه پاسخ داد و برنامه های آینده شرکت را تشریح کرد.

مصوبات مجمع

مجمع عمومی عادی سالانه بیمه پاسارگاد تصویب کرد تا مبلغ ۳۹۶,۹۰۰ میلیون ریال سود تقسیم شود. از دیگر مصوبات مجمع تعیین مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران به عنوان بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی ایران مشهود به عنوان بازرس علی البدل و انتخاب روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت بود.

همچنین بر اساس عملکرد سال مالی ۱۳۹۳ و صورت های مالی ارایه شده، عایدی هر سهم (EPS) ۵۲۹/۲۰ ریال تعیین شد که مبلغ ۳۵۰ ریال آن به صورت سود نقدی برای هر سهم تخصیص یافت.

عملکرد بیمه پاسارگاد درسال مالی ۱۳۹۳

گزارش هیأت مدیره از عملکرد بیمه پاسارگاد نشان می دهد، در سال مالی۱۳۹۳ بیمه پاسارگاد با صدور بیش از یک میلیون و ۱۶۸ هزار فقره بیمه نامه و قبول ۹۶۰ فقره پیشنهاد واگذاری اتکایی، نزدیک به ۷ر۱۶۲ میلیارد ریال حق بیمه تولید کرد که این رقم نسبت به سال قبل ۴۱/۳ درصد افزایش دارد. بدین ترتیب سهم حق بیمه ، بیمه پاسارگاد در بازار از حدود ۳ درصد در سال ۱۳۹۲ به حدود ۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است.

ترکیب پرتفوی بیمه پاسارگاد، از سهم ۴۲/۴ درصد بیمه های اتومبیل، ۴۵/۴ درصد بیمه های اشخاص، ۲/۸ درصد بیمه آتش سوزی، ۱/۹ درصد بیمه باربری ، ۴/۸ درصد بیمه های مسئولیت و ۲/۷ درصد بیمه های مهندسی، انرژی و سایر حکایت دارد.

بیمه پاسارگاد در دوره یاد شده بیش از ۲ر۶۷۰ میلیارد ریال خسارت پرداخت کرده است، آمارها نشان می دهد ضریب خسارت شرکت نیز (بدون احتساب بیمه های عمر و تأمین آتیه) در سال ۱۳۹۳ حدود ۶۷/۷ درصد بوده است. این در حالی است که به استناد سالنامه آماری سال ۱۳۹۲ صنعت بیمه که توسط بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده، ضریب خسارت بازار بیمه کشور در سال مذکور برای بیمه های غیرزندگی، معادل ۹۰/۲۹ درصد می باشد.

ترکیب پرتفوی بیمه پاسارگاد و مقایسه آن با عملکرد کل بازار بیمه کشور

رشته های بیمه	سهم هر رشته نسبت به تولید مستقیم	
	بازار در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۳	شرکت در سال ۱۳۹۳
آتش سوزی	۴/۳	۲/۸
بدنه اتومبیل	۶/۶	۴/۴
شخص ثالث و حوادث سرنشین	۴۷/۵	۳۸
باربری	۱	۱/۹
مهندسی،انرژی و سایر بیمه های اموال	۳/۹	۲/۷
مسئولیت	۵/۷	۴/۸
* اشخاص	۳۱	۴۵/۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰

* سهم بیمه های زندگی در بازار بیمه کشور در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۳ که در جدول فوق جزء بیمه های اشخاص منظور شده است، حدود ۹/۵ درصد می باشد ، درحالی که این نسبت در تولید بیمه پاسارگاد برای سال مورد گزارش، معادل ۳۱ درصد است.

رشد ۴۱/۳ درصدی پرتفوی و ترکیب همگون آن ، ضریب خسارت مناسب ، مدیریت آگاهانه بر ترکیب پرتفوی بیمه ای شرکت از طریق حضور در بازارهای جدید ، بررسی ریسک های پیشنهادی و قبول آن ها براساس اصول بیمه گری و مدیریت ریسک ، بازنگری در قراردادهای اتکایی به منظور افزایش ظرفیت نگهداری از یک طرف و رعایت صرفه و صلاح شرکت از طرف دیگر، آموزش و جذب ۱ر۳۶۸ نماینده عمومی و فروش بیمه های عمر و تأمین آتیه، برگزاری بیش از ۱۱۴ر۰۰۰ نفر ساعت دوره های آموزش عمومی و تخصصی برای همکاران و نمایندگان شرکت، انجام مرحله سوم افزایش سرمایه و ثبت سرمایه به میزان ۱ر۱۳۴ میلیارد ریال و تهیه گزارش توجیهی افزایش سرمایه از مبلغ ۱ر۱۳۴ر۰۰۰ میلیون ریال به مبلغ ۴ر۰۸۲ر۴۰۰ میلیون ریال معادل ۲۶۰ درصد سرمایه فعلی، عملکرد بسیار شفاف بیمه پاسارگاد و رضایت سهامداران این شرکت را تأیید کرد. این مهم از طریق حضور مؤثر در بخش های مختلف بیمه های زندگی و غیرزندگی با اتکا به توان فنی شرکت و رعایت اصول بیمه گری در انتخاب ریسک، کوشش برای گسترش بیمه های اشخاص (به ویژه بیمه های زندگی) و افزایش سهم این بخش در تولید شرکت ، تهیه و اجرای مبانی تعیین نرخ حق بیمه با رعایت اصول مدیریت ریسک در واحدهای صدور با توجه به آزادسازی تعرفه های حق بیمه از طرف بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران حاصل شده است.

بیمه عمر و تأمین آتیه

استقبال بسیار خوب آحاد مختلف جامعه از بیمه عمر و تأمین آتیه پاسارگاد در سال مورد گزارش ادامه داشت و از رشد بسیار خوبی برخوردار بود، به نحوی که از تعداد ۵۸۰ هزار بیمه نامه صادره تا پایان سال ۱۳۹۲ به بیش از ۸۲۳ هزار بیمه نامه صادره در پایان سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است.

فعالیت های سرمایه گذاری

حفظ منافع بیمه گذاران ، پرهیز از سوداگری در سرمایه گذاری ها، استفاده مطلوب از ظرفیت های سرمایه گذاری درگروه مالی پاسارگاد، کسب سود متعارف با حداقل ریسک ممکن و حفظ منافع سهامداران از اولویت های بیمه پاسارگاد در امر سرمایه گذاری است که بر اساس آیین نامه شماره ۶۰ شورای عالی بیمه صورت می گیرد.

ترکیب سرمایه گذاری ها در پایان سال ۱۳۹۳ (مبالغ به میلیون ریال)

شـــرح	سال ۱۳۹۲		سال ۱۳۹۳		تفاوت نسبت به سال قبل	
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد
سپرده های بانکی - ریالی	۲ر۱۱۶ر۴۰۰	۵۲	۳ر۰۵۲ر۱۰۰	۴۹/۴	۹۳۵ر۷۰۰	۴۴/۲
سپرده های بانکی - ارزی	۴۶۲ر۱۰۶	۱۱/۳	۴۸۶ر۷۴۲	۷/۹	۲۴ر۶۳۶	۵/۳
سهام شرکت های بورسی	۵۰۵ ر ۳۷۶	۱۲/۴	۵۷۷ر۸۲۳	۹/۴	۷۲ر۴۴۷	۱۴/۳
سهام شرکت های غیربورسی	۳۲۶ر۱۴۷	۸	۴۳۸ر۲۵۳	۷/۱	۱۱۲ر۱۰۶	۳۴/۳
سایر سرمایه گذاری ها	۶۶۱ر۹۳۸	۱۶/۳	۱ر۶۱۵ر۲۲۰	۲۶/۲	۹۵۳ر۲۸۲	۱۴۴
جمع	۴ر۰۷۱ر۹۶۷	۱۰۰	۶ر۱۷۰ر۱۳۸	۱۰۰	۲ر۰۹۸ر۱۷۱	۵۱/۵



افزایش سرمایه

با عنایت به مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۳۰ مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام در خصوص افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۶۳۰ میلیارد ریال به مبلغ ۱ر۱۳۴ میلیارد ریال طی ۳ مرحله و ظرف حداکثر ۲ سال و موافقت با تفویض اجرایی نمودن مراحل آن به هیأت مدیره، مرحله اول افزایش سرمایه برای رسیدن به مبلغ ۷۵۶ میلیارد ریال در بهمن ماه سال ۱۳۹۱ و مرحله دوم آن برای رسیدن به مبلغ ۹۰۷/۲ میلیارد ریال در مرداد ماه سال ۱۳۹۲ و مرحله سوم افزایش سرمایه برای رسیدن به مبلغ ۱ر۱۳۴ میلیارد ریال در مرداد ماه سال ۱۳۹۳ آغاز شد و با تکمیل عملیات مربوطه، در دی ماه سال ۱۳۹۳ به ثبت رسید.

نگاهی به اقدامات انجام شده در شبکه فروش

بیمه پاسارگاد در سال ۱۳۹۳ نیز در ادامه اقدامات انجام شده در سال های قبل، به منظور استقرار مدیریت های مناطق ، توسعه و تکمیل شعب، شعبه اشخاص و ساختمان مدیریت منطقه ۴ در گرگان ، شعبه اشخاص و ساختمان مدیریت منطقه ۵ در شیراز، شعبه پارس آباد مغان ، شعبه دامغان ، شعبه آبادان ، شعبه بروجرد و شعبه مرند راه اندازی شدند و همچنین ساختمان جدیدی برای راه اندازی شعبه سوم در شهرستان کرج خریداری شد. به لحاظ توسعه فعالیت شعبه های نصر و احمدقصیر در تهران، نسبت به خریداری ساختمان های مورد نیاز برای استقرار شعب مذکور اقدام گردید. شعبه های یادگار امام تهران، تربت حیدریه، کیش، خرم آباد و شعبه دوم آمل نیز در آینده راه اندازی خواهد شد. بدین ترتیب کلیه ساختمان های مورد استفاده شعب (۷۴ شعبه) و مدیریت های مناطق، در مالکیت شرکت قرار دارند.

در پایان سال مورد گزارش تعداد ۲,۲۸۴ نفر نماینده عمومی با شرکت همکاری داشته اند . نمایندگان عمومی به همراه ۱,۴۷۹ بازاریاب و متصدی نمایندگی، بخش قابل توجهی از خدمات شرکت را در ۳۱ استان و ۳۸۱ شهرستان به بیمه گذاران ارایه نموده اند .

به منظور آموزش نظری و عملی متقاضیان نمایندگی و نمایندگان عمومی و ارتقای دانش فنی آنان ، بیش از ۷۱ هزار نفر ساعت آموزش ، در سال ۱۳۹۳ ارایه گردیده است.

طرح ارزیابی عملکرد نمایندگان و سازمان فروش بیمه های عمر در اواخر سال ۱۳۹۳ به مرحله اجرا درآمده است تا پس از تجربه نزدیک به ۶ سال فعالیت در امر فروش بیمه های عمر و تأمین آتیه که از موفقیت های بزرگ شرکت و صنعت بیمه کشور محسوب می شود، نسبت به پالایش و پویا سازی شبکه فروش بیمه های عمر، اقدامات لازم معمول گردد. در پایان سال مورد گزارش تعداد ۳,۶۴۶ نماینده فروش بیمه عمر در تهران و شهرستان ها مشغول فعالیت بوده اند.

به استناد سالنامه آماری سال ۱۳۹۲ صنعت بیمه که توسط بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است، بیمه پاسارگاد در هفتمین سال فعالیت خود (۱۳۹۲) در بین ۲۵ شرکت فعال به لحاظ تعداد شعب و نمایندگان عمومی بعد از شرکت های بیمه ایران و آسیا، رتبه سوم و به لحاظ تعداد نمایندگان فروش بیمه های عمر، رتبه اول را کسب نموده است.

اقدامات انجام شده در حوزه فناوری اطلاعات

اهم اقدامات انجام شده در بخش فناوری اطلاعات طی سال ۱۳۹۳ به شرح زیر می باشد :

- راه اندازی کامل نرم افزار جامع بیمه گری فناپ در کلیه رشته های بیمه ای به استثناء بیمه های عمر و تأمین آتیه؛
- ارتقاء و بروزرسانی مرکز داده ها (Data Center)؛
- طراحی و راه اندازی نرم افزار جامع بیمه عمر و تامین آتیه توسط بخش IT شرکت بیمه پاسارگاد؛
- راه اندازی سیستم ارسال اطلاعات به سامانه نظارت و هدایت الکترونیکی بیمه (سنهاب) .

بیمه پاسارگاد ، بیمه برتر از نظر رشد سریع

شرکت بیمه پاسارگاد در هفدهمین سال تدوین فهرست شرکت های برتر که توسط سازمان مدیریت صنعتی برای عملکرد سال ۱۳۹۲ شرکت های بزرگ ایران صورت گرفت، با ۳۰ پله صعود ، رتبه ۱۳۴ را کسب نمود.

اهداف کمی و رئوس برنامه ها در سال ۱۳۹٤

دستیابی به تولید حداقل ۱۰ر۳۵۹ میلیارد ریال حق بیمه در سال ۱۳۹۴ در انواع رشته های بیمه زندگی و غیر زندگی با تأکید بر طراحی و عرضه محصولات جدید بیمه ای و ورود به بازارهای جدید ، افزایش ظرفیت و ارتقای کیفیت خدمات شعبه های فعلی و رسیدن به حداقل ۷۸ شعبه فعال، اعطای نمایندگی به ۷۷۰ نماینده جدید فروش بیمه های عمر و تأمین آتیه در تهران و شهرستان ها ، برگزاری دوره های آموزشی برای همکاران، نمایندگان و بازاریابان حداقل به میزان ۲۲۰ر۰۰۰ نفر ساعت ، ایجاد تنوع بیشتر و افزایش حجم سرمایه گذاری های شرکت و خرید دارایی های ثابت مورد نیاز حداقل به مبلغ ۳ر۱۰۰ میلیارد ریال در چارچوب آیین نامه های مربوط ، تکمیل طرح توجیهی افزایش سرمایه و اخذ مجوز از بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار و همچنین برگزاری مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به منظور بررسی و تصویب افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۱ر۱۳۴ر۰۰۰ میلیون ریال به مبلغ ۴ر۰۸۲ر۴۰۰ میلیون ریال معادل ۲۶۰ درصد سرمایه فعلی طی دو مرحله در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ ، همچنین توسعه ، تکمیل و ارتقاء سیستم های عملیاتی و اطلاعاتی شرکت با همکاری شرکت فناپ و کارشناسان ذی ربط از اهداف کمی و رئوس برنامه های شرکت در سال ۱۳۹۴ اعلام شد.

شرکت بیمه پاسارگاد(سهامی عام)
صورت سود و زیان
برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۳

	یادداشت	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	(تجدید ارائه شده) ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
		ریال		ریال
حق بیمه صادره	۲۹	۷,۱۶۱,۹۷۷,۸۱۲,۴۸۵		۵,۰۶۸,۰۹۲,۷۸۱,۱۴۱
کاهش (افزایش) ذخایر حق بیمه	۱۹	(۲,۴۲۲,۰۸۸,۶۵۸,۲۶۹)		(۱,۳۵۴,۸۵۸,۵۴۹,۳۱۴)
کاهش (افزایش) ذخایر حق بیمه سالهای آتی	۲۹	(۱۴,۹۳۳,۴۹۵,۹۲۶)		(۳۶,۹۱۹,۱۳۶,۳۰۶)
در آمد حق بیمه			۴,۷۲۴,۹۵۵,۶۵۸,۲۹۰	۳,۶۷۶,۳۱۵,۰۹۵,۵۲۱
حق بیمه اتکائی واگذاری	۳۰	۲,۰۱۲,۲۶۴,۴۴۶,۹۸۹		۱,۴۴۷,۶۶۸,۴۷۲,۳۲۵
کاهش (افزایش) ذخیره حق بیمه اتکائی واگذاری	۱۹	(۹۱۶,۲۳۱,۶۸۵,۶۱۶)		(۴۸۳,۷۱۱,۲۰۸,۹۵۷)
کاهش (افزایش) ذخیره حق بیمه اتکایی واگذاری سالهای آتی	۳۰	(۸,۹۵۰,۵۰۲,۸۱۲)		(۸,۱۰۹,۹۸۳,۳۳۵)
هزینه حق بیمه اتکائی واگذاری			(۱,۰۸۷,۰۸۲,۲۵۸,۵۶۱)	(۹۵۵,۸۴۷,۲۸۰,۰۳۳)
درآمد حق بیمه سهم نگهداری			۳,۶۳۷,۸۷۳,۳۹۹,۷۲۹	۲,۷۲۰,۴۶۷,۸۱۵,۴۸۸
خسارت پرداختی	۳۱	۲,۶۷۰,۸۸۰,۷۴۵,۰۱۶		۱,۸۸۸,۶۱۵,۵۸۲,۴۷۴
افزایش (کاهش) ذخایر خسارت	۲۰	۲۰۲,۰۰۹,۷۸۶,۳۰۵		۶۸۳,۴۴۸,۰۶۹,۵۹۲
هزینه خسارت			(۲,۸۷۲,۸۹۰,۵۳۱,۳۲۱)	(۲,۵۷۲,۰۶۳,۶۵۲,۰۶۶)
خسارت دریافتی از بیمه گران اتکائی	۳۲	۶۰۲,۰۵۳,۸۴۹,۳۲۱		۴۷۵,۹۷۶,۵۰۵,۳۷۲
افزایش (کاهش) ذخیره خسارت معوق بیمه اتکائی واگذاری	۲۰	۶,۸۳۶,۳۵۵,۸۲۲		۱۴۳,۶۲۱,۱۱۶,۰۰۱
خسارت سهم بیمه گران اتکائی			۶۰۸,۸۹۰,۲۰۵,۱۴۳	۶۱۹,۵۹۷,۶۲۱,۳۷۳
هزینه خسارت سهم نگهداری			(۲,۲۶۴,۰۰۰,۳۲۶,۱۷۸)	(۱,۹۵۲,۴۶۶,۰۳۰,۶۹۳)
هزینه کارمزد و کارمزد منافع	۳۳	(۸۴۲,۶۲۴,۳۶۹,۷۰۹)		(۶۰۸,۰۹۲,۳۹۳,۰۷۸)
درآمد کارمزد و کارمزد منافع اتکائی	۳۴	۲۷۸,۶۶۶,۴۴۶,۵۳۸		۲۵۲,۷۳۴,۵۷۵,۷۵۷
هزینه کارمزد و کارمزد منافع سهم نگهداری			(۵۶۳,۹۵۷,۹۲۳,۱۷۱)	(۳۵۵,۳۵۷,۸۱۷,۳۲۱)
(افزایش) کاهش سایر ذخائر فنی	۲۱	(۱۸۵,۷۵۹,۰۸۶,۶۳۶)		(۱۲۵,۹۰۶,۷۳۹,۵۷۳)
هزینه سهم صندوق تامین خسارتهای بدنی	۳۵	(۹۳,۵۰۹,۱۳۸,۱۳۸)		(۶۸,۴۴۰,۱۵۱,۰۵۱)
سایر درآمدها و هزینه های بیمه ای	۳۶	(۲۶۹,۵۳۰,۳۹۴,۹۸۲)		(۲۹۴,۹۱۲,۴۱۷,۲۱۱)
خالص سایر هزینه های بیمه ای			(۵۴۸,۷۹۸,۶۱۹,۷۵۶)	(۴۸۹,۲۵۹,۳۰۷,۸۳۵)
درآمد سرمایه گذاری از محل ذخائر فنی	۳۷		۵۸۳,۸۹۹,۸۰۱,۷۱۵	۳۸۷,۲۳۱,۱۸۰,۴۵۳
سود ناخالص فعالیت بیمه ای			۸۴۵,۰۱۶,۳۳۲,۳۳۹	۳۱۰,۶۱۵,۸۴۰,۰۹۲
درآمد سرمایه گذاری از محل سایر منابع	۳۷		۲۷۵,۵۱۸,۶۶۸,۵۹۸	۲۴۰,۴۹۲,۸۵۹,۱۸۱
هزینه های اداری ، عمومی پرسنلی	۳۸		(۵۱۷,۳۵۲,۷۸۵,۲۹۸)	(۳۶۵,۹۶۷,۴۳۴,۸۸۲)
سود عملیاتی			۶۰۳,۱۸۲,۲۱۵,۶۳۹	۱۸۵,۱۴۱,۲۶۴,۳۹۱
سایر درآمدها و هزینه های غیربیمه ای	۳۹		(۳,۰۷۱,۷۴۷,۰۰۸)	۲۵۷,۸۷۹,۸۴۱,۸۰۰
سود خالص قبل از کسر مالیات			۶۰۰,۱۱۰,۴۶۸,۶۳۱	۴۴۳,۰۲۱,۱۰۶,۱۹۱
مالیات	۱۸		-	-
سود خالص سال			۶۰۰,۱۱۰,۴۶۸,۶۳۱	۴۴۳,۰۲۱,۱۰۶,۱۹۱
سود خالص هر سهم			۵۲۹.۲۰	۴۸۸.۳۴

شرکت بیمه پاسارگاد(سهامی عام)
ترازنامه
در تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۳

دارایی ها	یادداشت	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	(تجدید ارائه شده) ۱۳۹۲/۱۲/۲۹	بدهی ها و حقوق صاحبان سهام	یادداشت	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	(تجدید ارائه شده) ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
		ریال	ریال			ریال	ریال
موجودی نقد	۴	۱۵۸,۸۲۹,۸۲۴,۷۹۶	۷۳,۴۲۸,۳۱۸,۲۲۵	بدهی به بیمه گذاران و نمایندگان	۱۴	۴۵,۰۰۳,۱۶۲,۴۷۴	۴۶,۹۸۶,۸۷۰,۴۱۵
سرمایه گذاری های کوتاه مدت	۵	۲,۵۷۹,۵۰۴,۷۷۳,۹۶۲	۱,۰۸۹,۴۲۲,۰۸۵,۳۰۴	بدهی به بیمه گران و بیمه گران اتکائی	۱۵	۴۴۷,۸۵۷,۵۲۱,۲۴۶	۴۳۸,۶۳۱,۳۲۶,۰۳۱
مطالبات از بیمه گذاران و نمایندگان	۶	۱,۱۷۶,۳۸۳,۱۷۲,۳۹۳	۵۹۹,۲۸۵,۷۷۰,۰۶۷	سایر حساب ها و اسناد پرداختنی	۱۶	۱,۶۱۶,۵۲۵,۳۰۷,۵۰۵	۵۲۴,۷۵۸,۲۳۲,۳۹۴
مطالبات از بیمه گران و بیمه گران اتکائی	۷	۳۵,۰۷۸,۵۱۱,۸۶۲	۵۴,۱۱۵,۰۰۵,۱۰۴	سود سهام پرداختنی	۱۷	۹۹۶,۵۶۲,۷۱۰	۱,۴۳۰,۷۴۴,۱۴۲
سایر حسابها و اسناد دریافتنی	۸	۳۶۸,۳۸۳,۹۴۷,۰۸۹	۱۸۴,۹۳۵,۲۴۰,۳۵۸	ذخیره مالیات بر در آمد	۱۸	-	۱۱,۵۱۷,۹۷۶,۵۸۵
سهم بیمه گران اتکائی از ذخایر فنی	۹	۲,۵۴۴,۳۶۴,۸۹۰,۶۱۲	۱,۶۲۱,۲۹۶,۸۴۹,۱۷۴	ذخایر حق بیمه	۱۹	۵,۹۸۵,۲۴۸,۶۶۸,۳۴۶	۳,۵۶۳,۱۶۰,۰۱۰,۰۷۷
مطالبات بلندمدت	۱۰	۲۱۹,۱۷۸,۸۹۰,۰۲۶	۱۳۳,۶۲۱,۸۹۲,۹۹۵	ذخیره خسارت معوق	۲۰	۱,۲۰۹,۸۹۷,۸۷۹,۴۶۱	۱,۰۰۰,۱۰۰,۱۷۱,۳۸۹
سرمایه گذاری های بلند مدت	۱۱	۳,۵۹۰,۶۳۳,۳۰۹,۷۱۳	۲,۹۸۲,۵۴۵,۸۵۶,۶۴۳	ذخیره ریسک های منقضی نشده	۲۱	۶۹,۵۴۹,۵۳۱,۴۰۳	۷۷,۳۳۷,۴۵۳,۱۷۰
دارایی های ثابت مشهود	۱۲	۱,۱۴۶,۴۲۲,۲۵۶,۸۰۳	۷۰۶,۵۸۱,۷۷۱,۷۲۳	سایر ذخایر فنی	۲۲	۴۳۴,۱۳۷,۹۵۲,۱۸۲	۲۴۸,۳۷۸,۸۶۵,۵۴۶
دارایی های نامشهود	۱۳	۹۱,۶۹۴,۹۰۷,۰۲۶	۳۵,۷۷۲,۵۹۷,۹۴۳	حق بیمه سال های آتی	۲۳	۴۹,۹۹۳,۴۹۴,۵۰۳	۴۴,۰۱۰,۵۰۱,۳۸۹
				ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان	۲۴	۴۲,۴۲۳,۱۵۶,۳۹۲	۲۵,۲۴۲,۴۵۶,۹۶۹
				جمع بدهی ها		۹,۹۰۱,۶۳۳,۲۳۶,۲۲۲	۵,۹۸۱,۵۵۴,۶۰۸,۱۰۷
				حقوق صاحبان سهام:			
				سرمایه (۱,۱۳۴,۰۰۰,۰۰۰ سهم یک هزار ریالی تمام پرداخت شده)	۲۵	۱,۱۳۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۷,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰
				اندوخته قانونی	۲۶	۱۱۳,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۵,۸۹۶,۱۶۸,۲۰۱
				اندوخته سرمایه ای	۲۷	۱۲۵,۸۴۸,۲۵۱,۰۸۸	۱۲۳,۹۰۰,۵۱۲,۵۹۲
				اندوخته افزایش سرمایه	۲۸	۱۱۳,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	-
				سود (زیان) انباشته		۵۲۲,۱۹۲,۹۹۶,۹۷۲	۳۸۲,۴۵۴,۰۹۸,۶۳۶
				جمع حقوق صاحبان سهام		۲,۰۰۸,۸۴۱,۲۴۸,۰۶۰	۱,۴۹۹,۴۵۰,۷۷۹,۴۲۹
جمع دارایی ها		۱۱,۹۱۰,۴۷۴,۴۸۴,۲۸۲	۷,۴۸۱,۰۰۵,۳۸۷,۵۳۶	جمع بدهی ها و حقوق صاحبان سهام		۱۱,۹۱۰,۴۷۴,۴۸۴,۲۸۲	۷,۴۸۱,۰۰۵,۳۸۷,۵۳۶

اطلاعیه ستادمرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (ره) درباره افتتاح پروژه ملی حرم مطهر

کمیته خبری و روابط عمومی ستادمرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (ره)در آستانه بهره برداری از حرم مطهر امام و با عنایت به اهمیت این پروژه مهم که طرحی ملی بوده و میعادگاه عاشقان انقلاب اسلامی است اطلاعیه ای صادرکرد .متن اطلاعیه به این شرح است:

با سلام به ملت بزرگ و شهید پرور ایران و درود به روح بلند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره)، در آستانه بهره برداری از حرم مطهر امام خمینی(ره) و با عنایت به اهمیت این پروژه مهم که طرحی ملی بوده و میعادگاه عاشقان انقلاب اسلامی است لازم است توضیحاتی برای آگاهی مردم شریف ایران ارائه شود.

مشارکت همگان در پروژه ساخت حرم امام

مراحل مختلف تکمیل این پروژه بزرگ که از ابتدا تا کنون در معرض دید میلیونها انسان در جریان برگزاری بیست و پنج دوره مراسم سالگرد و دهها مراسم در مناسبتهای مختلف سالانه قرار داشته است محصول تصمیمی خلق الساعه از سوی یک مؤسسه و یا افرادی معدود نبوده است بلکه پیشرفت و تکمیل مراحل مختلف این پروژه عظیم ملی نتیجه همراهی و حمایت رؤسای جمهوری و اعضای کابینه چهار دولت گذشته و هیات رئیسه و نمایندگان مردم در شش دوره مجلس شورای اسلامی و روسای قوا و دستگاههای مختلف نظام بوده است. تمامی جریانات سیاسی درون نظام از رهگذر تصویب بودجه و نظارتهای مستمر قانونی و بازدیدهای مکرر هریک از روسای قوا و مسئولین دولت و مجلس و نهادها و اعضای ادوار شورای اسلامی شهر تهران و شهرداران و اعضای شوراهای بالادستی نظام همچون شورای عالی شهرسازی و... در جریان طرحهای شهر آفتاب و حرم حضرت امام و در جریان مراحل مختلف اجرا و تکمیل مجموعه حرم مطهر و اماکن و فضاهای خدماتی اطراف آن بوده و به فراخور مسئولیتهای هریک از این نهادها در تصمیمات آن مشارکت داشته و از آن حمایت کرده اند. بنابراین لازم است از همه عزیزانی که در طول این مدت با تصمیمات و اقداماتشان به اجرا و تکمیل این طرح بزرگ ملی کمک کردند به سهم خود صمیمانه سپاسگزاری کنیم . در واقع پروژه حرم امام خمینی از یک عقبه قابل دفاع همه جانبه برخوردار است و مطمئنا هیچ پروژه ای در کشور به اندازه پروژه حرم امام در معرض دید مردم و بازدیدهای طولانی مدت و مستمر دستگاههای ذیربط و اظهار نظر و نظارت و حمایت همه جانبه دولت و مجلس و ارکان و قوای نظام نبوده است و به همین سبب نیز همگان در این افتخار شریکند و مسئولیت پاسخگویی و دفاع از آ ن را برعهده دارند.

شهر آفتاب

در طراحی حرم امام سعی شده است نیازهای امروز و آینده های دور ایران دیده شود و حرم در تراز امامزادگان بزرگ و رهبران معنوی و سیاسی و دینی فرا نسلی، از استحکام و شکوه و جلوه هنری خاصی برخوردار باشد تا به عنوان محور و نگین شهر آفتاب که مجموعه ای فرهنگی، سیاحتی –زیارتی، علمی و آموزشی، حوزوی و دانشگاهی، با ارائه خدمات عمومی به مردم شریف مناطق پر جمعیت و محروم جنوب و جنوب غرب تهران است شناخته شود و مورد بهره برداری قرار گیرد.

گفتنی است حرم امام در داخل مجموعه ای با نام "شهر آفتاب" وبا نیاز سنجی نسبت به شرایط کلانشهر ۱۵ میلیونی پایتخت جمهوری اسلامی ایران طر احی شده است و علت همراهی و حمایتهای بی دریغ مسئولین عالی نظام و دولتها و مجالس مختلف نسبت به پروژه حرم امام، آگاهی بر این مجموعه و اهداف، واقعیتها و نیازهای بلند مدت آن بوده است. همگان می دانند که داخل شهر تهران از جهت ظرفیت ایجاد فضاهای گسترده ساختمانی برای مراکز رو به توسعه علمی و دانشگاهی و پارکهای فناوری و نمایشگاههای داخلی و بین المللی و امکانات فرودگاهی و مجتمع‌های درمانی و بهداشتی به شدت و فراتر از استانداردهای مجاز اشباع شده است. طراحی شهر آفتاب در نزدیکی فرودگاه بین المللی امام خمینی و در مسیر شهر مهم زیارتی قم و در جوار تربت پاک هزاران شهید انقلاب و دفاع مقدس با محوریت حرم امام به عنوان قطب علمی و فرهنگی و موزه ای و خدمات نمایشگاهی و محل برگزاری بزرگترین اجتماع سالانه مردمی و میلیونی و اجتماعات مردم تهران در مناسبت های ویژه مذهبی و محل برگزاری رژه های رسمی نیروهای مسلح نظام و به منظور اهداف متعدد دیگر پیش بینی و در شورای عالی شهرسازی کشور تصویب شده است. اکنون شهرداری تهران و دستگاههای ذیربط شبانه روزی برای حل معضل نمایشگاههای بین المللی تهران در حال احداث نمایشگاهی عظیم و آبرومند در خور شأن ایران که در طرح شهر آفتاب جانمایی و تصویب شده است هستند و انشاءالله سال آینده به بهره برداری می رسد. علاوه بر این اکنون بیش از پنجاه هزار دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی در دانشگاه بزرگ شاهد و واحد دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام و پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی در مجتمع های دانشگاهی که در طرح مصوب شهر آفتاب در جوار حرم حضرت امام پیش بینی شده بود مشغول تحصیلند. بزرگترین موزه تاریخ ایران و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در بیش از یکصد هکتار با تأکید و نظر رهبر معظم انقلاب در جنوب آستان امام خمینی در حال احداث است.

با افتخار باید اعلام کرد به خاطر اولویت هایی که در مکتب امام به رفع نیاز محرومین مطرح شده است به برکت حرم امام و با پیگیریهای آستان امام و همت مسئولین امر حتی قبل از آنکه مناطق برخوردار تهران خط مترو داشته باشند سالهاست که نه فقط زائران حرم امام و قبور شهدا و قبور بهشت زهرا بلکه دهها هزار نفر از قشرهای محروم ساکنان شهرهای مجاور حرم امام از شهر ری گرفته تا باقر آباد و صالح آباد و کهریزک و .... از نعمت مترو بهره‌مندند. به برکت طراحی شهر آفتاب و حرمت زائران حرم امام معضل دهها ساله قبل و بعد از انقلاب با کانال کشی و مهار آبهای سطحی و پس آبهای آلوده شهر تهران در مناطق پرجمعیت جنوب شهر در حال رفع شدن است. بر اساس طرحهای مصوب شهر آفتاب و با پیگیریهای آستان امام معضل صنایع آلوده کننده و گاوداریها و مرغداریهایی که بوی بد و آلودگیهای آن تا کیلومترها اهالی مجاور را اذیت می‌کرد و گازهای آلوده کننده و آزار دهنده پالایشگاه تهران که چند صد هزار نفر از ساکنان محروم جنوب تهران را از سالها قبل از پیروزی انقلاب مستأصل کرده بود برطرف شده است.

از دیگر برکات آستان حرم امام خدمات رایگان درمانی در دو دهه در دار الشفای امام خمینی در جوار حرم امام و خدمات رایگان اسکان و اقامت دهها هزار زائری است که در طول سال درقالب هیاتهای مذهبی از شهرستانهای مختلف به زیارت امام می آیند که غالبا از محرومترین و متدین ترین اقشار جامعه و خانواده‌های معزّز شهدا و ایثارگران هستند و نهایتاً این نکته قابل ذکر است که از برکت حرمت نهادن به زائران حرم امام و برای سالم سازی هوای آلوده به گرد و خاک بادهای معروف غرب به شرق منطقه جنوب تهران در طرح جامع شهر آفتاب تا کنون دو هزار هکتار جنگل کاری شده است که مسافران و زائران و اهالی شهرهای مجاور از نعمات آن بهره مندند.

آنچه که برشمردیم فقط شمه‌ای از صدها طرح مصوبی است که در طراحی شهر آفتاب پیش بینی شده و قرار است حرم امام خمینی نگین این قطب علمی و فرهنگی با خدمات عام المنفعه اش که در نقطه دید هوایی و زمینی میلیونها مسافری که از اتوبانها و جاده های اطراف حرم و پروازهای فرودگاه بین المللی امام خمینی تردد می کنند نمادی باشد در مجاورت پایتخت جمهوری اسلامی ایران از نشاط علمی و هنری و مادی و معنوی شهر برآمده از هویت انقلاب اسلامی و نشانی باشد از اهتمام مسئولان و مردم ایران نسبت به ماندگاری ابدی نام و یاد مردی از سلاله پاک اهل بیت که کشورشان را از یوغ مستکبران و سلسله های موروثی شاهان ستمگر نجات داد و جمهوریت را در ایران پایه گذاری کرد و اسلام و تشیع را احیا و فرهنگ عاشورا و مکتب اهل بیت را زنده کرد. حرمی که باید صدها سال نیازهای اجتماعات عظیم زائرانش را در نهایت آسایش و با همه امکانات پاسخگو باشد.

حرم امام پایگاهی برای ارتباط با خالق هستی

در طراحی های اولیه علیرغم این که معماران و آرشیتکت های خوب و متعهد کشورمان طرح های بسیار نو و باشکوه با ابعادی منحصر به فرد برای حرم ارائه کردند، ولی مسئولین عالی رتبه نظام، تأکید بر پیروی از معماری رایج در بناهای اسلامی خصوصا شیعی و پیش بینی فضاهای وسیع برای مراسم گسترده مداوم سالانه در حرم داشتند که همین دیدگاه مبنای کار شد. ممکن است در نظر برخی از دلسوزان ، احداث گلدسته و گنبد برای حرم امام با ساده زیستی امام منافات داشته باشد. برای رفع این شبهه چند نکته قابل ذکر است:

اولا متولیان پروژه حرم امام خمینی و مسئولین دستگاههای مختلف نظام و مردم عزیزمان با اعتقاد به ارتباط تنگاتنگ معنوی بین امام خمینی و ائمه معصومان (علیهم السلام) همان مسیری را رفته اند که قرن هاست جوامع اسلامی و شیعی با درکی صحیح از تأثیر این حرمها و اجتماعات و حضور مستمر زائران در آنها در تداوم مکتب فکری ایشان احداث کرده اند. غرض ما در اینجا العیاذ بالله مقایسه امام خمینی با معصومین (علیهم السلام) نیست. بالاترین سخنی که در این ارتباط می توان گفت این است که امام خمینی پرتوی از آن شموس طالعه و قطره ای از آن اقیانوس های بیکران است. بلکه هدف از تشبیه حرم امام به حرم های مطهر معصومین و حتی خانه خدا الگو پذیری از آن مشاهد مشرفه در تاثیر گذاری های معنوی وتربیتی وتقویت مبانی معرفتی و توحیدی و پاسخگویی به برخی از شبهات است. مردم ما حرم امام را نه فقط یک مقبره بلکه آن را "حرم" و مکانی مقدس برای احیای ارزش‌های دینی می دانند و همان تلقی را که ما از حرمهای اهل بیت(ع) و امامزادگان بزرگ داریم نسبت به امام خمینی با توجه به نقشی که در تحولات معاصر و آینده جهان اسلام و تشیع داشته است، دارند. نه امام عظیم الشأن ما ساده زیست تر از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و سایر ائمه بود و نه مکتب و اندیشه امام در تضاد با مکتب آنان و نه پیروان امام با پیروان مکتب اهل بیت اختلاف دارند بلکه راه و رسم ایشان جلوه ای از اسرار و جلوه های آن بزرگواران بوده است.

به یقین حرم های ائمه و امامزادگان برجسته با همه زرق و برق و گنبد و گلدسته و رواق و ایوانهای طلاکاری شده و ضریح‌های مرصع که هر روز بر شکوه و عظمت آنان افزوده می شود نه فقط مایه غربت اهل بیت نیستند که مایه عظمت و افتخار شیعیان و یکی از مهمترین عوامل ماندگاری یاد و نام آنانند . بدیهی است میان زندگی زاهدانه مولای متقیان که به فرموده او شیعیان طاقت تحمل آن را ندارند با حرم مجلل او در نجف اشرف تضادی وجود ندارد.

ما نباید تصور کنیم حرم امام یعنی خانه امام در جماران و قم؛ یا تصور کنیم حرمهای کربلا و نجف و مشهد مقدس و قم و سامرا و کاظمین و شهر ری و شیراز و مشهد اردهال یا حرم عظیم و وسیع پیامبر اکرم (ص) در مدینه یعنی خانه ائمه و پیامبر اکرم (صلوات الله علیهم)! این تصور واهی را اگر کسی داشته باشد دچار تضاد و دوگانگی می شود.در حالی که جماران خانه دوران حیات و زندگی شخصی امام است اما حرم او مانند سایر حرمها و بقاع متبرکه خانه مردم است و محل اجتماعات عظیم زائران آنها . کما اینکه حتی خانه خدا بیت الله الحرام خانه مردم است و خداوند فلسفه ایجاد آن را قیاما للناس نامیده است. خانه ای که به دست حضرت ابراهیم علیه السلام بنا شد و هر روز عظیم تر و باشکوه تر می شود و توسعه می‌یابد و با اینکه باطن کعبه، بندگی و اطاعت خدای متعال است ،حضرت ابراهیم و اسماعیل(ع) علاوه بر اینکه از سوی خداوند مأمور طهارت و نظافت آنند از خدا می خواهند که آن خانه امن باشد و اهل آن از ثمرات و برکات مادی اش بهره مند باشند و نیز مردم شاهد منافع خود در آن باشند و در روایات بر تعمیر حرم و سقایت حاج و تأمین نیازهای حاجیان و زائران و ساکنان آن و تعمیر مساجدالله و تعظیم شعائرالله تأکید فراوان شده است.

اولیای خدا و امامان معصوم و رجال برجسته دینی از پیروان ایشان که امام خمینی نمونه بارز رهروان و احیاگران راستین راه ائمه اطهار(ع) بوده است ،زندگی شخصی اشان در نهایت زهد و سادگی و بی‌اعتنایی به مسائل دنیایی و مادی در خدمت به خلق خدا بوده و مصداق حیات طیبه است .این بزرگواران بر عکس اشراف و پادشاهان، به تناسب جایگاه معنویشان و به تناسب نقش و خدماتشان به مردم و بشریت پس از رحلتشان ، یاد و نام و مکتبشان نزد پیروانشان جاودانه می شود و مدفن شریفشان زیارتگاه مردم و کانون زنده نگهداشتن یادشان می‌شود. حرمها محل حضور همیشگی زائران این بزرگواران و خانه و ملجأ عمومی مردم و محل بروز اوج علاقه ارادتمندانشان است و اگر وسعت و زیبایی و هرگونه جاذبه و امکانات مادیی که دارند عموما و تماما برای رفاه زائران است و مردم از آن برای نسلهای متمادی بهره می برند نه خود آن عزیزانی که در آن مدفونند.

برای تبیین بیشتر کافی است که احکام حضرت امام و رهبر معظم انقلاب را برای تولیت آستانهای مقدس حضرت امام رضا علیه السلام حضرت معصومه سلام الله‌علیها و حضرت عبد العظیم حسنی و حضرات مدفون در شیراز و دیگر بقاع متبرکه ملاحظه کنید که هیچگاه و حتی برای یک بار امام توصیه به پرهیز از توسعه این رویه و اعتراض به آنچه اتفاق افتاده است نکرده اند. طرحهای توسعه ای عظیمی که در این حرمهای متبرک بعد از پیروزی انقلاب اتفاق افتاده همگی زیر نظر نمایندگان امام یا رهبری معظم بوده است. امام خمینی مانند دیگر مراجع عظام تقلید و عرفا و علمای بزرگ در دوران اقامت خود در عراق هر شب به زیارت حرم مطهر حضرت امیر رفته و در کنار ضریحی که از طلا و نقره مزین شده است به نماز و عبادت و زیارت پرداخته اند و نظیر همین رفتار را سالهای متمادی در زیارت حضرت معصومه و سایر مشاهد مشرفه داشته اند، ولی سراغ نداریم یک بار شفاها یا کتبا حتی اشاره ای مبنی بر انتقاد و اعتراض به این رویه کرده باشند.

دستور احداث مزار برای مجاهد عظیم الشأن آیت الله سید حسن مدرس از سوی حضرت امام خمینی در همین راستا است. ایشان در شهریور ۱۳۶۳ طی حکمی به نماینده خود در آستان قدس رضوی چنین فرمودند: "و اینک که(آیت الله سید حسن مدرس) با سربلندی از بین ما رفته است، بر ماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی و اعتقادی او را هر چه بهتر بشناسیم و بشناسانیم، و با خدمت ناچیز خود مزار شریف دور افتاده او را تعمیر و احیا نماییم." بر اساس این حکم حضرت امام و به همت تولیت آستان قدس رضوی آرامگاه شهید مدرس فاز اول احداث آرامگاه ایشان شامل بقعه با گنبدی زیبا و رفیع و مزیّن و ۹ رواق به مساحت ۱۲۵۰ متر مربع در کاشمر به اتمام رسید و در زمان حیات حضرت امام در سال ۱۳۶۷ به دست ریاست جمهوری وقت (حضرت آیت الله خامنه ای) افتتاح شد. معظم له در مراسم افتتاح آن در بیان برکات تدبیر حضرت امام فرمودند: «حدود سی سال پیش کسی نمی دانست مدرّس که بود... ولی امروز نور افشانی خورشید انقلاب در این جهان، چهره مدرّس ها را روشن کرد». برکات معنوی و مادی این بنا بدان حد بود که رهبر معظم انقلاب نیز پس از رحلت حضرت امام مأموریت توسعه این بارگاه و مجتمع فرهنگی را طی حکمی مجددا ابلاغ فرمودند و بر اساس آن طرح جامع این مجتمع در ۱۰۰۰۰۰ متر مربع تصویب شد. امروز این بارگاه منوّر نه فقط زیارتگاه و مرکز فرهنگی بلکه در فهرست اماکن گردشگری کشور از جاذبه های بسیار ارزشمند کشور در استان خراسان شده است. نظیر این گونه احیا و توسعه گسترده حرمها و بقاع متبرکه با کمکهای مردمی و کمکهای بسیار موثر دولت و نظام زیر نظر نمایندگان منصوب حضرت امام و مقام معظم رهبری را در مناطق مختلف کشور مشاهده می کنیم.

بنا بر این القای نادرست تضاد فرهنگ ساده زیستی امام با احداث و توسعه و تزیین و خدمات رسانی حرمها بر خلاف سیره عملی حضرت امام و مقام معظم رهبری است.

این یک حقیقت است که فرهنگ توسعه حرمها نه فقط هیچگاه در تضاد با ساده زیستی امامان و بزرگانی که در این حرمها آرمیده اند تلقی نمی شده بلکه اهمیت آن در ماندگاری و توسعه همان فرهنگ اهل بیت (ع) بدان پایه بوده است که شیعیان و خصوصا مردم ایران در طول تاریخ حتی اگر لازم می شده، از نان شب خود برای ساخت و توسعه حرم ها می گذشتند.

حرم امام کانون معنوی و سرمایه ملی

به استناد حقایقی که به درازای واقعیتهای تاریخ تشیع –از اولین روزهایی که امکان بروز یافته است – امتداد دارد و به استناد آمار و ارقام معتبر قاطعانه معتقدیم که سرمایه های کلانی که مردم و دولتها در احداث و توسعه بناهای عظیم اینگونه اماکن مذهبی و زیارتی صرف کرده اند نه فقط از جنبه بازدهی معنوی بلکه حتی به لحاظ اقتصادی و مادی نیز مطمئن ترین و موثر ترین سرمایه‌گذاری خردمندانه ملی بوده است که آثار و برکات و فواید توأمان مادی و معنوی آن برای مردم آن هم نه فقط مردم یک عصر و نسل بلکه برای نسلهای متمادی قابل قیاس با هیچیک از زمینه های دیگر نیست و به لحاظ نتایج فرهنگی معنوی نیز با اندکی دقت نظر و فاصله گرفتن از تحلیل های ظاهربینانه و روشنفکرانه در خواهیم یافت که یکی از مهمترین رموز بقا و حیات تشیع و مکتب اهل بیت(ع) که به خاطر فرهنگ حقگویی و ظلم ستیزی اش همواره در معرض توفانهای سهمگین دشمنی ها و انهدامها قرار داشته است وجود همین کانون ها و حرم ها و مراکز چشم نواز هنری و معنوی بزرگ و رفیع آنها بوده است که با همت متولیان این اماکن و کمک مردم (و در مقاطعی کمک دولت‌ها) فضاها و امکاناتی فراهم آمده است که امکان حضور و زیارت جمعیت‌های بزرگ و امکان برگزاری مراسم عظیم ملی و اجتماعی و عبادی و معنوی را در محیطی سالم فراهم ساخته است، وجود این حرمها و جاذبه های معماری و هنری آنها و فضاهای خدماتی پیرامون آنها در کنار عشق و اعتقاد قلبی ارادتمندان و مردم بوده است که امکان و انگیزه سفرهای پربرکت زیارتی و سیاحتی جمعیت‌های عظیم را فراهم ساخته است. گذشته از جنبه های معنوی، امروزه جاذبه های گردشگری اماکن زیارتی ظرفیتی بی بدیل به شمار می‌آید که بسیاری از کشورها از آن محرومند. نشاط معنوی و برکات مادی و معنوی این اماکن برای ساکنان و مسافران و زائران آنها غیر قابل انکار است. براستی اگر این حرم‌ها فاقد فضاهای در خور شأن و فاقد امکانات وسیع و جاذبه های چشم نواز معماری و هنری آن می بودند در میدان عمل و واقعیت می توانستند این نقش تاریخی را ایفا کنند و مقصد سفر و محل اجتماعات عبادی و سیاسی و هویتی مردم با همه تنوع های فرهنگی و عوامل تاریخی و طبیعی باشند؟ مگر نه این است که به وهابیت و آل سعود نفرین می فرستیم که حرمهای معمور ائمه بزرگوار بقیع و بقاع متبرکه و معموره صحابه و حضرت ام البنین و اهل‌بیت مدفون در بقیع را خراب کردند؟ مگر دعای دائمی و آرزوی شیعیان و عالمان شیعی نیست که دوباره حرمهای تخریب شده مذکور را با شکوه هرچه تمامتر بازسازی کنند؟ آیا سادگی کنونی قبور این عزیزان در چهاردیواری قبرستان بقیع باعث شهرت و خروج آن بزرگواران از غربت شده است؟ مگر نه اینکه دعا و آرزوی همه منتظران حضرت مهدی (عج) این است که ظهور کند و مکان دفن حضرت فاطمه زهرا را نشان دهد تا بارگاهی به عظمت و وسعت صدها سال تضرع و ارادت خالصانه نسبت به این بانوی مظلومه بنا کنند؟ یقینا که اگر آن روز فرا رسد بی شمارند کسانی که تمامی هستی خویش را برای عظمت و شکوه آن بارگاه تقدیم خواهند کرد. آیا در ذهنیت این آرزومندان کمترین تضادی بین زهد بی مانند حضرت زهرا (سلام الله علیها) با برپایی حرمی پرشکوه در شأن دختر پیامبر اسلام وجود دارد؟

شاید به زعم برخی، آنان که جماران و حرم را می‌بینند دچار تضاد می‌شوند، ولی به زعم ما آنانکه جماران را می‌بینند در نگاه آنان خانه شخصی و استیجاری امام در دوران حیات ایشان است. همانگونه که خانه محقر امام علی و فاطمه و حسنین و دیگر ائمه (علیهم السلام) و امامزادگان برجسته را خانه شخصی و محل زندگی آنان دانسته ولی حرمهای آنان را خانه مردم و تجلیگاه عشق و ارادتشان به عظمت نام و مکتب و مرام آنان می دانند.

بقیه در صفحه ۴

۲۵۵

گزینه‌های دشوار

هیلاری کلینتون

وزیر امورخارجه ایالات متحده امریکا ۲۰۰۹-۲۰۱۳

ترجمه: **علی اکبر عبدالرشیدی**

با قرار گرفتن بحران غزه در کانون توجه جهانی اولین تماس من به عنوان وزیر امور خارجه با یک رهبر خارجی، با اولمرت بود. خیلی سریع به سراغ یافتن راهی به منظور حفظ آتش بس شکننده و چگونگی محافظت از اسرائیل در مقابل حملات موشکی حماس رفتیم. همچنین در مورد کمک های فوری انسانی مورد نیاز در غزه صحبت کردیم. در مورد از سرگیری مذاکراتی صحبت کردیم که می توانست به مناقشه گسترده تر با فلسطینی‌ها خاتمه دهد و صلحی فراگیر با اسرائیل و منطقه را رقم بزنند. به نخست وزیر اسرائیل گفتم که همان بعدازظهر من و رئیس جمهور اوباما، سناتور سابق جرج میچل[11] را به عنوان فرستاده ویژه جدید در صلح خاورمیانه معرفی خواهیم کرد. اولمرت، میچل را "یک مرد خوب" خواند و اظهار امیدواری کرد که بتوانیم در کنار هم در همه حوزه‌هایی که صحبت کردیم همکاری کنیم.

اوایل ماه مارس در جمع نمایندگان چند کشور کمک کننده در کنفرانسی در مصر شرکت کردم که برای خانواده‌های فلسطینی نیازمند در غزه کمک جمع‌آوری می کردند. هدف، کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده فلسطینی و اسرائیلی بود که خشونت های اخیر را پشت سر گذاشته بودند. در مورد خاورمیانه، هرچه گفته شود کسی نمی تواند مشقت های انسانی به خصوص محنت هایی را که کودکان تحمل می کنند نادیده بگیرد. کودکان فلسطینی و اسرائیلی مانند کودکان هر نقطه دیگر دنیا حق دارند از امنیت کودکانه، آموزش خوب، بهداشت و شانس ساختن آینده‌ای روشن برای خود برخوردار باشند. والدین ساکن در غزه و کرانه باختری هم مانند پدران و مادران ساکن در تل آویو و حیفا حق دارند شغل خوب، خانه امن و فرصت های بهتر برای بچه هایشان داشته باشند. فهم این نکته، آغازی برای از بین بردن شکاف در منطقه و ساختن زمینه برای صلح پایدار است. در کنفرانس قاهره همین مطلب را بیان کردم و وقتی این موضوع را در میان گذاشتم نمایندگان رسانه‌های عرب که معمولا موضع خصمانه ای دارند شروع به کف زدن کردند.

در بیت‌المقدس، این افتخار را داشتم که با دوست قدیمی‌ام شیمون‌پرز دیدار کنم. او محبوب چپ های اسرائیلی است که در اسلو مذاکره کرده و پس از قتل اسحاق رابین آرمان صلح را به پیش برده است. پرز در مقام رئیس اسرائیل عمدتا نقشی تشریفاتی داشت اما برای ساکنان اسرائیل به خوبی ایفای نقش کرد. وی هنوز با شور و اشتیاق به راه حل دو کشور اعتقاد دارد اما می داند که رسیدن به این راه حل چقدر دشوار است.

همچنین با اولمرت و وزیر خارجه وقت اسرائیل تزیپی لیونی[12] که قبلا مامور موساد[13] بود در مورد تنش ها در غزه و تحکیم آتش‌بس مشورت کردم.

به نظر می رسید که درگیری های گسترده هر لحظه دوباره از سرگرفته خواهد شد. می خواستم به اسرائیلی ها اطمینان بدهم که دولت اوباما کاملا به امنیت و آینده اسرائیل متعهد و پایبند است. گفتم:

– " از هیچ کشوری انتظار نمی رود که مثل مجسمه بنشیند و اجازه دهد موشک به سرزمین و مردمش اصابت کند."

امریکا سالها در دولت های دموکرات و جمهوریخواه نسبت به کمک کردن به اسرائیل برای داشتن برتری کیفی نظامی بر هر رقیبی در منطقه متعهد بوده است. من و رئیس جمهور اوباما می خواستیم وارد مرحله بعدی شویم. باید همکاری های امنیتی را توسعه می دادیم و روی طرح‌های مشترک و کلیدی دفاعی مانند "گنبد آهنین" سرمایه گذاری می‌کردیم. گنبد آهنین نام یک سامانه دفاع موشک های کوتاه برد است که شهرها و خانه‌های اسرائیلی را از موشک مصون می دارد.

ادامه دارد

پی نویس:

11-George Mitchel
12-Tzipi Livni
13-Mossad

طرح تجزیه عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

اتحاد عراق علیه داعش

بخش پنجم و پایانی

وزیر سابق نفت عراق با بیان اینکه امکانات توانایی یک گروه برای سرکوب داعش کافی نیست، گفت: اکنون نخبگان سیاسی عراق با تمامی گرایش‌ها بر وحدت وهمگرایی تلاش‌ها علیه این گروه تروریستی تاکید دارند.

«ابراهیم بحرالعلوم» در گفتگو با خبرگزاری تسنیم با اشاره به اشغال رمادی توسط داعش و سخنان مقامات بغداد مبنی بر آزادسازی این مناطق تا قبل از ماه مبارک رمضان گفت: اشغال این شهر فقط برای عراق تهدیدی محسوب نمی‌شود، بلکه تهدیدی برای کشورهای همجوار به شمار می‌رود.

اکنون نخبگان سیاسی عراق با تمام گرایش‌هایی که دارند بر وحدت و همگرایی تلاش‌ها ضد داعش تاکید دارند. آنانی که قبلا مخالف استفاده از نیروهای مردمی برای مقابله با داعش بودند، امروز احساس می‌کنند، قدرت و توان نیروهای نظامی و امنیتی عراق برای مقابله و سرکوب این گروه تروریستی کافی نیست و باید از نیروهای مردمی برای بیرون راندن آن از استان الانبار استفاده کرد.

همچنین کسانی که معتقد بودند نیروهای مردمی برای مقابله با داعش کافی است، امروز بر این باورند که باید از آحاد ملت از جمله نیروهای عشایر، ارتش و نیروهای مردمی استفاده کرد. زیرا امکانات و توانایی یک گروه برای سرکوب گروه تروریستی داعش کافی نیست.

وزیر سابق نفت عراق با ابراز خوش بینی نسبت به یکپارچه سازی تلاش‌ها برای مقابله با داعش با همکاری کشورهای دوست، گفت: اگر این سیاست به مرحله اجرا در بیاید، داعش توان رویارویی با عراقی‌ها را نخواهد داشت. امروز اهالی استان الانبار خواستار مشارکت نیروهای مردمی برای مبارزه با داعش هستند.

استفاده از نیروهای مردمی در عملیات آزاد سازی رمادی و استان الانبار بسیار مهم و سرنوشت ساز است. لذا باید تمامی اقدامات و عملیات‌های نظامی علیه این گروه تروریستی تحت نظارت دولت بغداد و با همکاری کشورهای دوست صورت بگیرد. بنده امیدوارم که در ماه شعبان نیروهای عراقی بتوانند الرمادی و استان الانبار را از لوث وجود داعش پاکسازی کنند

این سیاستمدار عراقی درباره دیدگاه برخی از ناظران مبنی بر اینکه داعش علاوه بر دریافت کمک از برخی کشورها، توسط شبکه‌های قاچاق سلاح و کالا مورد حمایت قرار دارد، گفت: این گروه تروریستی با کمک طرف‌های خارجی امکانات و تجهیزات نظامی خود را افزایش داده است و این افزایش توان نظامی عادی نیست لذا عراقی ها باید از تمامی کمک‌هایی که توسط کشورهای دوست به آنها ارائه می‌شود برای مقابله با داعش و آزادسازی استان الانبار از لوث وجود این گروه تروریستی استفاده کنند.

وی با تاکید بر اینکه هسته‌های خفته وابسته به داعش در کشورهایی همچون اردن وجود دارد افزود،اردن یکی از کشورهایی است که از داعش حمایت می‌کند و از طرفی حامیان فکری این گروه تروریستی در اردن زیاد هستند.

هسته‌های خفته وابسته به داعش در کشورهایی همچون اردن وجود دارد و اینها از اقدامات داعش در منطقه حمایت می‌کنند و این کشورها نباید در برابر این هسته‌های خفته وابسته به داعش سکوت کنند، زیرا این گروه‌ها یا هسته‌های خفته باعث می‌شوند تا اردن و کشورهای همانند آن با خطر داعش مواجه شوند.

وزیر سابق نفت عراق با تاکید بر اینکه باید تمامی نیروهای منطقه ای و بین المللی برای مبارزه با داعش در یک صف واحد قرار بگیرند، اظهار داشت، داعش دیروز سوریه را تهدید می‌کرد و امروز عراق را تهدید می‌کند، ممکن است فردا کشور دیگری مورد تهدید قراردهد. به هرحال، اکنون عراق مکان راهبردی مهمی برای مبارزه با این گروه تروریستی است.

اگر نیروهای عراق بتوانند با کمک کشورهای دوست عناصر داعش را از استان الانبار بیرون برانند، این کمک بزرگی به امنیت کشورهای منطقه از جمله ترکیه، اردن، سوریه و ایران ...است. کشورهای عربی باید واقعیت‌های سیاسی، نظامی و امنیتی موجود در منطقه را به دقت مورد نظر قرار دهند و تلاش‌های خود را بر محور مبارزه با داعش متمرکز سازند.

این تحلیلگر عراقی با اشاره به توافقنامه امنیتی بغداد واشنگتن درباره کمک‌های نظامی آمریکا برای بازپس گیری الرمادی و آزاد سازی الانبار از عناصر داعش گفت: از لحاظ سیاسی و پیمان های بین المللی آمریکا متحد عراق است. این متحد باید همچنان به وظیفه خود در انجام حملات هوایی به پایگاه‌ها و مراکز داعش ادامه دهد ولی ما در میدان عمل مشاهده می‌کنیم که بر توان و قدرت نظامی داعش افزوده شده و از لحاظ نظامی مناطق بیشتری را به اشغال خود درآورده است لذا باید دامنه حملات هوایی و جمع آوری اطلاعات نظامی از مراکز و پایگاه‌های داعش افزایش یابد و آمریکا باید سلاح و تجهیزات مورد نیاز ارتش عراق را برای مقابله با این گروه تروریستی در اختیار بغداد قرار دهد.

بحرالعلوم در پاسخ به سوالی درباره مقاله روزنامه الحیات مبنی بر اینکه دولت عراق باید اهل تسنن این کشور را در تصمیم گیری‌ها و ساختار سیاسی این کشور بیشتر مشارکت دهد تا بدین طریق داعش تضعیف و نابود شود، گفت: مشارکت گروه‌های سیاسی در روند تصمیم گیری کشور یک مساله ضروری است و دولت باید این نکته را مدنظر قراردهد.

هیچ جریان و گروهی از جامعه عراق نباید در ساختار جدید کشور به حاشیه رانده شود اما مساله ای که امروزه مطرح می‌شود، این است که برخی از قشرها و گروه های مذهبی ادعا می کنند از روند تصمیم گیری و مشارکت در دولت به حاشیه رانده شده اند. ما معتقدیم دولت حیدر العبادی دارای اصول و مواضع راهبردی است که اجازه نمی‌دهد، وهابی‌ها و تکفیری‌ها وارد دولت شود. در اینجا باید به این نکته اشاره کنم که مشکل استان الانبار و سایرمناطق سنی نشین، تکفیری‌ها هستند. حقیقت این است که سنی‌ها در ساختار سیاسی کشور مشارکت دارند و ما امیدواریم که این مشارکت توسعه یابد.

وی در پایان با اشاره به امضای منشور سیاسی توسط تمامی اقشار و گروه‌های سیاسی پیش از تشکیل دولت حیدر عبادی گفت: تمامی طوایف و گروه‌های سیاسی مذهبی کشور باید به این منشور پایبند باشند. البته منشور مزبور دارای مشکلات فراوانی است که ضرورت ایجاب می‌کند، این مشکلات برطرف شود تا گروه‌های سیاسی مذهبی به پیمانی دست یابند که مورد رضایت تمام آنها باشد.

دستیابی به چنین پیمانی سبب می‌شود تا بساط داعش برچیده شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت:استفاده از نیروی نظامی به تنهایی نمی تواند بحران داعش در عراق را حل کند و باید در کنار آن، راهکار سیاسی نیز وجود داشته باشد.

از سوی دیگر سایت خبری تحلیلی شفقنا گزارشی را در رابطه با رویدادهای اخیر عراق منتشر کرده که در ادامه آن را می‌خوانیم.افضل اشرف از پژوهشگران و مشاوران موسسه رویال یونایتد سرویس برای مطالعات دفاعی و امنیتی (RUSI) است و در نیروهای مسلح بریتانیا نیز خدمت کرده است. او در طراحی استراتژی مقابله با شورش های مسلحانه در عراق مشارکت داشته است.افضل اشرف در الجزیره نوشت،با توجه به دخالت عوامل و عناصر متعدد در بحران عراق، افراد مختلف می توانند از سقوط رمادی برداشت های متفاوتی داشته باشند. ادعای رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا مبنی بر این که رمادی به هیچ وجه سمبلیک و نمادین نبوده است، می تواند معقول و منطقی باشد. در واقع رمادی شهری بوده که از زمان تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، دائما با این روند سینوسی و جزر و مد مانند روبرو بوده که یک شورش بالا گرفته، بعد فروکش کرده و دوباره بالا گرفته است.

اما این هم منطقی است که سوال کنیم کارآمدی ائتلاف ضد داعش، به ویژه خواست و اراده ارتش عراق برای نبرد به نفع امنیت ملت، چقدر بوده است. استراتژی کلی نبرد علیه داعش با استفاده از قدرت هوایی ائتلاف به رهبری غرب به همراه نیروهای زمینی عراقی، مساله دیگری است که ارزش بررسی دقیق را دارد.

یک سال پس از پیشروی های برق آسا و غافلگیر کننده داعش در عراق، به نظر می رسد هر آنچه به لحاظ سازمانی، آموزش و تجهیز در اختیار ارتش عراق قرار گرفته، در جبران شکست های تحقیر آمیز پیشین این ارتش (مقابل داعش) ناکافی بوده است. عمده ترین دلیل شکست سال قبل ارتش عراق، کوتاهی ژنرال ها در ایستادگی و مبارزه بوده است. به رغم وعده های نخست وزیر عراق مبنی بر ایستادگی و مقاومت، به نظر می رسد سربازان عراقی کماکان دارند مواضع خود را ترک و عقب نشینی می کنند. تا کنون شایعات زیادی مبنی بر برخورداری داعش از تسلیحات و آموزش های پیشرفته ساخته شده است. این شایعات عمدتا بی اساس هستند. داعش فاقد تجهیزات زرهی، قابلیت تحرک و جابجایی و پشتیبانی اطلاعاتی و قدرت هوایی است؛ حال آن که ارتش عراق از تمامی این موارد برخوردار است.

برتری داعش، در رهبری و حرکت سربازهای پیاده این گروه است. این، واقعیتی است که قبول آن، نه تنها برای دولت عراق، که برای آمریکا نیز بسیار دشوار است.

این جنگ به رهبری آمریکا و همچنین هزینه سنگین آمریکا – چه به لحاظ جانی و چه به لحاظ مالی – بود که رژیم عراق را عوض کرد و شکل جدیدی از دولت را بر سر کار آورد که اکنون ثابت شده تا چه حد ناکارآمد است.تمامی این شکست ها را می توان به موفقیت داعش ترجمه کرد؛ گروهی که از یک پیروزی برای تولید پیروزی دیگر ارتزاق می کند. موفقیت های داعش نه تنها عراقی ها و سوری ها، بلکه تمامی دنیا را تهدید می کند.

داعش باعث یکی از بزرگترین آوارگی های بشری در طول تاریخ شده است،برانگیزنده یکی از بزرگترین عضوگیری ها از پیکارجویان خارجی بوده و جاه طلبی های این گروه برای تصرف بخش بزرگی از خاورمیانه، آفریقا، آسیا و حتی بخش هایی از اروپا، به عنوان یک بازیگر غیر دولتی، بی سابقه بوده است.

با این حال، حتی به رغم تحولات جدید سیاسی در یمن و لیبی، هنوز به نظر می رسد قدرت های منطقه ای و جهانی با داعش به عنوان یک مساله کم اهمیت برخورد می کنند.

این واقعیت نیز که باراک اوباما با رهبران خاورمیانه نشستی برگزار کرد تا فقط درباره جنگ فرقه ای در یمن و نه موضوع داعش بحث و گفت و گو کند، به نوبه خود بسیار حیرت انگیز است. ائتلافی گسترده از کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی شکل گرفته تا علیه اقلیت حوثی ها در یمن بجنگند.

با این حال، دولت سعودی در قبال داعش، نگرانی نسبتا کمتری بروز داده است.با وجود این مواضع چندگانه، عجیب و نصفه و نیمه، شگفت آور نیست که داعش قادر است به کشتار مردها، زنان و کودکان، به ویژه مسیحیان، ایزدی ها و دیگر اقلیت ها ادامه دهد. داعشی ها کماکان به تخریب سایت های میراث فرهنگی ادامه می دهند. بعضی از این آثار، تنها یادگارهای به جا مانده از تمدن های باستانی هستند.

در قرآن، دست کم در ۱۱ مورد به مردم توصیه شده تا در زمین پراکنده شوند تا از تمدن های پیشین خود آگاهی کسب کنند. با این حال، رهبری جدید و البته برخوردار از اعتماد به نفس عربستان سعودی، در قبال چنین موضوعاتی نسبتا خاموش بوده است.

نبرد علیه داعش از بسیاری جهات، به مبارزه بین ایده "دولت ملت" از یک سو و ایده امپراتوری ایدئولوژیکی انقلابی از سوی دیگر می ماند. اما به نظر می رسد تاکنون هیچ یک از درس هایی که پیش از این، درباره قدرت ذاتی و باطنی شورش‌های انقلابی مقابل قدرت ارتش‌های متعارف آموخته و کسب شده، به کار گرفته نشده است.

تجربه نشان می دهد شورش های انقلابی، به مرور زمان با تاکتیک های متعارف جنگی که علیه آنها به کار گرفته می شود، سازگار می شوند. نیروهای رزمی متعارف، از سوی دیگر، این امتیاز را دارند که به سرعت به تهدید واکنش نشان می دهند و می توانند سریعا در مکان و زمان دلخواه خود، مانور دهند و اعمال قدرت کنند. تصمیم اخیر دولت عراق مبنی بر اعزام نیروهای بسیج مردمی به رمادی، نشان دهنده ضعف ارتش است. این وظیفه ارتش است که با ابراز وفاداری به دولت و فقط دولت، از آن محافظت کند. یکی از دلایلی که داعش به موفقیت های خود ادامه می دهد، این است که ائتلاف ضد داعش، با اتخاذ یک استراتژی بسیار سنگین، قادر نیست به سرعت از امتیاز نیروی هوایی و قدرت مانور خود استفاده کند. در عین حال، داعش دارد یاد می گیرد که برای نمونه، با اجتناب از تمرکز نیروهای خود (برای به حداقل رساندن اهداف ائتلاف) چگونه با استراتژی رزمی ائتلاف سازگار شود.

داعش، بر خلاف ائتلاف، قادر است که زمان و مکان حملات خود را انتخاب کند.استمرار موفقیت های داعش در رمادی و نقاط دیگر، باید قدرت های منطقه ای و آمریکا را به تجدیدنظر در رویکرد و استراتژی، وا دارد. یک استراتژی با انرژی و توان بیشتر، که از توان حملات هوایی ائتلاف، برای پشتیبانی از ارتش عراق بهره بگیرد، ممکن است تنها راه برگرداندن توازن علیه داعش باشد.

اما اگر قرار است به داعش ضربه وارد شود، نخست این تهدید منطقه ای و جهانی باید دیده شود و حساسیت آن درک شود. در غیر این صورت، احتمالا باید منتظر عقب نشینی ها و البته شوک های بیشتری باشیم که در عراق و سوریه به ما وارد خواهد شد.

معرفی فصلنامه

شماره جدید فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات جهانی شدن، منتشر شد.

گردآورندگان این مجموعه در شماره جدید نیز به صورت موشکافانه به بررسی ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی فرآیند جهانی شدن پرداخته‌اند.

در این شماره می‌خوانیم:

ـ تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد براساس مکتب کپنهاگ

ـ حقوق بشر در بستر گفتگوهای میان فرهنگی: نسبی‌گرایی فرهنگی و ساز و کار امر عقلایی

ـ جهانی شدن و تکثیرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها

ـ آینده پژوهی، روندهای خدمات فضای مجازی ایران در فرآیند تکنولوژیک جهانی شدن با روش دلفی

ـ سواد انتقادی رسانه در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی؛ اهمیت آگاهی بخشی انتقادی به زبان آموزان در عصر جهانی شدن فرهنگ

ـ اسلام‌گرایی در قرن بیستم: تداوم گسست‌ها

ـ جهانی شدن و حقوق زنان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها.

این فصلنامه به منظور ارائه تازه‌ترین نظریه‌ها و یافته‌های راهبردی در حوزه‌های مختلف جهانی شدن و مدیریت مشترک جهانی و همچنین به منظور تبادل و نشر افکار و اندیشه‌های بدیع، از اندیشمندان، صاحبنظران، دانش‌پژوهان، اساتید و دانشجویان علاقه‌مند به مباحث یاد شده دعوت به ارسال مقاله کرده است. فصلنامه ۲۴۰ صفحه‌ای مطالعات راهبردی جهانی شدن به مدیر مسئولی محمود نادری و سردبیری دکتر سیدمهدی الوانی با بهای ۱۰۰ هزار ریال در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

تجدید پیمان بسیجیان قوه قضائیه و وزارت دادگستری با آرمان های امام (ره)

سرویس خبر: بسیجیان مرکز مقاومت بسیج قوه قضائیه و وزارت دادگستری در آستانه بزرگداشت بیست وششمین سالگرد ارتحال امام (ره) بیانیه ای صادر کردند.

بسیجیان مرکز مقاومت بسیج قوه قضائیه و وزارت دادگستری با حضور در حرم مطهرامام راحل ضمن ادای احترام به مقام شامخ بنیانگذار انقلاب اسلامی و تجدید پیمان با آرمان‌های امام (ره) بیانیه ای صادر کردند.

کاروان عاشقان روح الله درمسیرمرقد امام (ره)

سرویس خبر: کاروان های عاشقان روح الله از شهرهای بزرگ و کوچک کشورمان برای شرکت در مراسم سالگرد ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به سمت مرقد راه می پیمایند.

این ارادتمندان به امام خمینی (ره) درقالب کاروان های پیاده و سواره برای تجدید پیمان با آرمان های رهبر فقید انقلاب اسلامی درحرکت هستند تا روز پنجشنبه در سالگرد ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی عهدی دوباره بااو ببندند.

حرکت کاروان بیش از ۶۰۰۰ نفری عاشقان روح الله امروز با قطار از خوزستان آغاز شده است . بقیه کاروان‌های اعزامی شامل ۵۴۰۰ نفر به وسیله ۱۳۸ دستگاه اتوبوس از خوزستان به تهران می آیند.

زائران خراسان‌رضوی هم با ۵۰۰ دستگاه اتوبوس به حرم امام راحل اعزام می‌شوند.

دیگرزائران از تمامی شهرهای کشور باهر امکان وسیله ای خود را به مرقد امام (ره) می رسانند تا دوباره دیداری نو کنند.

پیکر مطهر سردار شهید مدافع حرم در اهواز تشییع شد

اهواز : پیکر مطهر سردار شهید سید جاسم نوری، دهمین شهید مدافع حرم دیروز با حضور قشـــرهای مختلف مردم اهواز تشییع و به خاک سپرده شد.

قدردانی از مقام علمی و فقهی آیت‌الله العظمی مظاهری

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: بر اســاس حکم صادره از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قـم، کنگره تجلیـــل از آیت‌الله العظمی مظاهری زعیم حوزه علمیه اصفهـــان با حضور میهمانان داخلی و خارجی و با رونمایی از آثار ایشان برگزار می‌شود.

این خبر را حجت‌الاسلام ارزانی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان اعلام کرد.

کوتاه داخلی ـ خارجی

* ٤عضو یک خانواده درخیابان حجتی تبریز دچار مرگ مشکوک شدند.

جنازه یک دختر ۲۲ ساله و پسر ۲٦ ساله به همراه پدر و مادرشان در خانه‌شان پیدا شد. هنوز علت مرگ اعضای این خانواده تبریزی اعلام نشده است.

* شماری از اهالی روستایی از توابع شهر ماهیدشت استان کرمانشاه اعلام کردند یک خرس زخمی به اطراف روستا نزدیک شده که مورد هجوم عده‌ای قرار گرفته و بر اثر ضربات اجسام سخت و بویژه سنگ تلف شده است.

*۳۷ نفر بر اثر آتش گرفتن یک کامیون حامل سوخت در نیجریه جان باختند.

راننده کامیون کنترل وســیله نقلیه را از دست داد و کامیون پس از برخورد با یک مانع، آتش گرفت.

* درگیری شـــبانه میان گروهی از مهاجران در بندر «کاله» فرانسه ۲۴ مجروح بر جا گذاشت.

* زمین لرزه ۴/۴ ریشتری بامداد دیروز بندر امام حسن(ع) شهرستان دیلم خسارت نداشت .

* بر اثر سقوط یک خودرو پراید حامل ۴ سرنشین زن به رودخانه فشم ۲ نفر از سرنشینان این خودرو کشته و ۲ نفر به شدت مجروح شدند.

* عامل تجاوز به عنف بعد از تأیید دیوان عالی کشور درمقابل قربانیانش در جیرفت به دار مجازات آویخته شد.

* براثـــر برخورد یک کامیون با خودرو پژو ۴۰۵ در محور چوپانان نایین در شـــرق اســـتان اصفهان، ۶ نفر کشته و۳ نفر مصدوم شدند.

طرح تابستانی پلیس و نیروهای امدادی از ۱۵خرداد اجرا می شود

سـرویس حوادث:طـرح دومرحله ای تابستانی امسال پلیس راهور ودستگاه های امداد و نجات از ۱۵خرداد در سراسر کشوراجرایی می شود.

سـردارتقی مهـری رئیس پلیس راهور ناجا در جلسه کمیته هماهنگی طرح تابســتانی ناجا از آغاز مرحله اول طرح از ۱۵ تا ۲۸ خرداد خبر داد و گفت: مرحله دوم طرح هم از ۲۵ تیر آغاز می‌شود و تا ۴ مهر ادامه خواهد داشت.

وی دربـاره طرح‌های ویژه ترافیکی ایـام ارتحال حضرت امام(ره) و نیمه شعبان اظهار داشت: در خصوص اجرای مراســم نیمه شـعبان، پلیس در سراسر کشور همه تمهیدات ترافیکی و انتظامی را پیش‌بینی کرده است.

وی اضافه کرد:در اســتان قم و مســجد مقدس جمکران با مدیریت فرماندهی قم برنامه‌های ویژه ترافیکی پیش‌بینی شده و ۱۱ پارکینگ‌در شهر قم و اطراف مسجد مقدس جمکران برای استقرار زائران مشخص شده است.

رئیـس پلیس راهور ناجا به پیش‌بینی ترافیک سنگین مسیرهای منتهی به مرقد امام در روزهای ۱۳ و ۱۴ خرداد اشـاره کردو گفت:از کاروان‌ها تقاضا می‌کنیم که حتماً از مســیرهای پیش‌بینی شده تردد کنند و با توجه به آن که با حجم بالایی از اتوبوس (نزدیک به ۲۰ هزار دستگاه اتوبوس)مواجهیم، از همه هموطنان درخواست می‌کنیم که صبر و حوصله به خرج دهند و از همان مسیرهای تعریف شده پلیس تردد کنند.

***بازگشایی جاده هراز**

مهندس کشـاورزیان رئیس سازمان راهداری کشور هم دراین جلسه گفت: عملیات آواربرداری در جاده هراز با وجود ریزش نسبتا سـنگین انجام شد و با توجه به تقاضاهای موجود به طور رسمی این جاده از امروز برای تردد آماده است.

وی بااظهار خوشـبینی از کاهش بیش از ۶ درصدی تلفات جاده ای در سـال گذشته باوجود افزایش ترددها افزود: قرارداد نصب دوربین‌های جدید نیز محقق شده و امسال ۶۰۰ دوربین ثبت تخلف سرعت با اولویت شریان‌های اصلی نصب شده است.

دکتر شجاعی رئیس سازمان پزشکی قانونی هم دراین نشست، بااعلام ۱۳۳۸ مورد فوت ناشی از تصادفات در فروردین امسال گفت : ۳۲۸ نفر در جاده‌های درون‌شهری ۹۱۸ نفر برون‌شهری کشته شدند و ۸۹ نفر در روسـتا و ۵ نفر نیز به طور نامعلوم جان باختند و مجموعاً کاهش ۱۱/۴ درصدی را نسبت به سال گذشته شاهد بودیم.

رئیس سازمان پزشکی قانونی درباره کاهش مصدومان افزود: ۲۵ هزار و ۲۰۴ نفر مصدوم فروردین امسال داشتیم که ۱۶ هزار و ۸۸۲ نفر مرد و ۸۳۲۲ نفر زن بودند.

*** ثبت تخلف موتورسواران**

سرهنگ جهانگیری رئیس پلیس ترافیک شهری هم به بی‌انضباطی موتورسواران و تصادفات حاصل از این بی‌نظمی پرداخت و گفت: از وزارت راه درخواست می‌کنیم تـا دوربین‌های ثبت تخلف برای موتورسواران هم فعال شود.

وی افزود: طبق آمار۱۶ هزار و ۸۷۲ نفر پارسال در جاده‌ها کشته شدند که بیش از ۳۰۰۰نفر از آنها موتورسوار بودند ومتأسفانه این امر مغفول مانده است. وی بااشاره به پیش‌بینـی حضور ۲ میلیون زائر در مسجد مقدس جمکران گفت: ۱۱ پارکینگ برای توقف خودروها پیش‌بینی شده است .

***اسکان زائران در۵۰واحدآموزشی**

نماینـده وزارت آمـوزش و پرورش دراین کمیته ، از آماده‌سازی زیرساخت‌ها برای پذیرش مسافران و اسـکان زائران حرم حضرت امـام(ره) خبـر داد و گفت: ۵۰ واحد آموزشی تاکنون آماده شده است.

حسـینی از برپایی ۲۰ هزار پایگاه اوقـات فراغت در فصل تابستان توسط آموزش و پرورش خبـر داد و گفت: این پایگاه‌ها با شـعار هر دانش‌آموز یک مهارت آغـاز به فعالیت کرده اسـت و مهارت‌های بحث فرهنگ ترافیکی نیز در آنجا آموزش داده می‌شود.

***تمهیدات امداد و نجات**

رییس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از آغازاجرای طرح تابسـتانی هلال احمر خبر داد وگفت: طرح تابسـتانی هلال احمر در ۱۲۰۲ پایگاه اجرا شـده و ۱۱۸۱ آمبولانـس نیز به همراه ۴۲۹ خـودرو نجات و ۴۸۰۰ نفر نیرودر روز آماده امداد رسـانی به مسافران و شهروندان هستند. قویدل درباره طرح ویژه هلال احمر برای مسجد مقدس جمکران هم گفت: طرح ویژه سازمان امداد و نجات در اسـتان قـم و جمکران آغاز شده و ۱۵۰ امدادگر در ۲۱ پایگاه در تمامـی جاده‌ها و معابر منتهی به مسجد مقدس جمکران حضور دارند.

طرح ترافیکی مراسم سالگرد ارتحال امام (ره)

سرویس خبر: پلیس راهور تهران طرح ترافیکی خود برای مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) رااز ساعت ۷ صبح چهارشنبه ۱۳ خرداد تا پنجشنبه ۱۴ خرداداجرا می کند.

سردار حسینی رئیس پلیس راهور تهران بـزرگ در این باره گفت: ممنوعیت های توقف از ساعت ۱۷ فردا(چهارشنبه)آغاز می شـود که نخستین مسیر، بزرگراه خلیج فارس از پل حضرت امام (ره) به سـمت جنوب تا عوارضی است.

وی افـزود: بزرگراه علامه جعفری از سه راهی باقرشهر تا پل حرم نیز محدودیت ترافیکی دارد.

او گفت: بزرگراه شهید هاشمی در مسیر شمال به جنوب تا میدان ساعت برای توقف و پارک اتوبوس های شرکت واحد پیش بینی شـده است تا پایان مراسم سیل جمعیت را جا به جا کند.

وی افـزود: در پارکینگ ضلع حرم نیز ایسـتگاه های صلواتی و اورژانس مستقر هستند

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ گفت: از سـاعت ۱۷ فرداهیچ گونه اجازه تردد به خودروهای سـنگین در محور قم به تهران از سه راهی حسن آباد به سمت تهران داده نخواهد شد.

سردار حسینی افزود: از ساعت ۱۷ فردا تا پایان مراسم و تخلیه کامل پارکینگ ها و معابر و برقرار شدن شرایط عادی، تردد همه خودروهای باربری سنگین در مسیر جاده قدیم قم از سه راهی حسن آباد تا پل آزادگان و طول بزرگراه شـهید هاشمی، بزرگراه شهید رجایی از پل آزادگان تا جاده قدیم و بالعکس ممنوع است.

وی گفت: وسایل نقلیه سنگین می توانند از طریق جاده حسـن آباد به جاده ساوه و آزادگان غرب و شرق تردد کنند.

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ افزود: از ساعت ۱۷ فردا همچنین تردد همه وسایل نقلیه سـنگین و اتوبوس به استثنای وسایل نقلیه حامل زائران به پارکینگ های ۴، ۵، ۶ و ۱۰ ممنوع است.

وی گفت: از سـاعت ۲۴ فردا تا پایان مراسـم و تخلیه کامل محدوده اطراف حرم مطهر حرکت همه وسایل نقلیه شخصی و اتوبوس به استثنای وسایل نقلیه حامل زائران اسـتان های خوزستان، یزد و قم در آزادراه تهران- قم حد فاصل پل حسـن آباد و سه راهی کهریزک تا پل شـهید کاظمی ممنوع است.

وی افزود: این گونه وسایل نقلیه از طریق جاده حسـن آباد به شرق، به جاده قدیم به سـمت تهران ادامه مسیر خواهند داد و آن دسته از وسایل نقلیه شخصی و اتوبوس ها که قصد شرکت در مراسم را دارند از طریق جاده قدیم قم- تهران، در شرقی بهشت زهرا (س) داخل می شوند و در پارکینگ های از پیش تعیین شده مستقر خواهند شد.

***تردد وسایل نقلیه سبک**

سردار حسینی گفت: تردد وسایل نقلیه سبک در محور آزادراه تهران- قم حد فاصل پل شهید کاظمی تا عوارضی تهران- قم مجاز است و محدودیتی اعمال نخواهد شد.

عزم جدی قوه قضائیه با مفاسد اقتصادی

سرویس خبر ـ معاون اول دستگاه قضایی کشور گفت : قوه قضاییه در برخورد با مفاسد اقتصادی جدی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه ای با اشاره به عزم جدی قوه قضائیه در مبارزه با جرائم اقتصادی ، افزود : قوه قضائیه فقط با آفتابه دزدها مقابله نمی کند ومجریان با محکومیت های اختلاس های میلیاردی که دوران محکومیت خود را در زندان به سر می برند، نشان دهنده این است که دستگاه قضایی بدون درنظر گرفتن این که متهمان چه سمتی دارند یا فرزند کدام مسئول هستند، به جرائم رسیدگی می کند .

معاون اول رئیس قوه قضائیه با بیان این که دستگاه قضایی در مقابله با فساد در داخل دستگاه قضایی هم اغماض نمی کند، افزود:من مطلع شدم در اراک حق الوکاله ۲۰ میلیارد تومانی برای یک پرونده پرداخت شده است و معلوم نیست که بررسی این پرونده بر چه اساس بوده که این وکیل به‌اندازه حقوق چند نسل کارمندان دولت حق الوکاله گرفته است.

رئیسی: دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جنایات آل سعود تشکیل شود

سـرویس خبر: دادستان کل کشـور با مقایسه جنایات جنگی رژیم صهیونیستی در غزه با جنایات آل سعود در یمن گفت: همانگونه کـه وزارت امور خارجه به دنبال مجازات صهیونیست‌ها در مجامع بین المللی اسـت، باید این مساله را هم برای تشکیل یک دادگاه بین المللی درخصوص جنایات آل سعود در یمن پیگیر شود.

حجت الاسـلام والمسلمین ابراهیم رئیسی در حاشیه همایش «پاسیاد ابر فیاض»، حاج علی اکبر ابوترابی فرد، افزود: شکی نیست که ملت مقاوم یمن در نهایت پیروز این جنگ نابرابر و ناخواسته هستند.

وی با انتقاد از سکوت سازمان های حقوق بشری و شورای امنیت سازمان ملل نسبت به تجاوزگری و کشتار مسلمانان یمن، گفت: این نهادهـا برای بی توجهی به حقوق انسـان های مظلوم یمن نزد افکار عمومی جهانیان چه پاسخی دارند؟

دادسـتان کل کشور ، درباره دلایل افزایـش میزان چک های برگشتی در شبکه بانکی کشور هم گفت: هر گاه کشـور شاهد رشد اقتصادی باشد، میزان پرونده های اقتصادی هـم در دادگاه‌ها کاهش می‌یابند؛ اما هرگاه با مشـکلات اقتصادی مواجه شویم، حواشی ناشی از آن به بخش های مختلف جامعه سرایت خواهد کرد.

وی سید آزادگان کشور مرحوم ابوترابی فـرد را مظهر و الگوی مقاومـت، ایسـتادگی و پایداری دانست و گفت: کاری که ما با الگو گرفتن از رشادت های این مرحوم و همقطارانش باید انجام دهیم، عمل به فرامین مقـام معظم رهبری و ایستادگی در مقابل دشمنان است.

دادستان کل کشور، رفتار طرف های مذاکره کننده در موضوع هسته ای با همتایـان ایرانی را رفتاری مغایر با اصول مذاکره دانسـت و گفت: سیاست جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات فقط در چارچوب موافقتنامه و شرایط و ضوابط تعیین شـده از سوی مقام معظم رهبری است؛ ملت ما با وحدت و انسجام ملی علیه اسـتکبار جهانی خواهد ایستاد.

سـردار علی فضلی هم دراین مراسم با ذکر کمالات مرحوم ابوترابی فرد، خاطره ای از نحوه ورود نخستین گروه از آزادگان به کشـور را برای صدهـا تن از آزادگان، خانواده های شـهدا و حاضران بیـان کرد.دراین همایش از ۸ عنوان کتاب نوشته شده در حوزه خاطرات آزادگان ۸ سال دفاع مقدس رونمایی شد و از خانواده های شهدای اسارت «محمدرضا شفیعی، حسین پیراینده، محمدعلی قوچی بیک و سرلشـکر خلبان مرادعلی جهان شاهلو و خانم آزاده حلیمه آزموده» قدردانی به عمل آمد.

بهره‌برداری از ۲ بیمارستان در سیستان

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: بیمارستان ٤٨ تختخوابی شهرستان زهک و بیمارستان ۳۲ تختخوابی هیرمند با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به بهره‌برداری رسید.

دکتر هاشمی در این آیین گفت: در اجرای طرح تحول نظام سلامت که جهت‌گیری آن مناطق محروم است امتیازات و امکانات لازم برای پزشکان فراهم شده است و به همین سبب بسیاری از پزشکان علاقه‌مند به خدمت در این مناطق هستند. به گفته وی برای نظام و دولت در ارائه خدمات هیچ تفاوتی میان سیستانی و بلوچ، شیعه و سنی و قوم و مذهب نیست زیرا همه ما ایرانی هستیم و در سایه اتحاد و همدلی کشور پیشرفت می‌کند.وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یادآور شد: با توجه به ایجاد مراکز علمی در سیستان و بلوچستان لازم است امکان تحصیل اتباع کشورهای خارجی در زابل، زاهدان، چابهار و ایرانشهر فراهم شود تا بتوانیم به کشورهای همسایه آموزش داده و آنها را مجهز کنیم. وی افزود: سیستان و بلوچستان با توجه به همسایگی با ۲ کشور خارجی که بسیاری از بیماری‌های واگیردار از جمله وبا، سرخک و غیره در آنها وجود دارد، نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:

* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
* چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکرـ سرویس ارتباطات مردمی

شهرداری پاسخگو باشد

روی بلندی‌های حصارک برج‌ســازی می‌شود! شهرداری باید پاسخگو باشد، چرا که دارند به مردم جفا می‌کنند.

از اهالی حصارک

جریمه ناحق

من سال ۹۳ حتی یک بار هم از جاده قدیم تهران کرج عبور نکرده‌ام. چطور ممکن است که مرا جریمه الصاقی بابت پارک دوبل کرده باشند!؟ آن هم در اتوبان! آن هم ۶۰ هزار تومان!؟

یک شهروند

افزایش حق بیمه

حق بیمه بازنشستگان نیروهای مسلح از اول امسال نزدیک به ۴۰ درصد افزایش یافته است که در مقایسه با نرخ تورم غیرعادلانه است. چرا؟

یک بازنشسته

برج‌سازی در بن‌بست یاسمن!

شهرداری منطقه یک با دادن مجوز ساخت به برج‌ها به کشور و مردم جفا می‌کند. در میدان تجریش خیابان مقصودبیگ خیابان تختی کوچه سالورد بن‌بست یاسمن (که بن‌بستی بسیار کوچک است) دارند برج‌سازی می‌کنند. آیا انصاف است که در یک بن‌بست کوچک درختان چندساله چنار را قطع کنند و برج چند طبقه بسازند؟

از اهالی بن‌بست یاسمن

کمبود آب نیازمند تصمیم‌های قاطع

آیا زمان آن نرسیده است که به دلیل بحران آب دولت تدبیر و امید دست از اعتدال و تدبیر بردارد و در یک عمل سریع و قاطع بهره‌برداری از چاه‌های غیرمجاز را خاتمه دهد و بهره‌برداری از چاه‌های مجاز را نیز محدود کند؟

شهروندی از تهران

برداشت بدون اجازه از حساب مشتریان!

بانک ملی بدون این که اجازه بگیرد از حساب مشترکان خود روز جمعه ۹۴/۳/۸ مبلغ ۵۰۰ تومان کسر کرده است. به چه اجازه‌ای این کار را انجام داده است؟ آیا این درست است؟

یکی از مشتریان بانک ملی

خط ارتباطی: بانک ملی در اطلاعیه‌ای این مبلغ را هزینه ارسال پیامک به مشتریان اعلام کرده است.

مشورت با اقتصاددانان

پیشـــنهاد می‌کنم آقای سردار نقدی گفته‌هایش را با اقتصاددانان ایران مطرح کند، چرا که به اعتقاد وی تحریم‌ها هیچ نقشی در اقتصاد ایران نداشته است در صورتی که این گفته با گفته اقتصاددانان کاملاً مغایرت دارد.

یک هموطن

چگونه اموراتم را بگذرانم؟

کارمند ســازمان زندان‌های گلستان هستم و از سال ۶۱ سابقه خدمت دارم. حقوقم یک میلیون تومان اســت. به نظر شما چگونه می‌توانم اموراتم را با ماهی یک میلیون تومان بگذرانم؟

یک هموطن

مشکل پزشکان خانواده در قزوین

پزشک خانواده در همه مناطق غیر بیتوته از ساعت ۸ صبح کار می‌کند تا ساعت ۳ و نیم بعداز ظهر، اما در استان قزوین تا ساعت ۵ بعد از ظهر کار می‌کند و پزشکان خانم با این ساعت کاری برایشان مشکل به‌وجود می‌آید. خواهشمندیم به این موضوع رسیدگی شود.

جمعی از پزشکان خانواده استان قزوین

مهرام، قهرمان لیگ حرفه‌ای بسکتبال شد

تیم مهرام بـــا برتری مقابل تیم دانشـــگاه آزاد در فینال هفتگانه لیگ حرفه‌ای بسکتبال باشگاه های کشور به مقام قهرمانی رسید.آخرین و هفتمین بازی فینال لیگ حرفه‌ای بســـکتبال، دیروز بین تیم های مهرام و دانشگاه آزاد در ســـالن حکیمیه تهران برگزار شد که تیم مهرام با نتیجه ۹۵ – ۹۲ به برتری رسید و قهرمان شد.

کوارتر نخست

تیم دانشگاه آزاد، بازی را بهتر از حریف آغاز کرد و با اختلاف ۵ امتیاز پیش افتاد. برتری میزبان در شوت‌ها و ریباندهایش، مشهود بود. عملکرد خوب «فیلیپ» در نفوذ به زیر ســـبد مهرام، برای دانشگاهی‌ها فضاسازی و ایجاد موقعیت می‌کرد.جدال «ریچارد» و حدادی، ســـنترهای بلندقامت دو تیم، صحنه‌های جالب توجهی ایجاد کرد. مهرام با استفاده از شوت‌های سه امتیازی، فاصله را کم کرد. اما اشتباهات پیاپی بازیکنان این تیم، باعث شد تا دانشگاه آزاد دوباره توپ و میدان را در اختیار گیرد و ۲۱ – ۱۴ از حریف پیش بیفتد. توپ‌های از دست رفته مهرام، زیاد بود؛ تیم دانشگاه آزاد در کوارتر نخست ۲۵ – ۱۹ به پیروزی رسید.

کوارتر دوم

توپ و میدان در این کوارتر، برای شاگردان مصطفی هاشمی بود. مهرام با درخشش آرمان زنگنه و حامد حدادی، فاصله امتیازی را کم کرد. شوت‌های دانشگاهی‌ها، وارد سبد مهرام نمی‌شد و تیم مهمان، خیلی خوب کار می‌کرد و از حریف پیشی گرفت. کادر فنی مهرام با اضافه کردن آرن داودی و جواد داوری، سعی کرد که به بازی سرعت بدهد و دوباره نبض مسابقه را در اختیار بگیرد. مصطفی هاشمی به «تاکواندین» بازیکن خارجی خود، دستور شوتزنی داد و او، امتیازهای مهرام را بیشـــتر و بیشتر کرد. هماهنگی خوب این بازیکن با حامد حدادی، برگ برنده مهرام در این کوارتر بود. نکته جالب توجه این بود که حدادی در این دقایق، زیر سبد دانشگاه نفوذ نمی‌کرد و با استفاده از قامت بلند خود، برای دیگر بازیکنان مهرام، فضاسازی می‌کرد.

روند ناکامی تیم دانشگاهی در کسب امتیاز، ادامه داشت تا اینکه نفوذ جواد داوری و شوت ۳ امتیازی آرن داودی، این تیم را به بازی برگرداند و فاصله امتیازی را به حداقل رساند. دو تیم در دقایق پایانی این کوارتر، پایاپای پیش رفتند؛ مهـــرام ۲۳ – ۱۴ کوارتر دوم را برد و در نیمه نخست ۴۲ – ۳۹ به برتری رسید.

کوارتر سوم

تیم دانشـــگاه آزاد با شوت ۳ امتیازی «فیلیپ»، کار خود را آغاز کرد و فاصله امتیازی را به حداقل رساند. اما باز هم مهرام مانند کوارتر دوم، توپ و میدان را در اختیار گرفت و با استفاده از نفوذهای بازیکنان پیرامونی خود، از حریف پیش افتاد. دفاع نفر به نفر مهرام، اجازه کار را به دانشگاهی‌ها نمی‌داد. اشتباهات فردی بازیکنان دانشگاه آزاد در کوارتر ســـوم، زیاد بود و همین فرصتی بود تا مهرامی ها، فاصله امتیازی را افزایش دهند. ریباند بهتر مهرامی ها در دفاع و حملـــه به این تیم کمک می‌کرد. کوارتر ســـوم با دو شوت ۳ امتیازی مهرامی‌ها، پایان یافت تا این تیم ۲۷ – ۱۱ برنده شود.

کوارتر چهارم

کوارتر پایانی را مهرامی‌ها، خوب آغاز کردند. بازیکنان دانشگاه آزاد به دلیل فاصله امتیازی، سراسیمه بودند و در امتیازآوری، موفق نبودند. اما همه توپ های بازیکنان مهرام، وارد سبد میزبان می‌شد. مهرام، اختلاف امتیازی را به ۲۰ رساند؛ شوت ۳ امتیازی روزبه ارغوان، تیم دانشـــگاه آزاد را به بازی برگرداند و به یکباره شرایط مسابقه به سود میزبان تغییر کرد. در پنج دقیقه پایانی، دانشـــگاه آزاد تیم برتر میدان بود و با عملکرد منســـجم در دفاع و هماهنگی در حمله، فاصله امتیازی خود را کاهش داد.

با بهتر شدن کار تیمی دانشگاه آزاد، نتیجـــه ۷۶ – ۶۸ شـــد. پرس تمام زمین دانشگاه آزاد، کار را برای مهرامی‌ها، دشـــوار کرده بود؛ نتیجه بازی ۷۷ – ۷۴ شـــد. ۵ خطایی شدن حامد حـــدادی و خروج او از زمین، فرصتی برای دانشگاهی ها بود. شوت ۳امتیازی «رایان ریچارد» سنتر انگلیسی تیم دانشگاه آزاد، نتیجه بازی را برابر کرد.

ثانیه‌های پایانی مسابقه آخر فینال، بازی پایاپای بود؛ اشتباه جواد داوری، فرصت را برای مهرام ایجاد کرد تا با استفاده از موقعیت حمله، خود را به قهرمانی برساند. اما بازیکنان این تیم در استفاده از این موقعیت، ناکام بودند. شوت ۳ امتیازی رضا لطفی، وارد سبد نشد تا کار دو تیم در وقت قانونی با نتیجه ۷۷ – ۷۷ تمام شـــود و بازی به وقت اضافه برود.

وقت اضافه

مهرام، وقت اضافه را بهتر آغاز کرد، ولی پنج خطایی شـــدن آرمان زنگنه، اوشین ساهاکیان و «تاکواندین»، کار این تیم را دشوار کرد تا دانشگاه آزاد نتیجه را ۸۸ – ۸۸ مساوی کند.

مهران شاهین طبع در این دقایق به شدت به تیم داوری اعتراض داشت و معتقد بود کـــه خطای پنجم آرن داودی – که باعث شد تا از زمین بیرون رود – درســـت نبوده است. بازیکنان کلیدی مهرام، یکی پس از دیگری به دلیل پنج خطایی شدن، از زمین خارج می‌شدند.

اما شـــوت ۳ امتیازی ســـعید داورپناه، این تیم را از دانشـــگاه آزاد، پیش انداخت تا نتیجه این بازی مهیج در ۱۵ ثانیه مانده به پایان ۹۲ ۸۸ به سود تیم مهرام شود.

در ثانیه‌های پایانی این مسابقه با اینکه دانشـــگاه آزاد به امتیاز رسید، ولـــی در نهایت این تیم مهرام بود که با نتیجه ۹۵ – ۹۲ پیروز شد و بر جام قهرمانی بوسه زد.

جشن قهرمانی مهرامی‌ها

آیین اهدای مدال و جام قهرمانی لیگ حرفه‌ای بسکتبال باشگاه های کشور به بازیکنان تیم مهرام در پایان بازی فینال برگزار شد.

بازیکنان این تیم به جشـــن و پایکوبی پرداختند.ازنکات جالب توجه خوشحالی بازیکنان مهرام می‌توان به حضور خانواده این بازیکنان در سالن حکیمیه اشاره کرد. حامد حدادی در آغوش مادرش، نخستین قهرمانی خود را در لیگ ایران، جشن گرفت و سعید داورپناه در کنار همسرش، از قهرمانی تیمش لذت برد.پس از خوشـــحالی بازیکنان در زمین، بسکتبالیست‌های مهرام با تماشـــاگران حاضر در سالن عکس یادگاری گرفتند.

آیین اهدای مدال و جام قهرمانی با حضور محمود مشحون و محمد دادکان برگزار شد.

دومین شکست ایران مقابل آمریکا در لیگ جهانی والیبال

ملی پوشان والیبال ایران، پذیرای دومین شکست در دومین دیدار از لیگ جهانی – ۲۰۱۵ شد و بازی را با نتیجه مشابه ۳ – یک به تیم آمریکا، واگذار کرد.ملی پوشان والیبال ایران، دومین دیدار خود را در چارچوب لیگ جهانی – ۲۰۱۵، بامداد دیروز مقابل تیم آمریکا برگزار کردند. بازی نخست دو تیم با نتیجه ۳ – یک به سود آمریکا، تمام شده بود. بازیکنان ایران، انگیزه زیادی برای جبران نتیجه بازی قبل و حتی گرفتن امتیاز در خانه حریف داشتند. این بازی از گروه دوم لیگ جهانی والیبال و در شهر لس آنجلس آمریکا برگزار شد.

دست نخست: ۲۵–۱۶ آمریکا

دو تیم، آنالیز خوبی از هم داشتند؛ بویژه آمریکایی‌ها که پاس های سعید معروف را تحلیل کرده و دســـت او را خوانده بودند. تیم آمریکا، آغازی توفانی داشت. «راســـل» و «اندرسون»، بارها زمین تیم ایران را هدف اسپک‌های خود قرار دادند. تیم ایران، نمی توانست از پشت خط کاری از پیش ببرد. تیم آمریکا با ارسال توپ‌های بلند، دست نخست را ۲۵ – ۱۶ به سود خود کرد.

دست دوم: ۲۵–۱۶ آمریکا

بازیکنان ایران، تحت تاثیر بازی بی نقـــص آمریکایی‌ها، قدری دچار افت روحیه شده بودند. سامان فائزی، میلاد عبادی پور و امیر غفور، مهره‌های جایگزینی بودند که کواچ، برای تغییر شـــرایط بازی تیم ایـــران، آنان را به خدمت گرفت. اما سرویس‌های خوب آمریکایی‌ها، موجب شد تا بازیکنان ما، دریافت‌های خوبی نداشته باشد. سعید معروف، قادر نبود که حملات متنوعی را طراحی کند و همین موضوع، موجب شـــد تا روند کار به سود آمریکایی‌ها، تغییـــر کند. دفـــاع روی تور عالی از «هالت» و «اســـمیت» اجازه نمی داد که اســـپک ایرانی ها در زمین حریف بخوابد. تیم ایران، دست دوم بازی را نیز با نتیجه ۲۵ – ۱۶ به آمریکایی ها، واگذار کرد.

دست سوم: ۲۵–۲۰ ایران

تیم ملی والیبال ایران در دســـت سوم، چیزی برای از دست دادن نداشت و به همیـــن دلیل به آب و آتش زد تا بر خلاف دو دست قبل، نمایش خوبی مقابل آمریکا داشته باشد. تیم ایران با اتکا به حملات سرعتی و پاس‌های بریده، خط دفاع آمریکا را فریب می داد. کواچ، بیشترین تغییر را در چیدمان و آرایش بازیکنان درون زمین، نســـبت به آغاز بازی داده بود؛ تیم ایران، پشت سر هم امتیاز می گرفت. سامان فائزی در دفاع و حمله موثر بود. مهدوی، پاسور دوم ایران با سبک متفاوت پاس‌های خود، نسبت به معروف، اسپکرهای تیم ایران را تغذیه می کـــرد. چند امتیاز برتری کافـــی بود تا بازیکنان ایران، روحیه از دســـت رفته خود را باز یابند. ایران با برتری چهار–پنج امتیازی، بازی را پیش می‌برد. سرویس‌های موجی بازیکنان ایران به سختی توسط آمریکایی ها، مهار می‌شد. جواد معنوی نژاد، پدیده والیبال ایـــران در این دوره، نمایش موثری در دریافت سرویس‌های پرشی و حملات قدرتی داشت. موسوی، قدر پاس های کوتاه معروف را می دانست و از آنها، امتیاز می ساخت. تیم ملی والیبال ایران در دست سوم به بازی برگشت و ۲۵ – ۲۰ تیم آمریکا را شکست داد.

دست چهارم: ۲۵– ۲۰ آمریکا

دو تیم در دست چهارم، ریسک نکردند. محمد موسوی که به هماهنگی بهتری با دفاع کناری رسیده بود، بارها اســـپکرهای حریف را ناکام گذاشت. دفاع عقب زمین نیز حمایت خوبی از بازیکنان خودی داشت. «متیو اندرسون» همچنان موثرترین بازیکن آمریکایی ها بود. امیرغفور با وجود مصدومیت در قطر پاس تیم ایران می درخشید. «اریک شوجی»، لیبروی آمریکایی‌ها، از پس سرویس‌های موجی بازیکنان ایران بر نمی آمد. تیم ایران، همچنان در دریافت ها وجاگیری مناســـب، مشکل داشت و همین موضوع به ســـود حریف شد. تیم آمریـــکا ۱۲ – ۹ از تیم ایران پیش افتاد. «کریستنسون» در این مسابقه، مثل بازی نخست دو تیم با سرویس‌های تماشایی خود، بارها برای تیم آمریکا، امتیاز گرفت. کواچ، دو تعویض کرد و پیروت پور و مهدوی را به میدان فرستاد. «اندرسون» به راحتی از مدافعان روی تور ایـــران، امتیاز می گرفت. تیم ملی والیبال ایران، دست چهارم را با امتیاز ۲۵– ۲۰ به تیـــم آمریکا واگذار کرد.

ملی پوشان والیبال ایران با نتیجه ۳ – یک و امتیازهای ۲۵–۱۶، ۲۵–۱۶، ۲۰–۲۵ و ۲۵–۲۰ از ملی پوشان والیبال آمریکا شکست خوردند. تیم ایران در مجمـــوع دو دیدار با تیم آمریکا، هیچ امتیازی بدست نیاورد. آنان در گام بعدی، باید در ساعت ۲۲ و ۵۵ دقیقه جمعه این هفته (۱۵خرداد) و شنبه هفته آینده (۱۶ خرداد) در شهر «چنستوهوا» لهستان به مصاف تیم ملی والیبال این کشور بروند.

با پیروزی ۳–یک مقابل نفت تهران
ذوب آهن، قهرمان جام حذفی فوتبال شد

تیم های نفت تهران و ذوب آهن اصفهان، دیروز بازی فینال جام حذفی فوتبال باشگاه های ایران را در ورزشگاه تختی برگزار کردند که شاگردان یحیی گل‌محمدی با نتیجه ۳ – یک شاگردان علیرضا منصوریان را شکست دادند و برای سومین بار، قهرمان جام حذفی فوتبال شدند.

دو تیم در نیمه نخست، بازی نسبتا محتاطانه‌ای را به نمایش گذاشتند و به محک زدن هم پرداختند. در دقایق پایانی نیمه نخست، یکی – دو موقعیت گل روی دروازه‌ها ایجاد شد که با بی دقتی مهاجمان هر دو تیم، هدر رفتند. نیمه نخست این بازی با تساوی بدون گل، پایان یافت.

بازیکنان تیم نفت تهران در آغاز نیمه دوم، حرکتی را در عمق دفاع تیم ذوب آهن انجام دادند که وحید امیری، از سمت راست محوطه جریمه ذوب آهن به سمت دروازه این تیم حرکت کرد و در موقعیت تک به تک با رشید مظاهری، توپ را وارد دروازه این تیم اصفهانی کرد.

بازیکنان تیم ذوب آهن، بلافاصله در دقیقه ۴۷ جواب گل خورده را دادند و توپ روی رفت و برگشت در محوطه جریمه تیم نفت به مهدی رجب‌زاده رسید و او با پاس به بغل، حدادی‌فر را با دروازه خالی روبرو کرد و او نیز بدون درنگ، گل تساوی را به ثمر رساند.

ذوب آهن روی ضربه شروع مجدد در دقیقه ۵۱، رجب‌زاده را در موقعیت تک به تک با بیرانوند قرار دادند و او، از سمت چپ محوطه شش قدم، توپ را به گل تبدیل کرد. نفوذ بازیکنان ذوب آهن در دقیقه ۸۰ مرتضی تبریزی با دروازه‌بان نفت تک به تک شد و بعد از برگشت توپ به بیرون از محوطه جریمه، کاوه رضایی با شوت تکنیکی، توپ را وارد دروازه این تیم تهرانی کرد.

بازیکنان ذوب آهن در دقیقه ۶۶ سانتری را در داخل محوطه جریمه نفت تهران، ارسال کردند که کاوه رضایی، بعد از کنترل توپ، ضربه‌ای را به سمت دروازه بیرانوند زد که او با واکنشی خوب، توپ را از محوطه دروازه دور کرد.

گل‌های ذوب آهن را قاسم حدادی‌فر (۴۷)، مهدی رجب‌زاده (۵۱) و کاوه رضایی (۸۰) به ثمر رساندند و تک گل تیم نفت تهران را وحید امیری در دقیقه ۴۶ وارد دروازه ذوب آهن کرد.

برگزاری جشنواره فرهنگی ـ ورزشی «مهر رضوی»

جشنواره فرهنگی ـ ورزشی «مهر رضوی» از ۲۰ تـــا ۲۵ مرداد، همزمان با آغاز دهه کرامت، حـــد فاصل ولادت حضـــرت معصومه (س) تا ولادت حضرت امام رضا (ع) در ۹رشته ویژه بانوان و ۱۵ رشته ویژه آقایان برگزار می شود.

هادی رضایی، سرپرســـت کل جشنواره فرهنگی – ورزشـــی مهر رضوی، پیش از ظهر دیروز در نشستی با نمایندگان رسانه های جمعی به تشریح جزئیات برگزاری این رویداد بزرگ ورزشی در ایران پرداخت و گفت: این جشنواره در زمره برنامه هایی اســـت که هر چند سال یکبار، فرصت برگزاری آن ایجاد می شود و به دلیل اینکه در ســـال های اخیر رقابت های قهرمانی کشور در بسیاری از رشته ها به دلیل کمبود بودجه برگزار نشده است، هدف از تدارک این جشنواره، برگزاری رقابت های قهرمانی کشور و استعداد یابی و پشتوانه سازی برای آینده ورزش جانبازان و معلولان است.

رضایی، تصریح کرد: ۲۵۰۰ ورزشکار، مربی، سرپرست و عوامل اجرایی در این جشنواره، حضور خواهند داشت که ۱۲۰۰ ورزشکار مرد و ۸۰۰ بانوی ورزشکار، از جمله شرکت کنندگان در این جشنواره هستند.

او افزود: مسابقات، ویژه ورزشکاران زیر ۲۵ سال است. البته در رشته های تیمی، ۳ ورزشکار بین ۲۵ تا ۳۰ سال، مجوز حضور دارند.

رضایی، تصریح کرد: برگزاری این مسابقات به منزله سکوی پرتابی برای ورزش قهرمانی و پشتوانه سازی برای آینده تیم های ملی جانبازان و معلولان اســـت. این سرمایه گذاری نشان دهنده میزان اهمیت توسعه ورزش جانبازان ومعلولان در ابعاد همگانی و قهرمانی است.وی گفت: ۳۱ استان، برای شرکت در این جشنواره فرهنگی – ورزشی اعلام آمادگی کرده اند و هر استان به میزان توانایی و امکانات خود در چند رشته نماینده دارد. کلاس بندی ورزشکاران، قبل از آغاز مسابقات در شهرهای محل سکونت آنان، انجام می شود.

رضایی گفت: این مســـابقات علاوه بر ایجاد انگیزه و حس رقابت بین ورزشکاران، پشتوانه سازی خوبی برای ورزش جانبازان و معلولان ایران است. اگرچه برای بازی های پارالمپیک – ۲۰۱۶ برزیل، نتیجه بخش نیســـت، ولی برای بازی های پاراآسیایی اندونزی می توان از ورزشکارانی که در این جشنواره شناسایی می شوند، استفاده کرد.وی افزود: این جشنواره با مشارکت آستان قدس رضوی و همکاری اداره کل ورزش و جوانان اســـتان خراسان رضوی برگزار خواهد شد. همچنین مهمانان خارجی کمیته بین المللی پارالمپیک نیز ناظر این رویداد بزرگ ورزشی خواهند بود.

جهان فوتبال

بکن باوئر: «کلوپ» سرمربی تیم ناپولی می شود

قیصر فوتبـــال آلمان، فاش کرد که «یورگن کلوپ»، سرمربی سابق تیم دورتموند، هدایت تیم ناپولی ایتالیا را برعهده خواهد گرفت.

مدت‌هاســـت که جدایی یورگن کلوپ از دورتموند، نهایی شده است. این مربی جوان، فصل آینده را روی نیمکت دورتموند نخواهد بود و بعد از فینال جام حذفی فوتبال آلمان – که با شکست دورتموند به پایان رسید – رسما از این تیم، خداحافظی کرد.

تیم های زیادی در پی به خدمت گرفتن کلوپ هســـتند، ولی این مربی جوان، هنوز تصمیم نهایی خود را در این باره نگرفته است. شاید پیوستن کلوپ به ناپولی تا حدودی عجیب به نظر برسد، ولی این خبری است که درباره آن، بسیار صحبت شده است.«فرانس بکن باوئر» در گفتگو با روزنامه ای آلمانی، گفت: کلوپ به عنوان سرمربی جدید ناپولی انتخاب می‌شود و هدایت این تیم را برعهده خواهد گرفت.

«رونالدو» هر روز دورتر از «مسی»

لیونل مسی، از زمانیکه به بارسلونا پیوست، آبی – اناری‌هـــا ۲۳ و رئالی‌ها ۱۰ جام کسب کرده‌اند. بازیکن آرژانتینی تیم بارســـلونا با کسب جام حذفی معروف به «کوپا دل‌ری»، رکورد خوب خود را بهبود بخشید.

بارسلونا با قهرمانی در کوپا دل‌ری، جامی دیگر را بدست آورد و به روند صعودی خود در سال‌های اخیر ادامه داد. بازیکن آرژانتینی آبی – اناری‌پوشان، تاکنون ۲۳ جام را در فوتبال اســـپانیا کسب کرده است؛ هفت جام در لیگا، سه جام درکوپا دل‌ری، سه جام در لیگ قهرمانان اروپا، شش سوپرجام اسپانیا، دو سوپرجام اروپا و دو جام در جام باشگاه‌های جهان.

از زمانیکه «کک آرژانتینی» بازی خود را در بارســـا آغاز کرده است، رئال فقط ۱۰ جام (۳لیگا، ۲ کوپا دل‌ری، ۲ سوپرجام اسپانیا، یک سوپرجام اروپا، یک لیگ قهرمانان اروپا و یک جام در جام باشگاه‌های جهان) را کسب کرده است. حضور مسی در جام‌های کسب شده، تعیین کننده بوده است.همیشه مسی را با کریس رونالدو مقایسه می‌کنند؛ او در تعداد توپ‌های طلای کسب شده و در عناوین انفرادی، از رونالدو پیش است.از زمان حضور این دو بازیکن در فوتبال اسپانیا، تیم های بارسلونا ۱۵ جام و رئال‌مادرید، هفت جام کسب کرده اند.

دیدار نهایی لیگ قهرمانان اروپا، شنبه هفته آینده در ورزشگاه المپیک شهر برلین آلمان برگزار می‌شود. نتیجه این بازی در افزایش آمار مذکور، تاثیرگذار خواهد بود و اختلاف دو تیم را در کسب جام افزایش می دهد. مسی و بارسلونا، امســـال در سوپر جام اسپانیا نیز حضور خواهند داشت. همچنین اگر موفق به شکست یوونتوس در دیدار نهایی لیگ قهرمانان اروپا شوند در سوپرجام اروپا و جام در جام باشگاه‌های جهان نیز حضور می‌یابند.رئال‌مادرید در این فصل، هیچ جامی را کسب نکرد. این تیم، باید منتظر باشد که با حضور «بنیتس» در نیمکت سرمربیگری خود، ناکامی با «کارلو آنچلوتی» را از یاد ببرد.

پیوستن «ژاوی» به تیم «السد» قطر

کاپیتان فعلی تیم آبی–اناری‌های اسپانیا، خبر پیوستن خود به تیم پاری سن ژرمن را تکذیب و تاکید کرد که بعد از بارسلونا، فقط برای «السد» قطر بازی خواهد کرد!

لیگ قهرمانان اروپا، آخرین بازی است که «ژاوی»، کاپیتان آبی–اناری‌ها با پیراهن بارسلونا به میدان خواهد رفت. این بازیکن اسپانیایی، تصمیم گرفته است که سال‌های پایانی فوتبال خود را برای تیم السد قطر بازی کند.

هر چند که ژاوی با السد قرارداد دو ساله بسته است، ولی شایعاتی درباره احتمال پیوستن او به تیم پاری ســـن ژرمن فرانسه، شنیده می شود. کاپیتان آبی–اناری‌ها، خبر پیوستن خود به پاری سن ژرمن را تکذیب کرد و گفت: این خبر، اصلا درست نیست. پاری سن ژرمن، باشگاه بزرگی است. اما من، بعد از بارسلونا، فقط برای السد بازی می کنم. بعد از فینال لیگ قهرمانان اروپا به تیم الســـد، ملحق می شوم.ژاوی درباره انگیزه خود از پیوستن به تیم السد، گفت: قراردادم با این تیم قطری، دو ساله است. پس از پایان قرارداد، سفیر این کشور در جام جهانی می شوم. سپس در آکادمی اسپایر، مشغول به کار می شوم تا همه تجربیات خود را در اختیار آنان، قرار دهم.

ترحیم

افسانه حیات دو روزی نبود بیش
آن هم کلیم با تو بگویم چه سان گذشت
یک روز صرف بستن دل شد به این و آن
روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

با نهایت تأسف، درگذشت **بانو پروین دخت سهی کیش** را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند. به همین منظور مراسم یادبودی در روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۳/۱۴ ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در هتل سیمرغ تهران واقع در خیابان ولیعصر(عج)، پایین‌تر از پارک ساعی برگزار می‌گردد.

از طرف خانواده‌های: سهی کیش، بنی‌هاشمی جمارانی و سایر وابستگان

بازگشت همگان به سوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری مهربان و مادری فداکار

خانم فاطمه کبری محمدی‌فرد

را به اطلاع بستگان، دوستان، آشنایان و همشهریان عزیز بیرجندی می‌رساند.

مجلس ختم آن مرحومه روز جمعه ۱۹۴/۳/۱۵ از ساعت ۱۷ الی ۱۸:۳۰ در مسجدالرضا علیه‌السلام واقع در میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران بزرگوار موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.

دکتر محمدرضا، بهناز و مهندس بهراد بهنیا

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **حاج عباس روح زنده** را به اطلاع اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.

مراسم ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه ۱۹۴/۳/۱۴ از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلای خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: روح زنده - دلجو - فتح‌الهی - بهره‌مندی - طیوری - واثقی - صابری - پاسدار و سایر وابستگان سببی و نسبی.

انالله و انا الیه راجعون
فلک آخر ربودی تو، گل فرزانه ما را
به خاموشی سپردی، محفل و کاشانه ما را
ندانم از چه رو کردی، شغل خویش گل چیدن
گل ما چیدی و بر هم زدی گلخانه ما را

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت جان‌گداز **دکتر سید حسین مجتبایی** را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان محترم می‌رساند.

به همین مناسبت مجلس ختم آن مرحوم در روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۳/۱۴ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب، روبروی مرکز تجاری میلاد نور برگزار می‌گردد.

از طرف: پدر، مادر، همسر، تنها فرزند، برادران و خواهران

خانواده‌های: مجتبایی، خجسته، ربیعی، تبریزیان، میرجوادی، مهرفرد، کریمی، ابراهیمی، زندی، صادقی و کلیه خانواده‌های وابسته

هوالباقی

بااندوه فراوان درگذشت ناگهانی جوان ناکام **سیدعلی سعادت**، فرزند آقای دکتر سید مسعود سعادت را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند.

مراسم خاکسپاری ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۱۳۹۴/۰۳/۱۲ از محل سالن تشییع بهشت زهرا برگزار می‌گردد. وسیله ایاب و ذهاب رأس ساعت ۹صبح، مقابل بیمارستان آبان آماده حرکت می‌باشد ضمنا مراسم ترحیم روز پنجشنبه ۱۳۹۴/۰۳/۱۴ از ساعت ۱۵/۱۵ الی ۱۶/۴۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان آپادانا، میدان نیلوفر منعقد میگردد.

خانواده‌های دکتر سعادت و مهندس مدبر و سایر وابستگان

انالله و انا الیه راجعون

بانهایت تأسف و تأثر و قلبی آکنده از غم و اندوه درگذشت مرحوم مغفور زنده یاد **سیّد فیروز مهدوی** بزرگ خاندان مهدوی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش و شهردار اسبق خلخال، فرزند مرحوم **حاج سیدنجات مهدوی**، پدر گرامی اینجانبان: مهدی، محمدحسین و دختران داغدارش، برادر گرامی آقایان: بهروز، بهزاد، جمال، ریاض‌الدین و تنها خواهر داغدارش، پدرخانم آقایان: رضا صولتی، فرزاد پرنده، محبوب احمدی، پدربزرگ آبتین قاسم‌زاده را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.

مجلس یادبود آن مرحوم روز جمعه مورخه ۹۴/۳/۱۵ از ساعت ۱۷ تا ۱۸/۳۰ در مسجد «نور» واقع در میدان فاطمی تهران منعقد می‌گردد.

حضور آشنایان و سروران گرانقدر مقیم مرکز در این مجلس موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود. ضمنا مجلس زنانه همزمان در همان مسجد برگزار می‌گردد.

از طرف خانواده‌های: مهدوی، فتح‌الله‌زاده و سایر منسوبین

او و نام نیک اوست که می‌ماند و باقی همه هیچ

با قلبی آکنده از اندوه و تأثر درگذشت بانوی اندیشمند و فرهیخته **خانم سهیلا بسکی** خدمتگزار مردم، نویسنده و مترجم، مدرس دانشگاه و مدیر مسئول مجله معمار را به ملت بزرگ ایران، جامعه فرهنگی مطبوعاتی دانشگاهی، خانواده و بازماندگان محترم، دوستان و آشنایان، خوانندگان و همکاران وزین مجله معمار، اساتید، شاگردان و خصوصاً هم دوره‌ایی‌هایش فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی گیلان تسلیت عرض می‌نمائیم.

روز و محل مراسم یادبود و بزرگداشت آن مرحومه متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد.

خانواده‌های: بسکی، امیر رحیمی
اساتید و انجمن فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی مدیریت گیلان (لاهیجان)

هوالباقی

درگذشت **استاد دکتر جلال‌الدین عصار** بزرگ خاندان عصار فرزند حجت‌الاسلام حاج سید هاشم عصار را باطلاع عموم علاقمندان و جامعه بزرگ پزشکی می‌رساند نامبرده در سال ۱۲۹۲ در تهران بدنیا آمد دوره ابتدایی را در دبستان سعادت و دوره متوسطه را در دبیرستان تدین گذراند او جزء نخستین دانشجویان پزشکی دانشگاه تهران بود در سال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره تخصصی اطفال را در این کشور به اتمام رساند در سال ۱۳۳۲ پس از بازگشت به ایران به سمت مدیر کل بهداری استان فارس مشغول به کار شد پس از چندی جهت ادامه تحصیل در رشته بهداشت وارد دانشگاه هاروارد آمریکا شد پس از مراجعت در سال ۱۳۴۲ به سمت مدیر کل بهداری استان کرمانشاه، منصوب و در طول خدمت در این استان دانشکده بهیاری را پایه گذاری نمود در سال ۱۳۴۷ برای دوره فلوشیپ زنان به انگلستان رفت و پس از مراجعت راه‌اندازی زایشگاه شیر و خورشید در شهر کاشان را به عهده گرفت او پس از بازنشستگی به آمریکا مهاجرت و در بیمارستان‌های آلتونا و مرسر مشغول به کار شد از جمله تالیفات ایشان می‌توان مراقبت‌های دوران حاملگی - نیروی شهوانی - راز یک صدسال زیستن - سرطان پستان - شاهنامه تغذیه - چاقی و درمان چاقی - داستان بیژن و منیژه - خُروپف و درمان آن - دیابت - تغذیه درست و درمان بدون دارو - آرتروز و آخرین تألیف ایشان سلامت مغز و جلوگیری از بیماری‌های مغز در دوران پیری. نامبرده در روز پنج‌شنبه مورخ ۹۴/۳/۷ در آمریکا دارفانی را وداع گفت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

بهروز عصار

یادبود

سومین سالگرد آزاده و جانباز شادروان **سرهنگ محمّد صالح** و هفتمین سالگرد **مشهدی محبّت علی صالح** را گرامی می‌داریم.

از طرف خواهران و برادران

تسلیت

خاندان محترم
روانشاد سیدنصراله (وحید) حجازی

درگذشت نابهنگام شادروان **سیدنصراله (وحید) حجازی** (معاونت سابق سازمان آگهی‌ها) بسی سخت بر ما خواهد گذشت و لحظه لحظه‌های با او بودن هرگز از یادمان نخواهد رفت. باقلبی آکنده از درد و اندوه فقدان همکار، دوست، برادر و همراه روزهای تلخ و شیرینمان، عزیز از دست رفته را تسلیت گفته و همراه با بازماندگان گرانقدر به سوگ می‌نشینیم.

خانم‌ها: احمدی - اسکندری - اقبالی - بازخو - بیگی - پورمسگری - توکلی - حسینی - حافظی - درویش پور - رجبی - سرافراز - سعیدی - سیری - شجاعی - شریفی - صمدپور - غفاری - عباسی - علیپور - عبدی - عودباشی - فرج پور - فریدی - گیتی بین - لطفی - محمدی - مشکانی - محمدیان - معماری - نباتی - نقبایی - ورودی - همایونی - یوسفی

آقایان: سرشار - نفیسی - قاسمی - حبیب اسماعیلی - آهنگری - رمضانی - پاشایی - علیزاده - بنی‌الحسینی - نوری - مدنی - فشمی - علاءالدین حسینی - سهراب صومعه نشین - ایپکچی - صفایی - باطبی - مجاوری - ظریفی - میرمیری - اختری - شهریار راد - نصیری - رهبری - هژبری - مؤمن‌زاده - الله یار - بیونـد - بهزاد محمدی - رزاقی - احمدی نیا - بابویی - محسنی - قیصری - قزاقی - روحی - صالحی - یگانگی - معصومی - امانی - شاهمرادی - قراخانلو - نریمانی - هراتی - غفاریان - مهراندیش - منصوری پارسا - مرتضی پور - مرتضی هاشمی - فرحزادی - حاجیلی - عرشی - دوگاهواره - فرجی

خاندان محترم صدیقی

درگذشت مادر ارجمندتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و خود را در غم بزرگ شما شریک می‌دانیم، از خداوند متعال برای آن روان شاد طلب مغفرت و برای همه بازماندگان محترم صبر و بردباری مسئلت داریم.

هیات مدیره و کارکنان گروه صنعتی موکت همدان

همکار عزیز،
جناب آقای مهندس بهنام نقیب‌زاده

درگذشت مادر گرامی‌تان را تسلیت گفته، خود را در این غم شریک می‌دانیم.

مهندسین مشاور بندآب

فقط خدا می‌ماند
خانواده محترم حجازی

درگذشت همکار صدیق و زحمتکش سازمان آگهی‌های مؤسسه اطلاعات، **سیدنصرالله حجازی** را صمیمانه تسلیت گفته، برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای عموم بازماندگان و دوستان صبر و اجر مسئلت داریم.

دوستان و همکاران آن مرحوم: ویژگان، بنی‌الحسینی، قطبی، نرجه، آقاسی، آبی، بردبار، قهرمانی، نفیسی، کرابی

بازگشت همه بسوی خداست
جناب آقایان حاج سیدهادی
و حاج سید حمید موسوی آل طعمه

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **آقای حاج سید عبدالمهدی موسوی آل طعمه** پدر گرامی‌تان، که خیری مخلص در همه عرصه‌ها نقش آفرین بود را تسلیت عرض نموده، رحمت واسعه الهی برای آن مرحوم و صبر، شکیبایی و سلامتی را برای شما و سایر بازماندگان محترم از درگاه ایزدمنان مسئلت می‌نمایم.

جلال طهرانی

جناب آقای دکتر غلامعلی بسکی
آقای مهندس رضا امیر رحیمی
خانواده محترم بسکی
و فارغ‌التحصیلان مدیریت گیلان

درگذشت بانوی اندیشمند **خانم سهیلا بسکی** را به ملت شریف ایران، خانواده محترم، جامعه فرهنگی ادبی، مدیران، خوانندگان و همکاران مجله وزین معمار و اساتید و هم‌دوره‌ایی‌هایش تسلیت عرض می‌نمائیم. برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

شرکت وند شیمی ساختمان

همکار محترم
سرکار خانم دکتر مریم سعادت حسینی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادرزاده عزیزتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن عزیز از دست رفته رحمت واسعه و برای بازماندگان ارجمند صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیئت مدیره - پزشکان و پرسنل بیمارستان مدائن

همکار محترم
سرکار خانم دکتر مریم سعادت حسینی
جناب آقای دکتر مسعود سعادت حسینی

با اندوه فراوان ضایعه درگذشت تأسف‌بار برادرزاده عزیزتان را به شما و وابستگان ارجمند تسلیت عرض می‌نمائیم.

گروه بیهوشی بیمارستان مدائن

همکار محترم سرکار خانم دکتر سعادت

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند یکتا برای آن مرحوم طلب آمرزش و علو درجات و برای بازماندگان محترم طول عمر و صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

گروه بیهوشی مرکز جراحی سلامت غرب

دوست عزیز جناب استاد دکتر محمدرضا بهنیا

مصیبت وارده را تسلیت می گوئیم ما را در غم بزرگتان شریک بدانید.

دکتر محمود جلالیان و خانواده، محمود احتشام و خانواده، محسن احتشام و خانواده

خاندان محترم صدیقی

درگذشت مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و خود را در غم بزرگ شما شریک می‌دانیم از خداوند بزرگ برای آن مرحومه طلب مغفرت و برای همه بازماندگان محترم صبر و بردباری مسئلت داریم.

هیات مدیره و کارکنان
شرکت شیرآلات ساختمانی KWC

خانواده‌های محترم حجازی و اسدی

با نهایت تأسف درگذشت همکار بازنشسته مرحوم **سیدنصرالله حجازی** را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزدمنان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

امور مالی - اداره حسابداریها - بودجه و گزارشات - حقوق و دستمزد - سازمان وصول - اداره اموال و انبارهای موسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ.

همکار محترم و گرامی
جناب آقای حسین زمانی
کارمند روزنامه اطلاعات در دفتر سرپرستی اصفهان

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامی‌تان را به شما و خانواده محترمتان صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای شما صبر و شکیبائی از درگاه خداوند متعال آرزومندیم.

امور توزیع و فروش - سازمان شهرستانها - تهران و حومه - امور مشترکین - آبونمان - شبکه اطلاع‌رسانی - امور توزیع و فروش کتاب - انبار کتاب - مراکز فروش کتاب - ساعت کنترل - حمل و نقل - تعمیرگاه - سازمان پخش - انبار برگشتی - تکفروشی - توزیع داخلی

جناب آقای فردوسعلی فیضی و خانواده محترم

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت والده گرامی‌تان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، علو درجات را برای آن مرحومه و صبر و شکیبایی برای شما و خانواده محترم مسئلت می‌نماییم.

محمدتقی، بهزاد، مهرداد، نریمان، محمدرضا محمدی

جناب آقای مهندس عباس موسوی میرکلا

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه علو درجات و برای خانواده محترمتان و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمائیم.

شرکت ساختمانی راشید

بازگشت همه به‌سوی اوست
جناب آقای امیر عابدی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت داماد گرامیتان مرحوم مغفور شادروان **آقای مهندس علی اصغر حسین‌زاده** را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل و بقای عمر مسئلت داریم.

هیأت مدیره اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه

سخنرانی

اطلاعیه هیئت قائمیه تهران

جشن بزرگ نیمه شعبان
السلام علیک یا بقیه‌الله
هوالقائم بالقسط
در جان جهان مگر روانی دگر است
کز نور و سرور و شور از حد بدر است
این نکته ز قائمیه پرسیدم گفت
میلاد سعید قائم منتظر است

به مناسبت **میلاد مسعود بقیه‌الله الاعظم امام منتقم قائم آل محمد(عج) ارواحنا فداه و علیه الصلوه والسلام**، جشن باشکوهی از ساعت ۱۰ صبح روز پانزدهم شعبان المعظم در حسینیه قائمیه واقع در خیابان قدیم شمیران بالاتر از پل رومی برگزار می‌شود. متمنی است آقایان محترم به منظور اظهار خلوص به مقام شامخ **خاتم الائمه و الحجج(عج)** در این جشن فرخنده شرکت فرمایند.

هیئت قائمیه

آگهی تغییرات شرکت تعاونی مسکن اعضای کانون جوانان خیبری
به شماره ثبت ۳۰۸۷۸۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۴۰۰۵۹

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۳۰ و تاییدیه شماره ۹۳۲/۱۵/۱۱۳۶۸ مورخ ۹۳/۱/۲۳ اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علیرضا حسینی با ک.م ۰۰۵۵۵۷۰۴۴۵ به سمت هیأت مدیره و آقای یوسف مقدمی با ک.م ۰۰۷۷۰۳۵۶۶۶ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره و خانم رقیه حسینی احمد آباد با ک.م ۰۰۱۰۳۰۶۲۱۸ به سمت منشی هیأت مدیره انتخاب شدند. آقای یوسف مقدمی به سمت مدیر عامل برای مدت ۲ سال انتخاب شد. چک‌ها و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت پس از تصویب هیأت مدیره با امضای آقای یوسف مقدمی (مدیرعامل) وآقای سیدعلیرضا حسینی (سمت: رئیس هیأت مدیره) و مهر شرکت معتبر و در غیاب آقای سیدعلیرضا حسینی (سمت: رئیس هیأت مدیره) خانم رقیه حسینی احمدآباد (سمت: عضو هیأت مدیره) حق امضا خواهد داشت و اوراق عادی با امضای آقای یوسف مقدمی (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۸۴۶۰۰۴۷ - ۱۵۲۶۷۲/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت مجتمع فولاد الیگودرز سهامی عام
به شماره ثبت ۱۵۶۳۶۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۹۰۹۶۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران ش م ۱۰۱۰۰۵۰۵۹۹۹ به عنوان بازرس اصلی و آقای عباس علی دهدشتی نژاد ک م ۱۲۸۶۴۰۰۲۴۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال به شرح زیر تعیین گردیدند. آقای مهدی فلاحتیان ک م ۱۲۸۱۶۵۱۴۲۷ آقای کاظم فلاحتیان ک م ۱۲۸۱۶۵۱۴۳۵ آقای محسن فلاحتیان پایین دروازه ک م ۱۲۹۱۰۳۸۲۳۱ آقای علیرضا فلاحتیان ک م ۱۲۸۶۶۶۶۵۹۷ آقای مجید فلاحتیان ک م ۱۲۸۶۸۷۹۳۱۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۶۱_۸۲۶۷۰۶۲/م الف

آگهی تغییرات شرکت زیست تجهیز پویش سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۲۸۶۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۹۷۹۴۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای فتحاله زرگری با شماره ملی ۰۰۳۵۳۵۲۴۶۹ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و آقای قدرتاله زرگری با شماره ملی ۱۵۸۲۰۲۳۹۷۲ به سمت رئیس و عضو هیئت مدیره و آقای حمیدرضا شیخی با شماره ملی ۰۵۳۲۸۱۴۴۶۰ به سمت نایب رئیس و عضو هیئت مدیره و آقایان امیرابراهیم زرگری با شماره ملی ۰۰۶۱۳۴۵۵۷۱ و علیرضا زرگری با شماره ملی ۰۰۷۰۸۰۳۴۹۸ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. خانم مینا مومنی با شماره ملی ۰۰۴۱۰۶۲۱۶۷ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمد فودازی با شماره ملی ۱۲۴۹۷۲۳۲۸۰ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب شدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۲ به تصویب رسید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۸۱۳۷۰۴۶_۱۵۳۳۶۰/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت ایجاد کاران مهر سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۰۵۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۳۸۶۳۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضا هیئت مدیره برای مدت دو سال به شرح ذیل انتخاب شدند: آقایان: پرویز نظری ک.م ۳۲۵۶۶۳۳۵۳۶، اسماعیل درگاهی ک.م ۱۴۶۱۱۹۹۲۶۳، ضیاءالدین معصومی مشهدلو ک.م ۱۶۲۱۵۸۷۱۶۹، عباس درکی ک.م ۵۹۰۹۵۱۳۱۳۳ و محمد علی ارجمندی ک.م ۴۸۴۸۵۵۳۴۷۴ ضمناً آقایان: پرویز نظری به سمت رئیس هیئت‌مدیره و اسماعیل درگاهی به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و محمد علی ارجمندی به عنوان مدیرعامل شرکت برای مدت دو سال تعیین شدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و اسناد و اوراق رسمی و یا عادی تعهدآور با امضاء ثابت مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۵۹_۸۱۸۰۲۵۶/م الف

آگهی تغییرات شرکت ایجاد کاران مهر سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۰۵۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۳۸۶۳۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تعداد اعضای هیئت مدیره از ۳ به ۵ نفر افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۸۱۶۲۴۶۲_۱۵۳۳۵۸/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت فولاد سپهر سبلان سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۶۰۴۹ و شناسه ملی ۱۰۲۴۰۱۲۶۵۹۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی رازدار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۲۹۰۸۶ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمد جواد صفارسفلائی به شماره ملی ۰۹۳۸۴۳۸۲۷۱ به سمت بازرس علی‌البدل به مدت یک سال مالی انتخاب شدند. اعضاء هیئت مدیره برای مدت ۲ سال به شرح ذیل انتخاب گردیدند: اسماعیل صبوری به شماره ملی ۶۰۱۹۳۶۲۸۶۸ به نمایندگی از بنیاد برکت به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۰۴۲۴۰ منوچهر انصاری فرد به شماره ملی ۱۴۶۵۷۸۴۸۵۳ حسن میکائیلی به شماره ملی ۱۴۶۶۰۷۶۳۶۴ روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۸۱۲۵۹۷۶_۱۵۳۳۵۷/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت مهندسی بتن سازان مهر سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۹۲۰۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۲۲۷۳۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مجید انصاری فرد ش م ۲۲۲۹۸۴۶۱۵۹ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل آقای شراگیم انصاری فرد ش م ۰۰۵۶۰۴۹۲۲۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره کلیه اسناد و اوراق بهادار یا تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات و قراردادها با امضای مدیرعامل و یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و سایر نامه‌های اداری با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت، معتبر می‌باشد. در غیاب مدیرعامل شرکت، امضای رئیس هیئت مدیره یا نایب رئیس هیئت مدیره جایگزین امضای مدیرعامل خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۸۱۷۷۵۸۶_۱۵۳۳۵۶/م الف

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور نگر اندیش سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۵۹۴۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۲۱۴۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به سال ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به تصویب رسید. آقای داود امام جمعه به شماره ملی ۰۰۵۶۸۳۳۱۷۲ به سمت بازرس اصلی و خانم فاطمه خلیلی پناه به شماره ملی ۰۰۸۲۰۵۷۳۱۱ به سمت بازرس علی‌البدل به مدت یکسال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات به عنوان روزنامه شرکت تعیین شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۸۲۳۹۵۷۷ - ۱۵۲۶۵۱/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شعبه شرکت خارجی ابوه فراماجی ئی‌اس ام ب اچ ان اف جی ک گ به شماره ثبت ۲۷۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۹۸۷۱۶

به استناد صورتجلسه درخواست نماینده عمده شعبه شرکت خارجی مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: نشانی شعبه شرکت به بلوار آفریقا، پایینتر از چهارراه جهان‌کودک، کوچه ناوک، شماره۱۷، طبقه دوم، کدپستی۱۵۱۸۶۴۷۵۹۴ انتقال یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۸۱۴۶۹۸۸ - ۱۵۲۶۵۰/م‌الف

* *

آگهی انتقال شرکت تجارت نوین پرسیانا (سهامی خاص)
به شناسه ملی ۱۰۸۴۰۴۴۳۴۳۰

به موجب نامه شماره ۱/۷۴۷۵۱مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان یزد و مستند به صورتجلسه هیات‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۷ مرکز اصلی شرکت تجارت نوین پرسیانا (سهامی خاص) به نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، پایین‌تر از پارک ساعی، پلاک ۲۲۴۴، برج نگین ساعی، طبقه۷ ، واحد ۷۰۱ کدپستی ۱۴۳۳۸۹۳۸۹۷ انتقال یافت و در اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تحت شماره ۴۶۶۹۴۹ به ثبت رسیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۸۲۳۶۲۵۵ - ۱۵۲۶۴۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت تهران شینه سهامی خاص
به شماره ثبت ۸۶۲۱۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۰۶۵۷۴

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: کلیه اوراق و اسناد عادی و تعهدآور شرکت با دو امضا از سه امضای اعضای هیئت‌مدیره به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۸۲۳۹۷۸۶ - ۱۵۲۶۴۴/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت طرح و ایجاد سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۸۷۴۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۳۷۹۹۸

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سعید رشیدیان ۰۰۴۵۳۵۶۸۱۵ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و آقای عبدالامیر بهبهانی ۱۸۹۹۳۹۱۶۶۵ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و خانم فاطمه رشیدیان‌زاده ۰۰۴۵۴۶۱۲۸۷ به عنوان عضو هیات‌مدیره تعیین گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک و سفته و غیره با امضاء هر یک از آقایان سعید رشیدیان و عبدالامیر بهبهانی همراه با مهر شرکت معتبر بوده و اوراق عادی با امضاء هر یک از اعضاء هیئت‌مدیره با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۸۲۱۴۸۶۷ - ۱۵۲۶۴۳/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت تولیدی زرخیزان سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۸۰۲۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۴۸۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمد علی زرکش با شماره کد ملی ۰۰۳۹۷۴۳۹۵۰ به جای آقای سعید محمدی یگانه به شماره ملی ۰۰۷۲۷۵۹۷۴۷ برای بقیه‌ی مدت تصدی به عنوان عضو هیئت‌مدیره تعیین نمود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۸۳۲۶۴۶۲ - ۱۵۲۶۹۲/م‌الف

ورود هزاران نیروی مردمی عراق و لبنان به سوریه برای نبرد با داعش

سرویس خارجی: هزاران تن از نیروهای مردمی از عراق و لبنان برای نبرد با داعش به ارتش سوریه پیوستند. به نوشته روزنامه لبنانی «الاخبار»، فرماندهی بسیج مردمی در عراق تصمیم گرفت تا در کنار هم‌پیمانان خود در سوریه بجنگد و ابتکار عمل را در اختیار بگیرد. این فرماندهی تصمیم دارد براساس شیوه های دیگری عمل کند و از لاک دفاعی خارج و هجوم و حمله را در دستور کار قرار دهد که به زودی نشانه‌های این تصمیم آشکار خواهد شد. این تصمیم در راستای تصمیم صریح حزب الله لبنان برای همکاری با ارتش سوریه صورت گرفته شده است.

در خبری دیگر، دهها سرکرده گروه تروریستی داعش در بی‌سابقه‌ترین و بزرگ‌ترین عملیات نیروی هوایی ارتش سوریه در استان «رقه» کشته شدند. نیروی هوایی سوریه در بی‌سابقه‌ترین و بزرگ‌ترین عملیات خود از زمان آغاز بحران سوریه بیش از ۳۰ پرواز را علیه داعش انجام داد. این عملیات در منطقه «عاید صغیر» واقع در «ریف طبقه»، از توابع استان رقه انجام شد که مهمترین و اصلی‌ترین پایگاه داعش در سوریه شمرده می‌شود. در این عملیات، نیروی هوایی سوریه منطقه ییلاقی عاید صغیر که زمانی شخصیت‌های برجسته و مهم رقه برای گذران اوقات فراغت و تفریح خود به آن روی می‌آوردند را بمباران کرد. از زمان تصرف استان رقه به دست داعش این منطقه ییلاقی به محل گذران اوقات فراغت و خوشگذرانی بزرگ‌ترین تروریست‌های تکفیری جهان و اعضای ارشد این گروه تبدیل شد. پایگاه خبری شام تایمز در این مورد نوشت، جدیدترین خبرهای به دست آمده از این عملیات مشخص می‌کند که نیروهای اطلاعات و امنیت ارتش سوریه پس از سه روز رصد و پیگیری موفق شدند، در صفوف داعش در شهر رقه نفوذ کنند و اطلاعاتی درباره اتاق اصلی عملیات این گروه در رقه بدست آورند. پس از آن نیروی هوایی ارتش وارد عمل شد و علاوه بر کشتن دهها سرکرده ارشد داعش، شمار زیادی نیز زخمی شدند که اغلب دارای تابعیت‌های غیر سوری هستند.

در چنین شرایطی، تروریست‌های داعش با در دست گرفتن کنترل شهرک «صوران» خود را به گذرگاه‌های مرزی سوریه با ترکیه نزدیک کردند. تروریست‌های داعش مدعی شدند که کنترل شهرک «مارع» در این استان را به طور کامل در دست گرفتند، اما مخالفان مسلح این مساله را تکذیب کردند. در این حال، برای سومین روز متوالی درگیری‌های شدید و خونینی در ریف شمالی حلب، بین گروه تروریستی تکفیری «داعش» و دیگر گروه‌های تروریستی فعال در این منطقه مانند «ارتش آزاد»، «جیش الفتح» و «جبهه النصره» جریان دارد که تاکنون دهها کشته و صدها زخمی از طرف‌های درگیر برجا گذاشته است. به گفته منابع خبری، داعش پس از ورود به شهرک صوران اقدام به بریدن سر شماری از عناصر مسلح گروه‌های تروریستی و خانواده‌هایشان کرد.

از دیگر سو، در پی افشای ارسال محموله تسلیحاتی ترکیه برای تروریست‌ها در سوریه، اپوزیسیون ترکیه با انتقاد از رویکرد دولت گفت: حزب حاکم در ابتدا ارسال چنین محموله‌ای را تکذیب کرد اما هم‌اکنون که شواهد آن فاش شده، نباید داستان‌سرایی کند. «کمال قلیچدار اوغلو»، رهبر حزب مردم جمهوری‌خواه از تغییر موضع حزب حاکم عدالت و توسعه درباره جنجال اخیر بر سر کامیون‌های حامل سلاح و مهمات آژانس اطلاعات ملی ترکیه برای تروریست‌های سوری انتقاد کرد. در همین راستا، «مصطفی کامالاک»، رهبر حزب سعادت ترکیه گفت: دولت ترکیه مسئول خون‌های ریخته شده در سوریه است. کانون وکلای ترکیه اعلام کرد، دستگاه قضایی این کشور به زودی در مورد پرونده ارسال کامیون‌های سلاح و مهمات برای تروریست‌های سوری علیه اردوغان اقامه دعوی خواهد کرد. در این حال، نخست وزیر ترکیه گفت: محتویات محموله‌ها به کسی ربطی ندارد. در چنین شرایطی، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه نیز با انتقاد از فاش کنندگان ارسال سلاح از کشورش به سوریه، این اقدام را جاسوسی خواند و گفت: آنان باید درباره اقداماتشان پاسخگو باشند.

سردار سلیمانی: جهان بزودی از تغییر معادلات در سوریه شگفت‌زده می‌شود

منابع عربی گزارش دادند، سردار «قاسم سلیمانی»، فرمانده سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وعده داد، جهانیان از تحولات چند روز آینده در سوریه شگفت زده خواهند شد. وی از تحولات آینده در سوریه خبر داد و گفت: در چند روز آینده جهانیان از آنچه ما با همکاری فرماندهان نظامی سوریه در حال آماده کردن مقدمات آن هستیم، غافلگیر خواهد شد.

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد ونهم

تقویم اطلاعات

سه‌شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۴ ۱۴ شعبان ۱۴۳۶ ۲ ژوئن ۲۰۱۵		چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۴ ۱۵ شعبان ۱۴۳۶ ۳ ژوئن ۲۰۱۵	
ظهر شرعی	۱۳ و ۰۲ دقیقه	ظهر شرعی	۱۳ و ۰۲ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۱۵ دقیقه	غروب آفتاب	۲۰ و ۱۶ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۳۶ دقیقه	اذان مغرب	۲۰ و ۳۷ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۰ دقیقه	نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۵ دقیقه	اذان صبح (پنجشنبه)	۴ و ۰۵ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۴۹ دقیقه	طلوع آفتاب (پنجشنبه)	۵ و ۴۹ دقیقه

حزب‌الله لبنان عملیات پاکسازی عرسال را آغاز کرد

سرویس خارجی: وبگاه خبری «النشره» لبنان اعلام کرد، حزب‌الله لبنان عملیات پاکسازی منطقه مرزی «عرسال» را به دور از هیاهوی رسانه‌ای آغاز کرده است. رزمندگان حزب‌الله تقریبا از یک هفته گذشته روند تنگ کردن عرصه بر تروریست‌های مستقر در ارتفاعات مرزی «عرسال» واقع در شرق لبنان را ادامه می دهند. وبگاه «النشره» تاکید کرد، رزمندگان مقاومت در این عملیات، تاکتیک پیشروی و تصاحب تدریجی را در پیش گرفته‌اند.

پیش از این حزب‌الله و نیروهای ارتش سوریه عملیات پاکسازی مناطق کوهستانی «القلمون» واقع در غرب سوریه و شرق لبنان را با موفقیت انجام دادند و بخش اعظم منطقه را پاکسازی کردند. همزمان با عملیات القلمون، رزمندگان حزب‌الله در داخل خاک لبنان به ویژه در منطقه مرزی شرق کشور موفق شدند برخی مواضع تروریست‌های «جبهه‌النصره» را پاکسازی کنند. مقامات حزب‌الله بر لزوم پاکسازی مناطق شرق لبنان از حضور تروریست‌ها تاکید کردند و یادآور شدند که در این زمینه از ارتش حمایت می‌کنند. در همین راستا، نبیل قاووق، معاون رئیس شورای اجرایی حزب‌الله لبنان اعلام کرد، مقاومت هرگز پس از جنگ قلمون اجازه نخواهد داد که ارتفاعات عرسال مقر تروریست‌ها باقی بماند. وی افزود، ما مشکلی با ساکنان شهرک عرسال نداریم و از ورود ارتش به عرسال استقبال می‌کنیم. برخی لبنانی‌ها می‌خواهند این مناطق کوهستانی، خنجری در پشت مقاومت باشد و برای حمایت از تروریست‌ها و تکفیری‌ها در عرسال دست به حملات رسانه‌ای و تحریک مذهبی می‌زنند. قاووق گفت: اسرائیل و برخی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار داعش و النصره هستند. از سوی دیگر، «نبیه بری»، رئیس مجلس لبنان با تاکید بر اینکه تا لحظه مرگ با مقاومت لبنان خواهم بود، گفت: موضع من این است که حتی یک وجب از خاک لبنان نباید در اشغال متجاوزان باشد و دولت، ارتش، ملت و مقاومت باید برای آزادسازی آن اقدام کنند. وی گفت: پرونده شهرک عرسال بدون اینکه حساسیت‌های مذهبی ایجاد شود در حال حل شدن است. بری با بیان اینکه ارتش مسئول تامین امنیت این منطقه است، تاکید کرد، بلندی‌های عرسال نباید در اشغال باقی بماند.

از دیگر سو، عشایر و اهالی منطقه «بقاع» لبنان در ادامه نشست‌های مشورتی خود بر لزوم رویارویی با خطر تروریست‌های تکفیری به اجماع رسیدند و مردم منطقه «عرسال» را به مشارکت در نبرد با تروریست‌ها دعوت کردند. از سوی دیگر و در حالی که حزب جریان آزاد ملی به ریاست ژنرال «میشل عون» و حزب‌الله و دیگر احزاب عضو گروه ۸ مارس و اکثریت مردم لبنان به ویژه عشایر منطقه بقاع خواستار آزادسازی همه خاک لبنان و پاکسازی آن از تروریست‌های تکفیری هستند، همپیمانان آل سعود واحزاب گروه ۱۴ مارس به ویژه حزب جریان المستقبل به ریاست «سعدالحریری» و حزب نیروهای لبنانی به سرکردگی «سمیرجعجع»، مانع اقدام ارتش لبنان برای انجام وظیفه خود در این زمینه شده‌اند. خبر دیگر اینکه، رژیم صهیونیستی از بیم واکنش احتمالی ایران و حزب‌الله لبنان به رزمایشی که در حال برگزاری است، به طور غیرمستقیم اعلام کرد، این رزمایش دفاعی و بر اساس برنامه‌های سالانه است و اسرائیل به دنبال حمله به لبنان نیست. در خبری دیگر، هیاتی از گروه‌ها و گردان‌های مقاومت فلسطینی با سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان دیدار و درباره موضوعات مورد علاقه دو طرف بحث و گفتگو کردند.

۵۳ شخصیت و نهاد بین المللی خواستار توقف حملات وحشیانه عربستان به یمن شدند

سرویس خارجی: ۵۳ شخصیت و سازمان بین المللی فعال در زمینه دفاع از حقوق بشر با ارسال نامه ای به بان‌کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل، ضمن ابراز نگرانی شدید از ادامه تجاوزهای رژیم آل سعود به یمن، توقف حملات و تسهیل در ارسال کمک های بشردوستانه به آن کشور را خواستار شدند. در چنین شرایطی، طرف های درگیر در بحران یمن با برگزاری نشست ژنو در ۱۰ ژوئن(۲۰ خرداد) و برقراری آتش بس در این کشور به توافق رسیدند. همچنین خبرهای اولیه به نقل از منابع آگاه حاکی است، پس از دیدار «اسماعیل ولد شیخ احمد» فرستاده سازمان ملل به یمن با منصورهادی، رئیس جمهوری فراری یمن به ریاض، درباره برقراری آتش بس طولانی مدت توافق شد.

خبرهای مذکور همچنین حاکی است، طرح پیشنهادی اسماعیل ولد شیخ درباره برقراری آتش بس که از شنبه آینده آغاز می شود، قرار است پنج هفته به طول بینجامد. همچنین قرار شد، آتش بس منجر به امضای توافقنامه پایان دادن به جنگ در یمن تمدید شود. این در حالی است که برخی منابع نیز از گفتگوی نمایندگان جنبش انصارالله با مقامات عمان در مسقط به منظور رسیدن به یک توافق جامع خبر می دهند.در این راستا، وزارت خارجه ایران حضور هیاتی از تهران در عُمان برای مذاکره با طرف آمریکایی درباره بحران یمن را تکذیب کرد.

تحولات میدانی

جنبش انصارالله سامانه موشکی "زلزال" را در مرز با عربستان مستقر کرد.این سامانه میان برد از قدرت هدف گیری بسیار بالایی برخوردار است . درهمین حال، حمله خمپاره‌ای ارتش و قبایل یمن به منطقه مرزی «جازان» عربستان به کشته شدن یک نظامی سعودی و زخمی شدن هفت تن دیگر انجامید. در چنین شرایطی، حملات هوایی عربستان به استان‌های مختلف یمن ۲۳ کشته و شماری زخمی برجا گذاشت. در تحولی دیگر، وزارت خارجه آمریکا خبر بازداشت چند تبعه این کشور در یمن از سوی نیروهای انصارالله را تایید کرد.

***عربستان**

«محمد بن نایف» ولیعهد عربستان در جمع سفرای کشورهای خارجی، عربستان را کشوری امن توصیف کرد و با اشاره به حوادث تروریستی مساجد شیعیان مدعی شد، عربستان با قدرت در مقابل تروریسم ایستاده است و چنین حوادثی نمی‌تواند ما را بلرزاند. این در حالی است که،یک فعال معروف اینترنتی عربستان از تحرکات جدید شاهزادگان سعودی علیه پادشاه و ولیعهد این کشور خبر داد. خبر دیگر اینکه، دبیرکل جمعیت الوفاق بحرین از درون زندان انفجار تروریستی در مسجد امام حسین شهر «دمام» عربستان را محکوم کرد.

***کویت**

وزارت کشور کویت اعلام کرد، در پی انفجارهای تروریستی دو هفته اخیر در عربستان، تدابیر شدید امنیتی برای حفاظت مساجد اتخاذ کرده است و با تمامی کسانی که بخواهند برای توجیه جنایات خود از مذهب سو استفاده کنند، به شدت برخورد خواهد کرد.

*** بحرین**

شمار زیادی از بحرینی ها با برگزاری تظاهرات در منامه با محکوم کردن ادامه بازداشت شیخ علی سلمان، خواستار آزادی وی شدند.

جان آلن: عراقی‌ها به زودی رمادی را آزاد می کنند

سرویس خارجی:هماهنگ کننده ویژه ائتلاف تحت رهبری آمریکا برای مبارزه با داعش پیش بینی کرد که نیروهای عراقی خیلی زود رمادی را از داعش پس بگیرند.جالن آلن، فرمانده ائتلاف ضد داعش گفت: استراتژی آمریکا در مقابله با داعش به رغم کنترل این گروه بر مساحت‌های وسیعی از سوریه و عراق شکست نخورده است.وی که ریاست هیات آمریکا در نشست بین‌المللی فرانسه درباره سوریه و عراق را برعهده دارد، گفت: برخی از نیروهای عراقی در حال حاضر به سمت رمادی پیشروی کرده‌اند و پیش‌بینی می‌کنم که به زودی کنترل این شهر را در دست بگیرند.آلن رخدادهای رمادی را با آنچه که در ابتدای سال گذشته در موصل رخ داد متفاوت خواند و گفت: نیروهای عراقی ۱۸ ماه در دفاع از الانبار پایداری کردند اما کمی پس از موج حملات انتحاری که موجب کشته شدن شمار زیادی از آنها شد، با کمبود تجهیزات مواجه و مجبور به عقب نشینی از شهر شدند.در این حال هادی العامری، رهبر نیروهای داوطلب مردمی عراق با اعلام اینکه سقوط استان الانبار توسط داعش مرا از استراتژی ضدداعشی‌ام منحرف نمی‌کند، گفت: آمریکایی‌ها نمی‌توانند رمادی را نجات دهند و البته حملات سریع و بی‌برنامه نیز برای باز پس گیری این شهر موثر نیست.خبر دیگر اینکه،وزارت دفاع عراق از عملیات موفق ارتش این کشور در جنوب غرب سامرا و آزادسازی ۸ منطقه آن خبر داد.در این حال،منابع امنیتی آگاه عراق از هلاکت پدر معنوی گروه تروریستی داعش در فلوجه خبر دادند .خبر دیگری حاکیست،در انفجار تروریستی نزدیک یک انبار تجهیزات نظامی در غرب سامرا، ۴۵ نفر کشته و ۳۳ تن زخمی شدند.

ترور یکی از رهبران حماس توسط داعش

سرویس خارجی: گروه تروریستی داعش در شبکه اجتماعی مسئولیت ترور «صابر صیام»، فرمانده امنیتی جنبش حماس از طریق بمب گذاری در مغازه وی در غزه را به عهده گرفت. داعش ترور صابر صیام را به دلیل شرکت در جنگ علیه عناصر خود و فعالیت در دستگاه دولتی غزه اعلام کرد.

در این میان، «عبدالله البرغوثی»، از فرماندهان حماس در اعتراض به حبس انفرادی اش در زندان رژیم صهیونیستی اعتصاب غذا کرد. از سویی «فرانک والتر اشتاین‌مایر» از نوار غزه دیدن کرد. سفر وی به غزه، اقدامی نادر از سوی یک مقام برجسته غربی به شمار می رود. وی در غزه گفت: غزه بشکه باروتی است که ما هرگز اجازه نخواهیم داد منفجر شود و ما هم نمی‌خواهیم جنگ دیگری رخ دهد. وزیر خارجه آلمان با تاکید بر اینکه شرایط غزه فاجعه بار است و باید تغییری ایجاد شود، گشایش هرچه سریعتر گذرگاه‌ها را خواستار شد. وی اظهار داشت، برای اینکه طرح بازسازی غزه را بررسی کنیم به اینجا آمدم اما اوضاع بسیار نگران کننده و دشوار است و از همه می‌خواهیم برای تغییر شرایط غزه اقدامی در پیش گیرند.

کوتاه از سراسر جهان

رئیس اسبق موساد: داعش بزرگترین خدمت را به اسرائیل کرد

فارس:رئیس اسبق موساد اعلام کرد، حزب‌الله هر روز با جنگیدن با داعش و از دست دادن نیروهایش در سوریه به امنیت اسرائیل کمک می کند. «افرایم هلفی» رئیس اسبق موساد تأکید کرد، حزب‌الله لبنان درگیر جنگ سختی در سوریه شده است و از این طریق به امنیت اسرائیل کمک می کند. وی گفت که جنگ حزب الله با عناصر تروریستی مثل داعش به تضعیف هر دو طرف می انجامد و باعث هدر رفتن نیروهای طرفین می شود.

انتقاد شدید از پادشاه عربستان به دلیل نماز خواندن با کفش داخل کعبه

ایرنا:انتشار تصویر نمازخواندن ملک سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان با کفش در داخل کعبه باعث انتقاد شدید مسلمانان جهان از وی شده است. پادشاه عربستان اخیرا به زیارت مسجد الحرام در مکه مکرمه رفت و پس از آن وارد کعبه شد و در حالی که کفش به پا داشت، دو رکعت نماز آنجا خواند و پس از آن دیوار کعبه در حضور وی شسته شد.

برگزاری دومین سالگرد اعتراضات پارک گزی در میان تدابیر شدید امنیتی

ایسنا:دومین سالروز اعتراضات ضد دولتی پارک گزی در ترکیه، در میان تدابیر شدید امنیتی و حضور پلیس ضد شورش و ماشین‌های آب پاش برگزار شد.میدان تقسیم و پارک گزی همزمان با دومین سالروز اعتراضات ضد دولتی در محاصره نیروهای پلیس ضد شورش بود. هدف از این اقدام جلوگیری از تجمع گروه «همبستگی با تقسیم» اعلام شده است.

مخالفت سنای آمریکا با قانون شنود مکالمات شهروندان

فارس:رای منفی سنای آمریکا به ادامه قانون شنود مکالمه شهروندان، واکنش کاخ سفید را به دنبال داشت.پس از اینکه سنای آمریکا به طرح «قانون آزادی» رای نداد، کاخ سفید سنا را «بی‌مسئولیت» خواند. این قانون ضدتروریسم به سرویس‌های امنیتی از جمله آژانس امنیت ملی آمریکااجازه می‌داد مکالمات تلفنی شهروندان را شنود کنند.جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید در واکنش به اقدام سنا گفت: ما از سنا می‌خواهیم تا این اقدام غیر مسئولانه را در کوتاهترین زمان ممکن جبران کند.

حملات شدید طالبان به مواضع داعش در ولایت «فراه» افغانستان

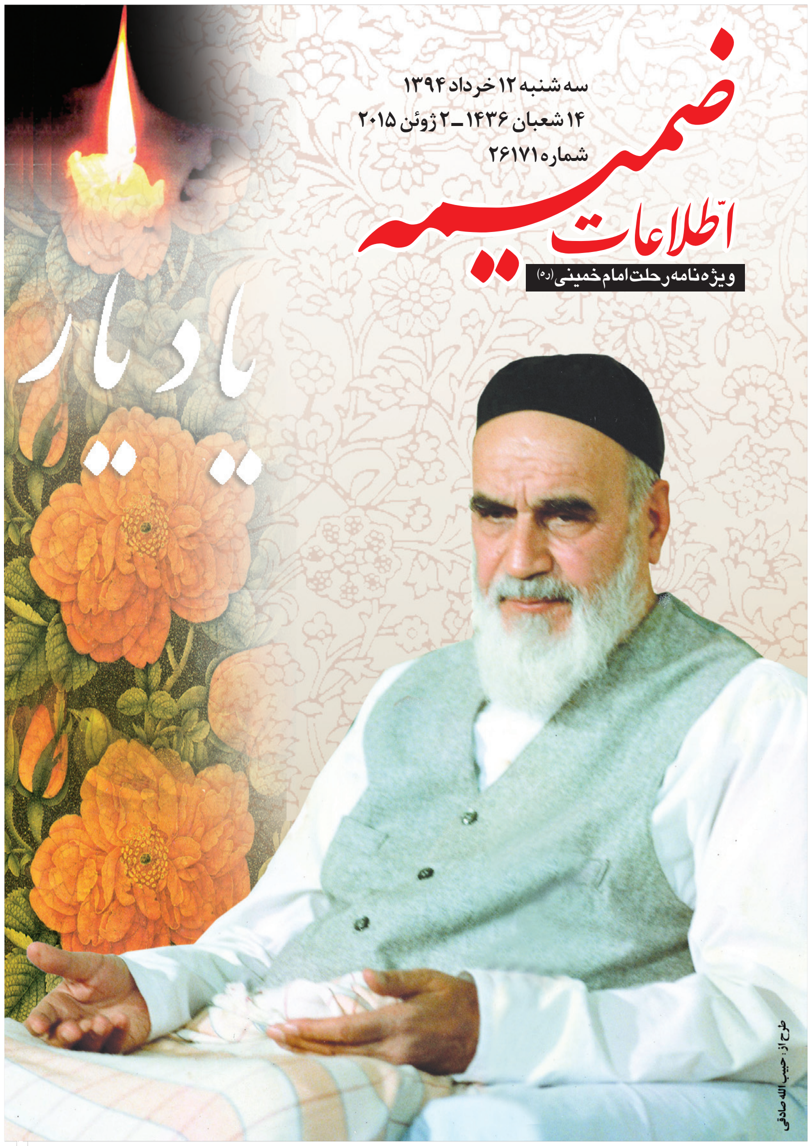
ایرنا: درگیری های شدید میان دو گروه تروریستی داعش و طالبان در ولایت «فراه» افغانستان به سود طالبان پایان یافت و گروه تروریستی داعش در این ولایت با تحمل خسارات سنگین به صورت کامل متلاشی شد. سخنگوی ارتش در فراه اعلام کرد، در این درگیری‌ها ۱۵ عضو داعش کشته، ۱۱ تن زخمی، ۱۲ تن اسیر و ۴۱ تن دیگر به صورت داوطلبانه تسلیم افراد طالبان شدند. در خبری دیگر، حمله افراد مسلح به مقر فرماندهی پلیس ولایت «ننگرهار»، به کشته شدن پنج مهاجم و زخمی شدن ۹ پلیس و پنج کودک منجر شد.

راهکار «پترائوس» برای شکست داعش

مهر:رئیس سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) با بیان اینکه فقط با قوه «قهریه» نمی توان داعش را شکست داد راهکاری را برای مقابله با این گروه تروریستی ارائه کرد.«دیوید پترائوس» ژنرال نام آشنای آمریکایی گفت : ترکیبی از عملیات نظامی و روش های سیاسی تنها راه شکست داعش است. پترائوس تاکید کرد،مقابله با افراط گرایان که در چنین سطحی فعالیت دارند صرفا از طریق قوه قهریه امکان‌پذیر نیست.

اعلام آماده باش سراسری در لیبی به دنبال تحرکات تازه داعش

فارس: دولت لیبی در پی تحرکات اخیر گروه تروریستی داعش و تصرف شهر سرت، در این کشور آماده باش سراسری اعلام کرد. «عبدالله الثنی»، نخست‌وزیر لیبی با بیان اینکه اشغال شهر «سرت» توسط داعش کل امنیت لیبی را تهدید می‌کند، از همه نیروها خواست تا برای مقابله با داعش آماده باشند. وی از جامعه جهانی خواست تا هرچه سریعتر به ارتش لیبی سلاح بدهند. ثنی با اعلام هشدار نسبت به خطر تروریست های داعش، گروهک «فجر لیبی» را به حمایت از داعش متهم کرد. خبر دیگر اینکه، عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهوری مصر با «عادل الجبیر»، وزیر خارجه عربستان در قاهره دیدار کرد. در این دیدار «سامح شکری»، وزیر خارجه مصر نیز حضور داشت.



آخرین روزهای امام(ره)

شنبه، سی و یکم اردیبهشت ماه در خانه ما جلسه دوره ای سران کشور بود که سه شنبه همان هفته آقا را عمل کردند. چند وقتی بود که آقا پشت سر هم حالشان بد می شد، یعنی هفته ای یکبار، ما هم واقعاً ناراحت بودیم، به طوری که الآن هم یادآوری آن روزها برای من ناراحت کننده است. حتی بعد از فوت آقا، یک روز آقا مسیح داشت می دوید و از طرف حسینیه بالا می رفت(حدود بیست روز از فوت آقا گذشته بود) که یک دفعه گرفتمش و گفتم: این طور نرو، چون یاد آن روزها می افتم و تنم می لرزد. به هر حال آقا تقریباً در هر هفته، یکبار حالشان بد می شد و می خوابیدند تا این که دوباره حالشان خوب می شد. یک ماهی بود که چنین وضعیتی داشتیم. به راستی، نه روز داشتیم و نه شب، و هرروز منتظر خبری بودیم.

جلسه سران سه قوه بود که اعضایش آقای خامنه ای، آقای هاشمی، بابا(مرحوم حاج سید احمد آقا)، آقای موسوی و آقای اردبیلی بودند. این جلسه منظم سران بود که هفته ای یک بار تشکیل می شد و اگر خبر خاصی در مملکت بود، بنا به موقعیت، هفته ای دو بار، که غالباً ماهی یکبار در خانه ما انجام می شد. وقتی به خانه ما می آمدند، عملکرد یک ماهه را به آقا عرضه می کردند.

در آن روز، من از مدرسه آمده بودم و وقتی رسیدم، آقا در حال آمدن بودند. یادم هست که آقا داخل رفتند و من هم به دنبال ایشان رفتم و پشت سر آنها نشستم تا ببینم چه می گویند؟! خوب حس کنجکاوی است، همیشه می رفتم؛ نه این که حالت خاصی باشد. طبق معمول آقا به دیوار تکیه دادند، آقایان هم با احترام و دو زانو مقابل ایشان نشستند. آقا صحبت هایشان را کردند و بعد که می خواستند بروند، همگی دست آقا را بوسیدند. آن روز خیلی کمتر از دفعات قبل و حدود ۱۰ دقیقه ای بیشتر نماندند و رفتند.

بعد بابا برگشت داخل و همه را جمع کرد. قبل از آن هم احتمالاً حرف زده بودند، اما آن موقع من در خانه نبودم. این پنج نفردر یک گوشه دیوار نشستند. بابا می خواست آهسته حرف بزند تا کس دیگری متوجه نشود. گوشه دیوار همه سرها رفت توی هم. یک حالت خاصی، این پنج نفر به صورت فشرده نشستند و در گوشی صحبت کردند. من نمی فهمیدیم که چه می گویند. حدود یک ربع این گونه گذشت و من که دیدم چیزی متوجه نمی شوم، بلند شدم و رفتم. گفتم لابد مسأله ای پیش آمده است؛ اولین بار نبود. البته من تا آن روز ندیده بودم که بدین صورت عمل کنند. آنها بلند شدند، ولی با اشاره و بسیار یواش با هم صحبت می‌کردند. به بیمارستان رفتند. خب با زمینه ای که من از قبل داشتم، آرام آرام مطلب دستم آمد. بلند شدم و به دفتر رفتم. یک گروه پزشکی با این پنج نفر در آنجا بودند. صحبت‌هایی کردند که من از بیرون شنیدم.درجلسه پزشکی، دکتر طباطبایی، دکتر عارفی، دکتر پورمقدس، با چند نفر دیگر حضور داشتند. من از آنچه در جلسه گذشت، اطلاعی ندارم، اما در همین زمان پسر آقای هاشمی به من تلفن زد که :«حسن چی شده؟ من دفترچه خاطرات بابایم را داشتم ورق می زدم، دیدم که نوشته امشب با حاج سید احمد آقا در مورد حال آقا صحبت کردیم.»

من هم در آن لحظه واقعاً نمی دانستم جریان چیست. گفتم: نمی دانم، آقا الآن آمدند پیش اینها نشستند و حالشان هم خوب بود. این موضوع برای ما یک حالت سوءظن دیگری بود. کار آرام آرام جلو رفت. تا این که من یکبار با پدرم مطرح کردم و ایشان هم گفت که بله، بیماری جدی است. در مورد عمل با مادرم صحبت کردم و تصور ما این بود که عمل برای یک فرد هشتاد و پنج ساله، نود ساله خیلی سنگین است و ایشان نباید جراحی بشوند.

اما تصمیم پزشکان پخته تر و سنجیده تر بود و به این نتیجه رسیدند که آقا باید عمل بشوند. هیچ کدام از دکترها مخالف این نظر نبودند، به جز یک نفر و دلیل ایشان این بود که اگر این کار صورت بگیرد و نتیجه خوب نباشد، ما با مردم مشکل خواهیم داشت. زیرا احتمال این که آقا از زیر عمل بیرون بیایند، خیلی ضعیف بود. ایشان(آن آقای دکتر) گفتند: ما رفتیم خدمت آقا. وارد که شدیم، آقا نشسته بودند، نمی توانستیم حاشیه برویم. در دو سه کلمه گفتیم که خلاصه آقا باید عمل شوید. برخلاف آن چیزی که همه ما دکترها تصور می کردیم، آقا بلافاصله گفتند: «بسیار خب، هیچ مسأله ای ندارد.» و بلند شدند و بیرون رفتند.

واقعاً حالا وقتی برمی گردم و خاطرات را مرور می کنم، متوجه می شوم که در این اواخر عزم رفتن در چهرهٔ آقا به راحتی دیده می شد، به خصوص بعد ازعمل. در آن زمان واقعاً چشمهایمان را بسته بودیم. نه تنها من، بلکه هیچ کدامان نمی خواستیم این واقعیت را که هر انسانی رفتنی است و طبیعتاً آقا هم خواهند رفت، باور کنیم. سریع فکرمان را برمی گرداندیم که ابداً این طور نیست و نخواهد شد؛ حتی در آن لحظه های آخر.

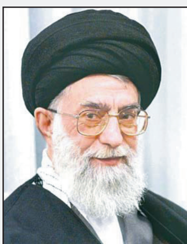
بقیه در صفحه ۳



حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت امام خمینی

نقشه معمار بزرگ انقلاب



عرایض خودم را در این روز به‌یادماندنی و مهم، برای شما برادران و خواهران عزیز در سه بخش عرض می کنم: در بخش اول، یک واقعیت مهمی درباره جمهوری اسلامی وجود دارد که توجه به آن واقعیت برای ما، امروز حائز اهمیت است.

در بخش دوم، یک اشاره و شرح توصیفی کوتاهی از مکتب ماندگار امام بزرگوارمان عرض می کنم؛ اگرچه درباره مکتب امام راحل سخن بسیار گفته‌اند و گفته‌ایم و شنیده‌ایم، ولی این توصیف کوتاه در این مقطع برای ما لازم است. تصویر کوتاهی از مجموعه آنچه امام بزرگوار به‌عنوان یک پدیده بی‌نظیر در دنیای معاصر به‌وجود آورد.

بخش سوم، اشاره به دو چالش مهمی است که بر سر راه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی قرار دارد. توجه به این دو چالش، برای درست حرکت کردن ما و درست راه پیمودن ما مهم است.

در بخش اول، آن واقعیتی که به آن اشاره کردم این است که ۲۵ سال از رحلت امام عظیم‌الشأن می گذرد، ولی شور و اشتیاق برای شنیدن درباره او و دانستن از او کم نشده است. مخصوص کشور ما هم نیست، در دنیای اسلام بلکه فراتر از دنیای اسلام، این واقعیت وجود دارد. نه‌تنها در کشور ما - که نسل سوم انقلاب در آن درحال بالیدن است - بلکه در دنیای اسلام، جوانان عصر ارتباطات و عصر اینترنت که با مسائل دور از محیط خود براحتی می توانند ارتباط بگیرند، دنبال این هستند که درباره مسائل انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و درباره معمار این بنای عظیم، مطالب بیشتری بدانند. پدیده مردم‌سالاری دینی، نظریه ولایت فقیه، مسائلی است که برای محیط های فکری دنیای اسلام، حائز اهمیت و دارای جاذبه است.

دشمنان ما تلاش گسترده‌ای را از روزهای اول آغاز کردند و هرچه جلو رفتیم، این تلاش بیشتر شده است. از صدها بلکه هزاران ایستگاه تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی استفاده کردند برای دشنام دادن به جمهوری‌اسلامی و به بانی بزرگ آن و به طرفداران آن. خود این مطلب به ما کمک کرده است، یعنی حس کنجکاوی را در مستمعان و مخاطبان در سراسر دنیا برانگیخته است؛ می خواهند بدانند که علت این‌همه دشمنی‌کردن و سنگ‌پرانی کردن و لجن‌پراکنی کردن چیست، و آن حقیقتی که آماج این دشمنی‌هاست، چه ماهیتی دارد، چه حقیقتی دارد. بنابراین، دشمنان ما به قصد دشمنی نام ما را بردند و درباره امام ما و نظام ما سخن گفته‌اند، اما «اِنَّهُم یَکیدونَ کَیدًا. وَ اَکیدُ کَیدًا»؛ این را خدای متعال میفرماید. آنها با این نیت، این حرکت وسیع را آغاز کردند، اما در نهایت برای ما یک فرصتی به‌وجود آمد؛ چون حس کنجکاوی مستمعانِ این دستگاه‌ها در سراسر جهان تحریک شد.

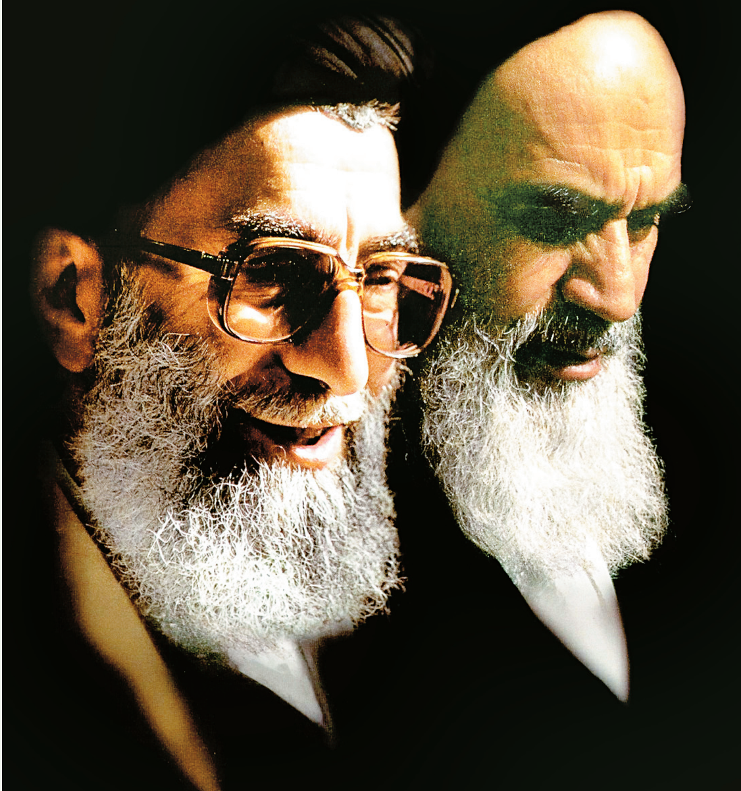
در کشورهای اسلامی و در منطقه ما بیداری اسلامی – که احساسات ضد استکباری در آن بر هر پدیده‌ی دیگری غلبه داشت – خود نشانه همان کنجکاوی و پاسخ‌گیری و پاسخ‌یابی است، و این همچنان ادامه دارد. ممکن است دستگاه‌های اطلاعاتی غربی و آمریکایی این‌جور به بزرگ‌ترهای خودشان گزارش کنند که توانسته‌اند بیداری اسلامی را در منطقه ما سرکوب کنند. اگر این‌جور خیال کنند، این هم یکی دیگر از خطاهای راهبردی و غلط تحلیل‌کردن‌های دشمنان ما خواهد بود. بیداری اسلامی ممکن است برای مدتی، در بخشی از دنیای اسلام سرکوب بشود اما بلاشک ریشه‌کن نخواهد شد. گسترش خواهد یافت؛ و این فهم، این ادراک، این دریافت در کشورها و در نسل جوان مسلمان در این منطقه، چیزی نیست که به این آسانی‌ها بتوانند آن را از بین ببرند. البته تلاش می‌کنند، تلاش هایشان ممکن است در بعضی از بخش‌ها برای مدت کوتاهی موفقیت‌آمیز هم به نظر برسد، اما در نهایت ابتر است.

این کنجکاوی که در نسل جوان امروز، در دنیا – بخصوص در دنیای اسلام – درباره پدیده مردم‌سالاری دینی وجود دارد، ناشی از این است که جمهوری اسلامی یک پدیده‌ای بود که ۳۵ سال از آغاز ولادت آن گذشت، و در تمام این مدت ۳۵ سال، با واکنش خشن و خصمانه قدرت های مسلط دنیا مواجه بود: هم واکنش نظامی نشان دادند، هم واکنش تبلیغاتی نشان دادند، هم واکنش خصمانه اقتصادی نشان دادند – که از اول انقلاب تحریم ها آغاز شد و روزبه‌روز تا امروز تشدید شده است – [هم] واکنش سیاسی نشان دادند.

بقیه در صفحه ۲

بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت امام خمینی

نقشه معمار بزرگ انقلاب



بقیه از صفحه اول

این جبهه پرقدرت غربی، در مقابل جمهوری اسلامی ۳۵ سال است که هر کاری از دستش برآمده، کرده است؛ تلاش نظامی کرده است، به مهاجم نظامی به کشور کمک کرده است، دشمنان را در هر نقطه‌ای علیه جمهوری اسلامی حمایت کرده است، تبلیغات پُرحجم علیه آن به‌کار برده است، تلاش تحریمی و محاصره اقتصادی را در اعلی درجه ممکن و بدون سابقه به‌کار برده است، اما در مقابل، جمهوری اسلامی، دربرابر این‌همه هجمه و این‌همه مخالفت خشن و بی‌ملاحظه، هم از بین نرفت، هم دچار محافظه‌کاری نشد، هم به غرب باج نداد؛ روزبه‌روز هم کشور پیشرفت کرد.

این آن چیزی است که ماهیت این کنجکاوی را تشکیل می دهد. قدرت های درجه یک نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، دست‌به‌دست هم بدهند علیه یک کشوری، علیه یک حکومتی، ۳۵ سال تلاش کنند، [ولی] آن حکومت علی‌رغم تلاش آنها، نه فقط از بین نرود، بلکه روزبه‌روز قوی‌تر بشود، به آنها باج هم ندهد، به آنها اعتنا هم نکند. در عرصه‌های مختلف، جمهوری اسلامی اقتدار خود را و قابلیت بقای خود را نشان داد.

امروز وقتی به جمهوری اسلامی نگاه می کنند، [می‌بینند] نسل دوم و سوم انقلاب در این کشور دارای چند میلیون دانشجو، چندین هزار طلبه علوم دینی فاضل، چندین هزار پژوهشگرَ و محقق، چند ده هزار استاد دانشگاه و حوزه، هزاران نخبه علمی و فکری که بعضی از آنها در عرصه بین‌المللی نام‌آور و شناخته شده‌اند، هزاران فعال و نخبه سیاسی و فرهنگی و تولیدی و اقتصادی؛ واقعیت جامعه ما امروز این است.

جمهوری اسلامی در میدان علم و فناوری، با وجود همه این تحریم ها، ماهواره به فضا می فرستد، موجود زنده به فضا می فرستد و برمی گرداند، انرژی هسته‌ای تولید می کند، در بسیاری از دانش های نوپدید جزو ده کشور اول دنیا قرار می گیرد، شتاب پیشرفت علم در جمهوری اسلامی از سوی مراکز مسئول این کار در دنیا سیزده برابر متوسط دنیا اعلام می شود، خدمات علمی و فنی به کشورهای مختلف صادر می کند، با وجود تحریم های بی‌سابقه یک کشور ۷۵ میلیونی را اداره می کند، در سیاست های منطقه حرف اول را می زند، در مقابل رژیم غاصب و مورد حمایت زورگویان عالم یک تنه می‌ایستد، با ظالم نمی‌سازد و از مظلوم دفاع می کند؛ هر انسان آگاهی به کنجکاوی می‌افتد که این موجود چیست، این پدیده چه پدیده‌ای است با این‌همه دشمنی، و این‌همه توانایی‌های ذاتی و نشانه‌های حیات و بقا؛ ماهیت این کنجکاوی این است. این حالا در زمینه‌های مسائل علمی و فناوری و مانند اینها.

در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی، جلوه بالای مردم‌سالاری در این کشور که ۳۵ سال است از انقلاب ما گذشته است، و در طول این ۳۵ سال، ۳۲ انتخابات داشتیم؛ ۳۲ انتخابات سراسری در این کشور به‌وجود آمده است؛ این شوخی است؟ یک نمونه بی‌نظیر [است]. انتخابات‌های جمهوری اسلامی با مشارکت های بالا – بالاتر از متوسط و میانگین جهانی و بعضاً بسیار بالاتر؛ شرکت ۷۰ درصدی، ۷۲ درصدی؛ انتخابات‌های ما از این قبیل است – جلوه مردم‌سالاری[است].

نمونه بی‌نظیر دیگر دو پدیده‌ای است که ما مردم، با آنها عادت کرده‌ایم اما برای یک ناظر جهانی فوق‌العاده جذاب و مهم است، و آن عبارت است از راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن و راه‌پیمایی روز قدس در ماه رمضان. جشن انقلاب را مردم به‌طور مداوم، هرسال تا این ۳۵ سال گرفته‌اند، با یک راه‌پیمایی عظیم پرشور پرشکوه در روزهای سرد پایان بهمن. ما عادت کرده‌ایم و اهمیت موضوع و عظمت موضوع به چشَممان نمَی‌آید اما ناظر جهانی، اینها را می بیند و برای او بسیار خیره‌کننده است.

اینها عوامل آن جذابیتی است که کنجکاوی‌ها را تحریک می کند و راه نویی را به ذهن های علاقه‌مندان و افرادی که اهل سؤال و استفسار و تحقیقند، ارائه می دهد. این واقعیت مهم دوران ما است که عبارت است از توجه و کنجکاوی عمومی در دنیای اسلام از سوی جوانها، روشنفکران، آگاهان و کسانی که اهل فهم مسائل اند، نسبت به این پدیده‌ای که در کشور ایران اسلامی، به توفیق الهی و به تأیید الهی تحقق یافته است و روزبه‌روز رشد کرده است. این مطلب اول.

این واقعیت، ساخته و پرداخته دست معمار بزرگ است. درباره امام خیلی حرف زده‌ایم، شاید بعضی‌ها خیال کرده‌اند ما با اغراق و مبالغه حرف می زنیم؛ ولی نه، آنچه درباره امام بزرگوارمان گفته‌ایم، نه اغراق است، نه مبالغه است، بخشی از واقعیت است. بیش از آنچه توصیف کرده‌ایم و توانسته‌ایم ارائه بدهیم، امام بزرگوار و عزیز ما دارای مضمون و معنا و مغز بود.

آنچه در اختیار ملت ایران و در معرض دید و فکر ملت ها در سراسر عالم است، ساخته و پرداخته آن دست تواناست. ما برای اینکه راه را درست برویم، باید نقشه معمار را بدانیم. اگر در یک بنای متعارف معمولی، نقشه در اختیار نباشد، نقشه اصلی معلوم نباشد، سازندگان و بنایان هرچه هم چیره‌دست باشند، ممکن است اشتباه کنند. باید نقشه اصلی را دانست تا بتوان براساس آن نقشه اصلی، اگر هنری در سازندگی و در احیاء هست، آن را به‌کار برد.

نقشه او نقشه‌ای نبود که فقط از ذهن انسان صادر بشود، قطعاً مؤیدمن‌عندالله بود؛ خود امام بزرگوار این را می دانست و به آن معترف بود. خود او می گفت آنچه پیش آمده است با دست قدرت الهی است و درست فهمیده بود و چشم بصیر و بینای او درست دیده بود. ما مواظب باشیم؛ آن نقشه را بشناسیم تا بتوانیم راه را ادامه بدهیم. اگر نقشه را ندانستیم، زاویه پیدا می کنیم؛ وقتی زاویه پیدا شد، روزبه‌روز هرچه پیش برویم، از راه اصلی و صراط مستقیم دور می شویم. وقتی از صراط مستقیم دور شدیم، از هدف ها دور می شویم، به هدف ها نمی رسیم؛ برای اینکه به هدف برسیم، باید راه را گم نکنیم؛ برای اینکه راه را گم نکنیم، باید نقشه اصلی و اساسی، جلوی چشم ما باشد، آن را بشناسیم و بدانیم.

نقشه امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی – سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود. مقدمه لازم این کار، این بود که نظام پادشاهی – که هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم دیکتاتور بود؛ این سه خصوصیت در نظام پادشاهی وجود داشت: هم دچار فساد بود، فسادهای گوناگون اخلاقی و مالی و غیره؛ هم وابسته‌ی به قدرتها بود، یک روز وابسته به انگلیس، یک روز وابسته به آمریکا، حاضر بود منافع خود را و کشور را در مقابل منافع بیگانگان فراموش کند؛ و هم دیکتاتور بود، مستبد بود، رأی مردم، خواست مردم برای نظام پادشاهی مطرح نبود؛ هرکدام از اینها یک فصل بلند است، یک کتاب است –[ریشه‌کن شود].

مقدمه آن کار بزرگی که امام مَی خواست انجام بدهد، ریشه‌کن کردن این نظام فاسدِ وابسته دیکتاتور بود. همت را بر این گماشت و نظام ریشه‌کن شد. در کشور ما مسئله این نیست که نظام پادشاهی برود، به جای او نظام پادشاهی یا شبه‌پادشاهی دیگری بنشیند؛ مسئله این است که آن خصوصیاتی که نظام پادشاهی داشـــت باید ریشـــه‌کن میشد و امَام بزرگوار ریشه‌کن کرد. سخنان امام، رهنمودهای امام، رفتار امام همه در این‌جهت است.

در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکته اساسی وجود دارد که این دو نکته به هم پیوند خورده است؛ به یک معنا دو روی یک حقیقت است: یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت – که خود از اسلام سرچشمه گرفته بود و هرآنچه ناشی از حرکت مردم‌سالاری و سپردن کار به مردم است – باید در چهارچوب شریعت اسلامی باشد. این، دو بخش است، یا با یک نگاه، دو بُعد از یک حقیقت است.

افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه به آراء مردم، جزو دین نمی بود و از شـــریعت اســـلامی اســـتفاده نمی شد، امام هیچ تقیدی نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان می کرد. این جزو دین اســـت، لذا شـــریعت اسلامی چهارچوب است؛ در همه قانونگذاری‌ها و اجراها و عزل‌ونصب‌ها و رفتارهای عمومی که تابع این نظم سیاسی و مدنی است، باید شریعت اسلامی رعایت بشود. و گردش کار در این نظام به‌وسیله مردم‌سالاری است؛ یعنی آحاد مردم نماینده‌ی مجلس را انتخاب می کنند، رئیس‌جمهور را انتخاب می کنند، وزرا را با واسطه انتخاب می کنند، خبرگان را انتخاب می کنند، رهبری را با واسطه انتخاب می کنند؛ کار، دست مردم است.

این، پایه اصلی حرکت امام بزرگوار است. این بنای عظیمی که این بزرگوار گذاشت، متکی به این دو پایه است. التزام به شریعت اسلامی، روح و حقیقت نظام اسلامی است؛ این را توجه داشته باشند. شریعت اسلامی اگر در جامعه به‌طور کامل اجرا بشود، هم آزادی‌های عمومی و مدنی را – آزادی افراد را، آزادی فردی را – تأمین می کند، هم آزادی ملت را که اسم آن استقلال است – استقلال یعنی آزادی در ابعاد یک ملت، که وابسته به کسی و به جایی نباشد.

یک ملت آزاد یعنی ملتی که به‌هرصورت تحت نفوذ و سیطره مخالفین خود یا دشمنان خود یا بیگانگان قرار ندارد – تضمین می کند، [هم] عدالت را در جامعه تضمین می کند، هم معنویت را تضمین می کند؛ این چهار عنصر اصلی است: آزادی، استقلال، عدالت، معنویت. اگر شریعت اسلامی بر جامعه حاکم شد، این پدیده‌های اساسی در نظم جامعه اسلامی، خود را نشان می دهند. بنابراین امام بزرگوار ما شریعت اسلامی را که روح جمهوری اسلامی است، مورد تکیه قرار داده است؛ مردم‌سالاری دینی را هم که یک وسیله و ابزار است که آن هم متخَذ از شریعت است، مورد تکیه قرار داده.

هیچ قدرت و غلبه‌ای در مکتب امام که از تغلب و از اعِمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارَد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدارِ برخاسته از اختیار مردم و انتخاب مردم. آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام وَ در شریعت اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد. آن قدرتی که از انتخاب مردم به‌وجود آمد، محترم است؛ در مقابلَ آن، کسی نبایستی سینه سپر بکند، در مقابل او کسی نباید قهر و غلبه‌ای به کار ببرد که اگر یک چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است. این آن نسخه جدیدی است که امام بزرگوار ما به دنیا عرضه کرد و به ادبیات سیاسی عالم این فصل مهم را افزود.

در این نسخه جدید، یکی از عناصر اصلی – همان‌طور که اشاره کردیم – به کمک مظلوم شتافتن و با ظالم مقابله کردن است. به کمک مظلوم باید رفت که در دوره ما، در زمان ما، مصداق اتم مظلومیت ملت فلسطین بود که شما دیدید امام بزرگوار از روز اول تا آخر عمر، راجع به فلسطین تأکید کرد، تکیه کرد، حمایت کرد و وصیت کرد که این مسئله را ملت ایران و مسئولان کشور فراموش نکنند؛ کمک به مظلوم و ایستادگی در مقابل ظالم، نفی دست‌اندازی‌های ظالم، انکار صریح هیبت و ابهت ظالم و شکستن این ابهت. این هم یکی از بخش های این نظام و این نسخه جدیدی است که امام بزرگوار ما عرضه کرد.

این یک خلاصه‌ای و یک تصویر کوتاه و توصیف کوتاهی است از مجموعه آن نظم سیاسی و مبنایی که امام بزرگوار ما پس از فروپاشی نظام پادشاهی به کشور آورد، عرضه کرد، مورد قبول قاطع مردم قرار گرفت، و تحقق پیداکرد. و این نسخه مثل خیلی از حرفهای سیاسی، در کتاب ها نماند؛ آمد در واقعیت، تحقق پیداکرد، تبلور پیداکرد؛ ملت ایران هم همت کردند، وفاداری نشان دادند، فداکاری کردند، این را حفظ کردند، نگه داشتند، و روزبه‌روز قوی‌تر کردند تا به امروز رسیده است.

خب، پس امام موفق شد. امام در آن کاری که می خواست انجام بدهد، به توفیق کامل دست پیداکرد، [اما] آیا این کار بزرگ ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا بخش های خالی این جدول – که به‌طور طبیعی بخش های خالی یی در این جدول های اجتماعی و تاریخی قرار دارند – پُر خواهد شد؟ این بستگی دارد به اینکه من و شما چقدر همت کنیم؛ ما چقدر آگاهی نشان بدهیم؛ ما چقدر آن خط روشن را مراعات کنیم و در آن خط روشن حرکت بکنیم. بله، کاملاً ممکن است؛ با این ملتی که ما داریم مشاهده می کنیم، با این تجربه‌ای و این حرکت موفق و سِیر مستمری که در این ۳۵ سال – و بعد از رحلت امام در این ۲۵ سال – این ملت نشان داده است؛ بله، ادامه این راه ممکن است؛ خانه‌های خالی پُر خواهد شد، کارهای بزرگ انجام خواهد گرفت، و این ملت به اذن‌الله و به حول و قوه‌ی الهی به اوج قله‌ها خواهد رسید.

«حرم مطهر امام خمینی رحمه‌الله ــ ۱۳۹۳/۳/۱۴»

بقیه از صفحه اول

مادرم در آن لحظه های آخر که حدوداً ساعت سه بعد از ظهر روز سیزدهم خرداد ماه بود، به من گفتند که دکترها می گویند: « فقط یک درصد احتمال موفقیت وجود دارد.» من گفتم: نه، این حرفها چیست؟ بعدها که فکر می کردم، دیدم که ما هیچ نمی خواستیم این واقعیت را قبول کنیم، البته همه این گونه بودند.اما آقاخودشان واقعاًمی خواستندبروند.ماه رمضان که بعضی اوقات برای نماز صبح نزدایشان می رفتیم،معمولاً خیلی گریه می کردند.درنمازشبشان همیشه دستمال کاغذی کنارشان بود.اما این ماه رمضان آخر،ایشان حوله کناردستشان می گذاشتند، از بس که در این ماه رمضان گریه می کردند. مرتب ذکر می گفتند و حالت دیگری داشتند. من خود ندیدم، اما مادرم تعریف می کنند که یک برگ کاغذ گذاشته بودند جلوشان و تمام اذکاری را که در روز باید می گفتند، روی آن می نوشتند که مبادا یادشان برود. خیلی عجیب بود. عید هم آقا را برخلاف آن وجهه ای که همیشه داشتند، می دیدیم. آقا معمولاً در مجالس و میهمانی ها که می نشستند، بگو و بخندی داشتند.

وجهۀ عاطفی آقا هم بحث دیگری دارد. واقعاً حالت ایشان در خانواده فرق می کرد؛ با آن حالت رسمی و چشم‌های نافذ در هنگام حضور در حسینیه، گویی در خانواده شخص دیگری بودند. به یاد دارم که یک روز ایشان در حسینیه صحبت تندی کرده بودند. حالا عین مطالب یادم نیست که چه بود؛ اما حمله شدیدی کرده بودند به آمریکا و شوروی. الحمدلله، ایشان مصلحت گرا نبودند، هر چه را حقیقت می‌دانستند، می‌گفتند و به همین خاطرهم بود که امام شدند. به هر حال یادم هست که آمدند بیرون و


حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسن خمینی

آخرین روزهای امام(ره)

شروع کردند قدم زدن. مثلاً در همان لحظه که قدم می زدند، علی می آمد، روی سرش دست می‌کشیدند. ما می رفتیم جلو، عادت داشتند معمولاً به شوخی به صورت ما می زدند. دستشان را می‌بردند بالا و ما هم صورتمان را می گرفتیم و دستشان را آرام می گذاشتند روی صورت ما. اصلاً فرق می‌کردند. نمی‌دانم این در حسینیه چه برکتی داشت، ایشان آن طرف که می رفتند، وجهه دیگری داشتند، رهبر انقلاب می‌شدند و این طرف که می آمدند، فردی کاملاً عادی و البته خدایی، که خانواده اش را هم به خاطر خدا دوست دارد. البته آن طرف هم همین گونه بودند. اما آنجا یک عامل دیگر هم اضافه می شد و آن رهبری انقلاب بود و این طرف یک پدر بزرگی بودند برای خانواده. هر چه بود، خدا بود؛ حتی اگر به کسی محبت می‌کردند یا مثلاً پرخاش می‌کردند. من خودم این گونه بودم که هر وقت می خواستم ببینم، امروز که مثلاً فلان مسأله پیش آمده، درست برخورد کردم یا نه، مورد رضایت خدا هست یا خیر و یا نامه اعمالمان چگونه است، می رفتم خدمت آقا، اگر گرم برخورد می‌کردند، معلوم بود وضعم خوب است، اگر سرد برخورد می کردند، باید می رفتم و استغفار می کردم، چون مسأله حل نشده بود.

یکی از روزها من داشتم با ایشان قدم می زدم، بوته گل رزی در باغچه بود. نگاه کردند به این غنچه‌های گل و گفتند: «می‌دانی این غنچه چند روزه است یا چند روز دیگر باز می شود؟» شما نگاه کنید یک فرد با آن همه مشغولیات، روی چه چیزهای ظریفی دقت دارد. ایشان چون هر روز قدم می‌زدند و توجه داشتند، می‌گفتند: «این گل سه روزه که باز شده یا آن گل دیروز صبح باز شده، آن گل دیشب بازشده.» تمام این ظرایف یادشان بود. قدم که می زدند، روی این مسائل دقت داشتند و این چیز عجیبی بود. ما با این که هم جوان بودیم و هم باید به این چیزها بیشتر علاقه داشته باشیم، این گونه نبودیم. مثلاً ایشان می‌گفتند: «این غنچه امروز باز می شود».

یک نکته‌ای هم هست که البته ایشان به خود من نگفتند(به مادرم گفته بودند که ایشان برای من نقل کردند)، که یک روز حضرت امام رو کردند به من(یعنی مادرم) که: «می دانی آن گل(مادرم می‌گفتند که یک گل پژمرده ای بوده) من هستم، آن گل حسن است، آن گل تویی، آن گل احمد است و بعد اشاره کردند به یک غنچه کوچکی که تازه داشت می‌شکفت، گفتند: این گل هم علی است. واقعاً آدم بعید می داند که کسی با این همه مشغولیات این گونه ابعاد عاطفی در خانواده داشته باشد و این نمی شود مگر اینکه همه اعمال خدایی باشد.

خلاصه من آن روز به خانه رفتم. آخر شب بود، حدود ساعت یازده که خوابیدم. فردایش روز اول خرداد بود که من رفتم مدرسه، امتحان داشتم. وقتی برگشتم آقا را برده بودند بیمارستان. در همان روز از ایشان عکس گرفته بودند و مقدمات عمل فراهم شده بود.

آن روز پدر و مادر و علی رفته بودند نزد امام. امام گفته بودند: «بیایید آخرین ناهار را با هم بخوریم». برای ایشان مسأله واضح بود، البته ما نمی خواستیم قبول کنیم. می گفتیم نه. امام این حرف را می زنند؛ ولی یقینی نیست؛ ولو این که خانواده ما هم اعتقاد سنگینی به ایشان داشتند. این طور نبود که بگوییم ایشان فقط به عنوان پدر بزرگ باشند، پدربزرگ بودند. اما واقعاً خانواده آقا، هم به عنوان مقلد بودند، هم به عنوان مرید بودند. به هر حال گفته بودند بیایید آخرین ناهار را با هم بخوریم یا مثلاً علی را دیده بودند که در حال دویدن است، گفته بودند: «علی بیا با هم آخرین قدممان را هم بزنیم.»

قبل از رفتن آقا به بیمارستان، برای سرکشی به وضع بیمارستان به آنجا سر زدم و سپس به اتفاق دکتر طباطبایی تا پشت در اتاق آقا رفتم. در را باز کردم و رفتم تو. گفتم: «آقایان دکتر می گویند که بیایید برویم بیمارستان». ایشان بلند شدند و شروع کردند به نصیحت کردن. انگار به شخص مادرم قبلاً نصیحت کرده بودند.

اینجا من باید یک مطلبی را که شایع شده، تکذیب کنم و آن اینکه نقل کرده اند که امام در لحظات آخر، یعنی همان لحظات قبل از عمل همه را جمع کردند و نصیحت کردند، این طور نبود. ایشان در همان حال که آماده رفتن به بیمارستان می شدند، چند نصیحت به من کردند؛ نصیحت های همیشگی که بعداً نقل می کنم. ولی معمولاً آقا نصیحت که می کردند، حالت تربیتی اش را هم در نظر داشتند؛ با روی باز بودند و می خندیدند. از راهی می گفتند که دقیقاً اثر می کرد. اما این دفعه برخلاف دفعات گذشته اصلاً در چهره شان خنده نبود. در این جریان مادرم چیزی را از آقا نقل می کنند که من گفتم: «آقا چرا ناراحتید و مسأله چیست؟» آقا گفتند: «شما نمی دانید تمام نفس های ما سیّئات بود». گفتم: «آقا شما که دیگر نباید این گونه باشید. شما انقلابی کردید که خدایی بود». گفتند: « وقتی حضرت سجاد می گوید تمام حسنات من سیّئه است، تکلیف من روشن است.»

در هر صورت، من آمدم خدمتشان و ایشان راه افتادند، آمدند دم در. گفتند جلیقه ام یا قبایم را نپوشیدم. دم در که ایستاده بودند، آمدند برگردند داخل، من احساس کردم نگاه آقا به خانه، نگاه خداحافظی است. معمولاً کلید اتاقشان دست خودشان بود، اما آن روز کلید را دادند دست خانم. گفتند: «کلید دست شما باشد». خانم گفتند: «نه، پیش خودتان باشد». گفتند: « نه، من چیزی را می دانم که شما نمی دانید، کلید پیش شما باشد».

خانم رو کردند به آقا و گفتند: «ما که دعا بلد نیستیم، شما هر چه می دانید، خودتان بخوانید و به خودتان بدمید». یعنی همان اعتقاد قدیمی که داشتند. آقا دوباره گفتند: «نخیر، من چیزی می دانم که شما نمی دانید». از در آمدند بیرون. من بودم و آقای دکتر طباطبایی که بعداً حاج عیسی هم رسید. آقا متوالیاً بر می گشتند و دو سه بار گفتند: «خانم شما نیایید، خانم شما نیایید.» ، ولی خانم آمدند.

آقا دوباره سر پله برگشتند و به خانم گفتند: «خانم شما برگردید، خانم خداحافظ». دائم برمی گشتند و می گفتند: «خانم خداحافظ، شما بروید». اما خانم باز ایستاده بودند. بعد از پله ها آمدند پایین. علی دوید، جلو آقا. آقا انگار به علی گفتند که علی شما دکتر شدی. دایی (دکتر طباطبایی) گفتند : «علی خیلی قدر خودت را بدان. آقا که به کسی بگویند دکتر، دیگر دکتری اش حتمی است. یعنی دیگر درس هم لازم نیست بخواند!» بعد آقا گفتند: «نخیر، ایشان نمی خواهد دکتر بشود، می رود که ملا شود». ایشان دوباره رو کرد به امام و گفت: «پس آقا علم الادیان و علم الابدان چیست؟». آقا گفتند: «ایشان می رود دنبال علم الادیان». خلاصه به طرف بیمارستان رفتیم. پدرم مقابل در بیمارستان ایستاده بود، دکترها، آقای دکتر عارفی و ... آمدند جلو، من کنار کشیدم. از پشت سر می آمدم و فقط نگاه می کردم. یعنی حدود سه چهار پله عقب بودم. این صحنه سی ثانیه قبل از فیلمی است که در تلویزیون آقا را از پشت سرنشان می دهد که دارند می روند داخل بیمارستان.

همان زمان که امام داشتند داخل بیمارستان می رفتند، ناگهان دست انداختند به گردن بابا و او را بوسیدند. بعد سر را انداختند پایین و رفتند داخل. آن لحظه واقعاً یک لحظه خاصی بود، و همه ناگهان بهتشان زد. چون شنیده ایم که هرچه سن پسر بالاتر می رود، پدر به گونه دیگری به او می نگرد. در ماجرای حضرت علی اکبر هم حالات امام حسین(ع) را ذکر می کنند. آنجا من احساس کردم که آقا دیگر می دانسته اند که کار تمام است و ایشان رفتنی است. در آن لحظه عطوفت پدری بر سایر مسائل و حجبی که از دکترها داشتند، غلبه کرد.

بعد ایشان بستری شدند. حدود ساعت ۱۰- ۱۰/۵ شب بود که من آمدم منزل. فردایش قرار بود آقا عمل شوند. نماز شب آقا هم در همان شب بود که از دستمان رفت و بعداً فیلمش را دیدیم. واقعاً هم حیف بود، چون می خواستیم نماز شب آخر آقا را ببینیم.

صبح روز عمل یکی از دوستان مرا بیدار کرد و به بیمارستان رفتم. هیچ کسی از آقایان نیامده بود. رفتم در اتاقی که تلویزیون مدار بسته بود، دیدم که آقا خوابیده اند، البته هنوز به هوش بودند. دکترها داشتند کارها را انجام می دادند. من هم دائم به داخل می‌رفتم و بیرون می‌آمدم و خلاصه همانجا سرگردان بودم تا این که آقایان آمدند. قیافه‌ها را به خوبی به یاد دارم، آقای هاشمی از در آمد داخل و رفت نشست و شروع کرد به زار زار گریه کردن، بعد آقای اردبیلی آمد. همین که در را باز کرد، شروع کرد به گریه؛ گریه‌ای خیلی بلند.

بعد آقای موسوی آمد، همین طور، آقای خامنه‌ای هم آمدند که نفر آخر بودند. چون کمی مسیرشان دورتر بود، آخر رسیدند یا یکی مانده به آخر. همه مدتی می‌نشستند، می‌رفتند بیرون و باز برمی گشتند؛ چون عمل حدود دو ساعت طول کشید. ولی یادم است که آقای هاشمی از اول تا آخر نشستند و این برای من خیلی تعجب آور بود.

هشت دوربین بود که یکی یکی می آوردند روی ضبط. فیلم آقای هاشمی هم هست. ایشان نشسته بود. من آمدم بیرون. عمه(فهیمه خانم) مرا دید و پرسید، جریان چگونه است؟ گفتم: «می توانید بروید از پشت دیوار بیمارستان یک شیشه دارد، بنشینید و نگاه کنید». من فکر نمی کردم بتوانند بیایند داخل. گفت: «نه، می آییم تو». سر را انداخت زیر و آمد نشست. همان موجب شد پای خانم ها به آنجا باز شد. خانم امام آمدند، عمه(صدیقه خانم) هم آمدند، خانم بروجردی هم آمدند. غیر از این سه نفر، کس دیگری داخل نیامد. همه همان بیرون می ایستادند.

بعد از مدتی خانم امام بلند شدند و رفتند. خانم بروجردی مرتبا نشسته بود. تقریباً همه گریه می کردند، حالت بهت و وحشت بود و ترسی هم که از عمل داشتند، راستی راستی بجا بود. یعنی هیچکس نمی دانست تا ده دقیقه دیگر یا بیست دقیقه دیگر چه می شود. من هم این طرف و آن طرف می رفتم، نماز می خواندم و ... بالاخره حضور دائم داشتم. در همین حالات بود که تدریجاً عمل تمام شد و آقا را آوردند بیرون. آقای دکتر فاضل مسئول جراحی و آقای دکتر الیاسی مسئول بیهوشی بود. یکی دو نفر دیگر هم بودند. تعدادی دکترهای قلب هم در اتاق حاضر بودند تا اگر احیاناً یک دفعه لازم شد، سریعاً اقدام کنند.

تختی که آقا روی آن بود، چرخدار بود. وقتی امام از اتاق عمل بیرون آمد، آقایان دفتر هم ایستاده بودند؛ آقایان امام جمارانی، توسلی و صانعی هم بودند و من هم ایستاده بودم. بعد از عمل یادم هست کسی که از همه بیشتر خوشحالی می کرد، آقای خامنه‌ای بود. چرا که عمل موفقیت آمیز بود و همه فکر می کردیم که خطر برطرف شده است. هیجان وافری بر همه حاکم بود و آقای خامنه ای بیشتر از دیگران. بابا می گفتند که ایشان همیشه به آقا می گفت: «آقا، خدا ما را قبل از شما از این دنیا ببرد».

یک حالتی بود که تا شما در چنین حالتی نباشید، نمی توانید آن را تصور کنید؛ مگر این که قدرت تصور بالایی داشته باشید. همه گلوها را از شدت خوشحالی بغض گرفته بود. هیچکس گریه نمی کرد. آدم گاهی از شدت خوشحالی گریه می کند، ولی گاهی آنقدر هیجان بالاست که گریه هم نمی توان کرد. همه در یک چنین حالتی بودند. همه همدیگر را می بوسیدند.

* برگرفته از کتاب فصل صبر، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)

* در ابتدا از زمان شـــروع آشـــنایی خودتان با حضرت امام بفرمایید.

ـ قبل از شروع مبارزات، با امام و افکار ایشان آشنا شدیم. ایشان خیلی محکم معتقد بودند به این که اکنون اسلام است که می تواند کشور را نجات بدهد. و چیز دیگری غیر از اسلام نمی تواند. و مصر بودند که مردم را علیه آمریکا و رژیم متحد کنند. و این جزو اعتقادات جدی ایشان بود و علنی هم آن را مطرح می کردند.

نکته ای که همیشـــه برای ما روشـــن بود، نظر و رفتار ایشان این بود که می گفتند احزاب و گروههایی که در حال مبارزه هستند، خوب هستند. اینها با ادبیات سیاسی خوب مبارزه می کنند، ولی آنچه که شما باید دنبال آن باشید، مردم هستند. کارتان این باشد که مردم را آگاه کنید.



آیت الله هاشمی رفسنجانی

گفتگو با آیت الله هاشمی رفسنجانی

بهترین انتخاب بعد از رحلت امام

از نظر ایشان مردم معتقد به اسلام بودند. مثلاً وقتی که بحث گروههای منافقین [در دهه ۵۰] پیش آمد، آقای طالقانی، من و کسانی که سهمی زیاد داشتیم، موافق بودیم که اینها تقویت شوند. ولی امام هیچوقت حاضر نشدند بپذیرند. ما از امام خواستیم که تأیید کنند، اما ایشان تایید نکردند. مخالفت هم نمی کردند. اشکالاتی به ذهن ایشان می رسید. دوران طولانی گذشت و آنها به انحراف رسیدند و تجزیه شدند.

بنده در سفری که به صورت قاچاقی (آقای محمد منتظری برای من تذکره ای درست کرد) به عراق و خدمت امام رفتم، به ایشان عرض کردم که پارسال هم می خواستم بیایم خدمت شما تایید کنید این ها را، ولی امسال آمدم عرض کنم که شما در نجف واقعیت را بهتر از ما تشخیص دادید. لذا حضرت امام مصداقشان مردم بود. وقتی که به ایران آمدند، هیچ وقت به چیزی غیر از مردم تکیه نکردند.

*در گریز به وجوه شخصیتی حضرت امام در تحولات مختلف انقلاب، متوجه می شویم که برخورد امام بسیار مدبرانه بود. در حوادث غیر منتظره ای که چه از بیرون و چه از داخل، بر انقلاب تحمیل شده بود؛ اگر سکانداری حضرت امام نبود، شاید شاهد سختی های زیادی در انقلاب بودیم. نیروهای انقلاب در بمب گذاری ها به شـــهادت رســـیدند و جنگ تحمیلی بر انقلاب نوپا تحمیل شـــد. سکان داری چنین انقلابی در آن شرایط سخت کار ساده ای نبود. در مواجهه با این موارد، چه چیزهایی از حضرت امام به خاطر دارید؟ و برخورد امام چگونه بود؟

ــ همان اوایل کم و بیش مدتی اخبار غیر موثق و شـــایعاتی می شنیدیم که توطئه ای در حال شکل گیری است. یکی از این توطئه ها این بود که عده ای می خواستند جماران را بمباران کنند. گویا از افراد آن گروه (وقتی که همه چیز آماده بود برای حمله) یکی موضوع شان را با مادرش در میان گذاشته بود و مادرش هم به او گفت، زود برو و مسئله را بگو. تقریباً حدود سحر خودش را به دفتر آیت الله خامنه ای در آن موقع شب رساند. من هم آنجا بودم. به هر حال ما از طریق او مسئله را فهمیدیم و معلوم شد عده ای می خواهند از همدان با فانتوم بیایند و جماران را بمباران کنند.

ما دو نفری بلافاصله رفتیم خدمت امام. از امام خواستیم که از جماران بیرون بروند. و آن شب در جماران نباشند. ایشان نپذیرفتند. فرمودند که فرض کنیم که اینها چند تا بمب از هوا انداختند و جاهایی را هم خراب کردند، بالاخره آنها باید بیایند روی زمین. روی زمین وقتی که آمدند با مردم مواجه اند. روحیه حضرت امام این جوری بود.

*وقتی شـــما از فرازهای رهبری حضـــرت امام تعریف می کنید، آن گونه که همگان شاهد آن بودیم؛ تصمیمات ایشان داهیانه، هوشـــمندانه و زیرکانه بود. حضرت امام ده ســـال پس از پیروزی انقلاب در قید حیات بودند و بعد از ایشـــان نیز رهبری انقلاب را حضرت آیت الله خامنه ای عهده دار بودند. و شما هم همچنان نزدیکترین یار و همراه ایشان بوده و هستید. تحلیل شما از این هیجده ساله اخیر از سکان داری کشتی انقلاب چیست؟

ـ اولاً خـــود حضرت امام مقدمات آن را فراهم کردند که ما به آســـانی توانســـتیم به رهبری آیت الله خامنه ای برسیم. آسان نبود. به گونه ای بود که من و خود ایشان و دیگر رفقایمان، همه به این فکر بودیم که طبق قانون اساسی شورای رهبری از سه نفر تشکیل دهیم. از آقای خامنه ای، موسوی اردبیلی و مشکینی. همه چیز را هم تنظیم کرده بودیم؛ ولی حضرت امام مقدماتی فراهم کرده بودند که رسیدن به فرد آسان شد. چون در قانون اساسی شورا بود. به هر حال آسان شد که به فرد رأی بدهیم.

وقتی که رأی مطرح شـــد، با آن چیزهایی که از امام نقل شـــد، بعضی هایش را من گفتم، بعضی هایش را آقایان دیگر گفتند؛ خبرگان قانع شد که نظر امام به ایشان بوده. و من هم می دانستم که نظر امام به ایشان است. بعد از آن که این کار را کردیم، از نظر من که نسبتاً به شرایط کشور آشنا هستم، بهترین انتخابی که ممکن بود، انجام شد.

حالا که ســـالها گذشـــته، وقتی فکر می کنـــم خیلی ها از شخصیت های بزرگ در کشور هستند، شبیه ایشان نمی بینم که با آن سوابق طولانی مبارزه و جهاد، با دانش بسیار نیرومند (ایشان بسیار با استعداد هستند و درس هم خیلی خوب خواندند و خیلی هم درس دادند) و با مدیریتی که از خودشان نشان دادند، در این مدت مجموعاً فکر می کنم خداوند ما را هدایت کرد که بهترین انتخاب را در آن موقع انجام دادیم.

امیدوار بودیم که برای آینده فکر کنیم همیشه دستمان پر باشد. هنوز من قدری تأمل دارم که به آسانی بشود کسی جای آیت الله خامنه ای را پر بکند. البته خداوند این انقلاب را خوب حفظ می کند. بعد از امام هم ما این نگرانی را داشتیم و شخصیت های بزرگی هم در کشور هستند. نمی شود هیچ وقت مأیوس بود؛ اما انصافا بهترین انتخاب بود و از خودمان به خاطر این کاری که کردیم راضی هستیم.

*تأکید حضرت امام همواره به مردم و نقش آنها بود. انصافاً چه در انقلاب و چه در اداره کشور، وقتی به تاریخمان نگاه می کنیم، در این ۲۸ ســـاله مردم بودند. هم در آن دوره امام به خصوص بر روی جوانان تاکید داشتند و امروز هم برای مجموعه نظام جوانان و نوجوانان فوق العاده مهم هستند. برای نسل امروز و آنهایی که در قبل از انقلاب شاهد شکل گیری انقلاب و حوادث مهم آن بودند،بفرمایید که اکنون انقلاب و کشور ما در کجای این دنیای پر تلاطم و پر از تحول قرار دارد؟ به ویژه این که ما در مسیر یک برنامه خیلی مهم و تدوین شده برای ایران سال ۱۴۰۴ قرار داریم.

ـــاز شروع مبارزات، ما با کارشکنی خارجی ها و همچنین کسانی که در داخل اســـلام را قبول نداشـــتند، مواجه بودیم. بعد از پیروزی انقلاب هم هیچوقت ما را راحت نگذاشتند، اما با هوشیاری امام، با آن رفراندومی که برگزار کرد، با آن قانونی که نوشته شد، با رهبری امام و نیروهای خوبی که در انقلاب حضور داشتند؛ اعم از جوان‌ها و نیروهای متعهد، بر همه این توطئه‌ها غلبه کردیم. آنها فکر می‌کردند که با کودتا مسئله را حل می‌کنند که کودتا هم برای آنها مشکل درست کرد و عواملی را هم که در داخل کشور داشتند نیز از دست دادند. جنگ را شروع کردند. ارتش مجهز صدام که در مقابله با ایران تجهیز کردند؛ شوروی، غربی ها، منافقین، ارتجاع منطقه همه پشت سر صدام رفتند و فکر می‌کردند که می‌توانند خوزستان را بگیرند و ایران با رفتن خوزستان از پای در می‌آید.

بعد از شکســـت این حربه هم انواع توطئه‌ها و تحریم ها را به راه انداختند. حالا هم که به خیال خودشـــان مجهز تر و آماده تر دارند می آیند سراغ ما. اما وضع ما از گذشته خیلی بهتر است. ما آن روز چی داشـــتیم؟ امروز نیروهای مسلح با قدرت فراوان داریم. آن روزها ما چیزی در اختیارمان نبود. امکانات کشـــور وابسته بود. الان اکثر نیازهایمان در داخل کشور تامین می شود. مدیران تربیت شده در همه صحنه ها داریم. مردم ما آگاه ترند. خیلی امکانات داریم که در گذشته نداشتیم.

من ایران را نسبت به اوایل انقلاب به مراتب نیرومندتر می بینم. آمریکا و دوستانشان قوی تر از گذشته نیستند. آنموقع آنها درباری ها، منافقین، گروهکها را در داخل داشتند،الان ندارند. لذا ایران نسبت به گذشته بسیار نیرومند تر است. الان هم با ما مسئله خاصی دارند، که مسئله هسته ای ست که بعبارتی یکی از هسته های اصلی توسعه بیست ساله و آینده ایران است. و دنیا را هم سر این مسئله دارند علیه ما تجهیز می کنند. یعنی آنها دیدند که ایران دارد از لحاظ توسعه به یک جای غیر قابل برگشتی می رسد. ما درست در مرز این مسئله هستیم و شاید هم از مرز عبور کردیم که به این نقطه رسیدیم. آنها که نمی توانند مثلاً بگویند که ایران چرا اینقدر دانشجو، اینقدر دانش، اینقدر استاد دارد ولی وقتی که می گویند ایران دارد از تروریست ها حمایت می کند و به مسائل هسته ای هم دست یابی پیدا می کند و امثال این شعارها، توانستند قدرتهای زیادی را با خودشان همراه کنند. ولی اشتباه می کنند. همه این کارها ممکن است که ما را به زحمت بیاندازد اما خودشان هم به زحمت می افتند. آنها برای ما جنگ روانی ایجاد کردند و ما را به زحمت انداختند ولی من مطمئن هستم که ما باز هم پیروز از این معرکه در می آییم. البته به شرط اینکه درست رفتار کنیم خداوند به هیچکس چک سفید امضا نمی دهد.

* آذر ماه ۵۷ از حبس رژیم طاغوت آزاد شدید. در تصاویری که از ورود حضرت امام مشاهده می کنیم، حضرتعالی در نزدیکی های حضرت امام نبودید. آن موقع شـــما چه کار می کردید و در کجا بودید؟

ـ من اول فکر می کردم که حالا که از زندان آزاد می شـــوم، وقت هایم را صرف تکمیل کارهای قرآنی کنم که به چاپ برسانم. ولی دو سه روز گذشت دیدم نمی شود، دوباره وارد همان کارهای قبلی مان شدیم و همکاری مان را با دوستانمان مجدداً شروع کردیم. تقریباً همه وقتم با جمعی از دوستان، صرف هدایت مبارزه می شد. حتی من به پاریس نرفتم. این همه که امام را دوست داشتم، آنجا هم گاهی امام از احمد آقا می پرسید که فلانی چرا نمی آید؟ من گفتم یک وقت مناسبی می آیم.

آنقدر امام را دوســـت داشـــتم که یک وقتی در زمان صدام به عراق به صورت قاچاقی رفتم، که می توانســـت خطر مرگ داشـــته باشد. البته کاری هم با امام داشتم. پاریس هم نرفتم. همه وقتم صرف مبارزه می شد.از طرفی هم تمایل نداشتم که خودم را نشان بدهم و یا در سخنرانی و... البته می شد در خیلی از جاها آدم ظهور بکند؛ به خصوص در آن روزها، خیلی کم ظاهر می شدیم. مثلاً وقتی که تحصن در دانشگاه تهران کردیم، در مسجد دانشگاه سخنرانی کردم. البته قبلاً با سخنرانی مبارزه می کردیم. وقتی که امام هم آمدند اگر بنا بود کسی برود در هواپیما به استقبال امام و یا کنار ایشان بایستد توقع امام این بود که ماها باشیم دیگر.

امام از همان جا من را به عنوان عضو شورای انقلاب تعیین کرده بودند یا به عنوان کسی که قضیه مصرف داخلی نفت را حل کنـــم. روابـــط مان در این حد محکم بود من عقب جمعیت که امام حرف می زد ایستاده بودم و کنترل می کردم نگران بودیم. امام آمده بودند در کشـــوری که حاکم آن دشـــمن ایشان است. و هر خطری می شد اتفاق بیفتد.

آن لحظه ای که خبر مفقود شـــدن امام به ما رســـید؛ من و آیت الله بهشتی، آیت الله موسوی اردبیلی نرفته بودیم بهشت زهرا. تا میدان آزادی آمدیم دیدیم همه چیز به هم خورد، نظم دیگر نیست؛ آمدیم خانه آقای اردبیلی نشستیم با تلفن اوضاع را کنترل می کردیم. بعد از این خبر دو سه ساعت خیلی سخت گذشت. خیلی تلاش کردیم اوایل شب بود که به ما اطلاع دادند که ایشان در منزل یکی از بستگانشان است. خیالمان راحت شد. شرایط شرایطی نبود که آدم بخواهد خودش را مطرح کند. اواخر شب ایشان به مدرسه رفاه آمدند. دیگر خیلی دیر بود ما نخواستیم مزاحم ایشان شویم صبح به خدمت ایشـــان رفتیم. وقتی وارد اتاق شدم با کلمه محبت آمیز گفتند: کجا بودی؟ این مدتی که ما اینجا بودیم ترا ندیدیم. عرض کردم کارهایی هست که شما ترجیح می دهید ما آنجا باشیم.

* حضرت امام ابتدا میل نداشتند روحانیون وارد گرداندن امور حکومتی شوند؟

گرداندن نه! در مورد امور اجرایی ایشان چنین نظری داشتند. وقتی که ایشان شورای انقلاب را تأسیس کردند، پنج نفر را انتخاب کردند. هر پنج نفر روحانی بودند؛ آیت الله مطهری ،آیت الله موسوی اردبیلی، دکتر باهنر، آیت الله طالقانی (احتمالاً) و من. گفتند هر کسی را که بخواهند اضافه کنند، این پنج نفر پیشنهاد بدهند و امام تصویب بکنند.

بقیه در صفحه۵



رهبری امام خمینی و نقش مردم در انقلاب اسلامی




استاد شهید مرتضی مطهری

نهضتی که روستائی و شهری، کارگر و کشاورز، دانشجو و استاد، وکیل و کارمند، همه و همه در آن شرکت دارند؛ اساساً غیر از مذهب و آن هم مذهبی مانند اسلام، کدام نیرو می تواند این چنین انقلابی را به وجود بیاورد؟

من به تدریج این امید در دلم زنده می شود که این انقلاب به ایران محدود نمی ماند، هفت صد میلیون مسلمان را در بر خواهد گرفت و چه افتخاری برای ایران خواهد بود که یک انقلاب اسلامی از ایران شروع بشود و تمام کشورهای اسلامی را زیر نفوذ خودش بگیرد، که مطمئناً خواهد گرفت.

از قراری که به من اطلاع داده اند، چند روز پیش، کارتر به آیت الله خمینی (ره) راجع به بختیار اخطار کرد که هر دو ابرقدرت بر روی این دولت توافق دارند و شما حساب کار خودتان را بکنید. اما این مرد بزرگ اعتنائی به این تهدید نکرد.

من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم، دوستانم پرسیدند چه دیدی؟ گفتم چهار تا «آمن» دیدم.

آمن بهدفه؛ به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود نمی تواند او را از هدفش منصرف کند.

آمن بسبیله؛ به راهی که انتخاب کرده ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راهش داشت.

آمن بقوله؛ در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم، احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می کنند که آقا کمی یواشتر، مردم دارند سرد می شوند، مردم دارند از پای در می آیند؛ می گوید نه مردم اینجور نیستند که شما می گویید. من مردم را بهتر می شناسم و ما همگی می بینیم که روز به روز صحت سخن ایشان بیشتر آشکار می شود.

و بالاخره بالاتر از همه آمن بربه؛ در یک جلسه خصوصی ایشان به من می گفت فلانی این ما نیستیم که چنین می کنیم. من دست خدا را به وضوح حس می کنم. آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می کند و در راه خدا قدم برمی دارد، خدا هم به مصداق ان تنصروا الله ینصرکم بر نصرت او اضافه می کند. یا آن چنان که در داستان اصحاب کهف مطرح می شود، قرآن می گوید آنها جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و به او اعتماد و تکیه کردند، خدا هم بر ایمانشان افزود (۱). آنها برای خدا قیام کردند و خدا هم دل های آنها را محکم کرد. (۲)

این چنین هدایت و تأییدی را من به وضوح در این مرد می بینم. او برای خدا قیام کرده و خدای متعال هم قلبی قوی به او عنایت کرده است که اصلاً تزلزل و ترس در آن راه ندارد. اطباء فرانسه که اخیراً این پیرمرد هشتاد و چند ساله را که لااقل پانزده سال است دچار جنگ اعصاب و ناراحتی روحی است و اخیراً هم جوانی آن چنان برومند را از دست داده، معاینه کردند، نظر دادند قلب او نظیر قلب یک جوان بیست ساله است. او که در راه خدا قدم برداشته، آنچه را قرآن وعده داده است به تجربه دریافته.

قرآن وعده داده است که برای خدا قیام کنید، برای خدا عمل کنید، آن وقت عنایت خدا را می بینید. اگر توی خانه ات بنشینی خدا را نمی بینی. اگر ساکت باشی، عنایت خدا را نمی بینی. برای خدا حرکت کن، آن وقت است که خدا را و عنایت او را می بینی. آدمی که به امید خدا و برای خدا حرکت کرده، از تهدید آمریکا، حتی اگر شوروی را هم ضمیمه اش کنند، هیچ ترسی به دل راه نخواهد داد. در مورد این مرد بزرگ، یکی دیگر از خصوصیاتش را بگوییم؛ شاید شما باورتان نشود این مردی که روزها می نشیند و این اعلامیه های آتشین را می دهد، سحرها اقلاً یک ساعت با خدای خودش راز و نیاز می کند و آن چنان اشک هایی می ریزد که باورش مشکل است.

این مرد، درست نمونه علی (ع) است. درباره علی (ع) گفته اند که در میدان جنگ به روی دشمن لبخند می زند و در محراب عبادت از شدت زاری بیهوش می شود و ما نمونه او را در این مرد می بینیم.

پی نوشت:

۱ـ انهم فتیه آمنوا بربهم و زدناهم هدی، کهف ۱۳

۲ـ و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات و الأرض، کهف ۱۴

منبع:

کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی»

گفتگو با آیت الله هاشمی رفسنجانی

بهترین انتخاب بعد از رحلت امام

بقیه از صفحه۴

معنای این حرف این است که در بین این همه نیروهایی که مبارزه می‌کردند، گردانندگی کار را بر عهده روحانیت گذاشتند و بعد یکی از پیشنهادهایی که ما دادیم آیت‌الله خامنه‌ای مشهد بودند. در آنجا خیلی مؤثر بودند چون مشهد مهم بود ولی گفتیم که ایشان در سطح ملی کار کنند. آیت‌الله مهدوی کنی و کم کم افراد دیگر را هم معرفی کردیم.

غیر روحانی‌ها را ما پیشنهاد کردیم و امام پذیرفتند. بالاخره شورای انقلاب همه کاره کشور بود اما در مورد امور اجرایی بله نظر امام این بود که بهتر است روحانیت در امور اجرایی نباشد و گاهی هم تاکید می‌کردند که اگر مجلس تشکیل می‌شود کار روحانیت در مجلس باشد. منتها شرایط به گونه‌ای بود که بعد ایشان به این نتیجه رسید که نمی‌شود روحانیت را اینگونه خیالشان را راحت کنیم و مسوولیت‌ها را به دیگران بدهیم و بعد مثلاً حیثیت روحانیت محفوظ بماند. این جا جای فداکاری بود که روحانیت بایست وارد شود و لذا حتی در کمیته‌های انقلاب که سخت‌ترین کار آن موقع بود آقایان علما وارد شدند. کمیته چی شدند و اسلحه و...

* رابطه خیلی عمیقی بین شما و حضرت امام بوده و خودتان هم فرمودید چند بار به ویژه نامه‌ای که شما در مورد بنی صدر جنابعالی نوشتید، یک جاهایی می‌بینیم که لحن نامه‌ای که شما نوشته‌اید به حضرت امام، لحنی است که از آرامش کمی فاصله می‌گیرد و کمی تند می‌شد. توضیحی بفرمایید.

ـ مسئله بنی صدر و ریاست جمهوری از مواردی بود که بین مجموعه روحانیون حزب جمهوری اختلاف نظر پیش آمد. آقای بنی صدر از همرزمان ما در خارج بودند و ما هم در داخل بودیم وقتی هم که آمدند نهضت آزادی مخالف بود که ایشان بیاید در شورای انقلاب ما او را آوردیم و به امام معرفی کردیم آنها خودشان جبهه ملی و نهضت آزادی با هم تعارض داشتند. مدتی که با ایشان کار کردیم به این نتیجه رسیدیم که ایشان مناسب نیست علی رغم دوستی و همکاری که داشتیم ما پیشنهادمان آقای دکتر بهشتی بود که ایشان برای انتخابات نامزد شوند. امام موافقت نکردند، فرمودند روحانی نیاید. برای همین ما اختلاف نظر داشتیم.

یک بار من و آیت‌الله‌خامنه‌ای با هم از تهران به قم رفتیم خدمت امام. آن موقع امام در قم بودند. آن منزل بیرونی و اندرونی داشت که وسط آن هم یک راهرو بود. ما شب رسیدیم. گفتند که شب ملاقات نمی‌شود. ما رفتیم و گفتیم که ما حتماً باید امام را ببینیم. با اصرار من ایشان نیامدند توی بیرونی. می‌دانستند ما چه کار داریم. آمدند توی همین راهرو وسط نشستند و ما رفتیم خدمت ایشان. خب استدلال های ما را ایشان نپذیرفتند. فرمودند نه، من موافق نیستم. هیچ وقت چرای آن را هم از ایشان نپرسیدیم. ما در حقیقت شکست خوردیم. آقای جلال الدین فارسی را هم که گفتند افغانی است و نتوانست بیاید. من مسؤولیت وزارت کشور را داشتم و گفتم که من نظرم در مورد آقای فارسی غیر از این است؛ ولی چون امام می‌فرمایند، ما تسلیم هستیم.

پنج نفری مان رفتیم قم؛ تا بالاخره تلاش کنیم که کار منحصر نشود به اینکه دست بنی صدر بیفتد. جلسه عجیبی است آن جلسه. وقتی که فهمیدند ما می‌آییم رفتند خانه آقای اشراقی. ما رسیدیم گفتند که ایشان نیستند. گفتیم که ایشان هر کجا که هستند، ما می‌رویم همان جا. رفتیم آنجا و رفتیم بالا نشستیم؛ گفتند که ایشان الان خسته‌اند، نمی‌آیند بالا. دیگر گستاخی‌های من شروع می‌شود؛ از آنجایی که من با امام خیلی صریح بودم، گفتم که بگویید اگر ایشان نیایند، ما می‌آییم پایین، بگویید خانم‌ها نباشند، ما می‌خواهیم بیاییم پایین.

روابط من با امام به گونه‌ای بود که نگرانی نداشتم که امام از من برنجد. احمد آقا رفتند گفتند و امام آمدند بالا. وقتی آمدند قیافه خیلی جدی و رسمی گرفته بودند که حرف ما را قبول نکنند. من صریح با ایشان حرف زدم. گفتم به هر حال ما ۱۸ ـ ۱۷ سال مبارزه کردیم و شرایط را شاید بهتر از شما بدانیم. و حالا هم آنچه که ما بیرون می بینیم با آنچه که به شما گزارش می دهند فرق می کند.

ایشان یک نگاهی به من کردند، فرمودند میدانی با کی داری حرف می زنی؟! وقتی که ایشان این را فرمودند، من بغضم ترکید و با صدای بلند گریه کردم. حالت غیر مترقبه ای بود. ایشان بلند شدند، من هم بلند شدم. خیلی گرم مرا بوسیدند. گفتند من نمی‌دانستم تو گریه ای هستی. دوباره نشستند. من ادامه دادم من از اینکه شما حرف ما را قبول نکنید، ناراحت نشدم، بلکه از این ناراحت شدم که ما شما را از وقتی که می شناختیم، شما قاطع اید. و قاطعیت شما هم به نفع نظام است ولی در مقابل هم تابع منطق هستید. اینجوری که الان می‌بینم، برای من خیلی غیر مترقبه بود و ناراحت شدم.

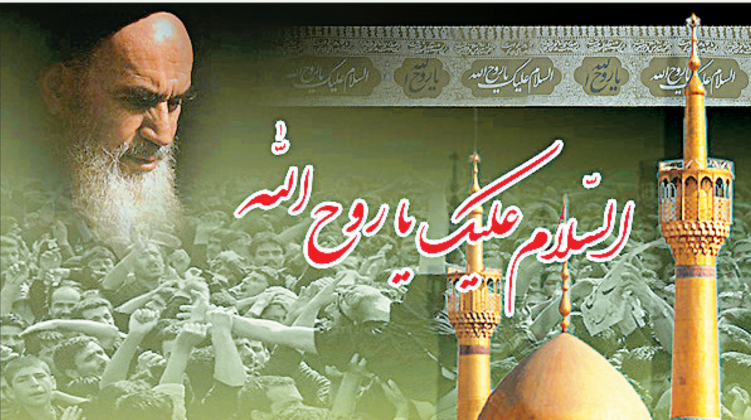
بعد ایشان قدری ملاطفت کردند. بالاخره پنج نفری هم نتیجه نگرفتیم. بعداً احمد آقا به من گفتند که آن شب برای ما خیلی سخت گذشت. به هر حال ایشان تصمیم گرفتند، ما هم پذیرفتیم و انتخابات آن جوری برگزار شد و به آنجا رسید که می‌دانید. در این چند ماه که بنی‌صدر رئیس‌جمهور بود، آن قدر سند به وجود آمد، ولی امام نمی‌خواست رئیس جمهوری که با اکثریت رای آورده، نتواند کارش را تمام کند. دو تا نامه است. یک نامه را ما پنج نفری نوشتیم؛ آن مربوط می‌شود به آن زمانی که امام در بیمارستان قلب بودند و قضیه بنی‌صدر و تنفیذ و اینها آنجا انجام شد.

البته نامه را من نوشتم خط من هم هست ولی هر پنج نفر امضا کردیم به من دادند گفتند تو بده به امام. رفتیم بیمارستان خدمت امام تا نامه را بدهیم. وقتی امام را دیدم گفتم که حالا ما بیاییم در این شرایط به ایشان نامه اعتراضی هم بدهیم مصلحت نیست. و ندادم.

بیرون که آمدیم آقایان به من اعتراض کردند دیگر قضایا تمام شد و... یک سال تقریباً گذشت. مسائل بر همان در و همان پاشنه بود که من این بار دیگر پشیمان شدم که چرا آن نامه را ندادم. یک نامه دیگر خودم نوشتم. دو تا را با هم رفتم دادم خدمت امام. ایشان هم محبت کردند. به نظرم خیلی مؤثر بود.

از ارتحال امام تا تعیین رهبری

تهیه: مرکز اسناد انقلاب اسلامی



با رحلت امام خمینی (ره) طیف وسیع دشمنان اسلام این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدید آورنده و پرورانندهٔ خود نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودکی بی صاحب،احساس ضعف و درماندگی کند یا به کلی از پای درآید و یا به ناچار به دامان این و آن پناه برد .

در محاسبات تنگ نظرانه دشمنان – که همه بی استثنا اسیر محاسبات صد در صد مادی بود و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی نصیبند – نمی گنجد که معجزه الهی در طلیعه قرن پانزدهم یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوباره ارزشهای اسلامی ، آن قله مرتفعی باشد که دست آلوده بندگان هوا و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بماند.

خردادماه نزدیک می شد و مستکبران عالم و دستگاه های تبلیغاتی و شایعه پراکنی شان در پی سم پاشی و انحراف افکار عمومی و تبلیغات مستمر برای نظام کفر بودند . به دنبال شدت گرفتن بیماری حضرت امام خمینی و بستری شدن ایشان در بیمارستان ، دشمن به دنبال اجرا کردن پروژه ای از پیش تعیین شده بود تا بتواند انقلاب را پس از رحلت امام به بیراهه بکشاند . این پروژه از مدتها قبل به وسیله موج تبلیغاتی و حرکات مشکوک آنها در نقاط مختلف جهان آغاز شده بود.

روزنامه " فایننشال تایم " چاپ لندن در تاریخ ۳ خرداد ماه ۱۳۶۸ یعنی یازده روز پیش از رحلت امام (ره) نوشت : «با رحلت آیت الله خمینی شکاف بزرگی در رأس سیستم سیاسی ایران ایجاد خواهد شد ، بیانیه های رسمی و نیز گزارشهای رسانه های خبری ایران حاکی از آن است که پر کردن این شکاف امکان پذیر نخواهد بود . » (۱)

بدین ترتیب پیداست که پروژه از پیش تعریف شده بیگانگان برای ایران پس از رحلت امام (ره) یک امر قطعی بوده و در حقیقت آنان درصدد بودند تا از مدت ها قبل از آن با ایجاد جنگ روانی و تأثیر بر افکار عمومی ، مردم انقلابی ایران را آماده شرایطی کنند که دلخواه آنان است که این شرایط همانا چیزی جز خارج شدن انقلاب از مسیر اصلی و صحیح خود ، نبود .

رادیو بی بی سی در این باره اعلام کرد: «خلایی را که درگذشت آیت‌الله خمینی در سطح رهبری ایران به وجود آورده، مشکل می‌توان جبران کرد.»(۲) در همین حال رادیو آمریکا نیز ضمن نشان دادن شادی و شعف خود در این باره می‌گوید : «مرگ آیت‌الله خمینی قطعا به بی ثباتی عظیمی در ایران منجر خواهد شد و برخی پیش بینی می‌کنند که این وضع احتمالا شعله یک جنگ داخلی را در ایران خواهد افروخت.» (۳)

اما خوابی که دشمنان خارجی برای ایران دیده بودند این بود که گروه های داخلی را به اغتشاش و جنگ داخلی و منازعه بر سر قدرت و سهم خواهی در حکومت بکشانند تا در این معرکه منافقین از فرصت استفاده کرده و بتوانند با انجام عملیات نظامی در ایران قدرت را در دست بگیرند .

سرکرده منافقین در گردهمایی نیروهای نظامی خود در ۷ خرداد ماه ۱۳۶۸ گفته بود : " نیروهای نظامی سازمان ، باید برای شرایط مرگ [امام] خمینی آماده باشند . مرگ [امام] خمینی به عنوان بالاترین نقطه آمادگی در مردم ایران برای استقبال از عملیات نظامی ما خواهد بود. " (۴) روزنامه الشرق الاوسط وابسته به آل سعود نیز در ۱۴ خرداد ۶۸ نوشت: "چریکهای مسعود رجوی که از حمایت عراق برخوردارند طرحهایی را برای انجام یک تهاجم عمده در طول مرزها به فاصله چند ساعت پس از رحلت آیت‌الله خمینی تدارک دیده‌اند. " (۵) بنی صدر خائن نیز به عنوان یکی از داعیه داران حکومت آینده ایران پس از رحلت امام خمینی از احتمال بازگشت خود به ایران خبر داده و می‌گوید: " درگذشت [امام] خمینی این مسأله را محتمل می‌کند که وی [بنی صدر] به زودی به کشور بازگشته و احتمالا وارد دولت شود . " (۶)

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در تشریح اوضاع آن زمان و توطئه های دشمنان برای پس از رحلت امام خمینی (ره) ، به شعور و تقوای مردم و معجزه الهی در خنثی نمودن این توطئه ها اشاره می کنند و می فرمایند:

" با رحلت امام خمینی (ره) طیف وسیع دشمنان اسلام – که در صفوف مقدم معارضه با جمهوری اسلامی بودند – این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدید آورنده و پرورانندهٔ خود نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودکی بی صاحب ، احساس ضعف و درماندگی کند یا به کلی از پای درآید و یا به ناچار به دامان این و آن پناه برد . در محاسبات تنگ نظرانه دشمنان – که همه بی استثنا اسیر محاسبات صد در صد مادی بود و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی نصیبند – نمی گنجد که معجزه الهی در طلیعه قرن پانزدهم یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوباره ارزشهای اسلامی ، آن قله مرتفعی باشد که دست آلوده بندگان هوا و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بماند . " (۷)

طلوع آفتابی دیگر اما حضور ده میلیون عزادار در مراسم تشییع و خداحافظی با امام خمینی (ره) وفاداری و عشق و شور مردم به امام و حفظ آرمانها و دستاوردهای او را نشان داد . مجلس خبرگان نیز در آن مقطع توانست با اجلاس فوق العاده خود با سرعت و درایت کامل انقلاب اسلامی را صاحب سکانداری امین ، با تقوا ، با درایت ، شجاع و مدیر نماید و بدین ترتیب حتی یک روز هم انقلاب و ملت بدون رهبر و مقتدا نماند تا توطئه های دشمنان به کلی نقش بر آب شود . به این ترتیب پیش از به پایان رسیدن دوره دوم ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه ای مسئولیت رهبری انقلاب را به دوش گرفتند و با غروب نمودن آفتاب عمر امام،خلف و شاگرد صالح او به انقلاب گرمی و روشنی بخشید .

حضرت آیت الله خامنه ای ، رهبر انقلاب اسلامی با تشکیل جلسه مجلس خبرگان رهبری که پس از رحلت حضرت امام و به صورت اضطراری تشکیل شد، ابتدا بحث بر سر شورای رهبری بود که در این زمینه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با آن موافق بودند، ولی چون اکثریت با آن موافق نبودند این مسأله از دستور کار خارج شد و بحث رهبری آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد.

مقام معظم رهبری از ابتدا با پذیرش این مسئولیت مخالف بودند و حتی در مجلس خبرگان رهبری مرتب برای اعضای مجلس که معتقد به شایستگی ایشان برای رهبری بودند استدلال می‌آوردند و این مسئولیت را به دیگران محول می‌کردند.

مقام معظم رهبری چند ماه مانده به پایان دوره دوم ریاست جمهوری، خود را برای ترک این مسئولیت آماده کرده بودند. ایشان در این باره می گویند : قبل از رحلت حضرت امام که دوران ریاست جمهوری در حال اتمام بود، دست و پایم را جمع می کردم . مکرر مراجعه می کردند و بعضی از مشاغل را پیشنهاد می نمودند .

آدمهای بی مسئولیت ، این مشاغل را پیش خودشان ، به قد و قواره ی من بریده و دوخته بودند! ولی من گفتم که اگر یک وقت امام به من واجب کنند و بگویند شما فلان کار را انجام دهید. چون دستور امام تکلیف است و برو برگرد ندارد، آن را انجام می‌دهم. اما اگر تکلیف نباشد – و من از امام خواهش خواهم کرد که تکلیفی به من نکنند تا به کارهای فرهنگی بپردازم – دنبال کارهای فرهنگی می‌روم. (۸)

مقام معظم رهبری که تا آن زمان همه مسئولیت‌های محوله به خود را به حکم تکلیف پذیرفته بودند ، نتوانستند در برابر استدلال های اعضای مجلس خبرگان دلیلی اقامه نمایند ، در نتیجه این کار به ثمر نشست و تقدیر الهی جاری شد و انقلاب به دست رهبری با کفایت وحکیم رسید . حضرت آیت الله خامنه ای درباره شرایط آن زمان و چگونگی انتخاب شدنشان به رهبری می گویند : "آنچه که در خصوص تعیین رهبر واقع شد و بار این مسئولیت ، بر دوش بنده کوچک ضعیف حقیر گذاشته شد ؛ برای خود من حتی یک لحظه و یک آن از آنات گذشته ی زندگی ، متوقع و منتظر نبود .

اگر کسی تصور کند که در طول دوران مبارزه و بعدا در طول دوران انقلاب و مسؤولیت ریاست قوه ی اجرایی ، حتی یک لحظه در ذهن خودم خطور می دادم که این مسؤولیت به من متوجه خواهد شد ، قطعا اشتباه کرده است . من ، همیشه خودم را نه فقط از این منصب بسیار خطیر و مهم ، بلکه حتی از مناصبی که به مراتب پایینتر از این منصب بوده است – مثل ریاست جمهوری و دیگر مسؤولیتهایی که در طول انقلاب داشتم – کوچکتر می دانستم .

یک وقتی خدمت امام (قدس سره) این نکته را عرض کردم که گاهی نام من در ردیف بعضی از آقایان آورده می شود ؛ در حالی که در ردیف آنها نیستم و من یک آدم کوچک و بسیار معمولی هستم. نه این که بخواهم تعارف کنم . الان هم همان اعتقاد را دارم. بنابراین ، چنین معنایی اصلا متصور نبود.

البته در آن ساعات بسیار حساسی که سخت ترین ساعات عمرمان را گذراندیم و خدا می‌داند که در آن شب شنبه و صبح شنبه چه بر ما گذشت؛ برادرها از روی مسؤولیت و احساس وظیفه ، با فشردگی تمام ، فکر و تلاش می‌کردند که چگونه قضایا را جمع و جور کنند، مکرر از من به عنوان عضو شورای رهبری اسم می‌آوردند ، که البته در ذهن خودم آن را رد می‌کردم ؛ اگر چه به نحو یک احتمال برایم مطرح می‌شد که شاید واقعا این مسئولیت را به من متوجه کنند.

در همان موقع، به خدا پناه بردم و روز شنبه، قبل از تشکیل مجلس خبرگان، با تضرع و توجه و التماس، به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا ! تو که مدبر و مقدر امور هستی؛ چون ممکن است به عنوان عضوی از مجموعه‌ی شورای رهبری ، این مسئولیت متوجه من شود ؛ خواهش می کنم اگر این کار ممکن است اندکی برای دین و آخرت من زیان داشته باشد ، طوری ترتیب کار را بده که چنین وضعیتی پیش نیاید . واقعا از ته دل می‌خواستم که این مسؤولیت متوجه من نشود .

بالاخره در مجلس خبرگان ، بحثهایی پیش آمد و حرفهایی زده شد که نهایتا به این انتخاب منتهی شد. در همان مجلس، کوشش و تلاش و استدلال و بحث کردم تا این کار انجام نگیرد؛ ولی انجام گرفت و این مرحله گذشت. من ، همین الان خودم را یک طلبه معمولی و بدون برجستگی و امتیازی خاص می‌دانم ؛ نه فقط برای این شغل با عظمت و مسؤولیت بزرگ ، بلکه – همان طور که صادقانه گفتم – برای مسؤولیت‌های به مراتب کوچکتر از آن ، مثل ریاست جمهوری و کارهای دیگری که در طول این ده سال داشتم. اما حالا که این بار را روی دوش من گذاشتند ، با قوت خواهم گرفت ؛ آن چنان که خدای متعال به پیامبرانش توصیه فرمود: «خذها بقوه».

برای این مسئولیت، از خدا استمداد کردم و باز هم استمداد می‌کنم و هر لحظه و هر آن ، در حال استمداد از پروردگار هستم تا بتوانم این مسؤولیت را در حد وسع خودم – که تکلیف هم بیش از وسع نیست – با قدرت و قوت و حفظ شأن والای این مقام ، حفظ کنم و انجام بدهم. این، تکلیف من است که امیدوارم ان شاءالله مشمول لطف و ترحم الهی و دعای ولی عصر (عج) و مؤمنین صالح باشم.

در این زمینه باید اشاره نمود که حضرت امام خمینی با روشن بینی الهی خود از مدتها قبل شایستگی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری را به اطرافیان گوشزد کرده و بحث رهبری ایشان در آینده را مطرح نموده بودند.

حجت الاسلام والمسلمین، مرحوم حاج سیداحمد آقا خمینی (ره) نقل می‌کنند : وقتی که آیت‌الله خامنه‌ای در سفر کره (شمالی) بودند، امام گزارشهای آن سفر را از تلویزیون می‌دیدند. آن منظره‌ی دیدار از « کره»، استقبال مردم و سخنرانیها و مذاکرات در آن سفر خیلی جالب بود و امام گفته بودند ، الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند. (۹)

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی نیز یک نمونه دیگر از اشارات حضرت امام را بیان می‌کنند: در جلسه‌ای با حضور سران سه قوه ، آقای نخست وزیر (موسوی) و حاج احمد آقا در محضر امام بحث شد . حرف ما با حضرت امام این بود که اگر این قضیه اتفاق بیفتد (۱۰) ما بعداً با قانون اساسی مشکل داریم ؛ زیرا ممکن است خلاء رهبری پیش بیاید . ایشان گفتند : « خلأ رهبری پیش نمی‌آید و شما آدم دارید . » گفتم : « چه کسی؟ » ایشان در حضور آقای خامنه‌ای گفتند : « این آقای خامنه‌ای » (۱۱)

خانم زهرا مصطفوی دختر گرامی حضرت امام (ره) می‌گویند: من مدتها قبل از برکناری قائم مقام رهبری شخصا، از محضر امام درباره رهبری پرسیدم. ایشان از آیت‌الله خامنه‌ای نام بردند و پرسیدم که آیا شرط مرجعیت و اعلمیت در رهبری لازم نیست؟ ایشان نفی کردند از مراتب علمی ایشان پرسیدم صریحا فرمودند که (ایشان اجتهادی را که برای ولی فقیه لازم است ، دارد) . (۱۲)

پی نوشت:

۱– ماهنامه پاسدار اسلام ، شماره ۹۱
۲–روزنامه رسالت ۶۸/۳/۱۶
۳–ویژه نامه جمهوری اسلامی ، ۶۸/۴/۲۱ ، ص ۴۰
۴–ماهنامه پاسدار اسلام ، شماره ۹۱
۵–ویژه نامه جمهوری اسلامی ، ۶۸/۴/۲۱ ، ص ۴۰
۶–پیشین
۷–روزنامه اطلاعات ، ۱۵,۴,۶۸
۸–حدیث ولایت ، جلد دوم ، ص ۴۱
۹–روزنامه رسالت ، ۶۸/۳/۱۶
۱۰–قضیه عزل آقای منتظری از قائم مقامی رهبری توسط حضرت امام خمینی (ره)
. ۱۱–ویژه نامه جمهوری اسلامی ، ۶۸/۳/۲۰
۱۲–پیشین ، ۷۶/۹/۲



امام خمینی وادبیّات پایداری

رضا عیسی‌نیا

مقدّمه:

ادبیات پایداری امام خمینی(ره) را می توان درچهارعنوان اصلی زیرمورد مداقه قرارداد.عناوینی که ازسوال اصلی‌یی چون: مقومات ادبیات پایداری امام خمینی چیست؟ وسوالات فرعی همچون: "دگر" ادبیات پایداری امام و ویژگی‌های آن چیست؟مبانی ادبیات پایداری امام چیست؟ مؤلفه های ادبیات پایداری امام از چه چیزها تشکیل شده است؟ موانع ادبیات پایداری امام چه می تواند باشد؟و.... نشات می گیرند. وفرضیه تحقیق این است که مقوّمات ادبیات پایداری امام درحوزۀ معرفتی ثقلین محوری ودرحوزه عملی، توأمان بودن مقاومت رهبر وپیروان است.

همچنین پژوهش ما این مباحث را دربرنمی گیرد که سبک امام خمینی در ادبیات شعری "نظم" چگونه بوده است یا سبک ایشان درنثرچگونه است واین که امام تا چه اندازه تأثیردرادب فارسی روزگارداشته ویا سهم امام خمینی درشکوفایی واستمرار ادبیات پایداری به معنای خاصش درچه میزانی بوده است؟

پژوهش ما نمی خواهد بگوید که آثار امام از دو بخش نظم و نثر تشکیل یافته که مثلاً؛ در نظم ازنظرادبی (که مباحثی چون سبک شناسی تنوع شعری، صنایع بدیعی آرایه‌های معانی، بیان وعروض را دنبال می‌کند) این چنین اســـت ویا درســـبک شناســـی آیا سبک شعری ایشان عراقی کنونی است ویا تنوع شعری سروده‌های امام آیا درقالب‌های مسمط، ترجیع بند، غزل، قطعه، رباعی وتک بیتی خلاصه می‌شود. یا بگوییم که نثرامام- یعنی خطابه‌ها، پیام‌ها و کتاب‌های ایشان ــ برسبک نثرمرسل ساده با رگه‌هایی از نثر مسجع است.(پژوهشی در شیوه‌های ادبی آثارامام خمینی).

۱- "دگر" ادبیات پایداری امام

امروز گفته می شود که نه تنها باید پدیده‌ها رابه واسطه اضدادشان تعریف کرد بلکه وجود وتحقق پدیده‌ها را درمقابل ضد و"دگر"باید جستجو نمود. بنابراین دراین قسمت ما درصدد پاسخ این سوال هستیم که دردنیای انسان معاصر"دگر" ادبیات پایداری امام خمینی چه می‌تواند باشد وبعبارتی دیگر کدام ادبیات پایداری هست که هویت ادبیات پایداری امام خمینی را شفاف کرده وحد ومرز آن را نمایان نموده وادبیاتی بنام ادبیات پایداری امام را به منصه ظهور می‌رساند؟ یا ماهیت قلمرو ومرزهای ادبیات پایداری امام خمینی درمقابل کدام یک ازادبیات پایداری معنا می‌یابد؟

۲- مبانی ادبیات پایداری امام

بیشتردربخش"دگر"ادبیات پایداری امام خمینی، گفته شد که آنجایی که مکتبی خواست خویش را اثبات کند ناگزیردیگری را نفی می کند. نه همانند دوران علی (ع) که ملت مشکل ودرد آن رهبرهمام بودند، همانگونه که خودشان می گویند:"بکم اداوی وانتم دائی"، این که من درپی آنم که دردهای جامعه رابه وسیله شما درمان کنم درحالی که شما خود درد من هستید. امام خمینی که آمد، با زبان قرآن همۀ طاغوتیان وآنانی که محرم راز طاغوتیان وهم آوازشان بودند را نفی کرد وادبیاتی را ایجاد وتوسعه بخشید که به واسطه آن طلسم طاغوتیان شکسته شد ومردم به الله وخداوند سبحان خوانده شدند وبراساس نهضت اسلامی خود را تا به حال برپا وپویا نگه می‌داشتند، چنین ادبیاتی با اندک توجهی به آثار وگفتارامام خمینی، بخوبی برجسته ونمایان می‌گردد. لذا می‌بینیم که واژه های استقامت، پایداری، مقاومت و ایستادگی درلسان وادبیات امام بارها وبارها بکاررفته است.مبانی ادبیات پایداری امام خمینی را می توان در دو مبنا واصل زیرخلاصه کرد.عقل اقتضا می‌کند که پس از قیام ها وجهت تحصیل پیروزی باید استقامت کرد. دستورالهی است که پس از قیام‌ها پایداری واستقامت باید کرد.

الف) مبنای عقلی امام درادبیات پایداری

امام خمینی معتقد است چون احکام اسلامی اعم ازقوانین اقتصادی، سیاسی وحقوقی، تا روز قیامت باقی ولازم الاجرا است واین بقا ودوام همیشگی احکام اسلامی امکان پذیرنیست مگر با ایجاد حکومت اسلامی، بنابراین ملتی که تحول روحی پیدا کرده و درصدد دفع انظلام وذلت می باشد نمی تواند به پیروزی برسد مگراین که به وحدت وهمبستگی وهمدلی و... رسیده ودراین راه پایدارباشد. امام خمینی درادبیاتش به این مهم توجه داشته لذا می گویند اگرما دست به دست هم ندهیم، همه مان با هم نباشیم، زمین مان خواهند زد، مجلس را زمین می‌زنند، دولت را زمین می زنند، ... همه زمین می خورند، پس عقل اقتضا می کند که ما الان مشکلات را تحمل کنیم. (صحیفه امام، ج۲۴۵/۱۸)

ب)دستورالهی برای استقامت

این که استقامت چیست؟ وچرا وبرچه اساس امام خمینی، مردم را بعد از قیام دعوت به استقامت می‌کند؟ این است که این مطلب راعلاوه برامربدیهی وعقلی دانستن یک دستور الهی می بیند ومی گویند:"استقامت معنایش این است که اگر گرفتاریهایی پیدا شد درجهاد، اگر درجنگ هایی که پیش می آید برای یک ملتی که می‌خواهد شـــرافتمندانه باشـــد، درمشکلات سستی نکنند، از ما می‌خواهد که درمقابل کفروزندقه درمقابل ستم وستمکاران ایستادگی کنیم. لذا می گویند:

«...چه بسا افرادی که ابتدائاً درامری وارد می‌شوند لکن بعضی مشکلات وقتی پیش می‌آمد نمی‌توانند خوددار باشند، نمی‌توانند استقامت کنند ... تعلیمی که خدای تبارک وتعالی به مسلمین داده است برای دستیابی به مبانی پایداری در ادبیات امام خمینی ویا تشریح بیشترآن، و وجه تمایز این مبانی با مبانی دیگر درادبیات پایداری مطرح ودرجوامع بهتردیده شد که به پاسخ سوال، پایداری برای چه؟ وبرای چه کسی؟ بپردازیم. پاسخ این متن را حضرت علی(ع) این گونه بیان می‌کند که حکایتگر نفی ادبیات پایداری مسلک مادی گرایانه وصرفاً دنیوی است. آنجایی که حضرتش می فرماید:

خداوندا،توخود می دانی که حرکت‌ها،جنبش‌ها، قیام‌ها، اعتراض، جنگیدن‌ها و مقاومت‌های ما، رقابت درکسب قدرت دنیوی نبوده برای تحصیل قدرت برای یک فرد نبود. به عنوان جاه طلبی، برای جمع آوری مال ومنال دنیا ما دراین است که می خواهیم قیام‌ها ومقاومت یا برای خدا وبه امرخداست به دستور الهی وبرای او وجهت تحقق امراو ویا برای خود وبه امر امیال نفسانی خود یاجامعه است. ومبانی این دو نوع قیام ومقاومت (قیام ومقاومت دنیوی وقیام ومقاومت الهی) با هم افتراق اساسی دارند ادبیات پایداری امام خمینی که ازتصویرگری‌های قرآن واهل بیت(ع) الگو می‌گیرد وازواژه‌ها وترکیب‌های ادبی قرآن بهره می‌برد.امام خمینی با این مبانی درصدد دینی کردن ادبیات پایداری وحضور دین درعرصۀ اجتماع می باشد. وادبیات پایداریش با خدا ودستورات الهی آغاز می‌شود تابه خلق می‌رسد، امروزه وظیفه ماست که دربرابرخطراتی که متوجه اسلام ومسلمین می باشد، برای تحمل هرگونه ناملایماتی آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام راقطع نماییم وجلو اغراض ومطامع آنان رابگیریم ودراین راه هرکس به وظیفه خودعمل کند ودرامروظیفه عمل کند ودرامروظیفه کوتاهی نکند.»

۳- مؤلفه های ادبیات پایداری امام

چون امام خمینی براین باوراست که:«ملتی که بخواهد شرافت خودش راحفظ کند اسلام را که مبدا همه شرافتها است بخواهد حفظ کند، این ملت باید علاوه برجهاد، استقامت درجهاد داشته باشد.»

همانگونه که گفته آمد، چون قیام‌ها ونهضت‌ها بدون استقامت ومقاومت پوچ وبی معنا ونامقصد می‌باشند بنابراین«دراین دنیا کسانی که برای شرافت خودشان واهل ملتشان، برای شرافت اسلام، اموری را انجام می‌دهند اگر دردنبالشان استقامت یک امر مهمی ومشکلی است.» ولوازمات ومقدمات خاص خود را دارد که درادامه به برخی از ان مولفه های ادبیات پایداری از نگاه امام استشهاد می‌گردد.

خداباوری

امام خمینی براین باوراست که درادبیات پایداری، رمز پایداری عاشقی، آنهم درمسیر بندگی خداوند سبحان ودرد آشنایی در راه او است ورسیدن به این بینش ورشد وبالندگی که حرکت‌ها وقیام‌ها واستمرار درآن به خاطر خدا باشد نه به خاطر کسب جاه ومقام، ومبانی وایستادگی جوانان ما وملت ما هم به خاطرایمان به خدا، ایمان به مبادی اسلامی بود که پیروز شان کرد؛ زیرا با ایمان قوی می‌توان درمقابل قدرت مادی وتوطئه‌ها ایستادگی کرد ودرجهاد اکبرواصغرپیروز شد. ایشان که رمز پایداری را اتکا به خدا ونفی رفاه زدگی ومصرف گرایی دانسته، درجای دیگر می‌افزاید: «سفارش می‌کنم که به خدا متکی باشید وبرای همیشه زیربارشرق وغرب نروید، مردم باید تصمیم خود را بگیرند، یا رفاه ومصرف گرایی ویا تحمل سختی واستقلال». یک کشوری که برای خدا قیام کرده است، برای خدا هم پایدار می‌ماند وبرای خدا هم ادامه می‌دهد.

ادبیات پایداری امام دردل خود، بذرخود باوری را کاشته و رشد ونموش می‌دهد که نشانه اش این است که مردم چنین جامعه‌ای باید برای خود شخصیت وهویتی قائل باشند وبه خودشان باور داشته باشند ونباید کعبه آمال وآرزوهای خود را دردیگران بیابند وخود را کاملاً منحل درغیرکنند، این ادبیات حکایتگر این مطلب است که ما جامعه‌ای بودیم که شخصیتی برای خود قائل نبودیم ومملکت خود را به اسامی اروپایی یا غربی تزئین کرده بودیم، وجودی شده بودیم وطوری بار آمده بودیم که اگر بخواهیم یک چیزی بشویم باید از آنها می‌خواستیم. ودرجای دیگرمی‌فرمایند: « شما چنانچه باورتان آمده باشد که نمی‌توانید صنعت درست بکنید ونمی‌توانید صنایع بزرگ که انجام بدهید، اول باید خودتان را درست کنید؛ اولاً باید باورتان بیاید که ما انسانیم، ما هم قدرت تفکرداریم، ... اگراین باوربرای شما پیدا شد ، موفق خواهید بود.»

پراهمیّت تلقی کردن شکست‌های خرد

امام خمینی استقامت وپایداری را منظومه‌ای ارگانیک وبه هم پیوسته می بیند ومعتقد است که اگر درروند مقاومت درجایی کم گذاشته شود، اگرچه جزئی باشد، باعث شکست خواهد شد؛ لذا می گوید: «اگر بخواهید که استقامت کنید پایداری کنید باید مجریان اموردرهرجا که هستند، بنابراین باید مجریان هم به قوانین خوب عمل کنند ونقض قانون نکنند هرچند آن خلاف، خلاف بسیار اندک وجزیی باشد ... اگربخواهید استقامت کنید وپایداری کنید، باید مجریان اموردرهرجا که هستند اشخاصی باشند اسلامی ومتعهد به اسلام. چون نتیجۀ بدعمل کردن، ناراضی کردن مردم را به دنبال خواهد داشت وناراضی شدن هم مقدمه گسست وفاصله گرفتن ازاصل قیام ونهضت خواهد شد.»

بیداری

اگراقدامات رهبر، منطقی، قانونمند، حکیمانه هم باشد وبه عبارتی دراوج بیداری باشد، ولی ملت مؤلفه هایی چون بیداری، هوشیاری، نترسی رانداشته باشند، آن نهضت دچارمشکل خواهد شد. بنابراین لازمه قیام ومقاومت، بیداری واستمرارآن درطول زندگی خواهد بود. این مؤلفه ادبیات پایداری یکی از آن موارد بسیارمهمی است که دشمنان خواسته اند که مغفول باشد. درطول تاریخ، دراین سده های آخرکوشش شده که ملت های جهان سوم خواب باشند،غافل باشند وتوجهشان به شخصیت خودشان نباشد وشخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیربدانند وبراین اساس است که امام خمینی به ملت ها هشدارمی دهد که اگر قیام ها با بیداری همراه وعجین باشد پیروز خواهد شد؛ لذا می گوید:«بیداربشوید، برخیزید ودرمقابل ابرقدرت ها بایستید که اگر ایستادید، اینها هیچ کاری را نمی توانند بکنند.»(صحیفۀ امام ج ۳۸/۱۶)

تحول روحی وزنده نگه داشتن ایمان

ملتی که زندگی شرافتمندانه وهدفمند برایشان فرهنگ گردد وزندگی شرافتمندانه برزندگی ننگین وبردگی اجانب، ولو با مشکلات ترجیح داده می‌شود، آن ملت به یک تحول روحی رسیده است که براساس آن خیلی ازسختی‌ها وتلخی‌ها برای اوراحت وشیرین خواهد بود. واین تحول برای ملت ایران ایجاد شد که همان هجرت به سوی حق و هجرت ازخود به خدا بود؛ یعنی پشت به انانیت خود کردن و روی به رحمت الهی آوردن. اگراین نیرویی خدایی راملت حفظ کند، موفق وپیروز خواهد بود.امام خمینی دراین باره می‌فرمایند: «خداوند به ما تفضل وترحم کرد واین تحول حاصل شد وتا این مطلب هست، این تحول هست ازهیچ چیزنترسید.» (جوانان ازدیدگاه امام خمینی) ودرجای دیگرهم برتداوم این تحول روحی تأکید کرده وگفته اند: «قیام شما برای خدا بود، همه فریاد زدید که ما "جمهوری اسلامی" می خواهیم. برای احکام اسلام قیام کردید، امراول را که فرموده‌اند قیام کنید، برای خدا اطاعت کردید؛ باقی مانده است امر دوم؛ استقامت. این قیام را حفظ کنید. این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است حفظ کنید. استقامت کنید تا پیروز شوید.»(صحیفه ج ۴۹۳/۷)

هوشیاری

خداوند سبحان به پیامبرعظیم الشان درچندین جا با عباراتی چون:«خذوا حذرکم» (نساء/۷۱) و«لیجدوا فیکم غلظۀ» (توبه/۲۱۳) و«ترهبون به عدوت‌الله وعدوکم» (انفال/۶۰) توصیه به هوشیاری و اخذ تدبیر کرده است که می‌تواند درمقابل همۀ قدرت‌ها بایستید ومی‌تواند منحرفین رابه جای خودشان بنشاند ومی‌تواند اداره کشوررا بهتراز زمان‌هایی که ظلم وستم براین کشوراحاطه داشت،انجام دهد.جای دیگری می‌افزایند: «مردم عزیز زیرفشارچرخ‌های زندگی واقتصادی همانگونه تا به حال برای خدا ودین او مقاومت کرده‌اند، بعد از این نیزبا تمام توان استقامت می‌کنند، والا همه زحمات این سالیان پر درد واضطراب وافتخار ازبین خواهد رفت. هوشیاری مردم در وضع فعلی یکی ازعوامل پیروزی آنان برباطل است.»(صحیفۀ امام ج ۲۳۳/۲۱)

الگو داشتن

درنگاه امام، انقلاب اسلامی، انقلابی است که به دست مردم صورت گرفته، بنابراین مردم باید آن را به آخر برسانند، البته تذکرمی دهند که چون عمل انقلابی ما بزرگ بوده پس مشکلات بزرگی هم خواهیم داشت زیرا که هرچه عمل بزرگ باشد، دشمن بیشتروبزرگترخواهد بود. لذا برای پایداری درمقابل این دشمنان بزرگ نیازمند به الگوگیری ازمردان بزرگی هستیم که درقیامت‌هایشان تا آخر پایدارماندند چون این الگو به انسان اطمینان نفس واعتماد نفس می دهد. امام دراین باره می گوید:

«ملت عزیزبداند که استقامت آنچنان اهمیت ویژه ای دارد که ازپیامبراسلام(ص) منقول است که فرموده است:تو وپیروانت استقامت کن؛ ما وشما که افتخار پیروی آن حضرت وادعای آن را داریم باید درحفظ دین مقدس واسلام عزیزوجمهوری اسلامی استقامت کنیم.

ایشان همچنین تأکید می کنند که:« قوی باشید، برومند باشید وازهیاهوی دنیا هیچ وقت به خودتان هراس راه ندهید. این مسائل در صدر اسلام هم بوده است. این هیاهوها وبساطی که مخالفین اسلام در صدر اسلام راه می انداختند، درزمان خود پیامبر(ص) وبعدها همیشه بوده است، لیکن خداوند امرفرموده است که ما مستقیم باشیم، استقامت کنیم. اگرآنچه استقامت کنیم، مؤید تأییدات الهی هستیم.»(صحیفۀ امام ج۴۳۹/۱۸)

امام خمینی؛ مبارزات و قیام پانزده خرداد

تهیه از: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام

مبارزات امام خمینی از نوجوانی و با مقابله با برخی خوانین و اشرار ستمگر که در پناه حکومت مرکزی به غارت اموال و نوامیس مردم می پرداختند ، آغاز و سیر تکاملی آن به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی ایشان از یکسو و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی از سوی دیگر در اشکال مختلف ادامه یافته است .

در شهریور ۱۳۲۰ کشور ایران در جریان جنگ جهانی دوم به اشغال قوای متجاوز متفقین در آمد، رضا شاه با همه ادعاهایش ذلیلانه از تخت سلطنت به زیر کشیده شد و از کشور اخراج گردید . فرمان سلطنت از سفارت انگلیس و با چراغ سبز روسها به نام محمدرضا پهلوی صادر گردید .

امام خمینی (س) اینک فرصت را مغتنم شمرد و با تدوین و انتشار کتاب کشف الاسرار (۱۳۲۲ ه . ش) فجایع سلطنت ۲۰ ساله پهلوی را افشا کرد و با دفاع از اسلام و روحانیت و پاسخگوئی به شبهات و هجمه های منحرفین پرداخت و در همین کتاب ایده حکومت اسلامی و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح ساخت .

سال بعد نخستین بیانیه سیاسی حضرت امام خمینی که در آن آشکارا علمای اسلام و جامعه اسلامی را به قیام عمومی فراخوانده بود صادر شد که انگیزه و انتشار آن بیدارباشی برای طلاب جوان بود و بدین ترتیب به تدریج حلقه ای از یاران همفکر در جمع شاگردان امام شکل گرفت . بنابه اسناد و خاطرات موجود حضرت امام خمینی (س) در تمام دوران زعامت آیت الله بروجردی (ره) سعی خویش را مصروف حمایت از اقتدار مرجعیت ، انتقال اطلاعات سیاسی و هشدارهای به موقع ، جلوگیری از نفوذ عناصر کج فهم و در همین حال ارتباط با عناصر سیاسی موجه در تهران نظیر آیت الله کاشانی و پیگیری مستمر مذاکرات مجلس شورای ملی و نشریات معتبر وقت می کرده و تحولات جاری را به دقت زیر نظر داشته اند .

دهم فروردین سال ۱۳۴۰ آیت الله العظمی بروجردی رحلت کردند و امام خمینی پس از رحلت ایشان ، علی رغم استقبال حوزه علمیه و مردم همچون ادوار گذشته زندگی خویش کوچکترین قدمی برای مرجعیت خود برنداشت . این در حالی بود که تحریر فتوای امام خمینی (س) برتمام ابواب کتاب عروه الوثقی ۵ سال قبل از رحلت آیت الله بروجردی پایان یافته بود و در همین سالها نیز حاشیه امام خمینی (س) بر کتاب وسیله النجاه – به عنوان رساله عملیه – نگارش یافته بود.

پس از رحلت آیت‌الله بروجردی ، رژیم شاه شتاب بیشتری به اصلاحات مورد نظر آمریکا داد و همزمان کوشید تا امر مرجعیت را به خارج از ایران منتقل کند . لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهائی در مصادر کشور انتخاب شده بود به تصویب کابینه اسداله علم رسید (۱۶ مهر ۱۳۴۱) امام خمینی (س) به همراه علمای بزرگ قم و تهران به محض انتشار خبر دست به اعتراضات همه جانبه زدند که موجی از حمایت را در اقشار مختلف مردم برانگیخت.

رژیم شاه ابتدا دست به تهدید و تبلیغات علیه روحانیت زد ولی دامنه قیام رو به فزونی نهاد در برخی شهرها بازارها تعطیل و مردم در مساجد به حمایت از حرکت علما گرد آمدند. یکماه و نیم پس از آغاز ماجرا، دولت یک گام عقب نشست و با ارسال پاسخ مکتوب شاه و نخست وزیر در صدد توجیه و دلجوئی ا ز علما برآمد. اما امام خمینی سرسختانه مخالفت کرد ایشان معتقد بود که دولت می بایست رسماً لایحه را لغو کند و خبر آنرا انتشار دهد . سرانجام رژیم شاه تن به شکست داد و رسماً در ۷ آذر ۱۳۴۱ هیأت دولت مصوبه قبلی را لغو و خبر آنرا به علما ء اطلاع داد. امام خمینی لغو مصوبه در پشت درهای بسته را کافی ندانست و بر ادامه قیام تأکید ورزید فردای آن روز خبر لغو لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در روزنامه‌های دولتی منعکس شد و مردم نخستین پیروزی خود را پس از ملی شدن صنعت نفت جشن گرفتند.

با وجود شکست شاه در ماجرای انجمن‌ها ، فشار آمریکا برای انجام اصلاحات مورد نظر ادامه یافت. شاه در دیماه ۱۳۴۱ ه . ش اصول شش گانه اصلاحات خویش را برشمرد و خواستار رفراندم شد . امام خمینی بار دیگر مراجع و علمای قم را به نشست و چاره جویی و قیام دوباره فرا خواند و سرانجام بر اثر اصرار و مقاومت ایشان در مقابل برخی محافظه کاران قرار شد مراجع و علماء مخالفت با رفراندم را صریحاً اعلام و شرکت در آن را تحریم کنند . حضرت امام خمینی بیانیه ای کوبنده صادر کرد و متعاقب آن بازار تهران تعطیل شد و مأمورین پلیس به تجمع مردم حمله بردند در آستانه رفراندم تحمیلی ابعاد مخالفت مردمی فزونی گرفت . رفراندم غیر قانونی در شرایطی که به جزکارگزاران رژیم کسی دیگر در آن شرکت نداشت برگزار شد . امام خمینی با سخنرانی ها و بیانیه های خویش همچنان به افشاگری دست می زد که از آن جمله می توان به اعلامیه ۹ امضائی اشاره کرد که در آن ضمن برشماری اقدامات خلاف قانون اساسی شاه و دولت ، سقوط کشاورزی و استقلال کشور و ترویج فساد و فحشاء بعنوان نتایج قطعی اصلاحات شاهانه پیش بینی شده بود . با پیشنهاد امام خمینی، عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد .

در اعلامیه امام خمینی از انقلاب سفید شاه به انقلاب سیاه تعبیر و همسویی شاه با اهداف آمریکا و اسرائیل افشا شد . شاه که برای انجام اصلاحات آمریکا به مقامات واشنگتن اطمینان داده بود ، تصمیم به سرکوبی قیام داشت برای همین مأمورین مسلح رژیم در روز دوم فروردین که مصادف با شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود اجتماع طلاب علوم دینی در مدرسه فیضیه را برهم زدند و به کشتار و جرح طلاب پرداختند . در پی این حوادث منزل امام خمینی (س) در قم هر روز شاهد حضور مردم انقلابی بود که برای حمایت از علماء و دیدن آثار جنایت رژیم به قم می آمدند . امام خمینی (س) در اجتماع مردم بی پروا از شخص شاه بعنوان عامل اصلی جنایات و هم پیمان با اسرائیل یاد میکرد و مردم را به قیام فرا می خواند . در ۱۴ فروردین ۱۳۴۲ آیت‌الله العظمی حکیم طی تلگرافی به علما خواستار هجرت آنان به نجف شد. این پیشنهاد که برای حفظ جان و کیان حوزه ها مطرح شده بود با خشم رژیم شاه از جانبداری علمای نجف و کربلا از قیام علمای ایران مواجه شد. حضرت امام خمینی بدون اعتناء به تهدید رژیم پاسخ تلگراف آیت الله حکیم را ارسال نمود و در آن تأکید کرد که هجرت علماء و خالی کردن حوزه علمیه قم به مصلحت نیست .

امام خمینی در پیامی (تاریخ ۱۲ /۱۳۴۲/۲) به مناسبت چهلم فاجعه فیضیه در همراهی علماء و ملت ایران در رویاروئی سران ممالک اسلامی و دول عربی با اسرائیل غاصب تأکید ورزید و پیمان های شاه واسرائیل را محکوم کرد و بدین ترتیب در آغاز قیام خویش نشان داد که نهضت اسلامی در ایران از مصالح امت اسلامی جدا نیست و محدود به مرزهای جغرافیائی ایران نیست .

قیام ۱۵ خرداد

ماه محرم ۱۳۴۲ که مصادف با خرداد بود فرارسید . روز عاشورا جمعیت صد هزار نفری در تهران با در دست داشتن عکس هایی از امام به تظاهرات علیه رژیم شاه پرداختند . عصر همان روز (۱۳ خرداد) امام خمینی نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود در مدرسه فیضیه قم ایراد کرد . بخش عمده ای از سخنان ایشان به نتایج زیان بار سلطنت دودمان پهلوی و افشای روابط پنهانی شاه و اسرائیل اختصاص داشت بار دیگر فرمان خاموش کردن صدای قیام صادر شد .

نخست جمع زیادی از یاران امام دستگیر و خود ایشان نیز در سحر گاه ۱۴ خرداد، در حالی که مشغول نماز شب بودند دستگیر شدند و غروب آن روز به زندان قصر تهران منتقل شدند .با انتشار خبر دستگیری امام در شهر قم سیل جمعیت با شعار « یا مرگ یا خمینی » به سوی منزل قائد خویش به حرکت در آمدند و در کنار حرم حضرت معصومه به رگبار نیروهای نظامی شاه بسته شدند . در صبحگاه ۱۵ خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران ، شیراز ، مشهد و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آمد . امام خمینی پس از ۱۹ روز حبس در زندان قصر به زندانی در پادگان نظامی عشرت آباد منتقل شد . ایشان در حبس از پاسخ گفتن به سوالات بازجویان با اعلام این که هیئت حاکمه ایران و قوه قضائیه آن را غیر قانونی می داند ، اجتناب ورزید .

پس از دستگیری امام خمینی (س) اعتراضات گسترده ای از سوی روحانیت و اقشار مختلف مردم در سراسر کشورآغاز و خواستار آزادی رهبر خویش شدند ، شاه نیز که در صدد عادی جلوه دادن اوضاع بود در ۱۱ مرداد ۱۳۴۲ امام را به منزلی تحت محاصره نیروهای امنیتی در منطقه داوودیه تهران منتقل کرد .و به دنبال آن خبرهای جعلی مبنی بر تفاهم مراجع تقلید با مقامات دولتی منتشر ساخت که با مخالفت شدید علمای وقت مواجه گردید .

سرانجام رژیم شاه با این تصور که شدت امر در ماجرای ۱۵ خرداد مردم را متنبه و وادار به سکوت کرده در شامگاه ۱۸ فروردین ۴۳ بدون اطلاع قبلی امام خمینی را آزاد و به قم منتقل ساخت . سه روز از آزادی امام نمی گذشت که ایشان طی سخنرانی دیگری به تفصیل ابعاد قیام ۱۵ خرداد پرداختند و هر گونه تفاهم با رژیم را رد کردند. ایشان در این سخنرانی بار دیگر علیه روابط پنهانی شاه و اسرائیل افشاگری کردند و بدین ترتیب مهر بطلانی بر همه تصورات و تبلیغات رژیم زدند .

امام خمینی یک حقیقت همیشه زنده است.

نگاهی به تلاش آل احمد برای همسو کردن روحانیت و روشنفکران

جلال آل احمد و ۱۵ خرداد


محمدحسین دانایی



زنده یاد جلال آل احمد درجریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که در واقع، صحنه تقابل نهاد سلطنت با نهاد روحانیت بود، به صراحت، جانب روحانیت را گرفت و روشنفکران را هم به صراحت مورد ملامت قرار داد که در مقابل آن رویداد، دست های خود را به بی اعتنایی شستند!(در خدمت و خیانت روشنفکران، انتشارات رواق، تهران، چاپ سوم، قطع جیبی، ص ۱۵)

او معتقد بود که رژیم حاکم بر ایران، رژیمی است خودکامه، غربزده و جاده صاف کن استعمار و تنها نهادی هم که می تواند در برابرش ایستادگی یا حداقل مخالفت کند، روحانیت مستقل و غیر وابسته است. او به همین علت، روحانیت را با همه نقطه ضعف هایش، بر چنان رژیمی ترجیح می داد و قایل به این بود که قاطبه روشنفکران ایران باید در ماجرای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از روحانیت حمایت می کردند.

در راستای همین استدلال هم بود که در برابر افرادی چون مرحوم خلیل ملکی که روحانیت را "آخرین مانع تجدد" می دانستند، مقاومت می‌کرد و متقابلاً روحانیت را "آخرین سنگر در مقابل رذالت‌های دولت" می‌خواند. لیکن باید توجه داشت که این گونه حمایت‌ها از روحانیت و آن گونه ملامت‌ها نسبت به روشنفکران، به هیچوجه مطلق و بدون قید و شرط و ناشی از احساسات نبودند.

زنده یاد جلال آل احمد، نگاهی واقع بینانه، انتقادی و جامع نگرداشت. هر دو نهاد مزبور را به خوبی می شناخت و از قوت و ضعف‌هایشان آگاه بود. نه روحانیت را مظهر حقیقت کامل و رستگاری می‌دانست و نه جریان روشنفکری را موجب زوال و انحطاط. او با نگاهی عملگرایانه در پی آن بود که بین این دو نهاد اجتماعی – سیاسی، یک نوع همسویی و هماهنگی عملیاتی ایجاد کند؛ برای تشکیل یک جبهه فرهنگی متحد در برابر جناح استبداد و استعمار.

ارتباطات او با امام موسی صدر و برخی دیگر از روحانیان نواندیش، به علاوه دعوت مکرر ازمرحومان آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان بر ای پیوستن آنان به کانون نویسندگان ایران، وملاقات ها و مکاتباتش به عنوان نماینده بخشی از جامعه روشنفکری کشور با حضرت امام(ره) به عنوان رهبر بخش پیشرو و انقلابی روحانیت ایران،وهمچنین درخواست از ایشان برای این که متن اعلامیه های خودشان را قبل از انتشار به رؤیت او برسانند تا عباراتش را روزآمد کند نیز در راستای همین طرح پیوند روحانیت و روشنفکران قابل تحلیل است.او ضمن اینکه نسبت به ساختار و کارکرد هر دو نهاد مزبور انتقاداتی داشت که در همان کتاب به تفصیل آمده است، باز هم خوشبینانه به آینده نگاه می کرد. به آینده روشنفکری در ایران «سخت خوش بین» بود و رویدادهای ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را هم یک نقطه عطف تاریخی به شمار می آورد و امیدوار بود که «شاید روحانیت عاقبت در این کوره پخته شود و قوام بیاید و زمینه ای بشود برای مبارزه‌های آتی.»

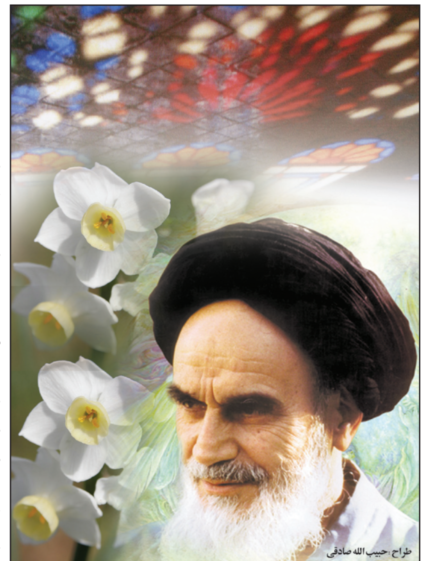
بنابراین، هرنوع برداشت سطحی و یکسویه از موضع گیری‌های آل احمد نسبت به روحانیت و روشنفکران و ساختن دستاویز برای بهره برداری‌های سیاسی که متأسفانه در حال حاضر رواج پیداکرده، نه تنها مخالف مشی فکری آل احمد است، بلکه سیره نظری و عملی او را هم نقض و نفی می‌کند.

اطلاعات

طلوع موعود

سه‌شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۴ـ ۱۴ شعبان ۱۴۳۶ـ ۲ ژوئن ۲۰۱۵ـ سال هشتاد و نهم ـ شماره ۲۶۱۷۱

امام خمینی و اندیشهٔ انتظار



ابراهیم شفیعی سروستانی

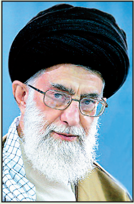
عظمت وجودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر (عج) باعث شده که در طول هزار و اندی سال که از غیبت کبری می گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش های خاص اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی بپردازند و هر گروه، تنها درک و تصور خود از این موضوع را تصور درست و مطابق با واقع از شخصیت آن یگانه هستی تلقّی کنند. در این میان، جمعی از اصحاب سیر و سلوک و رهروان طریق عرفان و معنا با طرح موضوع خلیفة الله و انسان کامل و پرداختن به نقش حجت اللهی در عالم هستی، تنها به جنبه فرا طبیعی آن وجود مقدس توجه کرده و از سایر جنبه ها غفلت ورزیده اند.

گروهی دیگر از اصحاب شریعت توجه خود را تنها معطوف به جنبه طبیعی آن وجود مقدس ساخته و ضمن مطرح کردن نقشی که آن حضرت به عنوان امام و پیشوای مردم به عهده دارند، هیچ گونه مسئولیتی را در زمان غیبت متوجه مردم ندیدند و تنها تکلیف مردم را این دانستند که برای فرج آن حضرت دعا کنند تا خود بیایند و امور مردم را اصلاح کنند.

عده ای هم ضمن توجّه به جنبه فراطبیعی و طبیعی وجود مقدس حضرت مهدی(عج)، تمام همّ و غمّ خود را متوجّه ملاقات با آن حضرت ساخته و تنها وظیفه خود را این دانستند که با توسل به آن حضرت به شرف ملاقات با آن ذات اقدس نائل شوند.

بقیه در صفحه ۳

انتظار از نگاه مقام معظم رهبری



وجود حالت انتظار در دل آحاد مردم، یکی از الطاف خداوند بر مردم ایران در دوران انقلاب است. این بزرگوار در فضای ذهنی و معنوی جامعه ما حضور دارد و جوانان مؤمن و با اخلاص نیز با آن حضرت قلباً در ارتباط هستند. این ارتباط به معنای حقیقی کلمه، دو جانبه است و در حالات برجستهٔ شور، محبت، احساس و عواطفی که ملت ایران نسبت به این بزرگوار دارند، این ارتباط طرفینی است.

انتظار ظهور امام زمان(عج) موجب زنده شدن روح انتظار فرج در جوامع بشری شده است. انتظار به معنای اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد.مبنای کار قدرت‌های طاغوتی بر این است که فروغ امید را در دلها بمیرانند و همهٔ امیدها را به یک نقطه مادی، یعنی پول و زخارف کم ارزشِ دنیا، متمرکز کنند که سر رشتهٔ آن نیز در دست خودِ آنهاست. همه چیز را باحساب‌های کمی و پولی محاسبه می‌کنند و معنویات را از حساب خارج می کنند و به ویژه می‌کوشند که آن آیندهٔ موعود را از چشم ملت ها دورنگه دارند؛ اما ملت ها باید امیدوار باشند تا این ارادهٔ تکوینی الهی تحقق پیدا کند.

انقلاب اسلامی، بذر امید را در دل همه مستضعفان نشاند. انقلاب اسلامی ایران، ظهور سراسر نور مولا(عج) را نزدیک ساخته است.

اینک بر همگان است که این تلاش خدایی را با همهٔ شداید و سختی‌ها تا آخرین سر منزل مقصود – که آماده کردن همهٔ زمینه ها برای فرج ایشان است – ادامه دهند. در این رهگذر، از توطئه های موذیانهٔ دشمن نیز نباید غافل بود.دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند. هر عقیده و هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آیندهٔ فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت و بارزی داشته است، به نحوی با آن کلنجار رفتند تا اگر بتوانند آن را از بین ببرند؛ و اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند...

گاهی دهها سال زحمت می‌کشند، برای اینکه بتوانند نقطه درخشانی را کور یا کمرنگ کنند یا نقطه تاریکی را به وجود بیاورند. سال‌های متمادی می‌نشینند و پول خرج می‌کنند! یکی زحمت می‌کشد و تلاش می‌کند، ولی توفیق پیدا نمی‌کند، بعد از او کسان دیگری می‌آیند.

روی عقاید دنیای اسلام، از این‌گونه کارها بسیار شده است. روی عقیدهٔ توحید، عقیدهٔ امامت، روی اخلاقیات اسلامی، معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت، کار کرده‌اند. همهٔ اینها نقاط برجسته‌ای هستند که اگر ما مسلمان‌ها درست به حقیقت آنها توجه بکنیم، تبدیل به موتور حرکت دهندهٔ جامعه اسلامی می‌شود.... بنده سندی را دیدم که بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می‌کنند که ما باید کاری بکنیم که این عقیدهٔ به مهدویت به تدریج از بین مردم زایل بشود. ببینید عقیده به مهدویت چقدر مهم است. چقدر خطا می‌کنند کسانی که به اسم روشنفکری و تجدّدطلبی، عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع، بدون اینکه بدانند دارند چه می‌کنند، مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهند.

اینها همان کاری را که دشمن می‌خواهد، انجام می‌دهند.امروز استعمار، روح نا امیدی را می‌خواهد. استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار این حالت بشوند؛ روح ناامیدی. این که دیگر نمی‌شود کاری کرد، دیگر فایده‌ای ندارد. می‌خواهند این را به زور به مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می‌بینیم که اغلب این خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مأیوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس می‌کنند، متدینین را از گسترش دین مأیوس می‌کنند. ... امروز هر نفسی، هر حنجره‌ای که برای نا امید کردن مردم بدمد، بدانید که این حنجره در اختیار دشمن است. چه خودش بداند، چه خودش نداند. هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت نا امید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، این قلم متعلق به دشمن است، چه صاحب این قلم بداند، چه نداند. دشمن از او استفاده می‌کند.

(فرازهایی از سخنان مقام معظم رهبری در نیمهٔ شعبان سال های ۷۵ و ۷۶.)

مهدویت از دیدگاه آیت الله العظمی بهجت

۱ـــ وضعیت امام غائب(عج)

اهل بیت همه نور واحدند؛ لذا انسان به هر کدام متوسل شود، از دیگری جواب می گیرد. البته مصالحی در کار است؛ همچنان که حضرت رسول(ص) در پاسخ حاجات درخواست شده از ایشان، به حضرت امیر(ع) و آن حضرت به امام حسن(ع) تا امام زمان(ع) حواله داده‌اند؛ زیرا مجری امور در این زمان آن حضرت است؛ نه فقط به لحاظ ظاهری بلکه به لحاظ ولایت باطنی نیز نزدیکترین ائمه به ما حضرت حجت(عج) می باشد.

چـه مصائبی بر امام زمان(عج) ـ که تمام امور به دسـت او انجام می گیرد ـ وارد می شود، و آن حضرت در چه حالی است و مـا در چه حالی؟ او خوشـی و راحتـی ندارد و ما چقدر از این مطلـب غافلیم و توجّهی ندار یـم. ما از غمخوار، هادی، حامی و ناصر خود قدردانی و شکر گزاری نمی کنیم. خدا عجب صبری به ولی عصر(عج) داده که هزار سال است می بیند بر سر مسلمانان چه بلاهایی می آید و چه بـلاهایی خـود مسـلمانان بر سـر هم می آورند، و همه را تحمل می کند.



۲ـــ وضعیت مأمومان در غیبت

این همه ودایع، کتب، مخازن علم، روایات، و ادعیه در اختیار ما گذاشـته‌اند، به گونه‌ای که اگر کسـی بخواهد امامی را حاضر بیابـد، یـا صدایش را از نوار گوش دهد، یا در خدمتش باشـد تا مطالب آنان را استماع کند ـ نه اینکه خود در محضر آنان صحبت کند ـ بهتر از اینها را پیدا نمی کند. همه چیز در دسـترس ماست؛ ولی حالمان مانند حال کسانی است که هیچ ندارند.

چه کسـی گفتـه از فیوضات آنان محرومیـم؟ ما به اختیار محرومیم! «نور الامام فی قلوب المؤمنین انور من الشمس المضیئه بالنهار»؛ منتهی دنبال کردن و طلب می خواهد. در زمان غیبت هم عنایات و الطاف امام زمان(عج) نسبت به محبان و شیعیانش زیاد دیده شـده اسـت. باب لقاء و حضور کاملاً مسدود نیست، بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی‌شود انکار کرد.

حضرت از اعین الظالمین محجوب اسـت؛ اما کسانی که نه ظالم‌اند، نه رفیق ظالم و نه با ظالمان معاشـر، آن حضرت از دید آنان محجوب نیستند.

مسلمانانِ زعیمی ندارند که در زیر پرچم او قرار گیرند؛ زیرا سنّیان که اصلاً قائل به زعیم و امام نیستند و شیعه هرچند اعتقاد به امام دارد، ولی در عمل و وضعیت مانند سـنّیان هسـتند و با آن فرقی ندارند! اگر امام زمان هم بیاید، با او همان معامله را می کنیم که با آباء طاهرینش کردیم! آیا می شود امام زمان(عج) چهار صد میلیون یاور [تعداد شیعیان] داشته باشد و ظهور نکند؟

اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بندگانی هستند که با داشتن مقام عصمت، نه خطا می کنند و نه خطیئه و امام زمان(عج) عین الله الناظره و اذنه السـامعه و لسـانه الناطق و یده الباسـطه (چشم بینا، گوش شـنوا، زبان گویا و دسـت گشاده خداوند) است و از اقـوال، افعال، افکار و نیّات مـا اطلاع دارد؛ مع ذلک گویا ما ائمه و بـه خصـوص امام زمانٍ(عج) را حاضر و ناظر نمی دانیم، بلکه گویـا مانـند عامّه اصلاً زنده نمی دانیم و بـه کلّی از آن حضرت غافل هستیم!

اسباب غیبت امام(عج)

در عالم سابقه نداشته و ندارد که رهبری از مریدان و لشکرش اینقدر غیبت طولانی داشته باشد. چه باید گفت؟ معلوم نیست تا کی. در تمام امّت های گذشته غیبت مقدّر شده است؛ ولی در هیچ امّتی چنین غیبتی با وقت نامعلوم غیر مقدّر اتفاق نیفتاده است.

سبب غیبت امام زمان(عج) خود ما هستیم؛ زیرا دستمان به او نمی رسـد، وگرنه در میان ما بیاید و حاضر شـود، چه کسی او را می کشـد؟ آیا جنّیان آن حضرت را می کشـند یا قاتل او انسان است؟ ما از پیشِ در طول تاریخ ائمه امتحان خود را پس داده‌ایم که آیا از امام تحفّظ و اطاعت می کنـیم و یا اینـکه او را به قتل می رسانیم؟

با وجود اعتقاد داشـتن به رئیسـی که عین الله الناظره است، آیا می توانیم از نظر الهی فرار کنیم و یا خود را پنهان کنیم؟ و هر کاری را که خواستیم انجام دهیم؟!

چه پاسـخی خواهیم داد؟! همهٔ ادوات و ابزار را از خود او می گیریم و به نفع دشـمنان به کار می گیریم و آلت دسـت کفار و اجانـب می شـویم و به آنان کمک می کنیـم! تا رابطهٔ ما با امام زمان(عج) قوی نشود، کار ما درست نخواهد شد. قوت رابطهٔ ما با ولیّ امر (عج) هم در اصلاح نفس است.

آیا واقعاً تا خودمان را اصلاح نکنیم، کار درست می شود؟ ما می‌خواهیم هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم؛ به نزدیکان مان، به دوستانمان، هر کاری می خواهیم بکنیم؛ اما دشمنان حق ندارند به ما اسائه‌ای بکنند. ما اگر به راه بودیم و در راه می‌رفتیم، چه کسی امیرالمؤمنین(ع) را می کـشت؟ چـه کسی امـام حسیـن(ع) را می کشت؟ چه کسی همین امام حیّ حاضر را که هزار سال است از دیده ها غائب است، مغلول الیدین (دست بسته) می کرد؟ برای مؤمنان، تثبیت در دین و ایمان، ثبات قدم تا ظهور آن حضرت، از ظهور آن حضرت مهمتر است.

ما که قدرت دفاع در برابر قدرت های بزرگ دنیا را ـ که برای ما با هم همدست شده اند ـ نداریم و نمی توانیم به صورت ظاهر با آنان بجنگیم؛ چرا دست از وظیفه خود برمی داریم؟ وظیفهٔ فعلی ما با این همه ابتلائات و آتش هایی که برای نابودی شیعه در ایران، عراق، لبنان، پاکستان، افغانستان و ... افروخته شده، دعا و توسل به حضرت حجت(عج) و توصیه دیگران به دعاست.

الف) راهکارهای اجتماعی

چه می شـد به واسـطه بندگی خدا، روابط ما با آن آقا(عج) محفوظ می ماند؟ دیگران نگذاشـتند. هر چند ما هم مقصریم و نخواستیم اتصال میان ما و آن حضرت محفوظ باشد. ائمه ما(ع) دعاها را در اختیار ما گذاشـته اند تا ما را غرق در نور ببینند. انبیا آمده اند که ما را از دنیـا و توجه به آن دور سـازند؛ ولی کفّار می گویند: دین را کنار بگذارید تا ما به شـما دنیا دهیم و وسـایل راحتی ظاهری شما را فراهم کنیم!

البته اگر آنان برای ما راحتی دنیا را می خواهند، پس چرا این همه بر سـر تسـلّط بر ما، با هم نزاع دارند؟ نقشهٔ کفار این بوده و هست که قرآن را از دست مسلمانان بگیرند و روحانیت را از منابع دینی و معنویات و سرچشمه های معارف ـ یعنی قرآن و سنت ـ جدا سازند، تا این دو سلاح مهم از دست مسلمانان خارج گردد و راه تسـلط آنان بر بلاد و ثروت های مسـلمانان باز شود. ولو به اینکه کسانی را در رأس قرار دهند که طبق مرام آنان کتاب و سنت را توجیه کنند و دیـگران نابود، منزوی یا کشته شـوند. ای کاش می دیدیم که گرگ ها به ما هجوم آورده اند و ما را می خورند.

بـا ایـن وضع چه باید کرد؟ هر چه به ما فرمودند: لا تتخذوا الکافرین اولیاء (کافران را به عنوان دوسـت و سرپرسـت خود نگیرید)، گوش نکردیم. حالا با این اوضاع و گرفتاری و بلاها که بر سر مسلمانان می آید، چه باید بکنیم؟ اگر تکلیف خود را بدانیم و بـه آنچه فهمیدیم، عمـل بکنیم؛ از جهت علم به وظیفه فردای قیامت راحتیم. اختلاط ما با کفار آخرش به همین جا می کشـد؛ یعنی ابتدا از مسلمانان پذیرایی می کنند، به آنان احترام می گذارند، آنـان را بـه بلاد خود دعوت می کننـد و در تجارت و معاملات بازرگانی خود داخل می کنند، وقتی رؤسا و سیاستمداران مسلمان مست پول و غیر پول شدند، مسلمانان حاضر می شوند امتیازاتی بدهند تا آنان بر بلاد اسلامی حکومت کنند.

بدیـن ترتیـب، اختلاط با کفار، تسـلطِ و حکومت آنها را بر مسـلمانان آسـان تر می سـازد. آیا اگر مثلاً کفار بر نفت ایران حکومت کردند، می شود که نتوانند بر ایران و ملت ایران حکومت کنند؟ و مالک الرّقاب ممالک اسلامی و مسلمانان نشوند؟

ممکن اسـت کسـی در بلاد کفر سـکونت داشـته باشد؛


آیت الله العظمی بهجت

ولـی ایمان و اعتقـادش بر خلاف حکومت های بی دین و یا بی عقل باشد و با این حال منتظر فرج باشد. ولی اگر کسی بخواهد عبادت کند و به خدا ایمان داشته باشد، یا ایمانش محفوظ بماند؛ این امر متوقف بر نقل مکان و انتقال محل سکونت، از آن بلاد به بلاد اهل ایمان است [و در صورتی که] منتقل شدن از آنجا برای او ممکن باشد، باید برای حفظ دین و ایمان خود و اهـل بیت خود به بلاد اهل ایمان مهاجرت کند، وگرنه به خود و اهل خود ظلم نموده، مقصّر خواهد بود.

چقدر رحمت خداوند شـامل حال کسـانی است که برای رفع این همه ابتلائات و بلاهایی که برای مسلمانان و اهل ایمان وارد می شـود، بی تفاوت نباشـند و گریه و تضرع و ابتهال کنند. اگر مسلمانی در چین مبتلا شود، ابتلای او ابتلای ماست و ما باید خود را مثل او گرفتار بدانیم.

با اینکه اندوه و شادی مؤمن به دیگران سرایت می کند، چرا مـا با این همـه بلاها و مصایب کـه بر اهل ایمان وارد می گردد، بی تفاوت هستیم؟ یا ما ایمان نداریم، یا قلب ها قسی شده است! در روایت اسـت که ظهور قائم آل محمّد(ص) «پس از قسـاوت دلها» خواهد بود.

در فتنه های آخرالزمان که مانند پاره های شب تاریک است، شایسـته اسـت احتیاط و توقف نمودن تا راه حق روشن شود و همگان توان احتیاط را دارند و آن سـلاح عمدهٔ اهل ایمان است. و تنها کسـی نجات می یابد که در ایمان خود اسـتوار بوده، برای تعجیل فرج دعا کند و در اعتقاد به تمام عقاید حقّ ملتزم و استوار باشد. ما نباید در امور اجتماعی به دیگران نگاه کنیم و از این و آن پیروی کنیم؛ زیرا افراد معصوم نیستند، هر چند بزرگ و بزرگوار باشند. بلکه باید نگاه کنیم و ببینیم اگر خودمان تنها بودیم و دیگران نبودند، آیا انجام می دادیم یا نه؟

نباید به دیگران کار داشته باشیم. ما نباید خود را با اهل سنت قیاس کنیم. ما باید رضا و میل امام زمان(عج) را در کارها به دست آوریم؛ چه در مصرف سهم امام(ع) و چه در کارهای اجتماعی. این توسّلات، عزاداری ها، سوگواری ها، زیارت قبور اهل بیت(ع)، علامـت آن اسـت که اهل ایمان به آنـان اتّصال و الصاق دارند و هنوز از آنان منحرف نشده اند؛ لذا کفار و دست نشانده های آنان دستور داشتند که بین مسلمانان و قرآن ـ تا چه برسد به مساجد و تکایا و مجالس عزا و روضه خوانی ـ جدایی بیندازند. زیرا همهٔ آنها ضد خواسته های سلاطین جور بودند. لذا فرمان تخریب قبور یا تعطیلی مجالس روضه خوانی را دادند.

ب) راهکارهای فردی

اطاعت و فرمانبرداری از خداوند، بعد از شناخت او، موجب محبتّ به او می شود و همچنین موجب محبت کسانی که خداوند آنها را دوست می دارد؛ که عبارتند از انبیا و اوصیا که محبوبترین آنهـا بـه خداوند حضرت محمد (ص) و آل او(ع) می باشـند و نزدیک ترین آنها به ما صاحب العصر(عج) است.

اصلاح فعلی ما در چیست؟ به بازگشت و توبه از کارهایی که خودمان می دانیم در داخل یا خارج انجام می دهیم. در خلوتمان بـا خدا، در تضرعات مان و توبه مان، در نمازهایمان و عباداتمان دعاها خصوصاً دعای شریف «الهی عظم البلاء و برح الخفاء» را بخوانیم و از خدا بخواهیم صاحب کار را برساند، و با او باشیم.

عواقـب گناهان اجتماعی که موجـب تغییرات در جامعه، اختـلال نظام و انحـلال آن، یا تحریم حـلال و ترک واجب، یا مصـادرهٔ امـوال، هتک حرمت، قتل نفـوس زکیه، ریختن خون مسلمانان، حکم به ناحق و ... می شود چگونه خواهد بود؟

آن حضرت فرموده اند: برای تعجیل فرج من، زیاد دعا کنید. خدا می داند تعداد این دعاها باید چقدر باشد تا مصلحت ظهور فراهم آید. تنها انتظار فرج کافی نیست. تهیّأً بلکه طاعت و بندگی نیز لازم است. مخصوصاً با توجه به قضایایی که پیش از ظهور امام زمان(عج) واقع می شود، به حدی که «ملئت ظلماً و جوراً؛ زمین از ظم و سـتم لبریز می شـود». خدا می داند که به واسطه ضعف ایمان بر سر افراد چه می آید!

لازم نیست انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر(عج) تشرف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز سپس توسل به ائمه بهتر از تشرّف باشد؛ زیرا هر کجا که باشیم، آن حضرت می بیند و می شـنود و عبادت در زمان غیبت، افضل از عبادت در زمان حضور است. زیارت هر کدام از ائمه اطهار(ع) مانند زیارت خود حضرت حجت است.

امام خمینی و اندیشهٔ انتظار

ابراهیم شفیعی سروستانی

بقیه از صفحه اول

امـا در این میان گروهی بـا در نظر گرفتن همه ابعادی که بدان ها اشاره شد، به طرح معنای درست انتظار پرداخته و درصدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند. در این دیدگاه، هم مسئله خلافت الهی انسـان کامل مطرح اسـت، هم به جایگاه و نقش مردم در قبال آن حضرت و هم وظیفه ای که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدّس و تعجیل در ظهورش دارند، توجه شده است.

شـاید بتوان امام خمینی(ره) را به عنوان درخشـان ترین چهره از گروه اخیر ذکر کرد. امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصـر غیبـت و تلاش خسـتگی ناپذیر در راه تحقق این اندیشـه، به«انتظار» معنا و مفهوم تازه ای بخشید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شـیعیان در برابر حجت خدا ارائه داد. برای روشـن تر شـدن دیدگاه حضـرت امـام در این زمینه، به برخی از مهمترین شـاخصه های این دیدگاه اشاره می کنیم:

الف) ارائه برداشتی متفاوت از مفهوم حجت:

ایشان با ارائه مفهومی عمیق و بدیع از «حجت بودنِ امام معصوم» اعلام می دارند که چون خداوند در روز قیامت به سبب وجود امام زمان و پدران بزرگوارش(ع) بر بندگان احتجاج و نسـبت به عمل براسـاس سیره، رفتار و گفتار این بزرگواران از مردم بازخواست می کند، بر آنان لازم است که همه تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم(ع) درجامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه ای از آنها پذیرفته نمی شود. حضرت امام در کتاب البیع خود به هنگام بررسی ادله ولایت فقیه، ضمن برشمردن توقیع شریف حضرتِ صاحب الامر(عج) که در آن آمده اسـت: «...و أمَّا الحَوادثُ الواقعَهُ فارجعُوا فیها إلی رُواه حَدیثنا فإنَّهُـم حُجَّتی عَلَیکم وَ أنَا حُجَّهُ اللهُ عَلَیهم[۱]؛... و اماَ در رویدادهایی که برای شـما پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم.»

می فرماید: مقصود از حجت خدا بودن امام معصوم این نیست که فقط بیان کننده احکام است؛ زیرا گفته بزرگانی چون زراره و محمد بن مسلم نیز حجت است و هیچکس حق مردود دانستن و عمل نکردن به روایات ایشان را ندارد و این امر بر همگان آشکار است. بلکه منظور از حجت بودن امام زمان و پدران بزرگوارش، صلوات الله علیهم اجمعین، این است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شئون زندگی شان، بر بندگان احتجاج می کند.

از جمله شـئون امامان، عدالت آنان در همه زمینه های حکومت اسـت. به عنوان مثال، وجود امیرالمؤمنین(ع) برای تمام فرمانداران و حاکمان سـتم پیشـه حجت اسـت؛ زیرا خداوند به واسطه سیرت آن بزرگـوار، بـاب عذر و بهانه را بر همه آنان در تعـدی از حدود الهی و تجاوز به اموال مسلمانان و سرپیچی از قوانین اسلامی بسته است. همین گونه اند سایر حجت های خداوند، به ویژه حضرت ولی عصر(عج) که عدل را در میان مردم می گسـتراند و زمین را از قسـط پر می کند و بر اساس نظامی عادلانه بر مردم حکم می راند.[۲]

براساس همین نگاه به حجت خدا بود که ایشان خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی ایران می فرمودند: «ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاءالله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسـفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه هایی که الان به کار گرفته شـده اند در کشـور ما باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی، سلام الله علیه.»[۳]

ب) دگرگون ساختن مفهوم انتظار:

امـام خمینی مفهومی را کـه در طول قرون و اعصار از «انتظار» در اذهان بسـیاری از شـیعیان نقش بسـته بود، دگرگون ساخت و با همه دیدگاه هایی که انتظار را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می کردند، به مقابله جدی پرداخت:

«بعضی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (عج) را از خدا بخواهند[...] یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد، به این چیزها کار نداشـته باشـیم، ما به تکلیف خودمـان عمل می کنیم؛ برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاءالله درست می کنند[...]؛ یک دسته ای می گفتند که خوب باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید.

مـا بایـد نهی از منکر نکنیم، امر بـه معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود [...]؛ یـک دسـته ای از این بالاتر بودنـد و می گفتند باید دامن زد به گناهان، دعـوت کـرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شـود و حضرت، علیه السلام تشریف بیاورند[...]؛ یک دسته دیگر بودند که می گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشـود، این حکومت باطل اسـت و برخلاف اسلام است.»[۴]

امام خمینی(ره) ضمن ردّ همهٔ دیدگاه های یادشـده، دیدگاه خود در باب انتظار فرج را این گونه بیان می کند: «همهٔ ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاءالله تهیه شود.»[۵]

همـه انتـظار داریم وجـود مبارک ایشـان را، لیـکن با انتـظار تنها نمی شـود. انتظار وضعی نیست که بسیاری دارند. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شـرعی -الهی خود را بکنیم و از هیچ امری باکی نداشـته باشیم.»[۶]

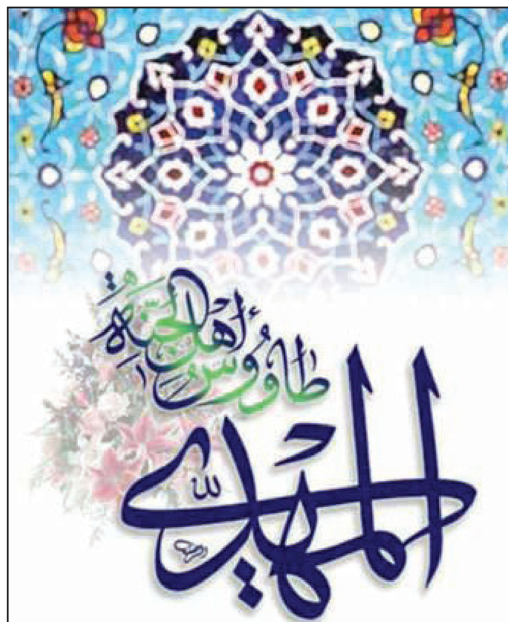
ج) تلاش برای تحقق عدالت در عصر غیبت:

حضـرت امام، تلاش بـرای تحقق عدالت و جلوگیری از ظلم در عصر غیبت را یک تکلیف الهی دانسته و هـمه مسـلمانان را دعـوت می کردند تا سر حد توان خود این تکلیف الهی را به انجام رسانند:

«اگر دسـتمان برسد، قدرت داشته باشیم، باید برویم تمام ظلم ها و جورهـا را از عالم برداریم. این تکـلیف شـرعی ماست؛ منتهی ما نمی توانیم. آنچه هسـت، این اسـت که حضرت عالم را پر می کنند از عدالت، اما این به این معنی نیست که شما از این تکلیفتان دست بردارید و دیگر تکلیفی در این خصوص نداشته باشید.»[۷]

د) زمینه سازی برای ظهور منجی موعود:

رهبر فقید انقلاب اسلامی معتقد بودند که باید با گسترش اسلام راستین در جهان و مبارزه با سلطه جهانخواران، راه را برای ظهور منجی موعود هموار سـاخت: «ما با خواسـت خدا دسـت تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است؛ به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهـور منجی و مصلح کل و امامت مطلقهٔ حق امام زمان، ارواحنا فداه، هموار می کنیم.»[۸]



هـ) حرکت در جهت تحقق حکومت جهانی اسلام:

امام راحل بر این باور بود که انقلاب اسـلامی ایران، نقطه شـروع انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) است و از این رو پیوسته به مسئولان نظام توصیه می کردند که هرگز از آرمان عظیم انقلاب اسلامی که تشکیل حکومت جهانی اسلام است، غافل نشوند:

«مسـئولان ما بایـد بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیسـت. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سـهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در ادارهٔ هر چه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.»[۹]

پی نوشت ها:

۱) صـدوق، محمدبن علی بن حسـین، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا، ج۲، ص۴۸۳، ح۴
۲) امام خمینی، کتاب البیع، نجف، مطبقه الآداب، ۱۳۴۹ق. ج۲، ص۴۷۵-۴۷۴؛ همو، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵، ص۴۶
۳) صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ج۱۲، ص۲۰۸-۲۰۹
۴) همان، ج۱۹، ص۱۹۶-۱۹۷
۵) همان، ج۷، ص ۲۵۵
۶) همان، ج۱۹، ص ۱۵۴
۷) همان، ص۱۹۸
۸) همان، ص ۱۹۷
۹) همان، ج۲۱، ص۱۰۸

شاید این جمعه بیاید، شاید

محمدرضا آقاسی

خبـر آمـد، خبری در راه اسـت
سرخوش آن دل که از آن آگاه است
شـاید این جمعـه بیاید، شـاید
پـرده از چهـره گشـاید، شـاید

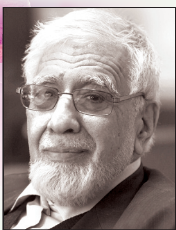
***

بـا همـهٔ لحن خـوش آوائـی ام
در بـه درِ کوچـه تنهائـی ام
ای دو ســه تـا کوچه زمـا دور تر
نغمـه تـو از همـه پـر شـور تر
کاش کـه این فاصلـه را کم کنی
محنـت ایـن قافلـه را کـم کنی
کاش کـه همسـایه ما می شـدی
مایـه آسـایه مـا مـی شـدی
هـر کـه به دیـدار تو نایل شـود
یـک شـبه حلال مسـایل شـود
دوش مرا حال خوشـی دست داد
سـینه مـا را عطشـی دسـت داد
نـام تـو بـردم لبم آتـش گرفت
شـعله بـه دامان سـیاوش گرفت
نـام تـو آرامـه جـان من اسـت
نامـه تـو خـط امـان من اسـت
ای نگـه ات خاسـتگه آفتـاب
بر من ظلمت زده یک شـب بتاب
پـرده بـر انـداز ز چشـم تـرم
تـا بتوانـم بـه رخـت بنگـرم
ای نفسـت یـار و مـددکار مـا
کـی و کجـا وعـده دیـدار ما؟

پرده برافکن ز رخ چون مهت

ناصر یمین مردوخی کردستانی

ای بـه ولای تـو جهـان اسـتوار
حضـرت مهـدی، شـه والاتبـار
آیتـی از رحمـت حـی ودود
کان شـرف، منبـع احسـان و جود
علـت ایجـاد همـه مـا سـوا
کشـتی اسـلام تویـی ناخـدا
واسـطهٔ فیـض الهـی تویـی
بـر همـگان لایـق شـاهی تویـی
نوگلـی از گلشـن آل رسـول
از غـم هجـران تـو دلهـا ملـول
پـرده برافکـن ز رخ چـون مهـت
چشـم زمانـه بـود انـدر رهـت
جلوه کن ای جلوهٔ خورشـید و ماه
امـت اسـلام بـود بی‌پنـاه
بهـر قیـام تـو جهـان منتظـر
ناله‌کنـان پیـر و جـوان منتظـر
ای کـه تویـی حامـی دیـن خدا
غربـت اسـلام تماشـا نمـا
کل جهـان، بنـد هـوی و هـوس
رحـم نمانـده بـه دل هیچکـس
ظلم و سـتم بیـن که فراوان شـده
جرم و گنه بین که چه آسـان شـده
خیـز ز جـا ای خلـف مرتضـی
امـت اسـلام زغـم کـن رهـا
گرچـه بـه دیـدار تو شـرمنده‌ایم
در بـر افعـال سـرافکنده‌ایم
لیک به غیر از تو کسـی یار نیسـت
دین خدا را چو تو غمخوار نیسـت
چشـم بـه راه تـو همـه مردمـان
رافـع ظلـم و سـتمی، الامـان


دکتر محمد شیخ الرئیس کرمانی



یارب آن خـورشید رخشان را در آور از سحاب

کائنات امشب به عشق شاهدی زیور کند
آسمان رخسار خود را هر چه زیباتر کند
سقف گردون بین مزین با هزاران چلچراغ
این چراغانی به عشق روی آن دلبر کند
ماه، منعم نیست یارب از چه بینم بی دریغ
نقره پاشی بر در و دیوار و بحر و بر کند
محفلی بینم ز خوبی رشک فردوس برین
چنگ‌بر کف،زهره‌طنازی‌دراین‌محضر کند
مهربانـی ها کند در خیـل انجم روی مه
مهربانـی ها که با اطفـال خود مادر کند
علویان‌را میل سفلی باشد امشب ای عجب
عالـم انـور، نیـاز از تـوده اغبر کند
هرچه‌پویم‌شور و شادی،هرچه‌بویم‌عشق‌وشوق
جن‌وانس‌امشب‌تو‌گوئی‌خرمی‌یکسر کند
تابه‌صبح‌امشب‌نخوابم‌زانکه‌هنگام سحر
سرزند ماهی که عالم را به نور اندر کند
بـوی عود و عنبـر آید از حریم سـامرا
کز‌شمیش‌کوه‌و‌صحرا‌خوشتر‌از‌عنبر کند
در دل تاریک شب برقی جهد عالم فروز
کز فروغش وامخواهی خسرو خاور کند
امشب‌آید‌ز‌آسمان‌خیل‌ملائک‌فوج‌فوج
تـا سـلام بندگی بـر زاده ی حیدر کند
یـا دروی شـاهد شـهر«نُرید اَن نَمُـن»
سـاقی گلچهره کو تا باده در سـاغر کند
باده از خم ولایت، صاف و پاک و آتشین
کز‌شرارش‌جان‌و‌دل‌را‌خاک‌و‌خاکستر کند
آسـمان بر کف ز مروارید دارد‌صد طبق
تـا نثـار پـای پاک سـبط پیغمبر کند
خاک‌می‌بالد‌بر‌افلاک‌امشب‌از‌روی‌غرور
بر سر افرازان سر افرازی بدین مفخر کند
در دل تاریک شب برقی جهد عالم فروز
کز شـعاع تابناکش عـرش را زیور کند
سـرزند از مشـرق دامـان نرجس نیری
کز درش دریوزگی ها خسرو خاور کند
مهـدی موعود، رمز جـود فیاض وجود
کز زلال فیض اوکون و مکان لب تر کند
حاصـل بـذر نبـوت، میوه بـاغ کمال
کـز نـوال بِـرّ او اشـجار عالـم بر کند
قائـم آل محمـد، قائـد کل امـم
کز قیامش در جهان هنگامه محشـر کند
التجا بر درگهش موسـی کند با صد نیاز
اقتدا بر حضرتش عیسـای گردو نفر کند
چون شود بر مسند«قسطاو عدلا» مستقر
داد مظلومان سـتاند، ظالمـان کیفر کند
کشـتی طوفانـی عالم نمی گیـرد قرار
جز که اندر سـاحل الطـاف او لنگر کند
چون بر اورنگ جهانداری نشـیند با وقار
سجده بر خاک در او کسری و قیصر کند
هم نبی را هم علی را زنده بینی پیش روی
چون به عزم خطبه جابر عرشـه منبر کند
ماه‌گردد‌منخسف‌زیرا‌که‌خواهد‌از‌شرف
خویش‌را‌همرنگ‌خال‌روی‌آن‌سرور کند
گردهان‌چون‌غنچه‌بگشاید‌که‌گوید‌سر‌حق
خلق را مسـتغنی از سرچشمه کوثر کند
یارب‌آن‌خورشید‌رخشان‌را‌در‌آور‌از‌سحاب
تا جهان را غرق نور آن مهر جان پرور کند
مهر‌تابانی‌که‌مهرش‌در‌رگ‌و‌خون‌من‌است
روز و شب دل در فراقش ناله غم سر کند
کی‌رسد‌آن‌معدن‌ایمان‌و‌عشق‌و‌قسط‌و‌عدل
تا بشر ایمان و عشق و عدل را باور کند
این خراب آباد جای زیست نبود بلکه او
عالمی از نو بسـازد صنعتـی دیگر کند
شاهد غایب که در هجران او شیخ الرئیس
شـعر را با اشک خونین ثبت در دفتر کند

آثار انتظار و امید به آینده

انتظار فرج از آن جهت مورد تأکید و توصیه اهل‌بیت(علیهم‌السلام) قرار گرفته است که در انسان منتظِر، امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید، نقش بزرگی را در سعیِ و کوشش ایفا می کند. امیر مؤمنان و امام عارفان(ع) توصیه می فرمایند که انتظار فرج و گشایش از جانب خدا داشته باشید و از رحمت او ناامید نباشید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای(عزّ وجلّ) انتظار فرج و گشایش است: «انتظروا الفرج ولا تیأسوا من روْح الله، فإنّ أحبّ الأعمال إلی الله عزّ وجلّ إنتظار الفرج». سید ساجدان(ع) می فرماید: انتظار فرج داشتن خود از بزرگترین فرج‌هاست: «انتظار الفرج من أعظم الفرج». سرّ انتظار آن است که اگر اندیشه کسی این باشد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور ثمر ندارد و به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برار دشواری‌ها نخواهد داشت. اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود حکومت زمین به صالحان خواهد رسید، امور جامعه اصلاح خواهد شد، حق به صاحبانش خواهد رسید، ظلم، ستم و بیداد رخت بر خواهد بست و... برای رسیدن به چنین جامعه‌ای نه تنها خودسازی خواهد کرد، بلکه تلاش می کند تا با دگرسازی زمینه تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.



از این جهت منتظر واقعی مصلح جهان نه تنها خودش صالح است، بلکه در حد توان خود مصلح نیزَ خواهد بود. او همواره در دعا با اقتدا به مولای خود می گوید: خدایا! ما خواهان دولت کریمه‌ای هستیم که در آن اسلام و مسلمین، عزیز شوند و نفاق و منافقین ذلیل و خوار گردند و ما در آن دولت از داعیان به طاعت تو و راهبران به راه تو باشیم: «اللّهمّ إنّا نرغب إلیک فی دولهٔ کریمهٔ تعزّ بها الإسلام وأهله وتذلّ بها النفاق وأهْله وتجْعلنا فیها من الدُعاهٔ إلی طاعتک والقادهٔ إلی سبیلک». سید بن طاووس نقل می کند: وقتی در حضور امام(ع) از غیبت امام عصر سخن به میان آمد، یکی از حاضران گفت: وظیفه شیعیان شما چیست؟ فرمود: دعا و انتظار فرج؛« وذکر فیه غیبة المهدیّ (علیه‌السلام)»، قلت: کیف تصنع شیعتک؟ قال: «علیکم بالدعاء وانتظار الفرج». اگر فرضاً دعا به جنبه فردی و خودسازی تنها نظر داشته باشد، چنانٍ که از دعای منقول در دنباله روایت چنین استنباط می‌شود، انتظار فرج قطعاً به هر دو جنبه خودسازی و دگرسازی نظر دارد.

انتظار واقعی

انسان از چیزی یا کسی پاسداری می کند یا انتظار آن را می کشد که او را بشناسد و نسبت به او معرفت داشته باشد. اگر شناخت و معرفت، صحیح و شایسته باشد، انتظار نیز واقعی خواهد بود. از این جهت انسان در عصر غیبت یا منتظر واقعی است یا گرفتار جاهلیت و عدم شناخت و معرفت صحیح؛ زیرا:

۱ــ در بسیاری از روایات آمده زمین از حجت خدا خالی نخواهد ماند: «إنّ الله جلّ وعزّ أجلّ وأعظم من أن یترک الأرض بغیْر إمام عادل». حتی در برخی روایات آمده است: اگر زمین از حجت الهی خالی گرَدد، زَمین اهلش را فرو خواهد برد: «لو بقیت الأرض بغیر إمام لساختْ».

از صادق آل محمد(صلی الله علیه و آله وَ سلم) نیز رسیده است: از زمانی که خدای سبحان زمین را خلق کرده تا هنگام برپایی قیامت، زمین از حجت خدا خالی نبوده و نخواهد بود؛ چون اگر او نباشد، عبودیت خدا تعطیل خواهد شد، لیکن این حجت گاهی ظاهر و شناخته شده و گاهی غایب و مستور است: «لم تخلُ الأرض منذ خلق الله آدم من حجة لله فیها، ظاهر مشهور، أو غائب مستور ولا تخلو إلی أن تقوم الساعهٔ من حجة لله فیها ولولا ذلک لم یعبد الله» از خود امام عصر (علیه‌السلام) نیز رسیده است که: من مایه امنیت اهل زمین هستم، چنانکه ستارگان مایه امنیت برای اهل آسمان هستند: «إنّی لأمان لأهل الأرض کما أنّ النجوم أمان لأهل السماء». بنابراین در


آیت الله العظمی جوادی آملی

تمام اعصار از جمله عصر حاضر حجت الهی در میان بندگان او حضور دارد، از این رو، شیعه معتقد است که مهدی موعود متولد شده و زنده و حجت عصر است. اینکه گاهی تعبیر به «مهدی موعود موجود» می کنیم، سرّش همین است وگرنه اصل موعود بودن مهدی مورد قبول بسیاری از فرق است. آنچه شیعه اثنی عشری را از دیگران ممتاز می کند، اعتقاد به موجود بودن مهدی موعود است.

۲ــ شیعه و سنی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده‌اند: هر کس بدون شناخت امام زمان و حجت عصر خود بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است: «من مات ولم یعرف إمام زمانه مات میتهٔ الجاهلیهٔ». سفارش همه انبیای الهی این است که سعی کنید مسلمان بمیرید. چنان که قرآن کریم از زبان خلیل حق تعالی و یعقوب (علیهماالسلام) نقل کرده است که به فرزندان خود سفارش کردند سعی کنید مسلمان بمیرید: «ووصّی بها إبراهیم بنیه ویعقوب یا بُنیّ إنّ الله اصطفی لکم الدین فلا تموتنّ إلاّ وأنتم مسلمون». خدای سبحان نیز به مؤمنان سفارش می کند تا می توانید تقوا پیشه کنید و همت شما این باشد که مسلمان بمیرید: «یا أیّها الذین امنوا اتقوا الله حقّ تقاته ولا تموتنّ إلا وأنتم مسلمون». پس همه موظفند که مسلمان بمیرند.

از آنجا که مرگ عصاره زندگی است و هر کسی آن گونه می میرد که زندگی کرده است، اگر مرگ کسی جاهلی باشد، معلوم می‌شود زندگی او جاهلانه بوده است؛ چون ممکن نیست کسی زندگی عاقلانه داشته باشد، ولی به مرگ جاهلیت بمیرد. بنابراین اگر کسی امام زمانش را نشناسد، نه تنها مرگش، مرگ جاهلی خواهد بود، بلکه حیات او نیز حیاتی جاهلانه خواهد بود.اگر کسی امام زمانش را درست بشناسد، می فهمد تمام کارها در دست او که مظهر«هو قائم علی کلّ نفس بما کسبت»است، قرار دارد، در نتیجه از زندگی و حیات جاهلی رهیده، بهَ حیات معقول رسیده و منتظر واقعی آن حضرت خواهد بود.تذکر: منظور از شناخت امام زمان(علیه‌السلام) تنها شناخت شناسنامه‌ای و تاریخی آن حضرت نیست که انسان بداند نامش چیست و فرزند کیست، در چه عصری زندگی می کرده و...، بلکه مراد شناخت امامت، اعتقاد به ولایت و معرفت به شخصیت امام است و افزون بر آن اطاعت نیز لازم است. وگرنه طاغوت شام، فاجعه‌آفرینان انسانیت‌کش کربلا، هارون الرشید، مأمون و... بیش از هر کس دیگری امامان عصر خویش را می شناختند.

جلوه‌های انتظار

وجود گرامی حضرت ولی عصر (ارواح‌من‌سواه‌فداه) ذخیره عالم و عصاره خلقت است، از این رو تحقق بخشنده آمال و اهداف تمام انبیای الهی در طول تاریخ بشریت خواهد بود. آنچه را که انبیاء(علیهم‌السلام) برای رسیدن به آن تلاش و تبلیغ کردند، آزار، اذیت و شکنجه کشیدند و برخی هم در این راه شهید شدند، او پیروزمندانه به انجام می رساند.سیره مشترک همه انبیای الهی (علیهم‌السلام) این بود که برای رسیدن به اهداف رسالت خویش از زبان تبلیغ، در شرایط عادي و زبانه تیغ، در حال ضرورت بهره می جستند: «لقد أرسلنا رُسُلنا بالبیّنات وأنْزلنا معهم الکتاب والمیزان».

این دو عنصر در برنامه حضرت ولی عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان تعقیب گر و تکمیل کننده اهداف رسالت مشاهده می شود. از این جهت منتظر واقعی کسی است که آثار هر دو بخش انتظار(تیغ و تبلیغ) در زندگی او جلوه گر باشد و اگر در یک بخش یا هر دوی آن کوتاه بیاید، به همان مقدار، انتظار او مشوب و مخدوش است.

الف) بعد فرهنگی انتظار

در بخش فرهنگی کسی منتظر واقعی آن حضرت است که علاوه بر خودسازی به دگرسازی نیز بپردازد تا از این طریق زمینه ظهور آن حضرت را فراهم کند. حضرت باقر العلوم(علیه‌السلام) به عبدالحمید واسطی، که از شیعیان آن حضرت بود و گویا از طولانی شدن انتظار ملول و دلتنگ شده بود، فرمود: به خدا قسم کسی که خودش را وقف در راه خدا کند، خدای سبحان برای او راه گشایشی قرار می دهد. خدا رحمت کند بنده‌ای را که خود را وقف ما کند، خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیا گرداند. عبدالحمید که این فضایل را شنید، گفت: پس اگر قبل از درک قائم شما مردم، چه می‌شود؟ امام (علیه‌السلام) فرمود: اگر کسی از شما بگوید(تصمیم داشته باشد): اگر قائم آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) را درک کنم، یاری اش خواهم کرد، مانند کسی است که با شمشیر خود در کنار آن حضرت نبرد می کند(و اجر شهید را دارد)، اما کسی که در رکاب او به فیض شهادت نایل می آید، اجر دو شهید را دارد: اجر شهادت و اجرٍ انتظار: «... یا عبدالحمید أتری مَن حبس نفسه علی الله لا یجعل الله له مخرجاً؟

بلِی والله لیجعلنّ الله له مخرجاً، رحم الله عبداً حبس نفسه علینا، رحم الله عبداً أحیا أمرنا قال: قلت: فإن متُّ قبل أن أدرک القائم فقال (علیه‌السلام): القائل منکم: إن أدرکتُ القائم من آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نصرتُه کالمقارع معه بسیفه والشهید معه له شهادتان». بنابراین منتظر واقعی کسی است که در محور خودسازی خویشتن را در محدوده امر ائمه(علیهم‌السلام) منحصر کرده، از قلمرو دستورشان بیرون نرود و در محور دگرسازی تلاش و کوشش او این باشد که امور، معارف، مآثر و آثار آنان را نشر دهد، به دیگران بیاموزد و بدین طریق مکتب آنها را احیا کند. کسی می تواند جان خود را در محدوده امر ائمه(علیهم‌السلام) منحصر و محدود کند و برای احیای امرشان کمر همت ببندد که ولیّ خدا را بشناسد و معرفت او در این زمینه کامل شده باشد. آن وقت است که فیوضات الهی از باطن او نشأت می گیرد.

* منبع: کتاب «عصاره خلقت»

تأملی در فرهنگ انتظار از نگاه اندیشمند معاصر، دکتر علی شریعتی

انتظار؛ فرهنگ اعتراض

مهدی غنی



سالیان قبل از پیروزی انقلاب، اعتقاد رایج سنتی این بود که اوضاع دنیا رو به وخامت می رود. هر روز بدتر از روز قبل خواهد بود. ورد زبان مردم این ضرب المثل بود که هر چه آید سال نو، گویم دریغ از پارسال. می گفتند کار به جایی می رسد که همه دنیا پر از ظلم و ستم و کفر و بی دینی و فساد خواهد شد و در آن زمان منجی عالم یعنی امام زمان ظهور می کند و ظالمان را از میان بر می دارد و دوباره دنیا را پر از داد و عدالت و خداپرستی می کند.

هر وقت کسی از اوضاع بد زمانه می گفت، جواب دم دستی مردم این بود که این هم از علائم ظهور است. حتی حوادث ناگوار طبیعی مثل سیل و زلزله هم که پیش می آمد، می گفتند همه از علائم ظهور است. با این نگاه، وجود ظلم و فقر و بدبختی امری طبیعی، حتمی و پیش بینی شده بود و طبق روال باید اتفاق می افتاد. بدین خاطر، این که ما باید این وضع را اصلاح کنیم بی معنی بود. تنها کاری که مؤمنان باید در این شرایط می کردند این بود که دعا کنند ظهور امام زمان نزدیک شود. معتقد بودند در دوران غیبت، مؤمنان در اقلیت اند و کاری برای اصلاح جامعه نمی توانند بکنند. تنها وظیفه آنان این است که خودشان به سنت های دینی پایبند بمانند.

مواظب باشند باد کلاه شان را نبرد. از برخی روایات تعابیری در تأیید نظر خود می آوردند؛ مانند این سری روایات که زمانی می آید که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی نمی ماند. یا شرایطی می رسد که دینداری مثل نگه داشتن آتش در کف دست است.

هر گاه خبری از بی دینی یا انحرافات اجتماعی می رسید، آن روایات را می خواندند و به یکدیگر تلقین می کردند که هم اکنون آن زمان است. طبق اعتقاد آنان، نه تنها تلاش برای اصلاح جامعه امری بی فایده بود، بلکه سیر جبری جهان به سمت افزایش ظلم و فساد و جنایت بود. همان گونه که قبل از ظهور انبیا دنیا رو به افول می رفت و انبیا می آمدند و دوباره بشر را به راه راست رهنمون می شدند، باید جامعه به سمت فساد و ظلم پیش می رفت.

اگر غیر از این بود دیگر ظهور و وجود امام زمان بی معنی بود. بیشترین دغدغه این بود که ما باید خودمان را نجات دهیم. کاری کنیم که پس از مردن دچار عذاب نشویم.

انجام عبادات، خیرات و مبرات، رعایت احکام شرعی، نجاست و طهارت، عمل به رساله های عملیه و مستحباتی چون انجام زیارت امامان یا امامزاده ها و... مهمترین تکالیف مذهبی و شرعی بودند که بر عهده متدینین بود. این نگرش به امامت یک باور شخصی و فردی بود و ملاک مشخصی به دست نمی داد که با آن بتوان سره از ناسره را در این رابطه تشخیص داد. در نتیجه، این نگاه امکان سوءاستفاده برخی شیادان را نیز فراهم می آورد. هر کس می توانست مدعی شود مورد عنایت امام زمان قرار گرفته و عده ای از عوام را دور خود جمع کند. فرقه های قادیانی، بابیه و بهائیه بر چنین باورهایی سوار شدند.

حتی محمدرضاشاه هم از این فضای فکری استفاده کرد و به رغم همه مواضع آشکارش خود را به امام زمان و سایر ائمه می چسباند. وی در همان سال ها خاطره ای در این زمینه بیان کرد که نشان بدهد نظر کردهٔ امام زمان است و اعتقادات قلبی دینی اش بر جاست. داستان نجات او توسط امام غایب در کتاب مأموریت برای وطنم آمده بود. در کتاب پاسخ به تاریخ نیز شاه به این داستان اشاره کرده است: «در اثنای تابستان موقعی که عازم یک محل زیارتی در کوهستانی به نام امامزاده داود بودم، از فراز اسب به روی تخته سنگی افتادم و از حال رفتم. همراهانم تصور کردند که مرده ام. اما من حتی خراشی بر نداشته بودم.

این البته علتی نداشت جز آن که موقع افتادن از اسب مشاهده کردم یکی از قدیسین ما به نام عباس مرا گرفت و بر زمین نهاد. مشاهدهٔ آن رؤیا و این منظره را بعدها مواجهه با صحنهٔ دیگری تکمیل کرد و آن برخورد با امام غایب در نزدیکی کاخ تابستانی شمیران بود. این امام بر اساس اعتقادات مذهبی ما باید یک روز ظاهر شود و دنیا را نجات بخشد.»

شاه با گفتن همین داستان ها نزد برخی مذهبی های سنتی مقبولیت پیدا می کرد. خیلی ها باور می کردند که چنین اتفاقی افتاده و امام زمان نظرش بر حفظ شاه بوده است.

چرا که چنین ادعاهایی نه قابل اثبات بود و نه انکار آن شدنی. بنابراین با توجه به باورهای رایج میان مردم، صرف این ادعاها برای طرف نوعی تقدس و حرمت ایجاد می کرد. حکومت مشروطه و در عمل سکولار بود و کاری به دیانت نداشت. دیانت هم پذیرفته بود که با سیاست ربطی و نسبتی نداشته باشد.

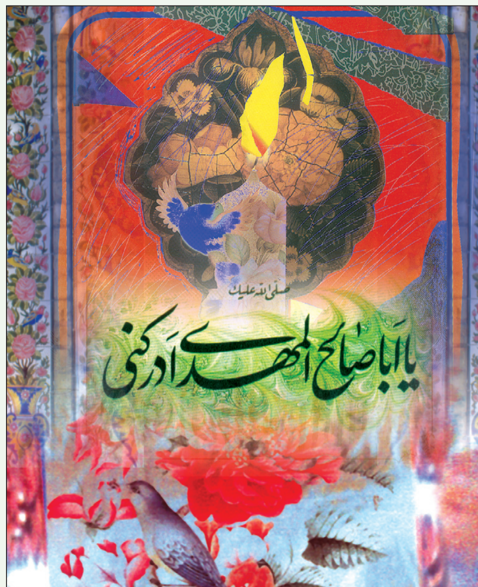
عملاً هم نه به مسائل سیاسی داخلی و خارجی رغبتی نشان می داد و نه کاری به عملکرد حاکمان داشت و نه به خود حق می داد که در تعیین سرنوشت خود مشارکت و نقش داشته باشد. اما حکومت برای تثبیت و مشروعیت خود از رنگ همان دین سکولار سوءاستفاده بسیار می کرد.

در این گفتمان حتی این که فرد معتقد در قبال امام زمان چه وظیفه ای دارد، یا در قبال موج بی دینی یا تلاش مخالفان کاری باید صورت دهد، مطرح نبود. این ضرب المثل زبانزد عام بود که موسی به دین خود، عیسی به دین خود. برای توجیه این که کارهای دیگران ربطی به ما ندارد و ما مسئولیتی در قبال جامعه نداریم، گفته می شد ما را که در قبر دیگری نمی گذارند! وظیفه هر کس این بود که مواظب خود و حداکثر خانواده اش باشد. رسالت دیانت تنها نجات فرد از دام شیطان و جهنم بود. دینمداری با فردگرایی عجین شده بود. ضرب المثلی که همواره مردم به آن استناد می کردند این بود که چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.

این نگرش به دیانت، پیش از این در میان مسیحیان رواج داشت. عوام مسیحیان بر این باور بودند که خداوند مسیح را فرستاده است تا فرد گنهکار را نجات دهد و عیسی خود را فدا کرد تا انسان را نجات دهد. برای این کار هم کافی است یک فرد به مسیح ایمان بیاورد و یکشنبه ها به کلیسا برود تا همه گناهانش بخشوده شود. کلیساها و کشیشان خود را موظف می دیدند که پیام مسیح را به مردم جهان ابلاغ کنند و به دیگران بشارت دهند و آنها را به راه راست فراخوانند. برخی روحانیون ما هم تنها وظیفه خود را بیان احکام و فضایل ائمه می دیدند و دیگر کاری به سرنوشت اجتماعی و سیاسی جامعه و... نداشتند. پیروان این گرایش بر این تصور بودند که تنها اعتقاد حق و مطلق، باور خودشان است و سایرین همه بر باطل اند و نزد خداوند مغضوب. در عین حال کوششی برای مبارزه با باطل لازم نبود؛ چرا که معتقد بودند: الباطل یموت بترک ذکره؛ یعنی باطل با نادیده گرفتنش می میرد. بنابراین بهترین کار بی توجهی و بی اعتنایی به جریان های فکری و منتقد بود. آنها خود به خود از بین می رفتند. لذا اساساً اطلاعی نداشتند که منتقدان و مخالفان چه می گویند، چه منطق و استدلالی دارند و...

دو جزیره جدا از هم

در چنین فضا و مناسباتی بود که روحانیون روشن بینی چون مرحوم طالقانی، مطهری، بهشتی، گلزاده غفوری و در رأس آنها امام خمینی و روشنفکرانی چون شریعتی، دغدغه تغییر نگرش جامعه سنتی را یکی از محورهای اصلی کارشان قرار دادند. هر کدام با زبانی و روشی. برخی روشنفکران در مقابل جریان سنتی تنها به نفی و طرد و تحقیر آن یا حداقل نادیده گرفتن آن بسنده می کردند. ادبیات آنان برای



توده های سنتی قابل فهم نبود و آنها نیز آشنا با عقاید و انگیزه های توده مردم نبودند. روشنفکری حلقه بسته ای بود شیفته خود و توده ها نیز در هاله ای فرورفته در اعتقادات خود بودند. روشنفکران آن دوران از ژان پل سارتر، کارل مارکس، برتولت برشت و... اگزیستانسیالیسم و مارکسیسم و... سخن می گفتند.

توده ها نام حسین و زینب و ابوالفضل و... را ورد زبان داشتند. میان این دو اشتراک و همزبانی نبود تا به همدلی بینجامد. اما شریعتی به جای نفی یا چشم بستن بر جریان سنتی، تمامی باورها و نگرش های این جریان را با خوانشی جدید به چالش کشید. او تمامی محورهای اعتقادی رایج را با تکیه بر مبانی به نقد کشید. تکانی در جریان سنتی ایجاد کرد و آنها را به واکنش واداشت.

روش برخورد او نه نفی و طرد بود و نه تأیید و تجویز. او زیر پوست جریان سنتی رسوخ کرد و اعتقادات آنها را به بازبینی و بازخوانی کشید. نمونهٔ بارزش مراسم حج بود. شریعتی هم از علی سخن گفت، اما نه آن که در بلند کردن در قلعهٔ خیبر خلاصه می شد. از حسین سخن گفت، اما نه آن حسینی که دربار هم برایش عزا می گرفت. همچنین از زینب سخن گفت و او را به عنوان الگوی یک زن آزاده معرفی کرد.

و از جمله باورهایی که در جامعهٔ آن روز رایج بود و شریعتی آن را به چالش کشید، مسأله انتظار موعود بود. انتظاری که آنها را از هر گونه تحرکی برای اصلاح شرایط مأیوس می کرد. شریعتی کوشید نگاه مردم به این مسأله را که به نوعی در جهت تخدیر آنها و تثبیت وضع موجود بود، تغییر دهد.

۱۸ آبان ۱۳۵۰ در حسینیه ارشاد، عنوان سخنرانی شریعتی «انتظار، مذهب اعتراض» بود. در آن زمان در میان روشنفکران و تحصیلکرده ها با توجه به نگاه سنتی و قشری دربارهٔ امام زمان، نسبت به این مسأله نگاهی تردیدآمیز وجود داشت. گفته می شد اعتقاد به ظهور منجی موجب تخدیر و بی حرکتی مردم و شانه خالی کردن از مسئولیت اجتماعی در هر زمانی است. آنها وقتی با توده های مردم از لزوم تغییر و تحرک در برخورد با مسائل سیاسی و اجتماعی سخن می گفتند، با این پاسخ یأس انگیز روبه رو می شدند که تلاش ما بیهوده است، حضرت خودش می آید و اوضاع را سامان می دهد.

انتظار منفی، انتظار مثبت

دکتر شریعتی با نگاهی جامعه شناسانه، به بازبینی کارکرد این باور در رفتار اجتماعی معتقدین پرداخت. او در این سخنرانی از دو نوع انتظار منفی و مثبت سخن گفت و انتظار منفی را چنین توصیف کرد: «اعتقاد به غیبت، اعتقاد به انتظار و اعتقاد به نجات بخش غیبی، بزرگترین سلاح برای دفاع از وضع موجود و بزرگترین عامل برای توجیه فسادی است که با یک منحنی تصاعدی، روز به روز بالاتر می رود و همچنین بزرگترین عاملی است که به مردم بباورانند که به ظلم تن دهند و با فساد خو گیرند و به این که زندگی اجتماعی به سراشیبی می رود مؤمن شوند که این ناموس خلقت و طبیعت و مشیت خداوند است تا وقتی که نجات در آخرالزمان پیش بیاید و نه حال، و آن هم به دست او و نه من و تو.»

او در مقابل این تفکر که در جامعه رواج داشت، از انتظار دیگری سخن گفت که نقش و کارکرد مثبت دارد. شریعتی برای انتظار مثبت چند ویژگی قائل شد: ۱-انتظار هم یک اصل فکری اجتماعی و هم یک اصل فطری انسانی است. به این معنی که اساسا انسان موجودی است منتظر... بر اساس همین اصل است که اعتقاد به مسیح (نجات بخش) از ابتدا در جوامع بشری وجود داشته است.

۲-انتظار سنتز میان دو اصل متناقض با هم است: یکی حقیقت و دیگری واقعیت.... انتظار یعنی نه گفتن به آنچه هست. کسی که منتظر است چه کسی است؟ کسی است که در نفس انتظار خود، اعتراض به وضع موجود را پنهان دارد.... انتظار ایمان به آینده است و لازمه اش انکار حال.

۳-انتظار جبر تاریخ است... من در این گوشه از زمین و این لحظه از تاریخ منتظرم تا در آینده ای که ممکن است فردا یا هر لحظهٔ دیگر باشد، ناگهان انقلابی در سطح جهانی به نفع حقیقت و عدالت و توده های ستمدیده روی دهد که من نیز در آن باید نقش داشته باشم.

شریعتی در این بحث کوشید نشان دهد که این ایده نه تنها در مقاطع تاریخی مختلف عامل تخدیر نبوده است، بلکه موجب شده است تبلیغات حاکمان که خود را جاویدان معرفی می کنند، مقبول نیفتد و ظلم و جور موجود موقتی و رفتنی جلوه کند. «بنابراین انتظار، مذهب اعتراض و نفی مطلق نظام حاکم و وضع موجود است، در هر شکلی. انتظار نه تنها از انسان سلب مسئولیت نمی کند، بلکه مسئولیت او را در سرنوشت خودش و سرنوشت حقیقت و سرنوشت انسان، سنگین، فوری، منطقی و حیاتی می کند.» این شیوهٔ برخورد بود که معتقدین سنتی را برمی انگیخت، ساختار فکری آنها را به چالش می کشید و تغییر آغاز می شد. محمدجواد تندگویان [وزیر نفت در آغاز جنگ ایران و عراق که اسیر و شهید شد] یکی از صدها و شاید هزاران نمونهٔ این تحول یافتگان بود. او در بازجویی های خود در ساواک، از این تحول خود سخن گفته است.

در ۱۵ فروردین ۱۳۵۳ وی در پاسخ به سؤال بازجو که از نحوهٔ آشنایی اش با افکار شریعتی می پرسد، پروسهٔ تغییر و تحول خود را شرح داده است. از جمله نوشته است: «یکی از کتاب هایی که بر روی من اثر گذاشت، کتاب انتظار او بود که در آن مسأله غیبت امام زمان (عج) را در اسلام مطرح کرده بود و گفته بود که همه شیعیان دائماً برای فرج و ظهور امام زمان دعا می کنند و انتظار ظهور او را می کشند و گفته بود که مردمی که انتظار می کشند باید به وضع موجود معترض باشند و... این موضوع ...ما را به این فکر انداخته بود که پس ما هم باید نسبت به وضع موجود جامعه اعتراض کنیم....»



آثار انتظار ظهور مهدی موعود (عج)


آیت العظمی الله مکارم شیرازی

بعضی از ناآگاهان چنین پنداشته‌اند که انتظار ظهور مهدی (عج) ممکن است سبب رکود و عقب ماندگی یا فرار از زیر بار مسئولیت ها و تسلیم در برابر ظلم و ستم گردد؛ چرا که اعتقاد به این ظهور بزرگ مفهومش قطع امید است از اصلاح جهان قبل از او و حتی کمک کردن به گسترش ظلم و فساد است تا زمینه ظهور آن حضرت فراهم شود.

این سخنی است که سالهاست بر سر زبان مخالفان و منکران قیام مهدی (عج) است و ابن خلدون به آن اشاره کرده است. درحالی که مطلب کاملا بر عکس است و انتظار این ظهور بزرگ آثار بسیار سازنده‌ای دارد که در ذیل به طور فشرده می آوریم تا معلوم شود آنها که چنین قضاوت کرده‌اند؛ قضات عجولانه و حساب نشده‌ای است در برابر مساله‌ای که هم در قرآن مجید به آن اشاره شده و هم در احادیث متواتره که در کتب معروف اهل سنت و منابع مشهور شیعه آمده با صراحت مطرح شده است.

***

حقیقت انتظار و آثار سازنده

آن سخن در این بود که آیا ایمان به ظهور مهدی (عج) با آن برنامه جهانی اش که عالم را پر از عدل و داد می کند و ریشه‌های ظلم و ستم را قطع می نماید، اثر سازنده تربیتی دارد یا آثار منفی؟ آیا ایمان به چنین ظهوری انسان را چنان در افکار رؤیایی فرو می برد که از وضع موجود خود غافل می گردد و تسلیم هر گونه شرایط می کند؟ و یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟

آیا ایجاد تحرک می کند یا رکود؟ آیا مسئولیت آفرین است یا مایه فرار از زیر بار مسئولیت ها؟ وبالاخره آیا مخدر است یا بیدار کننده؟ قبل از توضیح و بررسی این سؤالات توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن این که سازنده ترین دستورها و عالیترین مفاهیم هر گاه به دست افراد نا وارد یا نالایق یا سوء استفاده چی بیفتد ممکن است چنان مسخ شود که درست نتیجه‌ای بر خلاف هدفی اصلی بدهد و در مسیری بر ضد آن حرکت کند و این نمونه‌های بسیار دارد و مسئله «انتظار» بطوری که خواهیم دید در ردیف همین مسائل است. به هر حال برای رهایی از هر گونه اشتباه در محاسبه در این گونه مباحث باید به اصطلاح آب را از سرچشمه گرفت تا آلودگی های احتمالی نهرها و کانال های میان راه در آن اثر نگذارد. یعنی ما در بحث انتظار مستقیما به سراغ اصلی اسلامی رفته و لحن گوناگون روایاتی را که روی مسئله انتظار تاکید می کند مورد بررسی قرار می دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم. اکنون با دقت به این چند روایت توجه کنید:

۱- کسی از امام صادق (ع) پرسید: چه می گوئید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟

امام (ع) در پاسخ فرمود: «هو بمنزله من کان مع القائم فی فسطاطه- ثم سکت هنیئه- ثم قال هو کمن کان مع رسول الله: او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد- سپس کمی سکوت کرد- و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (ص) در «مبارزاتش» همراه بوده است». عین این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است.

۲- در بعضی «بمنزله الضارب بسیفه فی سبیل الله»: «همانند شمشیر زنی در راه خدا».

۳- و در بعضی دیگر «کمن قارع مع رسول الله بسیفه»: «همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد».

٤- در بعضی دیگر «بمنزله من کان قاعدا تحت لواء القائم»: «همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد».

۵- و در بعضی دیگر «بمنزله المجاهد بین یدی رسول الله (ص)»: «همانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند».

٦- و بعضی دیگر «بمنزله من استشهد مع رسول الله»: «همانند کسی است که با پیامبر شهید شود». این تشبیهات هفتگانه که در مورد انتظار ظهور مهدی (عج) در این شش روایت وارد شده، روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه میان مسئله «انتظار» از یک سو، و «جهاد» و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود از سوی دیگر وجود دارد.

۷- در روایت متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است. این مضمون در بعضی از احادیث از پیامبر و در بعضی از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است. در حدیث می خوانیم که پیامبر فرمود: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»: «بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است».

و در حدیث دیگری از پیامبر می خوانیم: «افضل العباده انتظار الفرج» این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توام با یک جهاد وسیع و دامنه دار است. این را در نظر داشته باشید تا به سراغ مفهوم انتظار رفته و سپس از مجموع آنها نتیجه گیری کنیم.

مفهوم انتظار

«انتظار» معمولا به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند. فی المثل بیماری که انتظار بهبودی می کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می کوشند. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی می باشد این دو حالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر». بنابراین مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی و قیام مصلح جهانی در واقع از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی همان بیگانگی است با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهترین بودن است. اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیها جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر. و خوب که دقت کنیم می بینم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است. با توجه به مفهوم اصلی «انتظار» معنی روایات متعددی در بالا درباره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی درک می شود. اکنون می فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده‌اند که در خیمه حضرت مهدی (عج) یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیری می زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است. آیا اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟ یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است، انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر مقدمات و نتیجه گیری شباهت دارد هر دو جهادند و هر دو آمادگی می خواهند و خودسازی کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است نمی تواند یک فرد غافل و بیخبر و بی تفاوت بوده باشد آنجا جای هر کس نیست جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند. همچنین کسی که سلاح در دست دارد و در برابر رهبر این نقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می جنگد آمادگی فراوان روحی و فکری ورزمی باید داشته باشد. برای آگاهی بیشتر از اثرات واقعی انتظار ظهور مهدی (عج) به توضیح زیر توجه کنید.

انتظار یعنی آماده باش کامل

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است؟

من اگر آلوده و ناپاکم چگونه می توانم منتظر انقلابی باشم که شعله اولش دامان آلودگان را می گیرد؟ ارتشی که در انتظار جهاد بزرگی است آمادگی رزمی نفرات خود را بالا می برد و روح انقلاب در آنها می دمد و هر گونه نقطه ضعفی را اصلاح می کند. زیرا چگونگی انتظار همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم. انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر. انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز. انتظار فرارسیدن چیدن میوه از درخت و درو کردن محصول.

هر یک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است، در یکی باید خانه را آماده کرد و وسایل پذیرایی فراهم ساخت، در دیگری ابزار لازم و داس و کمباین و....

اکنون فکر کنید آنها که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می کشند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی را دارند که وسیعترین و اساسی ترین انقلابهای انسانی در طول تاریخ بشر است.

انقلابی که بر خلاف انقلابهای پیشین جنبه منطقه‌ای نداشته بلکه هم عمومی و همگانی است و هم تمام شئون و جوانب زندگی انسانها را شامل می شود، انقلابی است سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی.

نخستین فلسفه -خودسازی فردی

چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است. تنگ نظری ها، کوته بینی ها، کج فکری ها، حسادت ها، اختلافات کودکانه و نابخردانه و به طور کلی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران سازگار نیست.

نکته مهم این است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد. باید از هم اکنون حتما در صف انقلابیون قرار گیرد. من اگر فاسد و نادرستم چگونه می توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچگونه نقشی ندارند بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روز شماری کنم. آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان از لوث آلودگی ها کافی نیست؟ ارتشی که در انتظار جهاد آزادگی بخش به سر می برد حتما به حالت آماده باش کامل در می آید سلاحی را که برای چنین میدان نبردی شایسته است بدست می آورد، سنگرهای لازم را می سازد آمادگی رزمی افراد خود را بالا می برد. روحیه افراد خود را تقویت می کند و شعله عشق و شوق برای چنین مبارزه‌ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می دارد. ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر بگوید دروغ می گوید. انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست ناپذیر، فوق العاده پاک و بلندنظر کاملا آماده و دارای بینش عمیق لازم است. و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کاربستن عمیق ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی آیا هیچکس می تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست؟

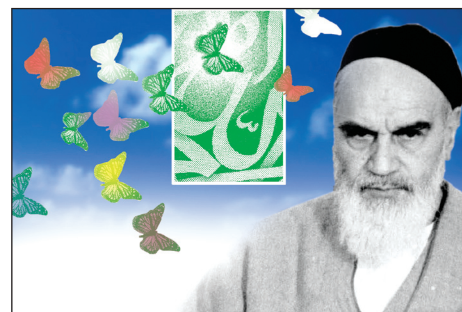
فلسفه دوم -خودیاری های اجتماعی

منتظران راستین در عین حال وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست. برنامه‌ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند. باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد. کوشش ها و تلاش ها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

با مقداری تلخیص

در مدح ولیعصر (عج)

از: امام خمینی |



دوستـــــان، آمد بهـار عیش و فصل کامرانی
مــــژده آورده گل و خواهــد ز بلبل مژدگانی
باد در گلشن فزون از حد، نموده مُشک بیزی
ابـر در بستـــان، برون از حد نموده دُر فشانی
بـرقْ رخشـــان در فضا چون نیزه سالارِ توران
رعــدْ نالان چون شــَه ایران ز تیر سیســـتانی
از وصــول قطره بــاران بــه روی آب صافی
جلـوه گـر گشــته طبق ها پر ز دُرهای یمانی
دشت و صحرا گشته یکسر فرش از دیبای اخضر
مـر درختان راســت در بر جامه های پرنیانی
گوییــا گیتــی چراغان اســت از گلهای الوان
ســوسن و نسرین و یاس و یاسمین و استکانی
هــم منزّه طَرْف گلشـــنِ از شــمیم اُقحوانی
هم معطر ســاحت بســتان ز عطر ضیمرانی
ارغوان و رُزّ و گل، صحن چمن را کرده قصری
فرش او سبز و فضــایش زرد و سقفش ارغوانی
وآن شــقــایق، عاشق است و التفات یار دیده
روی از این رو، نیم دارد سرخ و نیمی زعفرانی
لادن و میمون و شاه اِسْپَرغم و خیری و شب بو
برده‌اند از طــرز خوش، گوی سبق از نقش مانی
ژالــه بر لالــه چو خــال دلبــران در دلربایی
نرگس و سنبل چو چشم و زلفشان در دلستانی
وآن بنفشـــه بین، پریشان کرده آن زلف معطّر
کــــرده دلها را پریشـــان همچو زلفین فلانی
زیـن سبب بنگر سر خجلت به زیر افکنده، گوید
مــن کجــا و طـرّه مشــکین و پُرچین فلانی؟
عشــق بلبل کـرده گل را در حریم باغ، بیتاب
آشکارا گوید از «شهناز» و «شور» و «مهربانی»
قمـریک «ماهور» خواند، هدهد «آواز عراقی»
کبک صـوت «دشتی» و تیهو «بیات اصفهانی»
کـــی چنین خرّم بهاران دیده چشم اهل ایران؟
کـــرده نــوروز کهــن از نو خیــال نوجوانی
یــا خداوند این بســاط عیــش را کرده فراهم
تــا به صـــــد عزّت نماید از ولی‌اش میهمانی
حضـــرت صاحب زمان، مشــکوة انوار الهی
مــالــک کوْن و مکان، مــرآت ذات لامکانی
مظهــر قــدرت، ولیّ عصر، ســلطان دو عالم
قــائــم آل محمّــد، مهــدی آخـــر زمانـــی
با بقــاء ذات مســعودش، همه موجود باقی
بـی لحاظ اقدســش، یکدم همه مخلوق فانی
خوشه‌چین خرمن فیضش، همه عرشی و فرشی
ریـــزه‌خوار خوان احسانش، همه انسی و جانی
از طفیـــل هستی‌اش، هستیّ موجودات عالم
جـــوهـری و عقلی و نامی و حیوانیّ و کانی
شاهدی کو از ازل، از عاشقان بر بست رُخ را
بر ســـر مهـــر آمـد و گردید مشهود و عیانی
از ضیائش ذرّه‌ای برخاست، شد مهر سپهری
از عطایــش بــدره‌ای گردیــد بدر آســمانی
بهــــر تقبیــل قدومش، انبیا گشــتند حاضر
بهـر تعظیمش، کمر خم کرد چرخ کهکشانی
گـــو بیا بشـــنو به گوش دل، ندای «اُنظُرونی»
ای که گشتی بی خود از خوف خطاب «لَنْ ترانی»
عیــد «خُم» با حشــمت و فرّ سلیمانی بیامد
کــه نهــادم بر ســر از میلاد شــه، تــاج کیانی
جمعه می گوید من آن یارم که دائم در کنارم
نیمــه شــعبــان مــرا داد عزّت و جــاه گرانی
قرنهــا بایــد که تــا آید چنین عیــدی به عالم
عیـد امســال از شــرف، زد سکه صاحبقرانی
عقل گوید باش خامش، چند گویی مدح شاهی؟
که ســروده مدحتش حق، بــا زبان بی زبانی
ای که بـــی نور جمالت، نیست عالِم را فروغی
تــا به کــی در ظل امر غیبت کبــری، نهانی؟
پـــرده بردار از رخ و ما مردگان را جان ببخشا
ای کــه قلــب عالــم امکانی و جــانِ جهانی
تا به کــی این کافران، نوشند خون اهل ایمان؟
چنـــد این گرگان کنند این گوسفندان را شبانی؟
تا به کی این ناکسان، باشند بر ما حکمرانان؟
تا کی این دزدان، کنند این بی کسان را پاسبانی؟
تــا به کی بر ما روا باشــد جفای انگلیســی؟
آن که در ظلم و ستم، فرداست و او را نیست ثانی
آن که از حرصش، نصیب عالمی شد تنگدستی
آن که بــر آیات حق رفت از خطایش، آنچه دانی
خوار کن شاها تو او را در جهان تا صبح محشر
آن که می زد در بســیط ارض، کوس کامرانی
تا بــدانند از خداوند جهان، این دادخــواهــی
تا ببینند از شــه اســلامیان، ایــن حکمـرانی
حــوزه علمیّــه قــم را عَلَـــم فرما بــه عالم
تــا کنــد فُلک نجــات مســلمین را، بادبانی
بس کـرم کن عمر و عزّت بر «کریمی» کز کرامت
کـرده بر ایشان چو ابر رحمت حق، دُر فشانی
نیکخـــواهــش را عطا فرمــا، بقای جاودانی
بهـر بدخواهش رســان هر دم، بلای آسمانی
تا ز فــرط گل، شود شاها زمین چون طرف گلشن
تــا ز فیض فرودین، گردد جهانی چون جنانی
بگذرد بر دوســتانت هـر خزانی چون بهاری
رو کند بر دشــمنانت هر بهاری چون خزانی

در عرض ادب به ساحت مقدّس حضرت ولیّ عصر (عج)

ای مظهر ذات حق



آیت‌الله علی کاظمی اردبیلی

خون شــد دل مشتاقان از هجر غم افزایت
بنمــای بــه مشــتاقان، آن روی دلارایـــت
منــزل مگزیــن جانا جز در دل مشــتاقان
خوشــتر نبود زانجا، خلوتگــه و مأوایت
شــیرین تر اســت بر من از ســلطنت عالم
دارم بــه دلــم آن چه از عشــق و تولّایت
عهدی است در آن عالم، بین من و معبودم
گر دست دهد وصلت، بوسم دو کف پایت
بـــر درگــه یزدانم هر لحظه هزاران شــکر
یــک لحظه نیــم فارغ از شــوق و تمنّایت
تنهــا نه مــن بیدل، مســتم ز غم عشــقت
هــر اهــل دلــی دارد، عشــق قــد رعنایت
کــی رحــم کنــد یــزدان بــر درد دل عالم
تا دهر شــود خوشــبو از زلف سمن سایت
تا عالمیان هســتند چون درد کشــان مستند
از دیــده مخمــورت وز نرگس شــهلایت
ای مظهــر ذات حــق، وی پادشــه مطلــق
نــور احــدی بــارد از جلــوهٔ ســیمایت
ای نــور دل خاتــم، وی شــاهد عیســی دم
بینــم که شــده عالــم روشــن ز تجلّایت؟
ای درّ درخشـــنده، وی گوهــر رخشـــنده
خورشــید فلــک بنــده بر طلعــت زیبایت
من عاشــق مســکینم وز هجر تــو غمگینم
کافی است مرا ای جان از مرحمت، ایمایت
ای مــاه ملــک منظــر، ای مظهــر پیغمبــر
بر «کاظمی» مضطــر، یک جرعه ز دریایت

۸۳/۱۱/۳

دعای امام صادق (ع) برای امام زمان (عج)

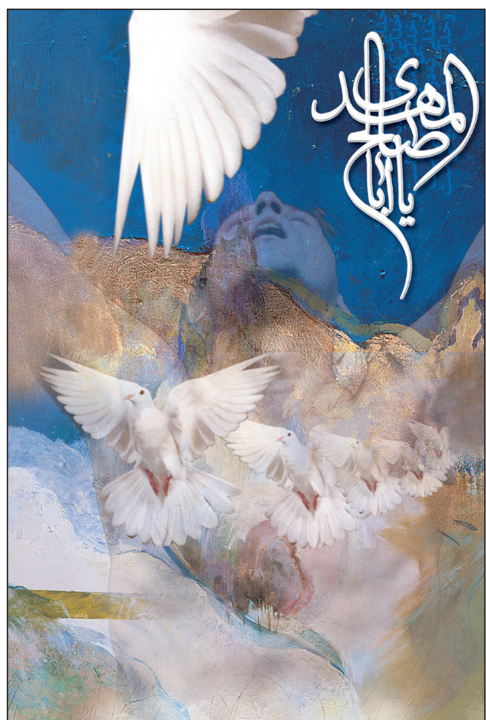
بارخدایا! آن جمال دلارا و آن روشـــن جبین ستوده را به من بنما. دیدگانم را با سرمه یک نظر به سوی او بیارا. در گشایش او شتاب کن و درآمدنش را آسان گردان. راه و روش او را وسعت بخش و مرا به طریق او هدایت نما.

فرمانش را نافذ و پشت او را استوار دار. به دست او سرزمین هایت را آباد گردان و بندگانت را زنده‌ســاز. که خود فرمودی و سخنان تو نیز حق است که به سبب آنچه مردم انجام داده‌اند، فساد و تباهی خشکی ها و دریاها را در بر گرفته است.

پس ای خدا! ولی خود و فرزند پیامبرت را، همو که همنام فرستاده توست، آشکار ســاز! تا هر آنچه از باطل که بدان دست یابد نابود کند و حق را چنان که باید برپا دارد و عملی سازد.

خداوندا! او را پناهگاه بندگان ستمدیده‌ات و یاور کسانی که جز تو یاوری ندارند قرار ده. آنچه از احکام کتابت تعطیل شــده به دست او تجدید کن و او را پشتیبان نشانه‌های دینت و سنت پیامبرت – که درود و سلام خداوند بر او و خاندانش باد – قرار ده.[1]

۱ـــ سیدبن طاووس، مصباح الزائر، ص ٦٩



دعای امام رضا (ع) برای امام زمان (عج)

بـــار خدایا! ولیّ و جانشــین خود و حجت بـــر آفریدگانت را پشتیبان باش.

خداوندا! به وسیله او شکاف‌ها را برطرف ساز و گسیختگی ها را به هم پیوسته کن، ستم‌ها و نابرابری‌ها را با او بمیران و عدل و داد را آشکار ساز و زمین را با درازای ماندگاری‌اش بیارای ....

او را با نصـــرت خویش حمایت کن و با بیم (و هراســـی که در دل دشـــمنان می افکنی) پیروز ساز. هر کس او را یاری می کند پیروز گردان و هر کس از یاری او دریغ می کند به حال خود واگذار. هر کس که طرح دشمنی با او درافکند هلاک ساز و هر کس را که از در نیرنگ با او درآید، نابود کن.

سردمداران کفر و تکیه گاهها و استوانه‌های آن را به وسیله او به هلاکت رسان و گمراه کنندگان، بدعت گذاران، محوکنندگان نعمت و تقویت کنندگان باطل را در هم شکن.

همه گردنکشـــان را به دســـت او خوار ســـاز و همه کافران و بی دینان را در هر جای زمین که هســـتند در مشرق‌ها و مغرب‌ها، در خشـــکی‌ها و دریاها، در جلگه‌ها و کوهستان‌ها برانداز؛ تا آنجا که از آنها کسی باقی نماند و اثری بر جای نماند.[1]

۱ــ شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص ٣٦٦

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۲ خردادماه ۱۳۵۴ (برابر با ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۹۵، ۲ ژوئن ۱۹۷۵) نقل شده است.

کارمندان باتوجه به نحوه خدمتشان درجه‌بندی میشوند

نحـــوه خدمت کارمندان دولت همه ســـاله ارزشیابی می‌شـــود و کارمندان از لحاظ نتایج این ارزشیابی به سه درجه متوسط، خوب و عالی تقسیم خواهند شد.گرفتن اضافه حقوق و یا تغییر شغل کارمندان از این پس منوط به نتایج ارزشیابی بعمل آمده از خدمات آنان خواهد بود.در جریان ارزشیابی کارمندان به مرتب بـــودن آنان، میزان علاقمندی بکار، نحوه انجام وظایف شغلی و همچنین طرح‌ها وایده‌هائی که برای بهبود روشهای اداری میدهند امتیاز داده میشود.

سازمان بازنشستگی بانک تأسیس میکند

سازمان بازنشستگی کشـــوری با ۲۵ درصد از موجودی صندوق‌های خود بانک بازنشستگی تأسیس خواهد کرد.همچنین این سازمان حداکثر تا ۵۰ درصد از موجـــودی صندوق‌های خود را بصورت وام به کارمندان شاغل و بازنشسته دولت بر اساس ضوابطی که به تصویب شورای سازمان خواهد رسید می‌پردازد، بقیه موجودی صندوق‌های بازنشستگی بصورت ســـپرده بانکی نگهداری یا صرف خرید اوراق قرضه یا اسناد خزانه می‌شود.

روابط بازرگانی ایران و ترکیه توسعه می‌یابد

مذاکرات رهبران ایران و ترکیه که آغازگر فصل جدیدی در روابط دوســـتانه دو کشور خواهد بود از بعدازظهر امروز آغاز میشود.ســـفر رسمی رئیس جمهوری ترکیه به ایران در محافل آگاه سیاسی سفری پراهمیت خوانده شده زیرا انتظار میرود که رکود نسبی روابط بازرگانی ایران و ترکیه در چند ســـال اخیر با مذاکرات رهبران ایران و ترکیه شکسته شود.

فرستنده هزار کیلوواتی در اختیار نامزدها قرار گرفت

رادیو تلویزیون ملی ایـــران معرفی منتخبان حزب رستاخیز را که نامزد نمایندگی ملت هستند در سراسر کشور آغاز کرده است. در برنامه‌هائی که به این منظور درنظر گرفته شده، هر یک از نامزدهای انتخابات فرصت خواهند یافت تا در مدت معینی که به آنها اختصاص داده می‌شود با مردم حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود سخن گویند و رأی آنها را به خود جلب کنند.

ترکیب مواد اولیه سوسیس و کالباس مناسب نیست

کمیته ملی حمایت از مصرف‌کننده اعلام کرد که ترکیبات گوشتی انواع کالباس و سوسیس پائین‌تر از استاندارد معمولی است و موسسه استاندارد باید در این مورد اقدام کند، تا مصرف‌کنندگان، با اطمینان این دو ماده غذائی را مورد استفاده قرار دهند.

کمیته بررســـی قیمت‌ها از موسسه استاندارد خواست که با توجه به کم‌شدن ترکیبات گوشتی انواع کالباس و سوسیس، برای استاندارد کردن این دو نوع ماده غذائی اقدام کند.

فدائیان یک شهر اسرائیل را به موشک بستند

بیروت ـ خبرگزاری فرانسه ـ سخنگوی فرماندهی انقلاب فلسطین اظهار داشت که گروهی از فدائیان شنبه شب شهر «بیسان» در بیست کیلومتری جنوب دریاچه طبریه را بموشک بستند و تلفات و خسارات سنگینی به دشمن وارد ساختند.

سخنگوی انقلاب فلســـطین افزود که حمله موشکی به شـــهر «بیسان» پانزده دقیقه طول کشید و بلافاصله جریان برق شـــهر قطع شد و آمبولانس‌ها و وسائل نقلیه نظامی بسوی محل انفجار موشک‌ها سرازیر شدند نیروهای اسرائیل برای پیداکردن فدائیان از موشکهائی که انفجار آنها منطقه وسیعی را روشن میکند استفاده کردند ولی فدائیان پس از پایان این حمله موفقیت‌آمیز سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

داش آکل کاشان هر روز ۵۰۰ گرم گوشت خام میخورد

در کاشان، یک پیرمرد هر روز ۵۰۰ گرم گوشت خام میخورد.او که تنها خام خور کاشـــان است، ۵۰ ساله است. حسین آقا کل آخوندی که به (داش آکل) معروف است، ساکن روستای (لتمر) ـ سه کیلومتری کاشان ـ است و علاقه عجیبی بخوردن گوشت خام دارد!«آقاکل» با اینکه ۵۰ ساله است و پشتش خمیده شده، دندانهای سالمی دارد و هر روز نیم کیلو گوشت خام را با اشتهای کامل میخورد.وی قبلا چوبدار بود ولی حالا خود را بازنشسته کرده و خوردن گوشت خام را به پلوی هفت رنگ ترجیح میدهد!

قاب امروز

یا صاحب الزمان ادرکنی

آفتابا بسکه پیدایی نمی دانم کجایی

دور از مائی و با مائی نمی دانم کجایی

داستانک

حال آدم خوب می شود

کتاب «جای خالی سلوچ» محمود دولت آبادی را ورق می زدم.جایی از کتاب نوشته بود: «روزگار همیشه بر یک قرار نمی ماند. روز و شـــب دارد،روشنی دارد، تاریکی دارد،کم دارد، بیش دارد. دیگر چیزی از زمستان باقی نمانده،تمام می شود،بهار می آید».

دیدم گوشه همین صفحه نوشته ام: «از یک جایی به بعد،حال آدم خوب نمی شود».

الان ولی حرفم را پس گرفتم، جمله خودم را خط زدم، اصلاً همانی که دولت آبادی گفته...

از یک جایی به بعـــــد،آدم آرام می گیرد، بزرگ می شود، بالغ می شود، پای تمام اشتباهاتش می ایستد، سنگینی تصمیمی که گرفته را گردن دیگری نمی اندازد، دنبال مقصر نمی گردد،قبول می کند گذشته اش را،انکار نمی کند آن را، نادیده اش نمی گیرد، حذفش نمی کند، اجازه می دهد هرچه هست، هرچه بوده در همان گذشته بمـــاند، حالا باید آینده را بسازد،از نو، به نوعی دیگر.

یاد می گیرد زندگی یک موهبت است، غنیمت است، نعـمت است، قـدرش را بـــداند و آن را فدای آدم های بی مقدار نکند...همه اینهارا که فهمید یک آرامشی می آید می نشیند توی دلش، روی روح و روانش. اینجای زندگی همان جایی است که دولت آبادی گفته، همان جایی که آرام است، حال آدم خوب است؛ اصلاً از یک جایی به بعد حال آدم خوب می شود...

پند بزرگان

● فـــرد با اراده در پیچ و خم های زندگی هیچ گاه با نومیدی روبرو نخواهد شد.

ناپلئون بناپارت

● آن‌گونه که می‌پسندی زندگی کن، ولی بدان که عاقبت مرگ در انتظار توست.

امام محمد غزالی

یکی از دشـــواری های بزرگ ما، ندیدن خودمان به گونه ای درست و روشن است.

کریشنامورتی

امروز در تاریخ

زمانی که قبرس بر قلمرو ایران اضافه شد

محاسبات تقویمی نشان می دهد که جزیره ۹ هزار کیلومتری قبرس در مدیترانه شـــرقی در ماه ژوئن سال ۵۴۵ پیش از میلاد بر قلمرو ایران افزوده شد و این زمان در کتابهای تاریخ قرون قدیم مندرج اســـت. این جزیره که از نظر وسعت ســـومین جزیره مدیترانه بشمار می رود تا مارس ۳۳۲ پیش از میلاد [۴ـ۵ ماه پس از نبرد ایســـوس] هنوز در دســـت ایرانیان بود. نبرد ایسوس که در آن ارتش ایران از اسکندر مقدونی شکست خورد در نوامبر ۳۳۳ پیش از میلاد روی داد. ناحیه ایسوس تا ساحل مدیترانه فاصله زیاد ندارد. در دوران حکومت ایران بر قبرس، نهال و بذر بسیاری از درختان میوه منطقه مدیترانه و نیز حنا (برای تولید رنگ قرمز) از این جزیره به ایـــران و نهال و بذر چند نوع انگور ایران به آنجا منتقل شد. ایرانیان از معادن مس قبرس استفاده می کردند. قبرس ۱۹ دهه یک پایگاه دریایی ایران در مدیترانه بود.

اعتراض تاریخی ایران به دولت انگلستان درباره بحرین

۱۲ خرداد ۱۳۳۱ وزارت امور خارجه ایران (دولت دکتر مصدق) طی یادداشتی به دولت انگلستان تاکید کرد که امضای هرگونه قرارداد این دولت (انگلستان) با بحرینِ ایران را، نقض تعهدات و یک «دو ـ رویی» محض می داند.

در این یادداشت آمده بود که دولت انگلستان طبق اسناد موجود از زمان شاه عباس به بعد، بارها پذیرفته است که مجمع الجزایر بحرین گوشه ای از قلمرو ایران است. بنابراین، نباید با متمرّدین این جزایر قرارداد امضاء می کرد. دولت انگلستان با این عمل غیر قابل قبول، تعهدات خود و موازین بین المللی را نقض کرده و شئون و حیثیت خود را نادیده گرفته اســـت، ایرانیان از حق خود و تمامیت وطن نخواهند گذشت.

مرگ ۱۹ افسر اطلاعاتی انگلستان در یک سانحه هلی کوپتر

دوم ژوئن ۱۹۹۴ بر اثر سرنگون شدن یک هلی کوپتر که از شهر بلفاست (ایرلند شمالی) به پرواز درآمده بود ۱۹ افسر اطلاعاتی انگلستان وابسته به اینتلیجنس سرویس این کشور (سازمان ام.آی ـ ۵) کشته شدند.

در این حادثه شش افســـر ارتش و پلیس نیز جان سپرده بودند. هلی کوپتر ۲۹ سرنشین داشت. رسانه های لندن درباره این حادثه نوشته بودند که ۱۹ افسر اطلاعاتی مقتول از زبده ترین ماموران جاسوسی و ضد جاسوسی انگلستان بودند.

www.iranianshistoryonthisday.com

سودوکو ۱۳۵۷

	۸		۶	۲				
		۵		۸				۱
		۱			۵	۷		
						۲	۳	
	۶		۹		۴		۵	
	۵	۴						
		۷	۲			۵		
۸				۹		۴		
				۶	۳		۹	

۳	۱	۲	۵	۴	۹	۶	۸	۷
۶	۸	۷	۳	۱	۲	۵	۴	۹
۵	۴	۹	۶	۸	۷	۳	۱	۲
۲	۳	۱	۹	۷	۵	۴	۶	۸
۴	۵	۶	۲	۳	۸	۹	۷	۱
۹	۷	۸	۱	۶	۴	۲	۳	۵
۸	۲	۳	۴	۹	۱	۷	۵	۶
۱	۶	۵	۷	۲	۳	۸	۹	۴
۷	۹	۴	۸	۵	۶	۱	۲	۳

حل ۱۳۵۶

جدول شرح در متن ۳۸۷۰

غلامحسین باغبان

مثنوی عرفانی از عطار — لقب کشور مصر — مفرد دروس — بلندترین نقطه — هزار کیلو — فصل بهار — گودتر از چاله — اثر موریس مترلینگ — بی‌نظمی

ا

ته نشست — خورشید — غم

فریاد نازک — سخت — ردیف قالیبافی — صنم‌ها

پایان‌نامه — مخفف مشهدی — خشمگین — پیش از موعد — دشمنی

پرده در — لیاقت

احتیاج — نقش‌ها — گوارا

بله روسی — فدیه — فلز پرمصرف

حرارت دادن — خاک عهد عتیق — چرم براق

ل

فرهنگ لاتین — پند شگفت — وال — آزاد شدن

حل ۳۸۶۹